

پورسانت در حقوق کیفری ایران

تحلیل حقوقی و جرم شناختی

مؤلف : محمد فروغی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پورسانت در حقوق کیفری ایران

(تحلیل حقوقی – جرم‌شناختی)

تألیف: محمد فروغی

عنوان و نام پدیدآور: پورسانت در حقوق کیفری ایران (تحلیل حقوقی- جرم‌شناختی)
مؤلف: محمد فروغی
مشخصات نشر: تهران، انتشارات دیده‌بان، تابستان ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: رشوه - پورسانت - قوانین و مقررات - ایران - حقوق جزا
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ب۴۹/ف۴۳۰/ KM H۴۵۳۰ رده‌بندی دیویی: ۳۴۵/۵۵۰۲۳۲۳
کتابشناسی ملی: ۵۳۱۰۶۸۴



انتشارات دیده‌بان

- ❖ عنوان کتاب: پورسانت در حقوق کیفری ایران (تحلیل حقوقی- جرم‌شناختی)
- ❖ مؤلف: محمد فروغی
- ❖ ناشر: انتشارات دیده‌بان
- ❖ ناظر علمی: حمید دلیر
- ❖ ویراستار علمی: جواد بزرگی
- ❖ ویراستار ادبی: مجید بیات
- ❖ صفحه‌آرا: حسن جفائی
- ❖ طرح روی جلد: فضل‌الله بیژنی
- ❖ شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- ❖ نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۷
- ❖ قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

این کتاب با همکاری و مشارکت مرکز پژوهشی علم و فناوری امنیت دفاعی چاپ و منتشر گردیده است.

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۹۶۷۹۰ - ۱ - ۰ ISBN:

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: تهران، چهارراه پاسداران، انتشارات دیده‌بان، تلفن: ۲۲۷۶۲۸۳۷

«من مات و میراثه الدفاتر والمحابر وجبت له الجنة»
هر که بمیرد و میراث او دفتر و دوات باشد، بهشت بر او واجب است»
پیامبر اکرم (ص)

این کتاب را تقدیم می‌کنم به:

۱- همه خدمتگزاران به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که در راه
اعتلای اسلام ناب محمدی (ص) صادقانه تلاش می‌کنند.

۲- به همه تلاشگران عرصه علم، جهاد و شهادت

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

از خداوند متعال سپاسگزارم که افتخار تألیف کتاب «پورسانت در حقوق کیفری ایران» را پس از سالیان خدمت در عرصه حقوق قضائی با استفاده از تجارب و تلمذ از اساتید محترم (خصوصاً دکتر حمید دلیر)، قضات محترم دادسراها، دادگاه‌های عمومی و نظامی و سایر مجموعه‌های دولتی و نظامی به بنده عطا نمود. از همه عزیزانی که بنده را در این راه حمایت و مساعدت نموده صادقانه تقدیر و تشکر نموده و از خوانندگان این کتاب درخواست می‌کنم با پیشنهادات سازنده، نویسنده را در اصلاح و ارتقاء کیفی این اثر مساعدت نمایند.

فهرست مطالب

مقدمه ناظر.....	۱
مقدمه نویسنده.....	۳
بخش اول: پیشینه، مفاهیم و مبانی جرم اخذ پورسانت.....	۹
فصل اول: پیشینه و سیر تاریخی جرم اخذ پورسانت.....	۹
فصل دوم: مفاهیم.....	۱۶
مبحث اول: تعریف لغوی پورسانت.....	۱۷
مبحث دوم: تعریف اصطلاحی پورسانت.....	۱۸
مبحث سوم: مفهوم اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نیروهای مسلح.....	۲۱
فصل سوم: مبانی جرم‌انگاری اخذ پورسانت.....	۲۲
مبحث اول: مبانی نقلی.....	۲۲
گفتار اول: قرآن کریم.....	۲۳
گفتار دوم: سنت.....	۲۷
گفتار سوم: اجماع.....	۳۰
مبحث دوم: مبانی عقلی.....	۳۴
مبحث سوم: مبانی اخلاقی.....	۴۰
بخش دوم؛ عناصر تشکیل‌دهنده مجازات و آیین دادرسی اخذ پورسانت....	۴۳
فصل اول: بررسی عناصر و ارکان تشکیل‌دهنده جرم اخذ پورسانت.....	۴۳
مبحث اول: عنصر قانونی جرم اخذ پورسانت.....	۴۵
گفتار اول: قوانین عام و خاص حاکم بر جرم اخذ پورسانت.....	۴۵
الف) اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۴۵
ب) قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷.....	۴۶
ج) ماده ۶۰۳ قانون م.ا بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲.....	۴۷
د) ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹.....	۴۸
ه) ممنوعیت اخذ پورسانت و هدیه در معاملات دولتی در سایر مقررات.....	۴۹
گفتار دوم: قواعد حاکم بر جرم اخذ پورسانت.....	۵۰
الف) اعتبار قوانین خاص و عام حاکم بر جرم اخذ پورسانت.....	۵۰
ب) ماهیت تبصره ۳ ماده واحد مصوب ۷۲ و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲ ۵۳	

.....	۵۵
.....	۵۸
.....	۵۹
.....	۵۹
.....	۶۱
.....	۶۷
.....	۶۸
.....	۶۸
.....	۷۵
.....	۸۵
.....	۸۵
.....	۸۹
.....	۹۳
.....	۹۴
.....	۱۰۳
.....	۱۱۰
.....	۱۱۰
.....	۱۱۰
.....	۱۱۰
.....	۱۱۱
.....	۱۱۱
.....	۱۱۶
.....	۱۱۶
.....	۱۱۶
.....	۱۱۷
.....	۱۱۸
.....	۱۱۹
.....	۱۲۰
.....	۱۲۰

◆ فهرست مطالب

گفتار دوم: مجازات‌های تکمیلی و تتمیمی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح	۱۲۳
گفتار سوم: مجازات‌های تبعی	۱۲۳
مبحث سوم: کیفیات مشدده در مجازات جرم اخذ پورسانت	۱۲۵
گفتار اول: کیفیات مشدده عام	۱۲۶
الف) ارتکاب اخذ پورسانت به صورت سردهستگی گروه مجرمانه سازمان یافته	۱۲۶
ب) تعدد جرم در جرم اخذ پورسانت	۱۲۷
ج) تکرار در جرم اخذ پورسانت	۱۲۸
گفتار دوم: کیفیات مشدده خاص	۱۲۹
الف) نظامی بودن	۱۲۹
ب) ورود ضرر و زیان به دولت و نیروهای مسلح	۱۲۹
مبحث چهارم: کیفیات مخفیه در مجازات جرم اخذ پورسانت	۱۳۰
گفتار اول: معاذیر قانونی معاف کننده مجازات	۱۳۰
مبحث پنجم: تعویق و تعلیق مجازات	۱۳۱
فصل سوم: فرآیند رسیدگی به جرم اخذ پورسانت	۱۳۲
مبحث اول: مراجع صالح جهت رسیدگی به جرم اخذ پورسانت	۱۳۳
گفتار اول: دادسرا و دادگاه صالح به رسیدگی به جرم اخذ پورسانت	۱۳۴
گفتار دوم: صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی	۱۳۸
مبحث دوم: بررسی مرور زمان در جرم اخذ پورسانت	۱۳۹
مبحث سوم: نحوه رسیدگی به جرم اخذ پورسانت	۱۴۲
گفتار اول: رسیدگی در دادسرا	۱۴۲
الف) ارجاع پرونده و شروع به تحقیق، احضار و تعقیب متهم	۱۴۳
ب) مرحله بازپرسی	۱۴۴
ج) نمونه دستور تکمیل تحقیقات	۱۴۵
د) احضار متهم	۱۴۶
ه) انجام مصاحبه	۱۴۷
و) بازجویی از متهم	۱۴۸
ز) بازجویی و تحقیق از شهود و مطلعین	۱۵۴
ح) اعلام اتهام	۱۵۵
ط) تفهیم اتهام	۱۵۵
ی) قرارهای تأمین	۱۵۶

ک) قرار جلب به دادرسی	۱۵۸
ل) کیفرخواست	۱۵۸
گفتار دوم: رسیدگی در دادگاه	۱۵۹
الف) رسیدگی در دادگاه بدوی	۱۵۹
ب) رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر/ دیوان عالی کشور	۱۶۰
گفتار سوم: ادله اثبات جرم	۱۶۱
گفتار چهار: اجرای حکم	۱۶۴
بخش سوم: عوامل زمینه‌ساز جرم پورسانت و راهکارهای پیشگیری	۱۶۷
فصل اول: عوامل زمینه‌ساز جرم اخذ پورسانت	۱۶۷
مبحث اول: علل و انگیزه‌های شخصی و روانی	۱۷۳
مبحث دوم: عوامل اقتصادی، معیشتی و رفاهی	۱۷۵
مبحث سوم: عوامل فرهنگی و اعتقادی	۱۷۸
مبحث چهارم: عوامل محیطی و شغلی	۱۸۰
مبحث پنجم: عوامل ساختاری و سازمانی	۲۲۰
گفتار اول: نقص سیستم‌های نظارتی، کنترلی و بازرسی	۲۲۲
گفتار دوم: ضعف نسبت به موضوعات آموزشی، اطلاع‌رسانی و آگاهی	۲۲۳
گفتار سوم: عوامل اداری و مدیریتی	۲۲۳
گفتار چهارم: خلأ و نقص موجود در قوانین و مقررات	۲۲۵
گفتار پنجم: عوامل انسانی	۲۳۰
گفتار ششم: عدم وجود آمار جنایی جرم اخذ پورسانت	۲۳۲
مبحث ششم: عوامل اجتماعی و خانوادگی	۲۳۳
مبحث هفتم: جدول تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده	۲۳۴
فصل دوم: بررسی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت	۲۳۶
مبحث اول: تعریف پیشگیری از وقوع جرم	۲۳۹
مبحث دوم: اقسام و انواع روش‌های پیشگیری از وقوع جرم	۲۴۰
مبحث سوم: پیشگیری وضعی و راهکارهای عملیاتی ارائه‌شده درخصوص پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت در معاملات نیروهای مسلح	۲۴۳
۱- در حوزه نظارت، کنترل و بازرسی	۲۴۳
۲- آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاهسازی	۲۴۷
۳- وضع و اصلاح قوانین و مقررات	۲۴۹

◆ فهرست مطالب

۴- گزینش، جذب و به کارگیری	۲۵۳
۵- امور معیشتی، روحی، رفاهی و فرهنگی	۲۵۳
۶- تقویت بنیه های اخلاقی و اعتقادی	۲۵۴
۷- امور سازمانی و ساختاری	۲۵۵
بخش چهارم: جمع بندی و نتیجه گیری	۲۵۹
الف) وجوه تشابه و افتراق جرم اخذ پورسانت با جرائم ارتشاء و تبانی در معاملات دولتی	۲۵۹
ب) خلأ و نواقص قوانین و مقررات موجود در ارتباط با جرم اخذ پورسانت	۲۷۲
ج) مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر جرم اخذ پورسانت	۲۷۶
د) مهم ترین راهکارهای مؤثر برای پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت	۲۸۲
منابع	۲۹۱

اختصارات

اداره کل حقوقی قوه قضائیه	ا.ح.ق
قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴	ق.آ.د.ک
قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴	ق.ا.ق.آ.د.ک
قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳/۷/۸	ق.آ.د.ج.ن.م
قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲	ق.م.ج.ن.م
قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵	ق.م.ا. (تعزیرات)
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری سال ۱۳۶۸	ق.ا.ج.ا.
قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹	ق.ا.د.د.ع.ا.م
قانون	ق
ماده	م
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات بعدی	ق.م.ا.
قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷	ق.ت.م.م.ا.ا.ک
قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲	ق.م.پ
قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۹	ق.ت.م.ج.ا.و.ت.م
قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹	ق.م.ا.ن.ا.ک
قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹	ق.م.ت.م.د
قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱	ق.م.ت.ب.ش
قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲	قانون منع مداخله
قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷	ماده واحده

مقدمه ناظر

معاملات دولتی بخش مهمی از معاملات هر کشور را به خود اختصاص می‌دهد. برخلاف معاملات شخصی که معمولاً اشخاص صلاح و صرفه خود را در نظر می‌گیرند و در انجام معامله به کیفیتی اقدام می‌کنند که حتی المقدور ضرری متوجه آنها نشود، در معاملات دولتی با توجه به شخصیت حقوقی دولت، رعایت غبطه و مصلحت دولت برعهده نمایندگان و کارگزاران سپرده می‌شود و این افراد در راستای ایفای وظیفه نمایندگی، وظیفه دارند در انجام معامله همواره نفع دولت را مدنظر خود قرار دهند.

مقررات و تشریفات حاکم بر معاملات دولتی با هدف تضمین رعایت مصلحت دولت وضع می‌شوند؛ اما با این وصف در برخی موارد، کارگزاران دولت وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهند و بجای توجه به نفع دولت، نفع طرف معامله و یا نفع شخصی خود را سرلوحه اقدامات خود قرار می‌دهند و به شیوه‌هایی از قبیل تبانی یا تدلیس در معاملات دولتی موجبات ضرر دولت را فراهم می‌کنند. بر همین اساس جرم‌انگاری چنین رفتارهایی برای تضمین سلامت معاملات دولتی ضرورت پیدا می‌کند.

اخذ پورسانت یا درصدانه، یکی از مهم‌ترین جرائم مرتبط با معاملات دولتی است. پورسانت درواقع درصدی از سود معامله است که طرف معامله به کارمند دولت می‌پردازد و نقش بسیار مهمی در ایجاد انگیزه برای انعقاد قراردادهای بعدی با پرداخت‌کننده دارد و به همین دلیل می‌تواند سلامت معامله را مورد خدشه قرار دهد؛ زیرا معامله متعلق به دولت است و کارمند دولت نباید از رهگذر معامله‌ای که متعلق به او نیست منتفع شود.

ادبیات حقوقی کشور ما در زمینه جرائم مرتبط با معاملات دولتی از غنای لازم برخوردار نیست و ابعاد مختلف این جرائم و از جمله بزه «اخذ پورسانت» در نوشته‌های موجود به درستی تبیین نشده است. از این رو تحقیق و پژوهش در این حوزه ضرورتی انکارناپذیر است. نویسندگان با درک اهمیت این موضوع و با تکیه بر مطالعات نظری و نیز تجربیات عملی، تلاش ارزنده‌ای در جهت تهیه اثر حاضر انجام داده و ابعاد مختلف موضوع پورسانت را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند که نتایج آن در قالب کتاب حاضر در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. از ویژگی‌های این کتاب این است که نویسنده در کنار ابعاد حقوقی موضوع، جنبه‌های جرم‌شناختی آن را نیز مورد بررسی قرار داده و مهم‌ترین علل وقوع بزه اخذ پورسانت را شناسایی و راهکارهای پیشگیری از این جرم را نیز ارائه کرده است. در پایان ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای نویسنده، امیدوارم این اثر بتواند در جهت غنای هرچه بیشتر ادبیات حقوقی ایفای نقش کرده و مورد استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد.

حمید دلیر

تهران، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷

مقدمه نویسنده

با گسترش روابط بین دولت‌ها جهت تبادل کالاها و خدمات، تجارت و دادوستد رونق و توسعه پیدا کرد. لذا با توجه به نیاز مبرم کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه جهت دستیابی به کالاهای کلیدی اعم از دفاعی، صنعتی و کشاورزی، کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته با رقابت و پرداخت پورسانت‌های فراوان سعی کردند این بازارها را از دست ندهند و متأسفانه مشکلاتی مانند پدیده پورسانت را برای کشورهای خریدار و کارگزاران آن به وجود آوردند. اخذ و پرداخت پورسانت در عرف تجاری و معاملات بخش خصوصی رایج است و با منع قانونی مواجه نیست. بیشتر شرکت‌ها، مؤسسات انتفاعی و غیرانتفاعی و سازمان‌های غیرعمومی و غیردولتی در روابط تجاری خود با انواع و اقسام پورسانت، کارمزد و... سروکار دارند و هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی نیز ندارند. البته عدم تسری جرم اخذ پورسانت به بخش‌های خصوصی، در برخی موارد مشکلاتی را نیز برای مردم ایجاد نموده؛ من جمله در موضوع پزشکی که هم‌اکنون مافیای درمان و دلالتی بیمار مهم‌ترین مشکل در زمینه اورژانس کشور است. به گونه‌ای که بیماران مراجعه‌کننده از سوی برخی آمبولانس‌های خصوصی در خیابان‌ها چرخانده می‌شوند تا زمانی که مؤسسه‌های اورژانس خصوصی بتوانند با بستن قرارداد با پزشک در یک بیمارستان، پول بیشتری بدست آورند و فقط در صورت بدست آوردن پورسانت بیشتر، بیمار را به بیمارستان موردنظر تحویل می‌دهند. یا در موضوع پرداخت بیمه‌های خسارت خودرو که نماینده بیمه با معرفی زیان‌دیده‌ها به مرکز تعمیرات موردنظر خودرو، اقدام به اخذ پورسانت می‌نمایند. یا درخصوص پخش و توزیع مطبوعات در مناطق و شعب مختلف در تهران و شهرستان‌ها به این

شکل که وقتی نشریه‌ای توسط ناشر مربوطه انتشار می‌یابد، آن نشریه در اختیار توزیع‌کننده طرف قرارداد ناشر قرار داده شده و سپس توزیع‌کننده آنها را طبق درخواست‌های ثبت‌شده از طرف نمایندگان طرف قرارداد هر منطقه قرار می‌دهد تا توزیع آن نشریه انجام شود و نهایتاً پورسانت متعلق به هر یک از نمایندگان برحسب منطقه تحت پوشش محاسبه و پرداخت می‌گردد.

عنوان پورسانت و درصدانه از جمله عناوین و اصطلاحات مجرمانه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد فرهنگ حقوقی کشور ما شده و برای اولین بار در تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، مصوب ۱۳۷۱ تحصیل هرگونه وجوه و امتیازات را تحت عنوان «پورسانت»، جرم‌انگاری شد. فلسفه وضع قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی و مجرمانه، تلقی شدن آن از طرف مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ تحت عنوان کشف سوءاستفاده‌های کلان برخی از مأموران و اعضای وزارتخانه‌ها، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی و شرکت‌های دولتی بود که در انجام مأموریت‌های برون‌مرزی و در جریان انجام معاملات خارجی با شرکت‌های خارجی برون‌مرزی، در زمان جنگ تحمیلی و حصر اقتصادی کشور، در راستای تأمین نیازمندی‌های مختلف کشور اعم از نظامی، بازرگانی، صنعتی و غیره صورت گرفته بود. متأسفانه برخی از این مأموران در انجام مأموریت‌های محوله برخلاف خصلت امانت‌داری کارمندان دولت و بدون رعایت صرفه و صلاح کشور، ضمن تبانی با شرکت فروشنده کالا یا وسایل و غیره عمل می‌کردند؛ بدین‌نحو که پس از انجام معامله درصدی از کل قیمت معامله توسط مدیرعامل شرکت فروشنده، به‌صورت وجه نقد یا مال یا سند پرداخت وجه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مأمور خرید برگشت داده شده بود بدون آنکه وجوه مزبور به خزانه دولت بازگردد.

آمار بالای این قبیل مأموریت‌ها و سوءاستفاده‌های کلان و پی‌درپی و به‌منظور جلوگیری از ارتکاب آن در آینده، موجب وضع ماده‌واحد مصوب در سال ۱۳۷۲ توسط مجلس شورای اسلامی گردید و متعاقباً این جرم براساس ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب

۱. این ماده‌واحد به نام «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷» معروف است. لیکن به‌جهت رعایت اختصار در این تحقیق «ماده‌واحد» قید می‌گردد.

سال ۱۳۷۵ به معاملات داخلی نیز تسری یافت و باتوجه به فراوانی^۱ این جرم در سطح نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، ماده ۱۰۹ را درخصوص نظامیان وضع می‌نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ص ۹۱۲).

اخذ پورسانت صراحتاً در قوانین ایران جرم‌انگاری شده و در تقسیم‌بندی کلی جزو جرائم علیه اموال دولتی بشمار می‌رود. ولی از جهت پیامدهایی که برای مصالح عامه ایجاد می‌کند، آن را جزو جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی محسوب می‌نمایند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ص ۱۵). اما در سایر کشورها چنین مفهومی رایج نیست، هرچند که در کنوانسیون‌های مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) ۲۰۰۰ و کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (مریدا) ۲۰۰۳ تحت‌عنوان یک امتیاز نامشروع درخواست برخورد با آن شده، لیکن در قوانین معتبر دول دیگر صراحتاً آن را جرم ندانسته‌اند و پرداخت پورسانت رواج دارد و با منع قانونی مواجه نیست.

برای درک بیشتر از اهمیت موضوع به بخشی از مقاله لوگال^۲ که تحت‌عنوان «رژیم مالی کمیسیون‌هایی که توسط مؤسسات فرانسوی برای بدست‌آوردن بازار صادرات» نوشته شده، اشاره می‌گردد. وی می‌نویسد: «تجربه شرکت‌های فرانسوی صادرکننده کالا ثابت کرده است که در بسیاری از کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه، هیچ قراردادی منعقد نمی‌شود مگر اینکه مبالغی به‌عنوان کمیسیون، خواه به‌صورت رسمی و خواه به‌صورت مخفی به جیب کسانی که معمولاً ناشناس باقی می‌مانند، واریز شود. این کمیسیون که می‌توان آن را «بخشش» هم نامید- البته اگر ریشه فارسی این لغت را که به‌معنای دادن^۳ است فراموش کنیم- مبتلا به بسیاری از کشورها و ازجمله کشورهای توسعه‌یافته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴ است؛ اگرچه رواج آن در آفریقا و شرق دور و در منطقه خلیج (فارس) بیشتر است.» (شریعت‌باقری، ۱۳۸۰: ص ۲۴).

با وجود وضع قوانین فوق‌الذکر، پرداخت پورسانت به مأموران خرید دولت و نیروهای مسلح، امروزه تقریباً به‌صورت عرف در آمده؛ به‌طوری که بسیاری از مردم اعتقاد به قبیح و مفسده‌بودن

۱. منظور از فراوانی جرم، متوسط تعداد جرائم ارتكابی یک مجرم در سال است.

2. LeGall

3. donner

4. OCDE

این عمل ندارند. فروشندگان اعم از شرکت‌های تولیدی، توزیعی، واسطه‌ای و... و اشخاص حقیقی و فروشگاه‌های بزرگ و کوچک و... تلاش می‌کنند رضایت مأمورین خرید دولت را جلب نموده تا به هر نحو اجناس و کالاهای خود را بفروش برسانند و مأموران خرید با این استدلال که فروشنده‌ها با رضایت پورسانت را پرداخت می‌کنند و عدم دریافت پورسانت توسط آنها تأثیری در معامله نمی‌گذارد، مبادرت به دریافت پورسانت می‌کنند. اما توجهی به آثار سوء حاصل از این عمل ندارند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در هنگام تصویب ماده‌واحدۀ «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی» در سال ۱۳۷۲ در بیان توجیه تصویب ماده‌واحدۀ مذکور این‌گونه بیان داشته‌اند: «مهم‌ترین مسئله‌ای که در پورسانت هست این است که دریافت‌کنندۀ پورسانت عاملی برای بیگانه می‌شود و جاسوس می‌شود. شما از وزارت اطلاعات استفسار کنید و ببینید چند نفر تا به حال به خاطر دریافت پورسانت جاسوس شده‌اند. باید صریحاً قانون تصویب شود. یک آدمی می‌آید پورسانت می‌گیرد اول عامل بیگانه می‌شود و از او به عنوان جاسوس استفاده می‌کنند. تمایل برای خرید از خارج از کشور روز به روز گسترش پیدا می‌کند، جاسوس‌پروری برای بیگانه و خریدار استقلال خود را به مرور از دست می‌دهد و یک عامل بدون استقلال در دست خارجی‌ان قرار می‌گیرد که از او استفاده می‌کنند.» (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، جلسه ۱۱۳، ۱۳۷۲/۳/۲: ص ۲۹). لذا ازجمله آثار سوء این بزه می‌توان به خرید جنس با کیفیت نامرغوب، ازدیاد فاصله میان فقراء و ثروتمندان و تبعات امنیتی^۱ و... اشاره نمود.

علی‌رغم ممنوع بودن اخذ پورسانت توسط کارگزاران و مستخدمین دولت و نیروهای مسلح در شرع و قانون، مطابق بررسی‌های انجام‌شده و سوابق موجود، طی مهر و موم‌های اخیر، ارتکاب آن در سطح تشکیلات دولتی و خصوصاً نیروهای مسلح از رشد و فراوانی قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده که ازجمله تبعات تالی فاسد آن ورود آسیب‌های جبران‌ناپذیر به بدنه دولت و

۱. برابر بررسی برخی سوابق موجود، سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه با نفوذ شرکت‌های موردنظر در سطح وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و نیروهای مسلح و به بهانه انجام معامله، با پرداخت پورسانت به عوامل خریدهای دولتی و نظامی، ضمن اطلاع از نیازمندی‌های ایران در بخش‌های نظامی و غیرنظامی، اقلام و قطعات معیوب و نامرغوب را به صورت هدفمند واگذار کرده‌اند.

نیروهای مسلح و ایجاد تبعیض و نارضایتی در بین کارکنان می‌باشد. عدم شناخت دقیق مفاهیم، اجزاء و مصادیق بزه اخذ پورسانت توسط مسئولین و متولیان دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح موجب گردیده یک حیات خلوت برای متخلفین و مجرمین در دستگاه‌های مذکور ایجاد شود و آنان با سوءاستفاده از این خلأهای موجود و با شیوه‌ها و شگردهای مختلف و پنهانی، نیت و مقاصد پلید خود در مال‌اندوزی و انتفاع از مزایای غیرقانونی را دنبال نمایند و این بی‌توجهی مسئولین باعث شیوع آن در سطح کارکنان می‌گردد.

از طرف دیگر وجود شباهت بسیار نزدیک بین بزه اخذ پورسانت با بزه اخذ رشوه و تبانی در معاملات دولتی، موجب گردیده که برخی قضات در تعیین عنوان مجرمانه با مشکل مواجه شده و بعضاً با صدور آراء متهاافت، زمینه احکام خفیف و غیرمستدل را فراهم نمایند.

لذا نظر به اینکه ارتکاب جرم اخذ پورسانت توسط کارکنان و مأمورین وزارتخانه‌ها و نهادها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و نیروهای نظامی صورت می‌گیرد و باتوجه به اینکه تاکنون تحقیق جامعی در این خصوص و به این گستردگی انجام نگرفته است، نویسنده در پی آن است تا با انجام این کار تحقیقی ضمن تشریح افعال و مصادیق ارتكابی، رویه قضائی موجود درخصوص برخورد با پدیده مذکور در مراجع عمومی و نظامی و زمینه‌های بروز جرم مذکور را به‌عنوان جرمی که روزبه‌روز دامن‌گیر کارکنان سیستم اداری، مالی و بازرگانی دولت و نیروهای مسلح شده و درحال گسترش یافتن می‌باشد و موجب ایجاد فساد می‌گردد را بررسی نماید.

همچنین نویسنده قصد دارد با بررسی دقیق مبانی شرعی و قانونی و بیان عناصر و ارکان جرم اخذ پورسانت، براساس مصادیق ارتكابی و بررسی علل و زمینه‌های ارتكاب جرم اخذ پورسانت و شیوع آن در سطح تشکیلات دولتی و نیروهای مسلح و ارائه راهکارهای مناسب، از یک‌طرف امکان شناخت آن را برای مسئولین نهادها و سازمان‌های دولتی و نیروهای مسلح فراهم نموده تا با اتخاذ تدابیر راهبردی، این جرم را به حداقل برسانند و از طرف دیگر با برطرف کردن خلأها و ابهامات و اصلاح قوانین موجود، ریسک ارتكاب این جرم را افزایش داده تا انگیزه ارتكاب آن توسط مجرمین به حداقل برسد.

در این کتاب برآن شدیم تا با انجام پژوهشی کاربردی و با استفاده از رویه قضائی موجود، ضمن اشاره به مفاهیم، تاریخچه، مبانی شرعی و ارکان تشکیل‌دهنده، ریشه‌های ارتكاب این

جرم را مورد بررسی قرار داده و با بیان عوامل بروز و شیوع آن و کشف نقاط ضعف، راهکارهای مفید و مؤثر ارائه نماییم تا بدین‌وسیله میزان آگاهی و شناخت مخاطبین ارجمند را در این زمینه افزایش داده و بستری جهت مطالعه بیشتر در این خصوص را فراهم آوریم تا نسبت به پیشگیری، شناسایی و مقابله با این جرم اقدام مؤثر صورت گیرد.

محمد فروغی

بهار ۱۳۹۷

بخش اول

پیشینه، مفاهیم و مبانی جرم اخذ پورسانت

- بخش اول شامل سه فصل است که در آن مباحثی به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:
- فصل اول: پیشینه و سیر تاریخی جرم اخذ پورسانت در قوانین ایران مطرح می‌گردد؛
 - فصل دوم: مفاهیم و تعاریف لغوی و اصطلاحی جرم اخذ پورسانت بیان می‌گردد؛
 - فصل سوم: مبانی جرم‌انگاری اخذ پورسانت تشریح می‌گردد.

فصل اول: پیشینه و سیر تاریخی جرم اخذ پورسانت

مفهوم پورسانت در راستای تکامل جوامع و تأمین نیازمندی کشورهای درحال توسعه از کشورهای پیشرفته و پس از تنظیم روابط تجاری و انجام معاملات شکل گرفت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران وسعت یافت و از مهر و موم‌های ۱۳۷۰ به بعد به صورت یک تهدید در جامعه مطرح شد که منجر به تأسیس قوانینی در این زمینه شد.

در زمان‌های گذشته جرم اخذ پورسانت همانند جرائم دیگر مانند کلاهبرداری، به صورت محدود وجود داشته ولی با پیچیده‌تر شدن روابط و مناسبات تجاری و سازمان‌های دولتی و تنوع کالاها و نیازمندی‌ها، این جرم شکل جدی‌تر و صریح‌تری پیدا کرد و تحت عنوان «جرم جدید»^۱ یا «بحران قرن بیستم»^۱ نامیده شد.

1. New Crime

به عنوان مثال در حقوق رم این جرم تحت‌عنوان «فورتوم»^۲ قابل مجازات بوده است. فورتوم عنوان بزه عام بوده که همه جرائم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و سایر جرائم مشابه را دربر می‌گرفته و عبارت بوده از تصاحب یا تصرف مال متعلق به غیر، اعم از اینکه مال مورد تصرف توسط خود مالک یا متصرف به بزهکار تسلیم شده یا اینکه مجرم به انحاء مختلف آن را بدست می‌آورده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ص ۳۲).

اخذ پورسانت در ایران به‌طور مشهود وجود داشته، فتح‌اله اکبر معروف به سپه‌دار اعظم‌دشتی، رئیس الوزرای احمدشاه بابت تصویب قرارداد ۱۹۱۹ مطالبه یک‌صد هزار لیره برای خود و کلای ذی‌نفوذ مجلس را می‌نماید و این موضوع در گزارش نرمان سفیر انگلیس در ایران به لرد کرزن وزیر خارجه انگلیس منعکس شده است (مکی، ۱۳۲۳: ص ۱۲۱).

نظر به اینکه وضع حقوق جزا در ایران قبل از مشروطیت مبهم است، برای بررسی سیر جرم‌انگاری اخذ پورسانت باید به دوران بعد از مشروطیت مراجعه شود. در آن دوران، بین قضات حکومتی و قضات شرعی اختلاف‌نظر وجود داشته است و هر دو گروه، قضاوت را حق خود می‌دانستند (باهری، ۱۳۸۰: ص ۸۴). تا اینکه در سال ۱۳۰۳ جهت وضع مقررات جزایی، کمیسیونی در عدلیه تشکیل شد و قسمت عمده قانون جزا در سال ۱۳۰۳ و مابقی آن در سال ۱۳۰۴ تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی شد و در نهایت به تصویب کمیسیون عدلیه رسید (زرنگ، ۱۳۸۱: ص ۳۷۸).

قانونگذار ایران درخصوص کسب منفعت غیرقانونی مستخدمین در معاملات دولتی برای اولین‌بار در ماده ۱۵۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی‌ماه ۱۳۰۴ کمیسیون عدلیه مقرر کرده بود: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که بالمباشره یا توسط وسایط در معاملات، مزایده‌ها، مناقصه‌ها، تخصیصات و امتیازات دولتی که تحت مدیریت یا نظارت او به‌عمل آمده نفعی برای خود منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دولت برعهده دولت چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که برحسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به‌عمل آورد برای خود نفعی منظور دارد، علاوه بر انفصال از خدمت دولت، محکوم به تأدیه ضعف انتفاعی که منظور داشته است خواهد شد».

1. 20th century crisis
2. Fortam

در این ماده اشاره‌ای به اصطلاح «درصدانه یا پورسانت» نگردیده بود ولی اقدام مستخدمین و مأمورین دولت تحت‌عنوان «تحصیل منفعت در معاملات دولتی» جرم‌انگاری شده بود. نحوه رسیدگی به جرم مذکور در قانون دیوان کیفری^۱ در ماده ۱ ذکر گردیده بود. ماده ۱ اشعار می‌داشت: اشخاصی که قبل از تصویب این قانون مرتکب جرم‌های مشروحه در مواد ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۷ از قانون مجازات عمومی شده و در تاریخ تصویب این قانون مرور زمان ۵ سال نسبت به جرم آنها حاصل نشده باشد، مطابق مواد فوق تعقیب و مجازات خواهند شد؛ اعم از اینکه نسبت به آنها قرار منع تعقیب صادر شده یا نشده باشد و هرگاه اصل مال و غرامت مذکور در موارد سه‌گانه فوق را ادا نکنند، مطابق ماده ۲ قانون موقت راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند یا تملک می‌کنند مصوب ۱۳۰۲^۲ حبس خواهند شد تا اصل مال و غرامت را بپردازند. تا پس از ده سال حبس اصل مال و غرامت پرداخت نشده ممکن است پادشاه به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس‌الوزرا، امر به استخلاص بزهکار صادر نمایند.

متن ماده ۱۵۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی‌ماه ۱۳۰۴ بدون تغییر در قانون سال ۱۳۵۲ مجدداً تکرار شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با تطبیق قوانین با شرع مقدس، مقرراتی که با احکام شرعی تطابق داشتند، بر اعتبار خود باقی ماندند و قوانین جدید نیز منطبق با مقررات شرعی به تصویب رسیدند (نوربهاء، ۱۳۷۵: ص ۱۰۱). ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ با برخی تغییرات جایگزین ماده ۱۵۷ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ شد. ماده موصوف چنین مقرر نموده بود:

«هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که بالمباشره یا توسط وسائط در معاملات، مزایده‌ها، مناقصه‌ها، تشخیصات، امتیازات دولتی و مانند آنها که در تحت مدیریت یا نظارت او به‌عمل آمده نفعی برای خود منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دولت بر عهده دولت چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که برحسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به‌عمل آورد برای خود نفعی منظور دارد، علاوه بر انفصال ابد از خدمت دولت، محکوم به تأدیه انتفاعی که منظور داشته است، خواهد شد.»

۱. قانون مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۳۰۶

۲. قانون موقت راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند یا تملک می‌کنند مصوب ۱۳۰۲.

تفاوتی که در قوانین فوق وجود داشت، درخصوص میزان مجازات مرتکب بود. در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ مرتکب علاوه بر انفصال از خدمت دولت، به تأدیه دو برابر (ضعف)^۱ انتفاعی که برده بود محکوم می‌شد، اما قانون سال ۱۳۶۲، قانونگذار مجازات مرتکبین این جرم را به میزان همان انتفاعی که برده بودند کاهش داده است. البته در ماده ۱۵۷ محکومیت «انفصال از خدمت دولت» نیز ذکر شده بود که می‌توانست شامل انفصال موقت هم باشد، اما در ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ اشاره به «انفصال ابد از خدمت دولت» شده بود. البته بنابر نظر بعضی از نویسندگان، تعیین مجازات نقدی با دستاوردهای علمی انطباق بیشتری داشته است؛ چراکه هدف از تعیین جزای نقدی نسبی این است که مرتکب با دیدن مجازات بیش از عواید حاصل از جرم از ارتکاب جرم منصرف شود. (اردبیلی، ۱۳۸۴: ص ۱۶۹). لذا به‌نظر می‌رسد انفصال از خدمات دولتی به‌اندازه کافی جنبه بازدارندگی نداشته است.

باتوجه به اینکه قانونگذار در قوانین مذکور هیچ‌گونه اشاره‌ای به‌عنوان پورسانت در مواد مذکور ننموده بودند، همین موضوع باعث شده بود که قضات از جهت تطبیق حکم بر موضوع با مشکل مواجه شده و عملاً در این خصوص حکمی صادر نمی‌گردید تا اینکه باتوجه به فراوانی این جرم در سطح نیروهای مسلح و ورود آسیب‌های جدی ناشی از این موضوع به نیروهای مسلح، مقنن در تبصره ذیل ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ صراحتاً اخذ پورسانت در معاملات نیروهای مسلح را جرم و برای آن مجازات تعیین نمود و این قانون اولین قانون در جرم‌انگاری اخذ پورسانت در معاملات نیروهای مسلح شناخته شد. ماده ۸۵ مقرر نموده بود:

«هر نظامی که عهده‌دار خرید یا فروش یا ساخت چیزی برای نیروهای مسلح بوده و به واسطه تدلیس یا تقلب در خرید یا فروش یا در تعیین مقدار یا صفت یا خاصیت آن سودی برای خود یا دیگری تحصیل نموده باشد و یا موجب ضرر نیروهای مسلح گردد، به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

۱. از ریشه مضاعف به معنی دو برابر می‌باشد.

۱- هرگاه سود حاصله یا ضرر از حیث مبلغ یا بهاء از پانصد هزار ریال تجاوز ننماید، به حبس از سه ماه تا یک سال.

۲- در صورتی که زائد بر پانصد هزار ریال باشد ولی از پنج میلیون ریال تجاوز ننماید، به حبس از یک سال تا پنج سال.

۳- چنانچه زائد بر پنج میلیون ریال باشد، به حبس از دو تا ده سال. تبصره: هرگونه پورسانت یا هدیه یا امتیاز که در ارتباط با انجام قراردادها یا معاملات نظامی بدست آید، از حقوق دولت محسوب و باید اعلام و مسترد شود. عدم اعلام و استرداد جرم و مرتکب به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود.»

نکته‌ای که در تبصره ذیل ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ وجود دارد این است که در این ماده اشاره‌ای به معاملات داخلی نشده بلکه هدف قانونگذار از وضع تبصره اشاره‌شده به جهت اخذ پورسانت توسط نظامیان و مأمورین خرید نیروهای مسلح از شرکت‌های خارجی طرف معامله با نیروهای مسلح بوده که برابر سوابق موجود متأسفانه در سطح وسیع و کلانی نیز انجام می‌شده است.^۱ طبق این ماده چنانچه سود حاصل یا ضرر، از حیث قیمت از پانصد هزار ریال تجاوز نمی‌کرد، مرتکب به حبس از سه ماه تا ۱ سال و چنانچه سود یا ضرر حاصله از پانصد هزار ریال بیشتر ولی از پنج میلیون ریال تجاوز نمی‌کرد، به حبس از ۱ تا ۵ سال محکوم می‌شد و چنانچه سود یا ضرر حاصله از پنج میلیون ریال بیشتر بود، مرتکب به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شد.

تسری جرم اخذ پورسانت به خارج از نیروهای مسلح و مبهم‌بودن قانون و عدم تعیین مجازات مناسب برای این جرم منجر به افزایش اخذ پورسانت بالاخص در معاملات خارجی توسط مأمورین خرید دولت شد. برای نمونه می‌توان به ده‌ها هزار دلار پورسانت که مأموران خرید شرکت‌های نفتی از عرضه‌کنندگان خارجی اخذ کردند (روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۶/۳۰: ص ۸) و همچنین پورسانت‌های کلانی که مأموران وزارت پست و تلگراف و تلفن و مأموران خرید هواپیما اخذ کردند، اشاره نمود (نصیری، ۱۳۸۰: ص ۳۷).

۱. در این رابطه می‌توان به برخی سوابق مطرح‌شده در سازمان قضائی نیروهای مسلح در خصوص اخذ پورسانت توسط مأمورین خرید نیروهای مسلح و وزارت دفاع از شرکت‌های چینی، فرانسوی و... اشاره نمود.

همین موضوع موجب گردید قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۲/۴/۲۷ ماده واحده‌ای تحت‌عنوان "قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی" (متشکل از یک ماده و سه تبصره) را به تصویب رساند و حتی مفاد آن را از حیث رد پورسانت یا معادل آن به دولت، عطف به ماسبق نمود و براساس آن کلیه وجوه حاصل از معاملات خارجی از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ به بعد که توسط مأموران خرید در قالب پورسانت و بدون اطلاع اخذ شده، می‌بایست به دولت مسترد گردد. البته هدف از وضع تبصره ۳ این قانون به این جهت بوده که وقتی مأمور دولت پورسانت گرفت، اگر این موضوع را به اطلاع مسئولین رسانده و وجه مزبور را نیز به خزانه دولت واریز نماید، مشمول ماده فوق نمی‌شود.

آن‌گونه که از مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی استنباط می‌شود، مقنن به این دلیل چنین سیاستی را اتخاذ کرده است که برخی از شرکت‌های خارجی در هر حال پورسانت پرداخت می‌کنند و دریافت یا عدم دریافت پورسانت نیز تأثیری در کمیت یا کیفیت مورد معامله ندارد (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲/۳/۲: ص ۲۱). لذا قانونگذار بدین ترتیب از مأموران خرید خواسته است که پورسانت را دریافت و به خزانه دولت واریز کنند. قانونگذار در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ جهت برطرف نمودن برخی ابهامات و سؤالات مطرح، به اشتباه جرم اخذ پورسانت را به معاملات داخلی تسری داد و از همین موقع گرفتاری‌های دستگاه قضا و دولت و نیروهای مسلح را در این زمینه دوچندان نمود. اشکالات وارده به رویه قضائی در احکام صادره درخصوص جرائم اخذ رشوه و اخذ پورسانت که در مباحث آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، گواه بر این مدعی است.^۱ این سنگ بنای اشتباه موجب گردید در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ نیز همین رویه دنبال گردد.

۱. دلایل بسیار و محکمی وجود دارد که هدف اولیه قانونگذار از وضع مقررات اخذ پورسانت، اخذ آن در معاملات خارجی بوده و نه داخلی؛ چرا که باتوجه به عرف بودن پرداخت پورسانت در کشورهای خارجی، امکان برخورد با اتباع خارجی به این جهت وجود نداشته ولی به دلیل تسری این موضوع به معاملات داخلی مشکلات فراوانی ایجاد نموده؛ من جمله اینکه به علت حجم گسترده معاملات با شرکت‌های داخلی و عدم مجرمانه بودن اقدام مدیران شرکت‌های داخلی در پرداخت پورسانت، متأسفانه آمار ارتکاب به این جرم بسیار شایع شده و امکان کنترل آن نیز وجود ندارد. (روزنامه رسمی، جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۱۳، مورخ ۱۳۷۲/۳/۲ صفحات ۲۱-۲۶-۲۹)

برخی از تفاوت‌های ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ نسبت به ماده ۸۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ عبارتند از اولاً: قانونگذار در ماده ۸۱ به ذکر تحصیل منفعت در معاملات دولتی اکتفا کرده بود، اما در ماده ۶۰۳ مقنن با ذکر عبارت «تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش...» مواردی را که شخص می‌تواند تحت آن عناوین مبادرت به تحصیل منفعت کند را به‌صورت تمثیلی ذکر کرد. ثانیاً: در ماده ۸۱ تحصیل منفعت در معاملات دولتی، مزایده‌ها و... هنگامی جرم بود که منفعت برای خود کارمند دولت تحصیل می‌شد. ثالثاً: تفاوت این دو قانون در نوع و میزان مجازات آنها می‌باشد. در ماده ۸۱ قانونگذار، مجازات مرتکب را انفصال ابد از خدمات دولتی و تأدیه انتفاعی که برده بود تعیین کرده بود، اما در ماده ۶۰۳ مقنن دو فرض را در نظر گرفته: اول اینکه عمل شخص موجب تغییر در مقدار یا کیفیت یا افزایش قیمت کالا نمی‌شود. در این صورت وی تنها ملزم به تأدیه دو برابر وجوه و منافعی است که از طرق مذکور در قانون تحصیل کرده است. اما اگر عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت یا افزایش قیمت مورد معامله بشود، علاوه بر مجازات فوق به حبس از شش ماه تا پنج سال یا جزای نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم می‌گردد. باتوجه به اهمیت این جرم در سطح نیروهای مسلح و شیوع آن، در بازنگری قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در سال ۱۳۸۲ یک ماده مستقل به آن اختصاص داده شد. ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ جرم اخذ پورسانت را به‌صورت یک جرم خاص و با مجازات شدیدتر برای اقشار نظامی مطرح نمود. در این ماده مقنن برای اولین بار واژه «درصدانه» را به جای پورسانت به کار برد. در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹، مقنن یک ماده و دو تبصره به جرم مذکور اختصاص داده در حالی که در قانون سال ۱۳۷۱ جرم اخذ پورسانت در ذیل تبصره ماده ۸۵ آمده بود. علاوه بر این مقنن در سال ۱۳۸۲ مجازات شروع به این جرم را نیز تعیین کرده در حالی که در قانون سال ۱۳۷۱ این امر پیش‌بینی نشده بود. از طرف دیگر در سال ۱۳۷۱ میزان پورسانت دریافتی در میزان مجازات شخص تأثیر داشت، اما در سال ۱۳۸۲ میزان پورسانت تأثیری در نوع و میزان مجازات شخص ندارد.

در حال حاضر در خصوص جرم اخذ پورسانت در معاملات دولتی هر سه قانون یعنی ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ (البته باتوجه به تصویب و ابلاغ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، در صورت ابلاغ قانون تعزیرات لزوماً مواد آن به قانون جدید مجازات اسلامی ملحق می‌گردد و شماره ماده جدید جایگزین ماده ۶۰۳ خواهد شد، ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ حاکمیت دارند که در مباحث آتی به تفصیل به آنها اشاره می‌شود.

همچنین لازم به ذکر است چنان‌که در مبحث پنجم فصل اول بخش اول ذکر خواهد شد، علی‌رغم اهمیت موضوع این تحقیق، منبع یا تحقیق جامع و رسمی در رابطه با این جرم وجود نداشته است. یکی از دلایل اصلی عدم تحقیقات جامع پیرامون جرم اخذ پورسانت، عدم دسترسی محققین به پرونده‌ها و سوابق موجود در مراجع قضائی و عدم اطلاع از شیوه و شگردهای مجرمین در ارتکاب بزه اخذ پورسانت بوده است. اما محقق با مرتبط بودن و دسترسی محدود به برخی سوابق قضائی در خصوص جرم اخذ پورسانت و با بهره‌گیری از رویه قضائی موجود و با استفاده از تجربیات خود و سایر همکاران، سعی نموده یک تحقیق کامل (در قالب کتابی که ملاحظه می‌فرمایید) در خصوص جرم اخذ پورسانت ارائه تا به صورت کاربردی مورد استفاده جامعه مخاطب قرار گیرد.

فصل دوم: مفاهیم

از موضوعاتی که در یک تحقیق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد، مفهوم و معنای موضوع مورد تحقیق است. چه بسا یک لفظ دارای معانی متعدد، متفاوت و گاه متضادی باشد که هر کدام ممکن است منشأ اشتباهات و اختلاف‌نظرهای فراوان شود که اگر به طور دقیق بیان شود و محدوده دلالت آن مشخص گردد، وجوه اختلاف و تشابه در مفاهیم روشن شده و موجب می‌شود بسیاری از اختلاف‌نظرها و تفاوت آراء از بین برود. ضمن اینکه دانستن مفاهیم و اصطلاحات به فهم بهتر مواد قانونی کمک می‌کند و مانع تسری و تعمیم مورد به مصادیقی می‌شود که مدنظر قانونگذار نبوده است. لذا در این کتاب نیز معانی لغوی و اصطلاحی واژه «پورسانت» ارائه و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث اول: تعریف لغوی پورسانت^۱

در فرهنگ فرانسه به فارسی نفیسی ریشه لغوی پورسانت^۲ یا پورسانتاژ^۳ به معنای درصد میزان سود و حق دلالتی که در هر صد فرانک فرانسه محاسبه و ارزیابی می‌شود، تعریف شده است (نفیسی، ۱۳۷۸: ص ۴۸۹).

در فرهنگ وبستر پورسانت به معنی «درصد»، «پرداخت درصد معینی از منفعت»، «تضمین برداشتن میزان خاصی از منفعت» بیان شده است (Marriam Webster's Collegiate Dictionary، 1990: 861).

در فرهنگ لغات به زبان انگلیسی (Garner، 2004) پورسانت به معنی پرداخت درصدی از مبلغ کل قیمت کالای خریداری شده از ناحیه مشتری است که (فروشنده) بعد از انجام معامله و دریافت کل قیمت مورد معامله، درصدی از مبلغ کل قیمت کالایی را که فروخته است، به میل و رغبت خود به خریدار می‌پردازد.

چنانچه در فرهنگ عمید آمده، پرسنت (پورسانت)^۴ از واژه لاتین پرسنتیوم^۵ گرفته شده و به معنی درصد یا مقداری از صدی می‌باشد؛ مانند یک درصد از جمعیت (عمید، ۱۳۸۶). در واقع واژه Percent از دو واژه per به معنی هر و cent به معنی یک‌صدم دلار تشکیل شده است که معنای مذکور در بالا از آن استنباط می‌شود (رخ‌فروز، ۱۳۸۴: ص ۱۱).

در فرهنگ لغت سخن، پورسانت به دو صورت تعریف شده است: ۱- تعلق درصدی از سود حاصل از کاری که به کسی که در آن کار مشارکت داشته است ۲- حق دلالتی (همان).

واژه «پورسانت» در فارسی معادل «درصد»، «درصدانه» و «به نسبت» می‌باشد. قانونگذار در مفهوم مجرمانه برای اولین بار اصطلاح «درصدانه» را در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به کار برده، اما در فرهنگ عامیانه تجاری و روزمره مردم با همان تلفظ فرانسوی استعمال می‌گردد و معادل حق کمیسیون آورده می‌شود که عبارت است از

۱. واژه پورسانت یک واژه خارجی است و علت استعمال و به‌کاربردن آن در اینجا به‌خاطر آن است که در خود قانون واژه پورسانت به کار رفته است.

2. pourcent
3. Pourcentage
4. Percent
5. Percentum

درصد مشخصی از مبلغ یک معامله که فروشنده یا خریدار و بعضاً هر دو به شخص کمیسیونر که وظیفه هدایت و تسریع در معامله را به عهده داشته، پرداخت می‌نمایند (بلالی و فرامرزی، ۱۳۸۰: صص ۱۷ و ۱۶).

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت پورسانت در لغت و از نظر فقها یعنی بذل مال به‌جهت توسل و رسیدن به حاجت از راه زدوبند و مصلحت‌چه برای حق باشد و چه برای باطل است و پورسانت‌دهنده کسی است که برای دستیابی به باطل بذل مال و هزینه می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ص ۱۱).

مبحث دوم: تعریف اصطلاحی پورسانت

قانونگذار در قوانین مرتبط تعریفی از جرم اخذ پورسانت ارائه ننموده و تعیین مصادیق و تعریف جرم را به عهده رویه قضائی یا دکترین واگذار کرده است (حسینی، ۱۳۸۴: ص ۸۵). لذا در فقدان تعریف قانونی از جرم اخذ پورسانت، بهتر است به تعاریفی که حقوقدانان در این رابطه بیان داشته‌اند مراجعه شود. متأسفانه حقوقدانان مشهور کشور کمتر به بررسی و تعریف جرم اخذ پورسانت پرداخته‌اند. در همین راستا دکتر صالح ولیدی جرم اخذ پورسانت را چنین تعریف نموده است: «جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی، عبارت از دریافت درصدی از مبلغ کل قیمت کالای خریداری‌شده از ناحیه مشتری (کارمند دولت) است که فروشنده خارجی کالا براساس توافق قبلی با خریدار، بعد از انجام معامله و دریافت کل قیمت کالای مورد معامله، به میل و اراده خود آن را به‌طریق گوناگون به مأمور دولتی (خریدار) پرداخت می‌کند» (ولیدی، ۱۳۸۶: ص ۳۰۲).

نکاتی در تعریف فوق نهفته من‌جمله اینکه اولاً مطابق تعریف فوق به‌نظر می‌رسد این حقوقدان عزیز جرم اخذ پورسانت را فقط در ارتباط با معاملات خارجی دانسته و برخلاف نظر قانونگذار که در ماده ۶۰۳ در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ صراحتاً اخذ پورسانت در معاملات داخلی را جرم دانسته، آن را قابل تسری به معاملات داخلی ندانسته که البته به دلایلی که در آتی خواهیم گفت، نظر ایشان صحیح است. ثانیاً اشاره به دریافت درصدی از مبلغ کل شده که البته پرداخت پورسانت همیشه بر مبنای درصد محاسبه و پرداخت نمی‌گردد و ممکن است به‌صورت اعطاء یک امتیاز باشد. ثالثاً بیان شده که فروشنده بعد از

انجام معامله و دریافت کل قیمت، پورسانت را به مأمور دولت پرداخت می‌کند که البته باتوجه به مراحل مختلف خرید و سوابق موجود، معمولاً پرداخت پورسانت در مراحل مختلف و در چند مرحله صورت گرفته و غالباً به صورت یکجا و بعد از اتمام معامله و دریافت کل قیمت کالا نبوده است.

در تعریف دیگر گفته شده «منظور از اخذ پورسانت در قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ آن است که در معاملات خارجی قوای سه‌گانه توسط کارمندان دولت درصد از طرف خارجی گرفته شود (مهاجری، ۱۳۷۹: ص ۲۰۸). در تعریف دیگر پورسانت بدین گونه بیان شده است: «مبلغی است که مأمورین دولتی به صورت پنهانی و غیرقانونی در راه انجام معاملات دولتی به نفع خود اخذ می‌نمایند.» (بلالی و فرامرزی، ۱۳۸۰: صص ۱۷ و ۱۶).

باتوجه به مفاد قوانین حاکم بر اخذ پورسانت و مصادیق موجود، تعاریف فوق‌الذکر ناقص و دارای ایرادات اساسی است. همچنین یکی از نویسندگان پورسانت را این گونه تعریف کرده است: «پول یا مال یا هر چیز با ارزشی که مأموران خرید دولت در راه انجام معاملات دولتی از فروشندگان کالا در داخل یا خارج از کشور که معمولاً به صورت درصد معینی از مبلغ کالا می‌باشد، به نفع خود یا شخص مورد نظر خود اخذ می‌کنند» (رخ‌فروز، ۱۳۸۴: ص ۱۲). دو تعریف توسط محقق دیگری (آذری متین، ۷۹-۱۳۷۸: ص ۱۶) به شرح زیر ارائه گردیده است:

۱- پورسانت مالی است که فروشندگان در مقابل خریدهای اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی به منظور ترغیب به فروش بیشتر، صرف‌نظر نمودن از کیفیت یا کمیت کالای مورد معامله، تخلف از ضوابط و مقررات تعیین‌شده از طرف شخص حقوقی و یا دولت به فرد یا افرادی از آن شخص حقوقی که در امر خرید نقش تعیین‌کننده و مؤثری داشته‌اند، پرداخت می‌نماید.

۲- پورسانت عبارت است از وجهی است که فروشنده در معاملاتی که طرف خریدار شخص حقوقی است به افراد حقیقی مؤثر در خرید از سود حاصله می‌پردازد.

اما باتوجه به مفاد قوانین حاکم، مصادیق و رویه قضائی موجود، می‌توان تعریف جرم اخذ پورسانت در معنی اصطلاحی را به شرح زیر بیان نمود: «قبول و اخذ پنهانی هرگونه وجه، مال،

امتیاز باارزش توسط کارگزاران و مأموران خرید دولت یا نیروهای مسلح به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از فروشندگان داخلی یا خارجی در قبال انجام معامله موردنظر با درصد معین یا نامعین به منظور ترغیب جهت خریدهای آتی، فروش بیشتر، افزایش قیمت، صرف نظر نمودن از کیفیت و یا کمیت کالای مورد معامله و چشم‌پوشی از ضوابط و مقررات، ارائه اطلاعات مربوط به معامله و...». با دقت در تعاریف فوق می‌توان نکات زیر را در مورد پورسانت برشمرد:

۱- اخذ پورسانت می‌بایست به صورت پنهانی و بدون اطلاع مسئولین دولت و نیروهای مسلح باشد.

۲- اخذ پورسانت لزوماً مال منقول یا غیرمنقول نیست و ممکن است به طرق، وسایل و شیوه‌های مختلفی پرداخت شود و هر نوع امتیاز باارزش یا مساعدت در انجام هر کاری را نیز دربر می‌گیرد مانند فراهم نمودن زمینه بورس تحصیلی در خارج برای مأمور دولت یا نیروهای مسلح یا اقوام ایشان، پرداخت هزینه‌های تحصیلی در داخل و خارج از کشور، پرداخت هزینه مسافرت کارگزاران و مأموران خرید دولت و نیروهای مسلح و خانواده آنها به خارج از کشور، استخدام اقوام و آشنایان کارگزار و مأمور خرید دولت در شرکت یا شرکت‌های معرفی شده توسط فروشنده، قبولی در آزمون‌های مختلف کنکور یا پرداخت وام‌های مختلف بدون بهره یا بدون رعایت ضوابط قانونی و...

۳- اگرچه معنی لغوی پورسانت درصد یا درصدی چند می‌باشد، اما الزاماً پرداخت پورسانت بر مبنای درصد محاسبه نمی‌شود و به کاربردن این اصطلاح صرفاً به دلیل شایع بودن آن است.

۴- فروشندگان ممکن است پورسانت را تحت عناوینی دیگر مانند هدیه، پاداش، دستمزد، حق‌الزحمه و غیره پرداخت کنند.

۵- پورسانت در ارتباط با معامله موردنظر به وسیله فروشنده به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مأمور خرید دولت یا نیروهای مسلح پرداخت می‌گردد.

۶- هدف اصلی فروشنده از پرداخت پورسانت غالباً جلب و جذب مشتری است و در مواردی نیز ممکن است این اقدام برای فروش جنس بیشتر و یا برای فروش جنس نامرغوب به خریدار و یا به هر دلیل دیگر حتی جاسوسی صورت گیرد.

۷- هدف از جرم‌انگاری اخذ پورسانت توسط قانونگذار در ابتدا صرفاً در معاملات خارجی بوده، اما در قوانین آتی این جرم به معاملات داخلی تسری داده شده است.

مبحث سوم: مفهوم اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نیروهای مسلح

برخی از وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های وابسته به دولت و نیروهای مسلح در زمینه‌های مختلفی چون تجاری و تولیدی به فعالیت می‌پردازند و به دلیل ماهیت کاری، وظیفه تدارک و خرید مواد اولیه مورد نیاز خود و مردم را به عهده دارند و از این‌رو طبیعی است که در معرض فساد مالی ناشی از پورسانت قرار داشته باشند. توافق برای پرداخت پورسانت بین فروشنده و نمایندگان شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و نیروهای مسلح غالباً به صورت پنهانی و قبل از انجام معامله صورت می‌گیرد (البته این موضوع قبل از تصویب تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و قانون ممنوعیت اخذ کمیسیون و پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ به صورت رسمی و علنی در قراردادهای فی‌مابین قید می‌گردید)، اما پرداخت آن پس از قطعیت یافتن معامله انجام می‌شد.

پرداخت پورسانت می‌تواند هم به صورت مال باشد و هم به صورت وجه نقد و هم به صورت امتیاز مثل اعطاء بورسیه دانشگاهی به فرزندان کارمند در کشورهای خارجی و... و از این‌رو منحصر به یکی از این سه مورد نیست. به عبارتی بستگی به توافقی دارد که در این مورد صورت گرفته، اما سهل‌ترین شکل آن دریافت وجه می‌باشد. زیرا باتوجه به ماهیت فسادگونه و پنهان آن از تبعات کمتری برخوردار خواهد بود.

وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عریض و طویل کشور از جمله سازمان‌های اقتصادی، وزارت صنایع و معادن و بازرگانی و جهاد کشاورزی، وزارت نفت، وزارت دفاع و سازمان‌ها و صنایع تابعه از عمده‌ترین و مطرح‌ترین جاهایی هستند که زمینه فسادهای مالی ناشی از پورسانت در آنها از سایر شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی بیشتر است؛ به این دلیل که مبالغ کلان و قراردادهای بزرگ در سطح این مراکز وجود دارد و غالباً دیده شده که در مقابل انعقاد قرارداد و یا تسریع در آن و یا بازشدن و دادن اعتبارات بانکی پورسانت‌های کلانی پرداخت می‌گردد و این خود به نوعی، یکی از مشکلات نظام اقتصادی کشورمان که همانا عدم نظارت‌ها و تداخل وظایف سازمان‌ها با یکدیگر است را بارز می‌نماید.

دریافت‌کنندگان پورسانت در معاملات داخلی را بیشتر مأموران خرید و کارپردازان سازمان‌ها تشکیل می‌دهند و در معاملات خارجی و کلان، این وظیفه به عهده مدیران بازرگانی و

هیئت‌مدیره شرکت‌ها می‌باشد. فروشندگان داخلی یا خارجی طرف قرارداد با سازمان‌های دولتی و نیروهای مسلح با پرداخت پورسانت، مأموران خرید یا مدیران مربوطه را به‌نوعی به استخدام خود درآورده و چه‌بسا از آنها به‌عنوان یک عامل جهت منافع خود استفاده می‌نمایند.

فصل سوم: مبانی جرم‌انگاری اخذ پورسانت

بررسی موضوع پورسانت در احکام شارع مقدس و فقه و شریعت آثار و برکات زیادی دارد؛ چرا که یکی از دلایل اخذ پورسانت توسط مأمورین خرید، توجیهاتی است که به اعتقاد آنان فاقد اشکال شرعی است و چون با رضایت شرکت طرف معامله و بدون درخواست آنان داده می‌شود و در کیفیت معامله تأثیری نمی‌گذارد، آن را یک امر بدیهی و عادی و یک هدیه می‌دانند که به دلیل اینکه به اصل معامله و خرید لطمه نمی‌زند، پس منعی نیز جهت اخذ آن وجود ندارد. لذا با این استدلال، حکم قضیه را مشروع قلمداد نموده و اقدام به اخذ پورسانت می‌کنند، این در حالی است که چنانچه در مبحث آتی ذکر خواهد شد، اساساً اخذ پورسانت حرام بوده و هرگونه توجیه نسبت به اخذ آن نیز فاقد وجهه شرعی و قانونی می‌باشد.

مبحث اول: مبانی نقلی

شریعت مقدس اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی با هرگونه فساد و ناپاکی مخالف بوده و بر قداست و درستکاری تأکید می‌نماید. اسلام همواره بر اجتناب از «گناه» و «فعل حرام» که زائیده وسوسه‌های شیطان نسبت به انسان است تأکید داشته و خداوند متعال در آیات قرآن کریم به‌صراحت «مردم» و خصوصاً «کسانی را که ایمان آورده‌اند» را به اجتناب از برخی افعال و کردارها که به‌عنوان گناه برشمرده شده و جزو محرّمات بوده، توصیه نموده است.

یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه استقرار عدالت اجتماعی، مفاسد مالی همچون اخذ رشوه و اخذ پورسانت است که موجب تزلزل و ویرانی پایه‌های اصلی اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی جامعه بشری می‌شود. قانون را که اساس و قوام هر جامعه است نشانه می‌گیرد و آن را به‌جهت تهی کردن از درون، بی‌اثر و ناکارآمد می‌کند.

اسلام دینی همه‌جانبه است که به همه امور مردم و شئون اجتماعی آنها توجه دارد و برای امور فردی انسان‌ها و رشد و تعالی و مبارزه با انحرافات فردی قوانینی دارد. مهم‌تر از آن، برای

رشد و تقویت بنیادهای انسانی در اجتماع، اهمیت خاص قائل شده تا جایی که هدف از بعثت رسل، قسط و عدالت عنوان شده است. بنابراین اخذ پورسانت نیز همانند اخذ رشوه از زمره افعالی است که براساس آیات و روایات وارده به شرح زیر نوعی اکل مال به باطل محسوب شده و حرام می‌باشد.

گفتار اول: قرآن کریم

۱- قرآن کریم در موقعیت‌ها و شرایط مختلف، انسان‌ها را از افتادن در مهلکه خطرناک خوردن مال حرام برحذر داشته و او را از خوردن مال به باطل نهی نموده است. مفسران از برخی آیات شریفه برای اثبات حرمت رشوه و پورسانت استفاده نموده‌اند. اولین مستند قرآنی در ارتباط با حرمت پورسانت آیه شریفه^۱ سورة مبارکه بقره است که می‌فرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (و اموال یکدیگر را به ناحق مخورید و به وسیله آن مال‌ها به حکمرانان تقرب مجوئید (به‌عنوان رشوه قسمتی از آن را به حکمرانان ندهید) تا اینکه بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید در حالی که خودتان (هم خوب) می‌دانید و آگاهید (که ناحق است). پیرامون آیه فوق موارد زیر قابل ذکر است:

۱-۱ در صدر این آیه، خداوند متعال از خوردن مال به‌طور باطل نهی نموده که عمومیت آن شامل پورسانت و رشوه نیز می‌شود، ولی با این حال در ادامه با کلمه «تدلو بها» که بنا به قول مفسران صراحت بر رشوه و پورسانت دارد، انسان را از خوردن مال دیگران به‌وسیله رشوه و پورسانت نهی می‌کند.

۱-۲ همان‌گونه که فقها بیان داشته‌اند مراد از خوردن در آیه فوق، هرگونه تصرف در اموال می‌باشد (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۴: ص ۹۴).

۱-۳ خوردن مال به ناحق و باطل از لحاظ شرعی به دو صورت ممکن است. اول: گرفتن مال از مالک با زور، عنف و تهدید همانند سرقت، اخاذی و... دوم: تحصیل مال از طریق غیرشرعی و به‌صورت نامشروع هرچند با رضایت مالک باشد مانند پرداخت پول به زن زناکار، کلاهبرداری، ارتشاء، اخذ پورسانت و...

۱. سورة مبارکه بقره آیه ۱۸۸

۴-۱ درواقع از نظر اسلام مال به همه مردم تعلق دارد، نه به شخص یا طبقه یا گروه خاصی و تصرف در مال غیرمنشائی دارد که یا به حق است یا به باطل. تعلق و تصرف به حق در حد ضرورت و احتیاج یا به سبب ایجاد سودمندی و ارزش یا معادلاتی است که بر این اساس و برای خدمت به دیگران که صاحبان اولی مالند انجام می‌گیرد و شریعت اسلام حدود آنها را مشخص نموده و جز این خوردن و تصرف به باطل و منهی است (طالقانی، ۱۳۴۶: ص ۷۵).

۵-۱ «تدلوا» به معنای سرازیر کردن دلو در چاه است که در این آیه، رشوه به حاکمان و قاضی به آن تشبیه شده است. مراد از «اموال الناس» هم اموال عمومی است و هم اموال خصوصی (قرائتی، ۱۳۸۳: ص ۲۹۷).

۲- دومین مستند قرآنی آیه ۴۲ سوره مبارکه مائده^۱ است که خداوند متعال اشخاصی را که به گناه تعدی و حرام‌خواری مشغول هستند، تقبیح می‌کند. آیه ۴۲ سوره مائده نیز درخصوص رشوه موردنظر فقها می‌باشد. قرآن مجید راجع به اهل کتب که به ناحق حکم کرده و کتاب خدا را تحریف کردند می‌فرماید^۲: «اکالون للسحت» آنها خوردندگان مال حرام‌اند. «السحت» در فرهنگ الفبایی الرائد به معنی «حرام و بدست‌آوردن مال از راه نامشروع و ننگین، مانند رشوه‌گرفتن و جز آن...» آمده است (جبران، ۱۳۸۹: ص ۹۴۴). سحت مالی است که از طریق نامشروع بدست می‌آید (و می‌توان گفت رشوه و پورسانت سحت نام گرفته زیرا حرام‌اند. یعنی شارع مقدس اخذ و دفع آنها را منع کرده است). نفس کلمه «سحت» دلیل واضح بر حرمت است. همچنین مفسران در تفسیر «اکالون للسحت» گفته‌اند: «سَحَتْ و أُسَحَتْ» هر دو به معنای متعددی آمده‌اند (هلاک کردن). سحت، یعنی کار حرامی که باعث ننگ صاحب آن است، نیز از همین باب است. گویا دین و شرافت او را می‌برد. «أُكَالُونُ السَّحْتِ» یعنی چیزی را که دینشان را از بین می‌برد، می‌خورند. پیامبر (ص) فرمودند هر گوشتی که از سحت بروید آتش بدان اولویت دارد، رشوه هم سحت نامیده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۰: صص ۱۳۷-۶۹).

۱. «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسَّحْتِ فَاذْكُوا حَاكِمَ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّكَ شَيْئًا وَانْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (آنها جاسوسانی دروغگو و خوردندگان مال حرام‌اند. اگر نزد تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنان بگردان. چنانچه روی از آنها بگردانی، هرگز کوچک‌ترین زیان به تو نرسانند و اگر حکم کردی میان آنها به عدالت حکم کن).

۲. سوره مبارکه مائده آیه ۴۲

بنابراین هر مالی که از حرام بدست آید «سحت» است و سیاق آیه می‌رساند که منظور از سحت همان رشوه (اخذ پورسانت) است» (همان: صص ۵۱۸ و ۵۱۷).

۳- سومین مستند قرآنی آیه ۶۲ سوره مبارکه مائده است، قرآن مجید در آیه شریفه فوق می‌فرماید: «و تری كثيراً منهم یسارعون فی الائم و العدوان واکلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون» و بسیاری از یهود را می‌بینی که در گناه و ستمکاری (تجاوز به حقوق) و خوردن حرام می‌شتابند، بدکاری را پیشه خود کرده‌اند. حرمت سه جمله «لبئس ما کانوا یعملون» تأیید شده است. این بهترین تعبیر برای این است که شارع مقدس از انجام چنین عمل ناخشنود و رسالت بر شدت ناخشنودی نیز دارد. این شدت در نارضایتی آن عمل دلیل قاطع بر حرام بودن می‌باشد.

۴- خداوند متعال در آیه ۶۳ سوره مبارکه مائده، دانشمندان و فقها را به دلیل اینکه این افراد را از اعمال زشت باز نمی‌دارند، سرزنش می‌کند. «لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الائم و اکلهم السحت لبئس ما کانوا یصنعون».^۲ در آیات فوق خداوند متعال کسانی را که مرتکب گناه تعدی و اکل سحت می‌شوند، مورد سرزنش قرار می‌دهد. مراد از سحت مال حرام و کسب‌وکار زشت و حرامی است که موجب ننگ می‌باشد (حموی، ۱۹۸۶: ص ۳۲۳).

۵- از تعبیر بالا چنین استنباط می‌شود که ملاک موردنظر آیات فوق برای بیان حرمت عمل گیرنده رشوه و پورسانت همان سازش بین او و راشی یا پرداخت‌کننده پورسانت برای ناحق‌خوردن مال دیگری است و این معنا اختصاص به باب رشوه در حکم و عمل قاضی در گرفتن چیزی برای ابطال حق یا اثبات باطل ندارد، بلکه این خصوصیت یعنی ابطال حق و اثبات باطل به وسیله هر کس که از طریق گرفتن چیزی از دیگری صورت بگیرد و در هر بابی واقع شود، مصداق تحقق فعل حرام رشوه و اخذ پورسانت است. لذا بعضی از مفسران، حکام را به طبقه حاکم تعبیر کرده‌اند، نه فقط قضات و می‌گویند: «طبقه سودجو با خوردن اموال عمومی به باطل بنیه می‌گیرد... این طبقه برای حمایت خود اموالی را به چاه حکام سرازیر می‌نمایند تا آنکه خود، قدرت می‌یابند و قشر حاکم شکل می‌گیرد. در این مرحله سهم خاصی از اموال مردم را برای نگهداری و سلطه خود بر قشر حاکم و به عناوین گوناگون جدا می‌کنند و

۱. سوره مبارکه مائده آیه ۶۲

۲. سوره مبارکه مائده آیه ۶۳

بیش از باطل‌خوری دست به ستم و سرمایه‌سوزی دیگران باز می‌کنند» (طالقانی، ۱۳۴۶: ص ۷۶). از آنجا که «سحت» به هر مال کسب‌شده از حرام می‌گویند و رشوه و اخذ پورسانت نیز یکی از مصادیق آن است، لذا آیات وارد در باب حرمت «سحت» نیز مستند حرمت رشوه و اخذ پورسانت محسوب می‌شوند.

۶- از جهت دیگر باتوجه به اینکه کارگزار حکومت به نمایندگی از طرف اصیل اقدام می‌نماید. لذا امین محسوب می‌گردد و باید صرفه، صلاح و کلیهٔ جوانب امر را در نظر بگیرد و از بابت قاعدهٔ فقهی لاضرر از بروز هرگونه خسارت به بیت‌المال جلوگیری نماید. بنابراین امانت‌داری به‌عنوان یک وظیفهٔ شرعی و خیانت در امانت به‌عنوان یک عمل قبیح مورد تأکید قرار گرفته است که حکم مذکور هم اثر وضعی دارد و هم اثر تکلیفی و در زمرهٔ گناهان کبیره محسوب می‌گردد. لذا از این باب نیز حرمت پورسانت قابل اثبات است و در قرآن مجید نیز آیاتی به این باب اختصاص داده شده است ازجمله:

۱-۶ «ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها»^۱ یعنی خداوند شما را امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانشان رد کنید.

۲-۶ «والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون»^۲ یعنی مؤمنان کسانی هستند که امانت‌ها و عهدهایشان را رعایت می‌کنند.

۳-۶ «یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعملون»^۳ یعنی ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید به خداوند و فرستاده او خیانت نکنید و بر امانت‌های یکدیگر خیانت نورزید در حالی که می‌دانید. این آیه تصریح به نهی خیانت در امانت دارد و نهی هم ظاهر در وجوب ترک است؛ لذا ارتکاب آن حرام است و ارتکاب هر فعل حرامی هم مستوجب تعزیر است. درخصوص موضوع امانت و بازگرداندن آن به اهلش و مسائل مرتبط با آن، آیات دیگری در قرآن کریم وجود دارد که مخاطبین محترم را به آیات مذکور ارجاع می‌دهد.^۴

۱. سورهٔ مبارکه نساء آیه ۵۸

۲. سورهٔ مبارکه مؤمنون آیه ۸ و سورهٔ مبارکه معراج آیه ۳۲

۳. سورهٔ مبارکه انفال آیه ۲۷

۴. آیه ۳۸ سورهٔ مبارکه حج، آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹ سورهٔ مبارکه نساء، آیه ۷۵ سورهٔ مبارکه آل عمران، آیه ۲۸۳ سورهٔ مبارکه بقره، آیه ۷۱ سورهٔ مبارکه احزاب و آیات ۲ و ۲۹ سورهٔ مبارکه نساء.

گفتار دوم: سنت

افرادی چون ما که در عصر غیبت زندگی می‌کنند و از نعمت بزرگ حضور امام معصوم (ع) محروم‌اند، برای بدست آوردن «سنت» راهی جز بسنده کردن به «نقل سنت» ندارند. «سنت» دومین منبع استنباط احکام شرعی از جمله احکام معاملات است. «قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) و امام معصوم (ع)» یکی از تعاریف سنت است که به موجب آیات شریف قرآن مجید^۱ «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول» و آیات دیگر^۲، مبنای عمل همه مسلمانان و فقهای امامیه بوده و خالی از تردید و اختلاف است. مکتب انسان‌ساز اسلام به عنوان یک جریان زنده و پویا، اخذ پورسانت و رشوه را به مثابه یک عمل زشت، نفرت‌انگیز و گناه بزرگ و نابخشودنی معرفی کرده و انسان‌ها را از گرفتن آن دو و واسطه‌گری بین دهنده و گیرنده، به شدت نهی کرده است. روایات فراوانی در خصوص موضوع اخذ رشوه وارد شده که البته هرچند در فحوای کلام ائمه و امامان معصوم سلام‌الله علیها تصریح به اخذ پورسانت نگردیده، لیکن باتوجه به ماهیت عمل ارتكابی شامل اخذ پورسانت نیز می‌شود و در زیر اجمالاً به برخی احادیث و روایات وارده اشاره می‌گردد:

۱- حضرت علی (ع) در ذیل آیه شریفه «اکالون للسحت» فرمودند: «رشوه‌خواران کسانی هستند که مشکل مردم را حل نموده و در برابر، هدایای آنان را می‌پذیرند.» (مجلسی، ۱۱۱ ق: ص ۲۷۳).

۲- در روایت است که امام رضا (ع) فرمود: «مقصود از اکالون السحت، کسی است که حاجت برادر دینی خود را به جا آورده و سپس هدیه او را می‌پذیرد». شیخ انصاری در مورد روایت بالا چنین بیان داشته: «هرچند این روایت به گرفتن هدیه و نه رشوه اشاره دارد، لکن باید توجه داشت که اخذ هدیه توسط قاضی حرام است؛ زیرا یا مصداق رشوه است و یا به تنقیح مناط، حکم آن را دارد. مؤید این نظر روایت «هدایا العمال السحت» است که دلالت قطعی بر حرمت هدیه گرفتن توسط حکام دارد... البته برای این روایت توجیهاتی است که طبق برخی از آنها روایت را محمول بر ظاهر آن (حرمت) کرده‌اند.» (انصاری، ۱۴۱۱ ه.ق و ۱۳۸۹: ص ۱۱۸).

۱. آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء.

۲. آیه ۷ سوره مبارکه حشر و آیه ۳ و ۴ سوره مبارکه نجم.

۳- از امام صادق (ع) نیز نقل شده است: «رشوه‌خواری در مقام قضاوت و داوری به منزله کفر به خداوند است»

۴- دیگر روایت عمار بن مروان است که از امام باقر علیه‌السلام درباره غلول پرسید (همان: ص ۲۷۴) و حضرت فرمودند: ^۱ «هر چیزی که کسی از امام و پیشوای مسلمین (غلول) نماید، سحت است (غلول به معنی خیانت از بیت‌المال و از امام مسلمین است و گاهی غلول به هدیه‌ای می‌گویند که کسی برای پیشوا یا سلطان و حاکم و رئیس و هرکسی که کارها و حوائج مردم به دست اوست ببرد). و سحت مصادیق بسیاری دارد؛ از جمله اجرت قاضی و رشوه‌ای است که قاضی می‌گیرد و اجرت و مزدی است که زنان بدکار بابت بدکاریشان می‌گیرند و قیمت خمر و نبیذ و مست‌کننده و ربا بعد از اطلاع و آگاهی به حرمت آن است. از این روایت که اشاره به «الولاه الظلمه» دارد، فهمیده می‌شود که عنوان رشوه عام بوده، اختصاص به باب قضا ندارد و شامل هدیه هم می‌شود.

۵- خلیفه دوم و عایشه نیز از پیامبر (ص) نقل می‌کنند که ایشان رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده و واسطه بین آنها را لعنت کرده است که همین امر دلالت بر حرمت عمل آنها دارد. اصبح بن نباته از علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: «هر حاکمی که در را بر روی خود ببندد و به حاجت‌های مردم رسیدگی نکند، روز قیامت خداوند خود را از او و نیازهایش در پرده می‌دارد و او به حاجت‌های خود نخواهد رسید و اگر مالی را به‌عنوان هدیه بگیرد، مرتکب جنایت شده است و اگر رشوه بگیرد مشرک است» (حمد، ۱۳۷۱: صص ۱۰ و ۸). این روایت هم اختصاص به باب قضا ندارد. احادیث بالا علاوه بر دلالت بر حرمت رشوه، دلالت بر تعمیم عنوان مذکور به غیرباب قضا دارند. روایات دیگر اثر وضعی رشوه را مطرح می‌کنند. از جمله پیامبر (ص) فرمود: «هیچ قومی نیست که رشوه در میانش ظاهر شود، مگر به ترس گرفته شود». شیخ انصاری در تفسیر این روایت می‌گوید که اضطراب روحی که راشی و مرتشی به آن گرفتار می‌شوند، مجازات دنیوی و معجل آنها است که مطابق با آنچه گرفته‌اند و برادران دینی خود را به رنج و تعجب افکنده‌اند بر آنها اعمال می‌شود (انصاری، ۱۴۱۱ ه.ق و ۱۳۸۹ ش: صص ۱۱۸-۱۲۲).

۱. «كُلُّ شَيْءٍ غُلٍّ مِنَ الْأِمَامِ فَهُوَ سَحْتٌ وَ السَّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا مَا أُصِيبَ مِنْ أَعْمَالِ الْوَلَاةِ الظَّلَمَةِ مِنْهَا أَجُورُ الْقَضَاءِ وَ... فَأَمَّا الرِّشَاءُ يَا عَمَّارُ فِي الْأَحْكَامِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِآلِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ»

صیرفی می‌گوید که حفص اعور به امام (ع) عرض کرد: «کارمندان خلیفه از ما مشک و ظرف آب می‌خرند و بعد اشخاص را وکیل می‌کنند که آن اجناس را از ما تحویل بگیرند. ما به آنها رشوه می‌دهیم تا به ما ستم نکنند». امام (ع) فرمود: «هر کاری که برای اصلاح مال خود انجام دادی اشکال ندارد». آنگاه امام مدتی ساکت ماند و بعد فرمود: «هنگامی که تو رشوه می‌دهی کمتر از آن شرط و عهده‌ای که کرده‌ای می‌گیری؟» گفت: بلی. امام فرمود: «رشوه است، فاسد است» (حمد، ۱۳۷۱: صص ۸ و ۱۰). این روایت نیز به صراحت می‌رساند که رشوه فقط مالی که به قاضی می‌دهند نیست، بلکه اگر به مأموران حکومتی که مجری دستورات حکومت هستند نیز مالی داده شود، عنوان رشوه پیدا می‌کند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۱: ص ۴۱).

اموال و امکاناتی که در اختیار انسان‌ها است، برخی جنبه مالکیت شخصی و فردی دارد مانند لباس، خانه، اتومبیل، مغازه و... و بعضی از امکانات در جامعه عمومی وجود دارد که حق استفاده آن با عموم مردم است و همه در آن شریک‌اند، صاحب حق حکومت است و آن را به وکالت از مردم و در جهت مصلحت عامه مصرف می‌کند که از آن به «بیت‌المال» یا «اموال عمومی» تعبیر می‌شود. همان‌گونه که تصرف در اموال شخصی انسان‌ها جایز نیست، تصرف در اموال عمومی نیز حرام است. برخی از اموال شخصی خودشان مراقبت می‌کنند و اگر کسی به آنها تجاوز کند سخت آشفته شده و عکس‌العمل نشان می‌دهند، اما همان افراد اموال عمومی یا به اصطلاح بیت‌المال را قابل تجاوز دانسته و نه تنها از آسیب‌رساندن دیگران جلوگیری نمی‌کنند، بلکه خودشان با کمال میل آن را تصاحب می‌کنند؛ در صورتی که تجاوز به اموال عمومی بسیار سخت‌تر و خیانت در آن بسیار فجیع‌تر است. روایات زیر بر حرمت تضييع بیت‌المال تأکید دارد:

۵-۱ حساسیت امیرمؤمنان (ع) در مورد اموال عمومی و عدم جواز حیف‌ومیل بیت‌المال، کم‌وبیش به گوش ما رسیده ولی کمتر به این نکته توجه شده است که هرکس اموال عمومی را ضایع کند، محاسبه‌اش در قیامت شدیدتر و پاسخگویی‌اش بسیار مشکل‌تر خواهد بود؛ زیرا شاکی یک نفر نیست، بلکه عامه مردم مدعی هستند که در تهیه و تأمین آن اموال سهمیم هستند. امام علی (ع) تا آنجا نسبت به بیت‌المال حساسیت نشان می‌دهد که طی بخشنامه‌ای بی‌نظیر، کارمندان دولت را به صرفه‌جویی و دقت در ضرر نزدن به بیت‌المال سفارش کرده و می‌فرماید: «ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عنی فضولکم و اقتصدوا قصد المعانی و ایاکم و الاکثار، فان اموال المسلمین لا تحتل الاضرار» (رحیمی، ۱۳۸۸: ص ۴۷).

۵-۲ رسول خدا (ص) فرمودند: «من اکتسب مالا من غیر حله کان زاده الی النار» یعنی هر کس مالی را از راه غیر حلال بدست آورد، همان مال وسیله رفتن او به جهنم می‌شود (مجلسی، ۱۱۱۱ ق: ص ۱۳).

۵-۳ رسول خدا (ص) فرمودند: «ان الله عز و جل حرم الجنة جسداً غذی بحرام» (رحیمی، ۱۳۸۸: ص ۴۰). خداوند بهشت را بر جسدی که با غذای حرام تغذیه کرده باشد، حرام کرده است.

۵-۴ قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» مبین منع مردم از ورود ضرر و خسارت به یکدیگر است. براساس قاعده فوق کسی که به مصالح مردم ضرر برساند ضامن است. در این رابطه پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «من اضر بطریق المسلمین فهو ضامن» کسی که به راهی که مسلمین از آن عبور می‌کنند ضرر بزند، ضامن است (مشایخی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۰).

گفتار سوم: اجماع

اهل تسنن و تشیع از اجماع به‌عنوان یکی از منابع دریافت احکام شرعی یاد کرده‌اند، هرچند در تعریف آن نظر یکسانی ندارند. اجماع از نظر لغوی به دو معناست: عزم، تصمیم، اتفاق و همگنی (محقق داماد، ۱۳۹۱: ص ۳۹). اجماع یعنی اتفاق نظر و وحدت روش مؤمنان. اهل سنت برای اثبات نظر خود مبنی بر حجیت و استقلال اجماع، بیش از آنکه از تحلیل‌های عقلی بهره جویند، از آیات و روایات کمک گرفته‌اند. علمای امامیه اعتباری برای اجماع به‌عنوان منبع مستقل قائل نیستند (همان: ص ۴۱).

شیخ انصاری می‌گوید: «رشوه حرام است. در جوامع المقاصد و مسالک ادعای اجماع مسلمین بر حرمت رشوه شده است که کتاب و سنت بر آن دلالت می‌کند» (انصاری، ۱۴۱۱ ه ق و ۱۳۸۹ شمسی: ص ۱۲۲-۱۱۸). در جواهرالکلام ضمن تأیید نظر محقق حلی مبنی بر حرمت رشوه برای مرتشی، مستند آن، اجمال منقول و محصل ذکر گردیده و در موردی که راشی طلب حکم به باطل کند نیز اقدام او از باب اعانت بر اثم، حرام محسوب گردیده است. لذا اگر راشی برای احقاق حق واقعی خود رشوه دهد و تنها راه رسیدن به حق هم رشوه باشد، اقدامش حرام نیست، در حالی که عمل مرتشی در این حالت حرام است (نجفی، ۱۳۸۹ ه ق: صص ۱۴۶ و ۱۳۱). اما محقق و فاضل چنین شرطی را نیاورده‌اند و سایر فقها نیز با تأکید بر حرمت عمل مرتشی نسبت به حرمت عمل راشی اختلاف نظر دارند.

لذا تحصیل اجماع در مورد عمل مرتشی حاصل است و ادله هم بر آن دلالت دارند، اما در مورد عمل راشی محل تردید است. مرحوم کنی دلیل حرمت رشوه را هر دو نوع اجماع دانسته (ذوالمجدین، ۱۳۶۶: ص ۳۷) و مرحوم طباطبایی به اجماع مسلمین تمسک کرده است و حرمت رشوه را از ضروریات دین می‌داند. به نظر ایشان رشاء در صورتی که برای طلب حکم به باطل باشد، از باب اعانت بر اثم حرام است و اگر برای احقاق حق باشد، به دلیل نفی ضرر و حرج در اسلام حرام نیست (طباطبایی، ۱۳۷۷: ص ۲۴-۲۲). در مقابل این نظر، مرحوم آشتیانی رشوه را مطلقاً حرام می‌داند، هر چند تحصیل حق متوقف بر آن باشد (آشتیانی، ۱۳۶۲: صص ۳۹ و ۳۸).

لذا دانشمندان اهل سنت معتقدند از نظر ایشان، اصحاب، تابعان و علمای امت بر تحریم رشوه به هر شکل و عنوان اجماع کرده‌اند و از آنان مدارکی در دست است که بر اجرا و تفسیر آنچه در قرآن و سنت آمده است مبادرت می‌ورزیدند و می‌کوشیدند تا حد ممکن سیاست دور کردن مردم از رشوه را به اجرا گذارند (حمد، ۱۳۷۱: صص ۱۰ و ۸).

در حقوق اسلامی و فقه نیز مسئله رشوه مسبوق به سابقه بوده و دارای ریشه قرآنی است. فقهای عظام باتوجه به صراحت آیات قرآن و احادیث و اخبار، عقیده بر حرمت رشوه دارند. مضافاً بر اینکه، بنابر حکم عقل نیز رشوه‌خواری به جهت مضار فراوان فردی و اجتماعی آن امری مردود و ناپسند است. در قرآن از رشوه‌خواران به «اکالون للسحت» تعبیر شده^۱ و مفسرین بزرگوار، رشوه را از مصادیق «اکل مال غیر به باطل» دانسته و حکم به حرمت آن داده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۷: ص ۵۱).

فقها و مراجع تقلید نیز در خصوص حرمت اخذ پورسانت در پاسخ به استفتائات انجام‌شده فتاوی را صادر نموده‌اند.^۲

۱. سوره مبارکه مائده، آیات ۶۲ و ۶۳.

۲. الف: باتوجه به اهمیت موضوع استفتائات انجام‌شده از مقام معظم رهبری، عیناً به شرح زیر نقل می‌گردد: (گزارش سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع سال، ۱۳۸۴)

سؤال اول: اموالی که بعضی از فروشندگان به مأموران خرید ادارات یا شرکت‌ها بدون آنکه آنها را به قیمت تثبیت‌شده اضافه کنند، به‌خاطر برقرار کردن ارتباط می‌پردازند، نسبت به فروشنده و نسبت به مأمور خریدار چه حکمی دارد؟

جواب: پرداخت این اموال توسط فروشنده به مأمور خرید جایز نیست و برای مأمور هم دریافت آنها جایز نیست و آنچه را که دریافت می‌کند باید به اداره یا شرکتی که مأمور خرید آن است تسلیم کند.

سؤال دوم: آیا کارمند یا کارگر شرکت دولتی یا خصوصی که وظیفه‌اش وکالت در تأمین نیازهای اداره یا شرکت از مکان‌های فروش است، می‌تواند بر کسی که کالاهای موردنیاز را می‌فروشد، شرط کند که درصدی از سود حاصل از خرید، از آن او باشد؟ آیا دریافت این سود برای او جایز است؟ در صورتی که مسئول مافوق چنین شرطی را اجازه دهد چه حکمی دارد؟

جواب: این شرط از طرف کارمند صحیح نبوده و او نمی‌تواند سودی را که به نفع خود شرط کرده، دریافت کند و مسئول بالاتر هم حق اجازه چنین شرطی را نداشته و اجازه او در این باره اثری ندارد.

سؤال سوم: اگر کسی که از طرف اداره یا شرکت وکیل در خرید مایحتاج است، کالایی را که در بازار قیمت معینی دارد، به طمع دریافت کمک مالی از فروشنده به قیمت بالاتری بخرد، آیا این خرید صحیح است؟ و آیا جایز است که از فروشنده به علت این کار کمک دریافت کند؟

جواب: اگر کالا را به قیمتی بیشتر از قیمت عادلانه بازار بخرد و یا خریداری و تهیه آن از بازار به قیمت کمتر برای او امکان داشته باشد، اصل عقدی که به قیمت بالاتر منعقد کرده فضولی است و متوقف بر اجازه مسئول قانونی مربوط است و به هرحال حق ندارد از فروشنده به خاطر خرید از او چیزی برای خودش بگیرد.

سؤال چهارم: اگر فرد شاغل در اداره‌ای (اعم از خصوصی یا دولتی) که وظیفه او تهیه جنس می‌باشد، علی‌رغم وجود مراکز مختلف، به آشنا مراجعه و شرط کند که اگر کالا را از تو خریداری کنم، درصدی از سود حاصله را شریک خواهم بود.

۱-۴ این شرط شرعاً چه حکمی دارد؟

۲-۴ در صورت وجود مجوز رئیس یا مسئول بالای تشکیلات در این خصوص حکم شرعی آن چیست؟

۳-۴ اگر قیمتی بیش از آنچه جنس مذکور در عرف بازار دارد، توسط طرف قرارداد به اداره پیشنهاد و قرارداد منعقد گردد چه حکمی دارد؟

۴-۴ پرداخت سهمی که بعضی از فروشندگان به مأمور خرید ادارات علی‌رغم قیمت مندرج در فاکتور می‌دهند، چه حکمی برای فروشنده و چه حکمی برای مأمور خرید دارد؟

۵-۴ اگر فرد مذکور علاوه بر مسئولیت در اداره، بازاریاب شرکتی هم باشد و در خرید اجناس اداره، برای آن شرکت بازاریابی نماید، آیا می‌تواند درصدی به عنوان سود از آن شرکت دریافت نماید؟

۶-۴ اگر فردی از طریق مسائل فوق، سودی بدست آورد، وظیفه شرعی او نسبت به این سود چیست؟
جواب:

صورت شرعی ندارد و باطل است.

اجازه رئیس یا مسئول بالای تشکیلات در این باره به لحاظ اینکه فاقد وجاهت شرعی و قانونی است فاقد اعتبار می‌باشد. اگر بیش از قیمت عادلانه بازار باشد و یا به کمتر از آن بتوان جنس را از بازار تهیه نمود، در این صورت اصل قراردادی که منعقدشده نافذ نیست.

جایز نیست و هرچه که مأمور خرید در این رابطه دریافت داشته باید به اداره مربوطه‌ای که از طرف آن مأمور خرید بوده، تحویل دهد.

حق دریافت هیچ درصدی ندارد و هرچه دریافت کند باید به اداره مربوطه تحویل دهد و اگر قراردادی که منعقد می‌سازد خلاف غبطه و مصلحت اداره باشد از اساس باطل است.

دریافت‌های غیرمشروع را باید به اداره مربوطه‌ای که از طرف آن مأمور خرید بوده تسلیم نماید.

همچنین مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ارتباط با اخذ پورسانت در معاملات دولتی خصوصاً معاملات نیروهای مسلح در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۴ خطاب به دستگاه‌های نظارتی فرمودند: «پورسانت؛ حرام شرعی، قانونی و اخلاقی است. به کسانی که دنبال پورسانت در معاملات هستند به چشم فاسد و مفسد نگاه کنید و اولاً مانع کارشان شوید و ثانیاً اگر عملی در این مورد از آنها سر زد، آنها را تحت تعقیب قرار دهید.» (خامنه‌ای، سیدعلی، رساله‌ اجوبه الاستفتائات؛ چاپ هفتادوسوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۱ صص ۲۷۵ و ۲۷۶).

ب: فتاوی سایر مراجع تقلید: متن استفتاء انجام‌شده و پاسخ واصله از مراجع عالیقدر تشیع حضرات آیت‌ا... نوری همدانی، آیت‌ا... شبیری زنجانی، آیت‌ا... مکارم شیرازی، آیت‌ا... صافی گلپایگانی در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱:

«به: دفتر مراجع عالیقدر تشیع

موضوع: استفتاء

سلام علیکم

با احترام ضمن تشکر از محضر حضرتعالی به استحضار می‌رساند: در معاملات دولتی، شرکت‌های طرف قرارداد پس از انجام معامله درصدی از قرارداد را (با توافق یا بدون توافق) به مأمورین خرید می‌دهند و هدف آنها از این اقدام معمولاً ترغیب مأمورین خرید جهت انجام معاملات آتی از شرکت‌های موصوف می‌باشد. قانونگذار در ماده‌ واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ قبول هرگونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان (هدیه، امتیاز و درصده) به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات و قراردادهای خارجی و داخلی توسط مأمورین دولت و نظامیان را ممنوع و در صورتی که اخذ این وجوه و امتیازات به مقامات و مسئولین دولتی و نظامی اطلاع داده نشود و به نفع بیت‌المال به حساب خزانه دولت واریز نگردد، جرم بوده و مرتکب، حسب مورد به مجازات مقرر در مواد مذکور محکوم می‌گردد.

مأمورین خرید در توجیه اخذ مبالغ یا امتیازات از شرکت‌های طرف قرارداد، اظهار می‌دارند که به‌دلیل اینکه مبالغ یا امتیازات مذکور با رضایت شرکت‌های طرف معامله پرداخت می‌گردد و تأثیری در کیفیت معامله ندارد، لذا اخذ آن را شرعی و بلاشکال می‌دانند و همین موضوع در جامعه مأمورین خرید به نوعی عرف شده و در اکثر معاملات دولتی، مأمورین مذکور به‌صورت پنهانی اقدام به اخذ پورسانت می‌نمایند که البته مفسده‌هایی نیز دارد که در این مقوله نمی‌گنجد. حال باعنایت به شرح قوانین فوق و اقدامات مأمورین خرید، بررسی موضوع از نظر شرعی نیز اهمیت پیدا نموده است و لذا مستدعیست چون نظر حضرتعالی راجع به این مسئله برای ما راهگشا است بذل عنایت فرمایید. من‌الله‌توفیق - العبدالحقیر محمد فروغی -

۱۳۹۱/۱۲/۲۱

پاسخ استفتاء:

- فتاوی حضرت آیت‌ا... صافی گلپایگانی (مدظله‌العالی): «اگر مأمور خرید تلاش خود را برای تهیه جنس با کیفیت برتر و قیمت ارزان‌تر نموده که در جای دیگر هم جنس بهتر و ارزان‌تر به او نمی‌دهند و بدون گفتگوی مقدماتی فروشنده از

مبحث دوم: مبانی عقلی

اکثر فقها، در ذکر ادله حرمت رشوه و پورسانت، نامی از عقل به میان نیاورده‌اند و به سنت و اجماع اکتفا نموده‌اند (نجفی، ۱۳۶۷: ص ۱۴۸)، لیکن مطالبشان قبح رشوه را عقلی دانسته‌اند.^۱ با این حال گروهی از فقها به همین اندازه کفایت ننموده و دلیل عقل را به‌طور جدا و به‌صراحت در حرمت رشوه بیان نموده‌اند. از جمله مرحوم مقدس‌اردبیلی، که در این باره دلیل عقل را پیش از سایر ادله بیان نموده‌اند (مقدس‌اردبیلی، ۱۳۶۲: ص ۴۲).

هدف از بررسی عقلی پورسانت، شناخت آثار و تبعات وقوع این جرم در سطح جامعه است که موجب بروز فساد می‌گردد. از جمله عواملی که نظام اداری را از درون می‌پوساند و بنیان‌های حاکمیت را سست و متزلزل می‌نماید، رشوه‌خواری و اخذ پورسانت است. شیوع مسائلی از این دست، نشان از بیماری ساختار اداری، اجرائی و اقتصادی جامعه دارد. در جامعه سالم به لحاظ وجود امنیت فراگیر اجتماعی و اقتصادی، چنین مسائلی کمتر فرصت ظهور و بروز پیدا می‌نماید. در طول تاریخ همواره کسانی بوده‌اند که حصول منافع غیرمشروع خود و تزییع حقوق دیگران را با توسل به اخذ رشوه و پورسانت محقق گردانیده‌اند و از این پرتو، چه بسیار لطماتی که به کشور وارد شده و چه بسیار حقوقی که باطل و چه باطل‌هایی که حق قلمداد شده است.

جانب خود مبلغی به او بدهد، مانعی ندارد و الا گرفتن آن جایز نیست. البته اگر ممنوعیت قانونی در این خصوص هم وجود داشته باشد، رعایت آن لازم است والله العالم» (دفتر صافی‌گلپایگانی ۹۱/۱۲/۲۱)

• فتوای حضرت آیت‌... شبیری‌زنجانی (مدظله‌العالی): «از آنجا که از شروط واضح هنگام قرارداد کار با اشخاص این است که به قوانین آن دولت پایبند باشند، اگر خلاف قانون مبلغی بگیرند حرام است و آن را هم مالک نمی‌شوند.» (دفتر شبیری‌زنجانی ۹۱/۱۲/۲۲)

• فتوای حضرت آیت‌... مکارم‌شیرازی (مدظله‌العالی): «در صورتی که این کار برخلاف مقررات اداره یا شرکت تابعه نباشد و فروشندگان از محل سود خود چیزی به واسطه خرید بدهند و آن را بر روی قیمت کالا نکشند و خرید از آنها به نفع اداره یا شرکت تابعه باشد، اشکال ندارد. در غیر این صورت جایز نیست.» (دفتر مکارم‌شیرازی ۹۱/۱۲/۲۳)

• فتوای حضرت آیت‌... نوری‌همدانی (مدظله‌العالی): «لازم است براساس مقررات حکومت اسلامی عمل شود» (دفتر نوری‌همدانی ۹۱/۱۲/۲۵)

۱. الرشوة ألتی الأنفس السلیمة مجبولة علی التنزه عنها...؛ رشوة چیزی است که نفس پاک و عقل سلیم خواستار دوری از آن است.

حرمت رشوه و پورسانت خصوصاً در مورد گیرنده از بدیهیات حکم عقل است. زیرا علاوه بر به هم زدن مجاری عادی امور، باعث تجری افراد، بیهودگی و پوچی سیستم اداری و اجرائی و جمع شدن ثروت در دست افرادی می شود که تنبلی پیشه کرده اند و برای اداره امور زندگی خود به جای اشتغال به کارهای مفید، مولّد به امر واسطه گری، دلالی و کارچاق کنی می پردازند. هیچ عاقلی چنین شیوه و منشی را تأیید نمی کند و در مقابل به سالم سازی محیط اجتماعی از این شیوه های نابخردانه رأی می دهد.

اخذ پورسانت و رشوه خواری ضمن اینکه حکایت از وجود نقیصه و اشکال در کارکرد سیستم های نظارتی و نهادهای اعمال حاکمیتی دارد، معلول آسوده طلبی و زیاده خواهی مدیران و کارکنان نالایق تشکیلات حکومتی است که با سوء استفاده از موقعیت، عدالت اجتماعی را زیر سؤال می برند. به لحاظ همین ارتباط تنگاتنگ، ارتشاء و پورسانت جزو جرائم مرتبط با امنیت و آسایش عمومی قلمداد شده و علمای حقوق نیز در تألیفات خود در ذیل همین عنوان به بحث پیرامون آن پرداخته اند. البته موضوع اخذ پورسانت در تألیفات حقوقی هنوز جایگاه و اهمیت خود را پیدا ننموده و تعداد اندکی از حقوقدانان که به مباحث مربوط به اخذ پورسانت آن هم به صورت بسیار محدود و مجمل پرداخته اند، آن جرم را جزو جرائم علیه اموال و مالکیت تلقی نموده که در همین جا نگارنده به دلیل اهمیت موضوع اخذ پورسانت در تأمین عدالت و امنیت اجتماعی همانند اخذ رشوه و مخاطرات ناشی از اقدامات کارگزاران و مأمورین دولتی و نظامی که اثر اقدامات آنها جهت اخذ پورسانت منجر به خریداری اقلام و کالاهای معیوب گردیده و همین امر بعضاً خسارت های جبران ناپذیر مالی و حتی جانی برای کشور و مردم را به دنبال داشته است و حتی موجبات جاسوسی علیه جمهوری اسلامی ایران را فراهم نموده است. لذا مباحث مربوط به اخذ پورسانت را یکی از شاخه های مرتبط با جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی دانسته و ارتکاب آن را در تضاد با منافع عمومی و امنیت کشور می داند.

در بررسی عقلی این موضوع در لسان اخبار و احادیث عظمت و سنگینی این جرم و تخلف را در آیین پاک اسلام نشان می دهد حال اگر جادادن پورسانت به کارگزاران حکومتی نه تنها یک گروه یا یک قشر از اقشار جامعه و ملتی آسیب می بیند «افساد فی الارض» تحقق می یابد و گاهی با گرفتن رشوه مصالح کشور نادیده گرفته می شود و...، آیا عقل (که به نظر بعضی از بزرگان عهد فقاقت نه در طول که در عرض سایر ادله احکام است) به قطع و یقین نمی رسد که

این خیانت حرام است؟ بنابراین به‌نظر می‌رسد قبول پورسانت از ناحیهٔ عمال دولت دارای یک حرمت وضعی است. یعنی چون این اخذ و اعطاء (دادوستد) فاسد است، پس حرام است. در واقع خود قرارداد یا قبض و اقباض فی‌النفسه حرام نیست، بلکه تصرفات در آن حرام است. چون با عقد فاسد این مال از ملک‌دهنده خارج نمی‌شود و به گیرنده منتقل نمی‌شود. زیرا که تصرف در ملک‌غیر بدون اذن مالک جایز نیست، پس تصرف در چنین مالی اکل مال به باطل است.

همچنین یکی از مبانی عقلی جرم‌انگاری اخذ پورسانت جلوگیری از ضرر محتمل است. برخی نمایندگان مجلس هنگام طرح ماده‌واحدۀ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی در سال ۱۳۷۲ در مجلس یکی از دلایل جرم‌انگاری اخذ پورسانت را این‌گونه بیان کرده‌اند: «مشاهده شده که نمایندهٔ خریدار به‌خاطر اینکه نفع شخصی خود را مدنظر گرفته، در انتخاب نوع جنس دقت لازم را نکرده است و کالایی را که از کیفیت بالا برخوردار بوده خریداری نکرده است یا بیشتر مواردی را که مدنظر فروشنده بوده لحاظ کرده است به‌خاطر اینکه بتواند آن پورسانت لازم را به نفع خودش بگیرد»^۱ همچنین در ادامه عنوان داشته‌اند که «عقل همیشه حکم می‌کند برای خرید جنس‌های خوب و برای خرید جنس بهتر و با کیفیتی بالاتر دادن درصد و پورسانتی لازم نیست. طبیعی است برای خرید و فروش جنس‌هایی با کیفیت پایین است که شرکت‌های مختلف اقدام به دادن پورسانت می‌کنند تا از این طریق مأموران خرید را به طرف خودش جلب کنند.» (همان: ص ۲۵).

یکی دیگر از امضاءکنندگان طرح تصویب قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی بیان داشته: «...همین پورسانت باعث فساد در معامله و سوءاستفاده‌های کلان شده، الآن در تجارت بین‌الملل به‌عنوان اینکه عمل متداول، مورد قبول و جالفتاده در تجارت خارجی است. برخی از آقایانی که وارد معاملات خارجی و انعقاد قراردادهای کلان می‌شوند، پورسانت می‌گیرند. یعنی درصدی از کل مبلغ معامله را دریافت می‌کنند که این عمل خلاف قانون و

۱. جهت ملاحظه مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانید به منابع زیر مراجعه فرمایید:

الف- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران؛ تصویب کلیات طرح یک‌فوریتی ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛ جلسه ۱۱۳، ۱۳۷۲/۳/۲، ص ۲۲.

ب- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران؛ تصویب طرح ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛ جلسه ۱۱۴، ۱۳۷۲/۳/۴، ص ۲۳.

شرع است. در مقررات جاری کشور وقتی که متوجه می‌شوند که شخصی پورسانت گرفته و پرونده برای آن تشکیل می‌دهند یا دستگاه مربوطه به دادگستری شکایت می‌کند، قاضی با نداشتن قانون مواجه می‌شود و به‌همین خاطر قضات بعضی از این سوءاستفاده‌های کلان را نمی‌توانند مورد بازخواست و محاکمه قرار بدهند. اخیراً متوجه شدیم که رقمی در حدود یکصد و پنجاه میلیون تومان را دادگستری منع پیگرد صادر کرده است. به علت اینکه این عمل در قوانین جمهوری اسلامی جرم و عمل خلاف تلقی نشده، به‌همین خاطر نمونه‌های زیادی هست که دادگاه‌ها نمی‌توانند آنها را مورد سؤال قرار دهند.

پورسانت باعث فساد در معامله می‌شود. معمولاً به‌خاطر اینکه خوب بتوانند پورسانت دریافت بکنند، نوع مرغوب اجناس را نمی‌خرند و این سوءاستفاده کلانی برای مسئولین دولتی است. کسانی که مسئولیت دارند از بودجه بیت‌المال و از پول این مملکت معامله انجام می‌دهند و یک رقم کلان را به حساب خودشان واریز می‌کنند. اگر فساد در معامله اینها مشخص شد، از طریق دادگستری که می‌خواهیم اینها را تحت تعقیب قرار دهیم، برای این امر قانونی نداریم. نمایندگان مجلس در آثار و تبعات اخذ پورسانت اضافه نموده‌اند: «یکی از آثار اخذ پورسانت خروج ارز از کیسه بیت‌المال است. از جیب ما یک رقمی بین پنج تا ده درصد از دست می‌دهیم... تمایل کارشناس به خرید خارج از کشور زیاد است. ما را معمولاً سوق می‌دهند به طرف خرید خارجی و صنعت داخلی با رکود مواجه می‌شود. خیلی از چیزها را در داخل می‌توانیم تولید کنیم، کارشناس‌ها ما را قانع می‌کنند که برویم از خارج بخریم علتش هم این است که آنها می‌دانند پورسانت در این معامله هست. کیفیت کالا معمولاً در پورسانت پایین‌تر خواهد بود. چون طرف پورسانتش را داده، معامله قطعی است در نتیجه کالا کیفیتش پایین است.»

یکی دیگر از امضاءکنندگان طرح تصویب قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی بیان داشته: «حرمت پورسانت بنا به نقل از طرف اینجانب که مستقیماً از مقام معظم رهبری شنیدم. چرا پورسانت اخذ می‌شود؟ پورسانت اخذ می‌شود یا پورسانت داده می‌شود که خارجی جنس خودش را تبلیغ بکند، خریدار را تشویق کند به خرید بیشتر و خریدار تلاش می‌کند که از او بیشتر بخرد و لو کیفیت جنس او پایین باشد. رقابت برای فروش است و این پورسانت روی قیمت اصلی جنس کشیده می‌شود و مردم ما باید آن را تحمل بکنند. ما پول را سرازیر

می‌کنیم به جیب یک کارشناس نااهل، در شرایطی که در حواشی شهرهایمان، در روستاهایمان شاهد سیل، زلزله، فقر و محرومیت هستیم و ما تعهد داریم محرومیت‌زدائی بکنیم. یک لحظه مجلس نباید درنگ کند. خدا آگاه است که از ناحیهٔ اخذ پورسانت من بعضی از آمارها را که چون مطمئن نیستم نمی‌خواهم اعلام بکنم: مثلاً می‌گویند آنهایی که تا به حال مشخص شده یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار است. چرا اجازه بدهیم اینها را ببرند؟ ما یک لحظه نباید تحمل کنیم. فوری این را تصویب می‌کنیم. کمیسیون محترم قضائی هر موقع اراده کرد بعد از یکی دو سال که آن لایحه را می‌خواهد تقدیم مجلس بکند، با یک تبصره اثر این را لغو کند و یک مادهٔ پخته‌تری بیاورد. مهم‌ترین مسئله‌ای که در پورسانت است دریافت‌کننده پورسانت عاملی برای بیگانه می‌شود و کم‌کم جاسوس می‌شود. شما از وزارت اطلاعات استفسار بکنید ببینید چند نفر تا به حال به خاطر دریافت پورسانت جاسوس شده‌اند. حالا ما صبر کنیم که لایحه را یکسال دیگر بیاورند؟ خوب سریعاً باید این را با دو فوریت ما تقدیم مجلس می‌کردیم. اشتباه کردیم که با یک فوریت دادیم. یک لحظه نباید درنگ بکنیم. یک آدمی که می‌آید پورسانت را می‌گیرد اول عامل می‌شود و کم‌کم از او به عنوان جاسوس استفاده می‌کنند. سزاوار نیست که ما در این لحظه درنگ بکنیم.

یکی از آثار اخذ پورسانت خروج ارز از کیسهٔ بیت‌المال هست. از جیب ما یک رقمی بین پنج تا ده درصد از دست می‌دهیم. همین فردا یا پس فردا یا ده روز دیگر یک معامله انجام بشود و پورسانت بگیرند و مقام معظم رهبری می‌فرمایند حرام است، ما در آن حرمت شریک می‌شویم. تمایل کارشناس به خرید خارج از کشور زیاد است، ما را معمولاً سوق می‌دهند به طرف خرید و صنعت داخلی با رکود مواجه می‌شود. خیلی از چیزها را در داخل می‌توانیم تولید بکنیم. کارشناس‌ها ما را قانع می‌کنند که برویم از خارج بخریم علتش هم این است که آنها می‌دانند پورسانت در این معامله هست.

کیفیت کالا معمولاً در پورسانت پایین‌تر خواهد بود. چون طرف پورسانتش را داده، معامله قطعی است، در نتیجه کالا کیفیتش حتماً پایین است. در تبانی با فروشنده و خرید گران، ما نمونه‌هایی داریم که نمایندهٔ خریدار با نمایندهٔ فروشنده تبانی کردند که مثلاً درجه سه را به جای درجه یک به ما بدهند. خوب چرا اجازه بدهیم این کار را انجام بدهند؟ تمایل به خرید از خارج از کشور روزبه‌روز گسترش پیدا می‌کند. در جاسوس‌پروری برای بیگانه، خریدار استقلال

خود را در مرور از دست می‌دهد و یک عامل بدون استقلال در دست خارجیان می‌شود و از او استفاده می‌کنند. برگشت پورسانت اگر فرض کنیم به خزانه برنگردد، به دستگاه برمی‌گردد. آن دستگاه ما در قانون بودجه که پیشنهاد نکردیم فلان مقداری که بابت دریافت پورسانت برمی‌گردد، چه چیزی هزینه شود. دستگاه‌ها معمولاً بدون ضابطه این را خرج می‌کنند...» (همان: ص ۲۹).

یکی از دلایل دیگر جرم‌انگاری اخذ پورسانت شایع شدن این موضوع توسط مأمورین خرید کشور بوده که موجبات افزایش قیمت را برای دولت و نیروهای مسلح فراهم می‌نموده است. یکی از نمایندگان مجلس بیان نموده است که «یکی از آشنایان بنده گفت من رفتم در یکی از کشورهای خارجی خریدی بکنم و همان‌جا فرد دیگری بود از کشور دیگر قیمت کارخانه را به من گفت ۸۰ میلیون دلار و در غیاب من به آن فرد دیگر گفت ۶۰ میلیون دلار. وقتی که من از او پرسیدم که چه می‌خواستی بخری؟ گفت عیناً خرید تو را داشتم و به من گفت ۶۰ میلیون دلار و مراجعه مجدد کردم گفتم این اختلاف قیمت برای چیست؟ ملاحظه کنید! گفت برای اینکه کشور شما از ما پورسانت بیشتری می‌خواهند و لذا ما پایه قیمت را برای کشورها براساس پورسانتی که طلب می‌کنند متفاوت اعلام می‌کنیم...» (همان: ص ۲۴).

موارد و مصادیق فراوانی وجود دارد که پورسانت با اهداف و انگیزه‌های فاسد پرداخت شده است و به جهت اختصار در اینجا فقط به موضوع خرید سیمان توسط دولت نیجریه اشاره می‌کنیم. مأموران خرید این کشور در سال ۱۹۷۵ مبادرت به خرید ۲۰ میلیون تن سیمان از خارج کردند. تحقیقات بعدی مشخص ساخت که قیمت خرید هر تن سیمان پانزده دلار بیشتر از قیمت جهانی سیمان در آن زمان بوده است. نکته جالب‌تر اینکه میزان مصرف سیمان در سراسر قاره آفریقا در حدود ۳۰ میلیون تن برآورد شده بود و واردات سیمان به مراتب بیش از نیاز واقعی آن کشور بوده است. در این پرونده اخذ پورسانت موجبات ورود خسارت‌های سنگینی به دولت نیجریه شده است. (حبیبی، ۱۳۷۵: ص ۳۳).

مبحث سوم: مبانی اخلاقی

کارکنانی که مرتکب جرم اخذ پورسانت و رشوه می‌شوند ضمن اینکه ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را زیر پا می‌گذارند، موجبات سلب اعتماد مردم به کارگزاران شده و حیثیت مجموعه دولت و نیروهای مسلح را خدشه‌دار می‌کنند. لذا این موضوع به‌عنوان یک آسیب اجتماعی تلقی گردیده است. با یک بررسی ابتدایی آماری متوجه می‌شویم در جامعه اسلامی ما قبح اجتماعی و اخلاقی این پدیده شوم از بین رفته است. (حبیب‌زاده، ۱۳۸۱: ص ۳۶).

یکی از دلایل این وضعیت توجیه شرعی آن است. برخی از کارگزاران در توجیه اخذ پورسانت آن را نوعی هدیه و یک امر مباح و شرعی قلمداد می‌کنند. در نتیجه با متداول شدن اصطلاحات نوظهوری مانند حق التسریع، پول چای، پاداش، شیرینی، هدیه، هبه و جبران کسری حق‌الزحمه واقعی عامل، چنین استدلال می‌کنند که چون به لحاظ شرعی در روابط تجاری پورسانت مصداق ندارد، لذا حالات مذکور حرام نیست و در نتیجه قبح اخلاقی و اجتماعی هم ندارد. درحالی‌که در روایات ائمه معصومین سلام‌الله علیها دادن هدیه به کارگزاران اکیداً ممنوع و حرام شمرده شده است.

در شناخت مرز بین این دو باید گفت روایاتی داریم مبنی بر اینکه به‌طور کلی هدایایی که به کارگزاران حکومت داده می‌شود سحت و حرام است. تمامی اینها برفرض مذکور یعنی اعطاء هدایا به‌منظور جلب کارگزار حمل می‌شود و از آن باب حرام است.

همچنین در باب حرمت هدیه به کارگزاران پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هدایا العمال غلول» هدایایی که به کارگزاران داده می‌شود خیانت است (الراعاملی، ۱۳۸۳: ص ۱۶۲) و در روایت دیگر فرمودند: «هدایا العمال حرام کل‌ها» هدایایی که به کارگزاران داده می‌شود تماماً حرام است (المتقی و والهندی، ۱۳۷۷ ه ق: ص ۵۷).

در روایت دیگر آمده پیامبر اکرم (ص) مردی از بنی اسد به نام ابن اتیبیه را مأمور جمع‌آوری زکات کرد. چون اموال زکات را آورد، عرض کرد: این برای شماست و این هم به خود من هدیه شده است. رسول خدا بر منبر ایستاد و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: «عامل و والی را چه می‌شود او را به مأموریت می‌فرستیم (و در مراجعت می‌گوید) این مقدار از شما و این مقدار هم بر من هدیه شده است اگر در خانه خودش یا مادرش می‌ماند و یا در کنج خانه پدرش می‌بود،

آیا بر او هدیه‌ها نثار می‌شد؟ سوگند به او که جانم در دست اوست آن هدیه را کسی جز اینکه در قیامت آن را به دوش خود همی کشد نمی‌گیرد، اگرچه اشتری خروشان باشد یا گاوی نعره‌زن یا گوسفندی که بع‌بع می‌کند (همان: ص ۲۴۴).

جواز و عدم جواز هدیه وابسته به قصد است. یعنی قبول هدیه موقعی جایز است که به‌عنوان کسب منفعت نامشروع بذل نشده باشد و در صورتی که قصد از بذل آن کسب منفعت نامشروع باشد، قبول آن حرام است و برحسب این ضابطه اگر کسی به‌عنوان هدیه، یا هبه، یا بیع و صلح محاباتی مالی را به کارگزار بذل نماید و قصدش از این اعطا بدست‌آوردن امتیازی باشد گرچه برحسب ظاهر بذل مال هدیه محسوب می‌شود، ولی این‌گونه عناوین از مصادیق فعل حرام (پورسانت) بوده و اعطاء و قبول آن حرام است.

ازسوی دیگر باتوجه به اینکه کارگزار حکومت به نمایندگی از طرف اصیل اقدام می‌نماید، لذا امین محسوب می‌گردد و باید صرفه، صلاح و کلیه جوانب امر را در نظر بگیرد و از بابت قاعده فقهی لاضرر از بروز هرگونه خسارت به بیت‌المال جلوگیری نماید. بنابراین امانت‌داری به‌عنوان یک وظیفه شرعی و خیانت در امانت به‌عنوان یک عمل قبیح مورد تأکید قرار گرفته است که حکم مذکور هم اثر وضعی دارد و هم اثر تکلیفی و در زمره گناهان کبیره محسوب می‌گردد.

لذا از این باب نیز حرمت پورسانت قابل اثبات است و در قرآن مجید نیز آیاتی به این باب اختصاص داده شده است؛ ازجمله: «ان... یا مکرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (سوره مبارکه نساء آیه ۵۸) یعنی خداوند شما را امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانشان رد کنید. همچنین در آیات دیگری فرمودند: «والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون» (مؤمنون ۸ و معارج ۳۲) یعنی مؤمنان کسانی هستند که امانت‌ها و عهدهایشان را رعایت می‌کنند.

و «یا ایها الذین آمنوا لاتخونوا... والرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعملون» (انفال ۲۷) یعنی ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید، به خداوند و فرستاده او خیانت نکنید و بر امانت‌های یکدیگر خیانت نورزید در حالی که می‌دانید. این آیه تصریح به نهی خیانت در امانت دارد و نهی هم ظاهر در وجوب ترک است. لذا ارتکاب آن حرام است و ارتکاب هر فعل حرامی هم مستوجب تعزیر است. همچنین از این قبیل است آیه ۳۸ سوره حج، آیه ۱۰۷ تا ۱۰۹ سوره نساء و آل عمران ۷۵، بقره ۲۸۳، احزاب ۷۱، نساء ۲ و نساء ۲۹.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای آیات و احکام و روایات وارده که در فوق تشریح گردید، استدلال مذکور را مردود دانسته و اخذ هرگونه وجه، مال، امتیاز و... در راستای انجام وظایف و معاملات دولتی را ممنوع و مرتکب مجازات دانسته است.

بخش دوم

عناصر تشکیل دهنده مجازات و آیین دادرسی جرم اخذ پورسانت

در بخش دوم عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم اخذ پورسانت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و سپس مجازات مقرر، قواعد حاکم بر آن و رویه قضائی موجود، تشریفات و نحوه رسیدگی به جرائم مذکور براساس قوانین جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴ مورد بررسی قرار می گیرد.

فصل اول: بررسی عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم اخذ پورسانت

در حقوق جزای موضوعه برای اینکه عملی جرم^۱ محسوب شود، تجمیع عناصری ضرورت دارد. برخی از این عناصر جنبه خصوصی داشته و شرایط وقوع جرم خاصی را بیان می کنند. به عنوان مثال، عنصر خاص تشکیل دهنده جرم سرقت و رکن رکین آن ربایش مال منقول دیگری است یا تصاحب مال متعلق به دولت عنصر خاص بزه اختلاس است. در واقع بررسی عناصر خصوصی جرائم، موضوع حقوق جزای اختصاصی است. اما در مقابل عناصر اختصاصی، عناصر عمومی یا عناصر عام جرائم قرار دارند که در تمامی بزه ها مشترک هستند. از نظر حقوق جزا عملی را نمی توان جرم و قابل کیفر دانست، مگر اینکه اولاً از سوی مقنن طی قوانین مدون

1. Offence

پیش‌بینی و برای آن مجازات تعیین شده باشد، یعنی عنصر قانونی؛ ثانیاً در خارج فعلیت یافته و یا لااقل اجرای آن شروع شده باشد، یعنی عنصر مادی؛ ثالثاً توسط انسانی که دارای اراده آزاد و آگاه بوده است ارتکاب یافته باشد، یعنی عنصر روانی.

به‌طور خلاصه عناصر عمومی کلیه جرائم عبارتند از: ۱- عنصر قانونی جرم: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.^۱ ۲- عنصر مادی جرم: جرم باید فعلیت یابد و وجود خارجی و عینی پیدا کند و صرف تصور و اراده‌ای که فعلیت نیافته یا تهیه مقدمات برای ارتکاب یک جرم، جرم محسوب نمی‌شود. ۳- عنصر روانی یا معنوی جرم: قصد مجرمانه "سوءنیت" یا تقصیر جزایی "خطای کیفری" یکی دیگر از عناصر تشکیل‌دهنده جرم است. این تقسیم‌بندی مختص و شامل جرائم حقوق موضوعه نمی‌شود، بلکه در حقوق جزای اسلام نیز مطرح گردیده و مورد بررسی قرار گرفته است، لذا جرائم شرعی نیز ماهیتاً دارای ۳ رکن اصلی هستند که به‌ترتیب عبارتند از: ۱- رکن شرعی: رکن شرعی جرم، نص یا دلیل شرعی معتبری است که فعل یا ترک فعلی را حرام کرده و مستوجب عقوبت و مجازات می‌داند. قاعده «لأجریمه و لا عقوبه الا بنص» در این خصوص تعبیر می‌شود و بدون آن هیچ فعل یا ترک فعلی شرعاً جرم محسوب نمی‌شود. رکن شرعی جرم را علت شرعی جرم هم می‌نامند.^۲ رکن مادی: رکن مادی جرم شرعی در قالب انجام عمل حرام یا ترک فعل واجبی که برای آن مجازات تعیین شده است، تحقق می‌یابد. رکن مادی جرم شرعی در حقیقت سبب و علت مادی جرم است. سه رکن معنوی: یعنی مرتکب جرم شرعی مسئول و مکلف باشد و در زمان ارتکاب جرم دارای عقل، بلوغ، اراده و عمد باشد و غالباً این رکن با سوءنیت محرز می‌گردد.

بررسی عناصر ارتکاب جرائم در حقوق جزای عمومی از اهمیت خاصی برخوردار است، برخی از اساتید حقوق، این نظر را دارند که عناصر قانونی را نباید به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار داد زیرا عناصر قانونی را هم‌عرض با عنصر مادی و معنوی نمی‌دانند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: صص ۵۸ و ۵۷). اما باتوجه به اینکه بیشتر حقوق‌دانان کشور ما، معمولاً عنصر قانونی را به‌صورت جداگانه بررسی می‌نمایند لذا عناصر جرم اخذ پورسانت که مانند سایر جرائم از سه

۱. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

عنصر قانونی، مادی و معنوی تشکیل گردیده به شرح زیر به تفکیک هر سه عنصر بیان می‌گردد:

مبحث اول: عنصر قانونی جرم اخذ پورسانت

قوانین متعددی در حال حاضر در خصوص جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی و داخلی حاکمیت دارند که به شرح زیر بیان می‌گردد:

گفتار اول: قوانین عام و خاص حاکم بر جرم اخذ پورسانت

در ارتباط با ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نظامی، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حکمی بسیار صریح و روشن در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۴ خطاب به دستگاه‌های نظارتی فرمودند: «پورسانت حرام شرعی، قانونی و اخلاقی است. به کسانی که دنبال پورسانت در معاملاتند به چشم فاسد و مفسد نگاه کنید. اولاً مانع کارشان شوید و ثانیاً اگر عملی در این مورد از آنها سر زد، آنها را تحت تعقیب قرار دهید.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: صص ۲۷۵ و ۲۷۶).

تدابیر مقام عظمای ولایت که در کشور اسلامی ما در رأس همه قوانین است،^۱ برای همه دستگاه‌ها و تشکیلات دولتی، نظامی، مسئولین، کارکنان و نظامیان لازم‌الاجرا بوده و ضرورت نظارت و برخورد با پدیده جرم اخذ پورسانت را برای همه مشخص و روشن نموده است. لذا با وصف فوق به بررسی قوانین موجود می‌پردازیم.

الف) اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اخذ پورسانت به عنوان یک ثروت نامشروع تلقی گردیده و این موضوع از عمومات اصل ۴۹ قانون اساسی استخراج می‌گردد. براساس اصل فوق «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایرکردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم‌نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی، به وسیله دولت اجرا شود.»

۱. براساس اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم ولایت فقیه رأس همه قوانین می‌باشد.

ب) قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷

ماده‌واحد^۱ فوق که اولین قانون جامع در موضوع جرم اخذ پورسانت در کشور محسوب می‌گردد، با دلایل متقن و مستندات کافی در مجلس شورای اسلامی طرح و نهایتاً مورد تصویب قرار گرفت.^۲ متن قانون به شرح زیر بیان می‌گردد: «قبول هرگونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است. مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از دو تا پنج سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می‌گردد.»

تبصره ۱- مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات مقرر در ماده مذکور است و در صورتی که نفس عمل انجام‌شده نیز جرم باشد، مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد.
تبصره ۲- در متن ماده‌واحد رد پورسانت یا معادل آن به دولت از مورخه ۱۳۵۸/۱/۱ مجری خواهد بود.

تبصره ۳- در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله پورسانت می‌پردازد، موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذی‌ربط رسانده می‌شود و وجه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول ماده فوق نخواهد بود.
در ارتباط با قانون فوق لازم به ذکر است:

۱- قانون فوق برخلاف اصول حقوقی، عطف بما سبق گردیده و رد پورسانت‌های اخذشده از مورخه ۱۳۵۸/۱/۱ مورد حکم قرار گرفته است.

۲- قانون فوق فقط اخذ پورسانت نسبت به معاملات خارجی را قابل مجازات دانسته و درخصوص معاملات داخلی تعیین تکلیف نکرده است.

۳- چنانچه شخص حقیقی یا حقوقی طرف معامله با دولت پورسانت می‌پردازد، باید این امر به اطلاع

۱. این ماده‌واحد به نام «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷» معروف است؛ لیکن به‌جهت رعایت اختصار در این کتاب «ماده‌واحد» قید می‌گردد.

۲. متن جلسه ۱۱۳ و ۱۱۴ مجلس شورای اسلامی درخصوص تصویب قانون «ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی» ۱۳۷۲/۴/۲۷ در بخش اول اشاره گردیده است.

مسئولین سازمان ذی‌ربط رساننده و وجوه اخذشده به حساب دولت واریز گردد.

۴- شروع به جرم اخذ پورسانت، جرم تلقی گردیده است.

ج) ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲

باتوجه به خلأهای موجود در ماده‌واحدۀ سال ۱۳۷۲، قانونگذار ضمن تسری جرم به معاملات داخلی، عناوین مختلف مورد استفاده توسط مأمورین خرید جهت اخذ پورسانت را «تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون، حق الزحمه، حق العمل، پاداش» را در ماده ۶۰۳ ذکر نموده تا هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نگذارد. ماده مزبور اشعار می‌دارد: «هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده ۵۹۸ که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری، نفعی در داخل یا خارج از کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد، برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد، به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده آن گردد، به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد.»

بنابراین، باتوجه به تنوع قانونگذاری و استفاده از قانده جمع در این زمینه می‌توان گفت که اطلاق و عموم قانون ممنوعیت اخذ پورسانت را که مقصود اصلی آن معاملات خارجی است، نسبت به معاملات خارجی قلمداد کنیم و در معاملات داخلی و سایر شقوق آنچه در داخل و خارج از کشور ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ را حاکم بدانیم در نتیجه:

۱- اگر کارگزار دولتی در معاملات خارجی اقدام به قبول پورسانت کند، مشمول ماده‌واحدۀ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت است.

۲- لیکن اگر قبول پورسانت از سوی کارکنان دولت در معاملات داخل کشور یا در سایر موارد یادشده در قانون از قبیل مزایده‌ها، مناقصه‌ها، تشخیصات و امتیازات داخلی یا خارجی باشد، مشمول ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است.

د) ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹

قانونگذار باتوجه به اهمیت و شیوع این جرم در سطح نیروهای مسلح که از حساسیت‌های خاصی برخوردار است، جرم اخذ پورسانت را که در قانون سال ۱۳۷۱ در تبصره ماده ۸۵ درج نموده بود را تحت‌عنوان یک ماده مستقل با دو تبصره (ماده ۱۰۹ در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲) بیان نمود، قانون مذکور اشعار می‌دارد: «قبول هرگونه هدیه یا امتیاز یا درصدانه از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات و قراردادهای خارجی و داخلی توسط نظامیان ممنوع است. مرتکب مذکور علاوه بر رد هدیه یا امتیاز یا درصدانه یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از دو تا ده سال و جزای نقدی برابر هدیه یا امتیاز یا درصدانه محکوم می‌گردد.» تبصره ۱- مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات حبس مقرر در این ماده است.

تبصره ۲- در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله درصدانه می‌پردازد، موضوع قبلاً به اطلاع مسئول مربوطه رسانیده می‌شود و وجوه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول این ماده نخواهد بود.

تفاوت این قانون با ماده‌واحد و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی در این است که:

۱- براساس این قانون فقط جرم اخذ پورسانت توسط نظامیان (افسران و درجه‌داران و کارکنان رسمی، پیمانکار نیروهای مسلح) قابل مجازات است، لیکن جرم اخذ پورسانت توسط کارکنان قراردادی و مرتبط با نیروهای مسلح براساس ماده‌واحد و ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ قابل رسیدگی است.

۲- برای اولین بار اصطلاح «درصدانه» در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح درج گردیده است. ۳- مجازات این قانون نسبت به ماده‌واحد و ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تشدید گردیده و علاوه بر رد پورسانت و معادل آن به‌عنوان جزای نقدی، دو تا ده سال حبس تعزیری نیز مقرر گردیده است.

۴- باتوجه به خاص بودن ق.م.ج.ن.م و اینکه هدف از وضع این قانون خارج کردن افراد نظامی از دیگران بوده، درخصوص معاملات و قراردادهای داخلی یا خارجی، دریافت پورسانت از سوی کارگزار نظامی مشمول ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م است؛ مگر در مواردی که حسب تبصره ماده ۲

این قانون^۱ مجازاتی برای آن ذکر نشده باشد که مطابق عمومات ماده‌واحد و ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ عمل می‌شود.

۵- در این ماده واژه «قراردادها» به کلمه «معاملات» اضافه شده و شامل معاملات و قراردادهای داخلی نیز گردیده است.

ه) ممنوعیت اخذ پورسانت و هدیه در معاملات دولتی در سایر مقررات

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران علاوه بر قوانین اشاره‌شده درخصوص ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات داخلی و خارجی که در مباحث قبلی ذکر گردید، اخذ هرگونه پورسانت و هدیه در رابطه با معاملات دولتی را در مقررات زیر نیز ممنوع اعلام نموده است.

۱- مواد ۴ و ۵ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ اخذ هدیه در معاملات داخلی و خارجی را ممنوع اعلام نموده و چنین اشعار داشته: «ماده ۴: دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود، همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند، ممنوع می‌باشد. به کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی، فرهنگستان‌ها، بنیاد ایران‌شناسی، سازمان اسناد ملی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، کتابخانه ملی ایران و کتابخانه مجلس شورای اسلامی اجازه داده می‌شود به صاحبان کتابخانه، اشیاء هنری و موزه‌ای که مجموعه کتاب‌ها و اشیاء ملکی خود و یا بخشی از آنها را به مؤسسات مذکور در فوق اهداء می‌کنند با تأیید هیئت امناء مربوطه یا بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط مبالغی به‌عنوان هدیه متقابل بپردازند. این مبلغ نباید بیشتر از شصت درصد (۶۰٪) قیمت کارشناسی هدایا باشد. آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

۱. دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده است طبق قانون مربوط به آن جرم تعیین کیفر نماید.

۲- ماده ۷۱ مکرر اصلاحی ۱۳۹۰/۰۲/۱۹ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ در این خصوص مقرر داشته: «پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۲) این قانون به دستگاه‌های اجرایی به‌عنوان کمک یا هدیه به‌صورت نقدی و غیرنقدی به‌جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود ممنوع است. هدایای نقدی که با رعایت ماده (۴) این قانون برای مصارف خاص به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی اهداء می‌شود، باید تنها به حساب بانکی مجاز که توسط خزانه‌داری کل کشور برای دستگاه‌های مذکور افتتاح شده یا می‌شود واریز گردد.

۳- مصرف وجوه مذکور با رعایت هدف‌های اهداءکننده برابر آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد. هدایایی که به‌طور غیرنقدی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اهداء می‌گردد، مشمول مقررات اموال دولتی خواهد بود و شرکت‌های دولتی این‌گونه موارد را باید طبق اصول حسابداری در دفاتر خود ثبت نمایند.

۴- هدایای اهداءشده به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) مساجد، مصلاها، هلال‌احمر، ستاد دیه، ستاد اقامه نماز، بنیاد بیماری‌های خاص، بنیاد شهید و امور ایثارگران (گلزار شهدا)، سازمان انتقال خون ایران، کانون‌های فرهنگی بسیج، هیئت‌های ورزشی، امامزاده‌ها، حسینیه‌ها، دارالقرآن‌ها، دانشکده‌های علوم قرآنی، هیئت‌های مذهبی و پارک‌های علمی و فناوری، هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهداءکننده هدف خود را اعلام نکند، با نظر شورای مشارکت مردمی با سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به مصرف خواهد رسید. اجرا تعهدات معموله قبل از تصویب این قانون بلامانع است.»

گفتار دوم: قواعد حاکم بر جرم اخذ پورسانت

پیرامون قوانین فوق مباحثی مطرح گردیده که در زیر به آن اشاره می‌گردد.

الف) اعتبار قوانین خاص و عام حاکم بر جرم اخذ پورسانت

سؤال: آیا با تصویب ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، ماده‌واحد مصوب ۱۳۷۲ نسخ گردیده یا خیر؟ و آیا ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ ماده‌واحد و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ است؟ و درصورت اجمال و ابهام ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم

نیروهای مسلح، آیا قضات نظامی می‌توانند با توجه به کامل بودن مفاد ماده واحد ۱۳۷۲، به آن قانون رجوع نمایند؟

پاسخ: در موارد فوق به نظر نمی‌آید که نسخ صریح صورت گرفته باشد. زیرا در نسخ صریح قانونگذار ضمن قانون تازه‌ای، منسوخ بودن قانون قدیم را به صراحت اعلام می‌نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۷۱۲). نسخ ضمنی نیز خود بر دو نوع است. گاهی قانون جدید و قدیم از حیث عموم و خصوص با هم برابر هستند و گاهی قانون سابق عام و قانون جدید خاص و بالاخره اینکه گاهی قانون سابق خاص و قانون جدید عام است. بنابراین با توضیحات فوق‌الذکر ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسبت به ماده واحد سال ۱۳۷۲ عام‌تر است. لذا این مورد شامل تعارض حکم عام مؤخر با حاکم خاص مقدم می‌باشد.

در این زمینه نویسندگان با یکدیگر اختلاف نظر دارند بعضی قائل به نسخ ضمنی بوده و معتقد هستند که مقنن با وضع قاعده خاص قصد محدود کردن دامنه شمول قانون عام سابق را در همان مورد به خصوص داشته است و به همین دلیل حتی واژه نسخ را نیز به کار نمی‌برد و می‌گویند قانون خاص لاحق قانون عام سابق را تخصیص زده و دامنه شمول آن را محدود کرده است (صانعی، ۱۳۸۲: ص ۱۶۳).

اما در مقابل عده‌ای دیگر این احتمال را قوی می‌دانند که مقنن، تمایلی به نسخ حکم خاص نداشته است و حکم خاص کماکان به اعتبار خود باقی است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ص ۱۷۴). اما به نظر می‌رسد همان‌طور که استاد دکتر جعفر لنگرودی نیز بیان داشتند، پیروی از نظر اخیر مرجع باشد و بهتر است قضات تا می‌توانند طبق اصل عدم نسخ، حکم به نسخ ندهند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ص ۷۱۳).

به عبارت دیگر بهتر است دو قانون را با هم جمع کرد؛ به گونه‌ای که هر دو قانون معتبر باقی بمانند. کمیسیون قضائی قوه قضائیه طی نشست^۱ درخصوص سؤال مطرح شده (سؤال شماره ۷۳۰) مبنی بر اینکه آیا قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات دولتی مصوب ۱۳۷۲ با تصویب ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به قوت خود باقی است یا نسخ شده است؟ در نظر اکثریت گفته شده: «باتوجه به اینکه قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در

۱. مجموعه نشست‌های قضائی دادگستری تبریز؛ جلد دوم، شهریور ۱۳۸۱.

معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ قانون خاص قدیم بوده و قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ قانون عام جدید می‌باشند، قاعده کلی مبنی بر اینکه قانون عام چه سابق و چه لاحق، قانون خاص را نسخ نمی‌کند. لذا ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی ناسخ ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی نخواهد بود.»، اقلیت نیز چنین نظر داده‌اند:

«باتوجه به اینکه نسخ به دو صورت ضمنی و صریح می‌باشد و حسب منطق ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی که قانون قدیم بوده و به‌طور تفصیلی در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی به‌عنوان قانون جدید علاوه بر آن، سایر موارد در قالب ماده‌واحد به‌عنوان وصف جزایی بیان شده است، قانون جدید، قانون سابق را نسخ ضمنی کرده است و نیز صرف‌نظر از خاص و عام‌بودن، قانون جدید نسبت به‌حال متهم اخف می‌باشد، وفق ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی به‌طور حتم ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی قابل‌اعمال خواهد بود.»

کمیسیون قضائی با اخذ نظرات اقلیت و اکثریت نظر نهائی خود را به شرح زیر ارائه نموده است:

«ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی ماهیتاً نسبت به ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت و تبصره‌های آن تفاوت اساسی دارد و ناسخ آن نیست، به این کیفیت که ماده ۶۰۳ ناظر به مواردی است که کارمند شخصاً از طریق توافق یا ترتیبات خاص برای خود با دیگران نفعی منظور می‌دارد، در حالی که موضوع دادن پورسانت که در معاملات خارجی متداول و مرسوم است، براساس عرف متداول وجه یا مالی را به‌واسطه معامله می‌دهند به همین علت قانونگذار در تبصره ۳ ماده‌واحد فوق‌الذکر مقرر داشته: «در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله پورسانت می‌پردازد موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذی‌ربط رسانده می‌شود و وجه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول ماده فوق نخواهد بود.»

بنابراین، باتوجه به تنوع قانونگذاری و استفاده از قاعده جمع در این زمینه می‌توان گفت مفاد ماده‌واحد سال ۱۳۷۲ و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ همه کارمندان دولت را شامل می‌شود و عام تلقی می‌گردد و اگر کارگزار دولتی در معاملات خارجی اقدام به قبول پورسانت کند، مشمول ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ می‌شود. اگر قبول پورسانت از سوی کارکنان دولت در معاملاتی

از قبیل مزایده‌ها، مناقصه‌ها، تشخیصات و امتیازات داخلی باشد، مشمول ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ است.

رویه دادگاه نیز قوانین مذکور را معتبر می‌داند. شعبه ۱۴۰۹ دادگاه عمومی جزایی تهران در رأی شماره ۲۲۸۲-۱۳۷۸/۵/۲۱ درخصوص اتهام آقای... کارمند شرکت نفت که با شرکت‌های خارجی... از طرف شرکت ملی نفت مبادرت به انعقاد قرارداد نموده است، باتوجه به گزارش وزارت اطلاعات و همچنین اقرار صریح متهم، جرم وی را محرز دانسته و با استناد به ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۵ حکم صادر کرده است.

باتوجه به خاص بودن قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و اینکه هدف از وضع این قانون خارج کردن افراد نظامی از سایر اقشار بوده، لذا درخصوص معاملات و قراردادهای داخلی یا خارجی نیروهای مسلح، دریافت پورسانت از سوی کارگزار نظامی مشمول ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح است؛ مگر در مواردی که حسب تبصره ماده ۲ این قانون^۱ مجازاتی برای آن ذکر نشده باشد که مطابق عمومات ماده واحد و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ عمل می‌شود.

ب) ماهیت تبصره ۳ ماده واحد مصوب ۱۳۷۲ و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲

قانونگذار در تبصره ۳ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲^۲ و همچنین تبصره ۲ ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲^۳ پورسانت‌گیرنده‌ای را که دریافت پورسانت را به اطلاع مقامات مسئول رسانیده و وجه مزبور را دریافت و به حساب خزانه دولت واریز نماید، مشمول این ماده ندانسته است. سؤالی که در اینجا طرح می‌شود این است که این تبصره مشمول کدام یک از تأسیسات حقوقی می‌باشد؟ آیا از

۱. تبصره ماده ۲ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲: «در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد، چنانچه رسیدگی

به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم تعیین کیفر می‌نماید...».

۲. تبصره ۳ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲: «در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله پورسانت می‌پردازد، موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذی‌ربط رسانده می‌شود و وجه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول ماده فوق نخواهد بود.»

۳. تبصره ۲ ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: «در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله درصداً می‌پردازد، موضوع قبلاً به اطلاع مسئول مربوط رسانیده می‌شود و وجه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول این ماده نخواهد بود.»

علل رافع مسئولیت کیفری است؟ و یا از معاذیر معاف‌کننده قانونی می‌باشد؟ و یا از اسباب اباحه می‌باشد؟ اهمیت درک این موضوع از این جهت می‌باشد که هرکدام از تأسیسات فوق آثاری دارند که آن را از سایر موارد متمایز می‌کند.

در علل شخصی رافع مسئولیت کیفری، عمل ارتكابی خاصیت مجرمانه خود را از دست نمی‌دهد، اما مرتکب فاقد مسئولیت کیفری شناخته و از تحمل مجازات معاف می‌شود. باتوجه به اینکه علل رافع مسئولیت کیفری کیفیاتی نفسانی و درونی در شخص مرتکب می‌باشند که باعث معافیت وی از مجازات می‌شوند. به‌نظر نمی‌توان تبصره فوق را از علل رافع مسئولیت کیفری دانست؛ زیرا طبق این تبصره مرتکب به‌خاطر ویژگی درونی و نفسانی خود از تحمل مجازات معاف نشده، بلکه با انجام اقدام موردنظر قانونگذار، از مجازات رهایی می‌یابد. اما در معاذیر قانونی معاف‌کننده مجازات نه‌تنها جرم بلکه مسئولیت کیفری هم بجای خود باقی و صرفاً مرتکب از تحمل مجازات معاف می‌شود.

به‌نظر می‌رسد تبصره ۳ ماده‌واحد و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م را نیز نمی‌توان از معاذیر قانونی معاف‌کننده مجازات دانست، چرا که در این صورت باید قائل شد به اینکه جرم اتفاق افتاده اما مقنن بنا به مصالحی از مجازات شخص امتناع می‌نماید و اگر این نظر پذیرفته شود که تبصره فوق نوعی عذر معاف‌کننده است، در این صورت باعث می‌شود تا مأموران خرید به دلیل مشکلاتی که بعداً برای آنها پیش می‌آید از پذیرش پورسانت خودداری کنند؛ حال آنکه گاهی پورسانت پرداخت می‌شود و عدم دریافت پورسانت هم تأثیری در قیمت، کیفیت و کمیت مورد معامله ندارد. اما از عبارت «مشمول این ماده (ماده فوق) نخواهد بود» مندرج در تبصره ۳ ماده‌واحد و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م چنین استنباط می‌شود که نظر مقنن درخصوص مورد اشاره‌شده این بوده که اصلاً جرمی اتفاق نیفتاده است و مقنن با استعمال عبارت فوق قصد داشته است پورسانت گیرنده را که پرداخت پورسانت را به اطلاع مسئولان مربوط می‌رساند و وجوه مزبور را نیز به خزانه دولت واریز می‌کند، مشمول اسباب اباحه دانسته، در اسباب اباحه، خاصیت مجرمانه عمل موردنظر سلب می‌شود و ارتکاب آن مباح می‌شود.

ج) عطف به ماسبق شدن قانون ممنوعیت اخذ پورسانت

مقنن در تبصره ۲ ماده واحد قانون اخذ پورسانت این قانون را در مورد پورسانت‌ها یا معادل آنکه از تاریخ ۵۸/۱/۱ توسط مأمورین خرید اخذ شده است، لازم‌الاجرا دانسته است و بدین ترتیب قانون را در این زمینه عطف به ماسبق کرده است.

قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری در اسلام پذیرفته شده است. خداوند متعال در آیات شریفه زیر می‌فرماید: «وما كنا معذبين حتى نبعث رسولا» و ما عذاب نمی‌کنیم هیچ امتی را تا بر ایشان پیامبری بفرستیم^۱ و «عفا الله عما سلف» خداوند از آنچه در گذشته رخ داده چشم‌پوشی کرده است.^۲ در حقوق عرفی قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری از اصل قانونی بودن جرم و مجازات نشأت گرفته شده که منتسب به منتسکیو در قرن هیجدهم میلادی است (محسنی، ۱۳۷۵: ص ۴۱). همچنین قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و قاعده «جب»^۳ نیز در این خصوص بیان شده است.

در مجموع عطف به ماسبق کردن قوانین، مغایر با آموزه‌های علم حقوق می‌باشد. قوانین نباید عطف به ماسبق شوند؛ جزء در موارد خاص. در کشور ما نیز عطف به ماسبق شدن در قوانین مختلف ممنوع شده است. از این میان می‌توان به اصل ۱۶۹ قانون اساسی^۴ ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۵۱۳۹۲/۲/۱ و ماده ۴ قانون مدنی^۵ اشاره کرد.

۱. سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۱۵

۲. سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۹۵

۳. روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: الاسلام یجب ما قبله؛ یعنی اسلام آنچه را پیش از آن بوده می‌برد. به این معنا که جرائم ارتكابی پیش از ورود به اسلام کیفر نخواهد شد (رجوع کنید به کتاب "قواعد فقهیه" تألیف سید محمد موسوی یجنوردی؛ جلد نخست، چاپ سوم، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳ ه.ق ص ۱۷۳).

۴. اصل ۱۶۹ قانون اساسی: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود.»

۵. ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد ...»

۶. ماده ۴ قانون مدنی: «اثر قانون نسبت به آتیّه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.»

سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که حال که مقنن در تبصره ۲ ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ با تسری قانون فوق به قبل از تصویب آن در واقع بر خلاف رویه و منطق قوانین از قاعده عطف‌بما سبق‌نشدن قوانین تخطی نماید و قانون مذکور را عطف‌بما سبق نموده، تکلیف قضات محاکم در این مورد چیست؟ آیا می‌توانند مطابق مفاد ماده واحد سال ۱۳۷۲ جرم ارتكابی را به ماقبل قانون تسری بدهند و قانون را عطف‌بما سبق نمایند؛ و یا اینکه از این کار امتناع نموده و در خصوص جرمی که در قبل از تصویب ماده واحد سال ۱۳۷۲ ارتكاب یافته، قرار منع تعقیب صادر نمایند؟ و قضات نظامی چگونه در این خصوص رفتار نمایند؟

پاسخ: در این زمینه بین حقوق‌دانان اختلاف هست. بعضی اعتقاد دارند قانونگذاری که قانون را عطف‌بما سبق می‌نماید مخالف شئون و حقوق عرفی کشور، عمل کرده است و عمل وی ظالمانه و غیرموجه می‌باشد. در مقابل عده‌ای دیگر اعتقاد دارند قاضی حق کنترل و نقض قوانین مجلس را ندارد و مکلف است قوانین عادی را هرچند عطف‌بما سبق شده است را اجرا نماید. لذا در خصوص این موضوع باید گفت هرچند عطف‌بما سبق شدن مخالف شئون و حقوق عرفی کشور است، لیکن قانونگذار در جهت رعایت عدالت و باتوجه به شیوع این موضوع طی سال‌های پس از انقلاب و خلأ قوانین با درج تبصره ۲ ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت نظرش به استرداد مبالغ اخذشده به صندوق دولت بوده است و این موضوع به عدالت قضائی نزدیک‌تر است.

بنابراین حقوق‌دانان از نظر واحدی تبعیت نمی‌کنند. حال باید دید که از کدام‌نظر تبعیت می‌شود؟ باتوجه به اینکه عطف‌بما سبق‌نشدن قانون در قانون اساسی تصریح شده، پاسخ به سؤال فوق مستلزم پاسخ به سؤال دیگری هست مبنی بر اینکه آیا قضات می‌توانند از اجرای قانون عادی که مغایر با قانون اساسی است امتناع ورزند؟ مسئولیت مطابقت قانون عادی با قانون اساسی طبق اصل ۹۶ قانون اساسی به عهده شورای نگهبان می‌باشد. قضات وظیفه و مسئولیتی در این زمینه ندارد. اما بعضی از اساتید چنین حقی را برای قضات متصور می‌دانند. دکتر کاتوزیان اعتقاد دارند: اگر قاضی با دو قانون متعارض روبه‌رو شد که یکی از آنها قانون عادی و دیگری قانون اساسی باشد، قاضی باید به قانون عالی‌تر عمل نمایند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: صص ۱۴۷-۱۶۶).

در صورت پذیرش این عقیده در پاسخ به سؤال مطرح شده باید گفت باتوجه به اینکه در تبصره ۲ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، مقنن بر خلاف نص صریح قانون اساسی، مبادرت به عطف‌بماسبق کردن قانون کرده است. قضات می‌توانند با استناد به اصل ۱۶۹ قانون اساسی به تبصره فوق عمل ننمایند و از عطف‌بماسبق کردن قانون امتناع ورزند.

اما به نظر نگارنده واقعیت چیز دیگری است. باتوجه به محتوای مذاکرات انجام شده در جلسه شماره ۱۱۴ مورخ چهارم خردادماه سال ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی، یکی از جاهایی که پورسانت‌های کلان می‌گرفته‌اند، در خرید اقلام دفاعی و نظامی بوده و حتی ممکن بوده که این افراد تا حد خیانت یا جاسوسی و عامل بیگانه‌شدن هم پیش رفته بودند و اگر این افراد که تا حد خیانت جلو رفته‌اند و موجبات ورود ضرر را به دولت و نیروهای مسلح و مردم فراهم نموده‌اند و از مجازات معاف می‌شدند یک ارفاق بزرگی بود و... (روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، جلسه ۱۱۴، ۱۳۷۲/۳/۴، ص ۲۱). همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۵۲۶۳ - ۱۳۷۸/۷/۲۸ در این خصوص اظهار داشته: «تعقیب کیفری اخذکننده پورسانت قبل از قانون ممنوعیت اخذ پورسانت، به لحاظ اینکه در آن وقت جنبه کیفری نداشته، بر طبق ماده ۱۱ ق.م.ا فاقد وجاهت قانونی است.

پورسانت در قانون یاد شده، مال ناشی از جرم به شمار رفته و لذا در صورت موجود بودن آن بدون دادخواست قابل استرداد است. در غیر این صورت با تقدیم دادخواست از سوی سازمان مربوط یا وزارت دارایی به دادگاه محل، مطالبه خواهد شد. نسبت به پورسانت‌های قبل از قانون هم بایستی با تقدیم دادخواست مطالبه شود.

در صورت تسلیم پورسانت و یا معادل آن از سوی دریافت‌کننده آن، مسترد داشتن آن به همان شخص نادرست است و بایستی به عینه به خزانه دولت واریز شود. به عبارت دیگر، در صورت موجود بودن پورسانت بایستی به خزانه واریز شود؛ در غیر این صورت به نحوی که گفته شد با تقدیم دادخواست مطالبه خواهد شد.

لذا به نظر می‌رسد هدف از طرح این موضوع و تسری قانون به تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ فقط برگشت مبالغ اخذ شده تحت عنوان پورسانت به خزانه دولت بوده تا با این اقدام حداقل نسبت به برقراری عدالت اقدامی صورت گرفته باشد. باتوجه به اطلاق ماده واحد ۱۳۷۲، اخذ پورسانت توسط نظامیان در معاملات و قراردادهای از تاریخ ۵۸/۱/۱ تا تاریخ تصویب قانون مجازات جرائم

نیروهای مسلح نیز مشمول ماده‌واحد می‌باشد و قضات محاکم نظامی نیز به‌موجب تبصره ماده ۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ براساس تبصره ۲ ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب سال ۱۳۷۲ حکم صادر می‌نمایند.

سؤال دیگری که در اینجا مطرح می‌گردد این است که تکلیف پورسانت‌های اخذشده در معاملات داخلی که از ۵۸/۱/۱ اخذ شده چیست؟ پاسخ این است که مطابق محتوای مذاکرات انجام‌شده در جلسات شماره‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ مورخ دوم و چهارم خردادماه ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی، هدف مقنن از وضع شرایط و تصویب ماده‌واحد سال ۱۳۷۲، فقط جرم‌انگاری موضوع اخذ پورسانت در معاملات خارجی بوده و آن‌هم به این دلیل بوده که شرکت‌های خارجی برحسب عرف و عادت پورسانت می‌پرداخته‌اند. لذا قانون فوق درخصوص معاملات داخلی ساکت بوده و در این خصوص عطف‌بماسبق نگردیده است.

د) غیر قابل گذشت بودن جرم اخذ پورسانت

چون در قوانین مربوط به پورسانت (ماده‌واحد سال ۱۳۷۲، ماده ۶۰۳ تعزیرات سال ۱۳۷۵ و ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م. مصوب سال ۱۳۸۲) ذکری از قابل‌گذشت بودن این جرائم به میان نیامده است. بنابراین جرم اخذ پورسانت ازجمله جرائم عمومی و غیرقابل گذشت می‌باشد و گذشت شاکی یا مدعی خصوصی به‌موجب ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تأثیری در کیفیت مجازات ندارد.^۱ ضمناً ماده ۲۵ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ نیز درخصوص جرم ارتشاء و اخذ پورسانت قابل اجرا می‌باشد.^۲

۱. ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم تعزیری قابل‌گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب‌مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است. تبصره ۱- جرائم قابل‌گذشت، جرائمی می‌باشند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم‌گذشت وی است. تبصره ۲- جرائم غیرقابل گذشت جرائمی می‌باشند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد...»

۲. رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳ مورخ ۱۳۷۲/۷/۶ دیوان عالی کشور

گفتار سوم: جایگاه جرم پورسانت در قوانین بین‌المللی

الف) سابقه موضوع

در قوانین بسیاری از کشورها عنوان مجرمانه خاصی تحت‌عنوان بزه «اخذ یا پرداخت پورسانت» وجود ندارد، اما این جرم و جرائم مالی مشابه مانند دریافت و پرداخت رشوه، نفوذ در معاملات، تبانی در معاملات در کنوانسیون‌های بین‌المللی، تحت‌عنوان کلی «فساد مالی»^۱ جرم‌انگاری شده است. پورسانت و رشوه یا فساد مالی به‌عنوان پدیده‌های ناهنجار، موجبات انحطاط جوامع را فراهم می‌کنند. لذا در کلیه نظام‌های جهانی، شدیداً مورد نکوهش قرار گرفته است.

آمار و ارقامی که از دادوستدهای پولی (رشوه و پورسانت) تحت‌عنوانین مختلف ارائه می‌شود، سرسام‌آور و نگران‌کننده است. براساس تحقیق سازمان بانک جهانی، همه‌ساله بیش از یک تریلیون دلار رشوه و پورسانت در کشورهای غنی و در حال توسعه پرداخت می‌شود. کشورهای غربی و توسعه‌یافته هر ساله با پرداخت پورسانت‌های کلان به شرکت‌های چندملیتی فعال در سایر کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه (به‌ویژه در زمینه‌های نظامی و خدمات عمومی) ضمن نفوذ در دستگاه‌های دولتی و کسب اطلاعات قراردادهای و نیازمندی‌ها، امکان برنده شدن در مناقصات را به نفع خود بدست می‌آورند.

در سال ۱۹۹۹ بخش تجاری آمریکا اعلام کرد که در عرض ۵ سال، پورسانت‌های گوناگون به مبلغ ۱۲۵ میلیارد دلار در ۲۹۴ قرارداد تجاری پرداخت نموده است. برابر گزارش مجله جهان تجارت در سال ۱۹۹۶، پورسانت‌هایی که شرکت‌های آلمانی در قراردادهای پرداخت نموده‌اند بیش از ۳ میلیارد دلار بوده است. مطابق گزارش سرویس مخفی فرانسه، شرکت‌های خصوصی به تنهایی در این مسئله نقش ندارند، بلکه در سال ۱۹۹۴ موسسه دولتی اعتبارات صادراتی فرانسه حدود ۲ میلیارد دلار به خریداران خارجی «وسایل دفاعی» پورسانت پرداخت نموده است. این‌چنین پورسانت‌ها ممکن است در همه‌جا باشد، اما آشکارکردن آنها کار ساده‌ای نیست. بسیاری از شرکت‌های غربی خود را به‌طور مستقیم آلوده نمی‌کنند، بلکه به‌وسیله نمایندگان محلی خود ۱۰ درصد مبلغ قرارداد را به‌عنوان «پاداش موفقیت» می‌دهند و این

نمایندگان نیز با دسترسی به این «پول شیرینی» و با اعطاء بخشی از آن کارگزاران و مأمورین خرید دولت، اقدامات خود را برای پیشبرد قراردادهای انجام می‌دهند. این پورسانت‌ها به‌طور فزاینده‌ای پیچیده شده و بیشتر حالت پاداش‌های نیمه قانونی یا «کمسیون» را به خود گرفته تا قیمت‌ها را زیاد و غیرواقعی کند. در قراردادهایی که به‌وسیله اعتبارات صادراتی تضمین می‌شود، چنین «پورسانت»هایی در هزینه‌ها حساب شده و این مبلغ به همراه ارزش قرارداد، تضمین اعتبار می‌شود.

عواقب وخیم این پدیده شوم، جامعه جهانی را مجبور به عکس‌العمل‌هایی کرده که ازجمله این اقدامات بین‌المللی می‌توان به امضای کنوانسیون OECD بر ضد ارتشاء در سال ۱۹۹۷ که قدم اساسی در مبارزه با این پدیده شوم بود، اشاره کرد. از اقدامات دیگر در سطح بین‌المللی، تصویب «کنوانسیون حقوق جزا در مورد فساد» از سوی کشورهای عضو شورای اروپا در استراسبورگ در بیست و هفتم ژانویه ۱۹۹۹ می‌باشد که برای اعضای این اتحادیه، تعهداتی را پیش‌بینی نموده است. همچنین می‌توان به تصویب کنوانسیون مقابله با فساد مالی (مریدا ۲۰۰۳) و کنوانسیون علیه جنایات سازمان‌یافته فراملی (پالرمو ۲۰۰۰) اشاره نمود. براساس این کنوانسیون، دولت‌های عضو موظف به انجام اقداماتی در سطح ملی برای جرم‌شناختن پرداخت رشوه و پورسانت به‌ویژه به مقامات خارجی شده‌اند.

سازمان‌ها و نهادها نیز درخصوص مطالعه و رصد این پدیده شوم در سطح بین‌المللی و داخلی ایجاد شده‌اند که به‌صورت سالانه گزارش‌هایی از وضعیت کشورهای جهان ارائه می‌دهند؛ ازجمله سازمان «شفافیت بین‌المللی» که یک سازمان غیردولتی است، هدف خود را پیشبرد همکاری بین‌المللی برای ریشه‌کن کردن فساد مالی و اداری در کشورهای مختلف عنوان کرده است. این سازمان در سال ۱۹۹۳ میلادی در آلمان تأسیس شده و دارای یکصد شعبه در مناطق مختلف جهان است و گزارش‌هایی را در مورد گستردگی فساد مالی و اداری در مناطق مختلف جهان تهیه و منتشر می‌نماید.^۱ با توضیحات فوق به بررسی مستندات قانونی موجود در سطح بین‌المللی می‌پردازیم:

۱. این سازمان در آخرین گزارش خود که مربوط به سال ۲۰۰۷ که درباره دامنه فساد مالی و اداری در کشورهای مختلف جهان است، به رده‌بندی آنها پرداخته است. کشور ایران در بین صد و هشتاد کشور جهان، دارای رتبه یک‌صد سی و یک

ب) قوانین بین‌المللی

قوانین بین‌المللی موجود در ارتباط با پورسانت و رشوه به شرح زیر بیان می‌گردد.

۱) کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جنایات سازمان‌یافته فراملی (پالرمو)^۱ مصوب ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰

هنگامی که در دوران پس از جنگ جهانی دوم و در سال‌های جنگ سرد و در شرایطی که کشورهای مختلف جهان سرگرم مشکلات و اختلافات بین‌ابردت‌ها بودند موجب گردید شمار سازمان‌های فراملی جنایت‌کارانه و همچنین جنایات گوناگون، افزایش چشمگیری پیدا کند به‌طوری که با پیشرفت تکنولوژی و توسعه اقتصادی کشورها در نیمه دوم قرن بیستم، جرائم سازمان‌یافته فراملی نیز رشد و تکامل یافت و این موضوع باعث شد موجودیت سیاسی، اقتصادی و استقلال و حاکمیت دولت‌ها و ملت‌ها را به مخاطره بیندازد. لذا جامعه بین‌المللی (سازمان ملل) هرچند دیر هنگام به این نتیجه رسید، ولی نهایتاً در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ طی قطعنامه ۵۵/۲۵ در اجلاس پنجاه و پنجم، کنوانسیون جنایات سازمان‌یافته فراملی (کنوانسیون پالرمو)^۲ و دو پروتکل الحاقی به آن را به تصویب رساند و متعاقباً پروتکل دیگر آن تحت‌عنوان طرح پروتکل علیه تولید غیرقانونی و قاچاق سلاح‌های گرم، قطعات و اجزای آنها و مهمات که مکمل کنوانسیون مورد اشاره بوده را در تاریخ ۳۱ می ۲۰۰۱ طی قطعنامه ۵۵/۲۵۵ به تصویب می‌رساند. کنوانسیون مذکور یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های موجود درخصوص مبارزه با فساد مالی محسوب می‌گردد که تا تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ دارای ۱۴۷ عضو بوده و جمهوری اسلامی ایران نیز در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۰ یعنی اولین روز مفتوح‌شدن کنوانسیون، آن را امضاء نموده ولی تاکنون قانوناً به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است (سلیمی، ۱۳۹۱: ص ۳۰).

در ماده ۸ کنوانسیون فوق‌الذکر مصادیق جرم‌انگاری فساد مالی^۳ به شرح زیر قید گردیده است:

می‌باشد که هم‌رده لیبی و یمن است. در حالی که کشورهای منطقه مانند قطر دارای رتبه سی‌ودو و امارات، بحرین و عمان و اردن به ترتیب رتبه‌های سی‌وچهار، چهل‌وشش و پنجاه‌وسه را دارا می‌باشند.

1. The un Convention Against Transnational Organized Crimes 2000

(کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰)

2. Palermo 2000

3. Criminalization Of Corruption

«ماده ۸: جرم‌انگاری فساد»

۱- هر یک از دولت‌های عضو تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم جهت جرم‌انگاری هر یک از اعمال ذیل، در صورتی که عامدانه ارتکاب یابند، اتخاذ خواهند نمود:

الف) وعده اعطای یک مزیت نابجا به یک کارگزار عمومی یا عرضه یا اعطای آن به وی، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، برای خودش یا برای شخص یا نهادی دیگر، بدین‌منظور و هدف که کارگزار مزبور در اجرای وظایف رسمی خود فعلی را انجام دهد یا از انجام فعلی خودداری کند.

ب) درخواست یا پذیرش یک مزیت نابجا از سوی کارگزار عمومی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به نفع خودش یا به نفع شخص یا نهادی دیگر، بدین‌منظور که آن کارگزار در اجرای وظایف رسمی خود فعلی را انجام دهد یا از انجام فعلی خودداری کند.

۲- هر دولت عضو، موضوع اتخاذ تدابیر تقنینی و سایر تدابیر لازم برای تلقی‌کردن اعمال مندرج در بند ۱ این ماده که یک کارگزار عمومی خارجی یا کارمند مدنی بین‌المللی در ارتکاب آنها دخالت دارند، به‌عنوان جرائم کیفری را مدنظر قرار خواهد داد. به‌همین ترتیب، هر دولت عضو موضوع تلقی‌کردن سایر اشکال فساد به‌عنوان جرائم کیفری را مدنظر قرار خواهد داد.

۳- هر دولت عضو همچنین تدابیر لازم جهت تلقی‌کردن عمل مشارکت در هر یک از اعمال مجرمانه موضوع این ماده، به‌عنوان جرم کیفری را مدنظر قرار خواهند داد.

۴- برای مقاصد بند ۱ این ماده و ماده ۹ این کنوانسیون «کارگزار عمومی» عبارت است از یک کارگزار عمومی یا هر شخصی که حسب تعریف حقوق داخلی و به شرح مندرج در حقوق کیفری دولت عضوی که شخص مزبور به ایفای وظیفه محوله می‌پردازد، به ارائه یک خدمت عمومی مشغول است.»

توضیحات:

۱- باتوجه به اطلاق «مزیت نابجا» (مزیت نامشروع) در بند ب قسمت اول ماده ۸ کنوانسیون پالرمو، برخی از حقوقدانان بیان داشته‌اند فعل موردنظر اعم از ارتشاء و اخذ پورسانت بوده و تمام اشکال فساد مالی و سیاسی را شامل می‌شود و آنچه در این ماده موردنظر است، سوءاستفاده از موقعیت اداری برای بدست‌آوردن امتیاز (مزیت) نامشروع است که شامل اعمال تبعیض، اعمال نفوذ، ارتشاء، اخذ پورسانت و امثال آن است (شمس‌ناتری، ۱۳۸۰: ص ۱۸۳). پس

همان‌گونه که نویسنده بیان داشته است، تحصیل مزیت نامشروع توسط مقام عمومی تنها دربردارنده ارتشاء به معنی صرف کلمه نمی‌باشد و در واقع تدوین‌کنندگان کنوانسیون مفهوم موسعی از فساد مالی را مدنظر داشته‌اند.

۲- در کنوانسیون پالرمو نکته‌ای که وجود دارد این است که لازم نیست رابطه و توافقی بین دو نفر یا بیشتر به وجود آید. به بیان دیگر رفتار یک‌جانبه هر یک از طرفین برای تحقق این عنوان جنائی کفایت می‌کند.

۳- از طرف دیگر به صرف پیشنهاد و یا ارائه وعده‌ای جرم تحقق می‌یابد بدون آنکه طرف مقابل آن را بپذیرد یا وعده مذکور به مرحله اجرا درآید.

۴- تدوین‌کنندگان چون می‌دانستند که تعریف مندرج در این ماده همه انواع فساد مالی را دربر نمی‌گیرد، لذا در بند ۲ آن ماده بررسی سایر انواع فساد مالی را به خود دولت‌های عضو واگذار نموده‌اند.

۵- موارد مطرح‌شده در بندهای (الف) و (ب) ماده ۸ کنوانسیون پالرمو (وعده اعطای یک مزیت نابجا یا درخواست یک مزیت نابجا) تحت‌عنوان شروع به جرائم مذکور در قوانین داخلی جرم‌انگاری شده و عمدتاً شروع به ارتشاء و شروع به اخذ پورسانت محسوب می‌گردد. در واقع صرف دادن پیشنهاد بدون مترتب‌شدن نتیجه بر آن جرم مطلق تلقی شده که تحقق آن منوط به تحصیل نتیجه مجرمانه نیست.

۶- در کنوانسیون پالرمو و همچنین کنوانسیون مبارزه با فساد نیز از دولت‌ها خواسته شده است که کسب مزیت نامشروع از سوی مقام عمومی را جرم‌انگاری نمایند. مزیت نیز اعم از مزیتی است که جنبه مالی دارد و یا مزیتی است که جنبه مالی ندارد.

(۲) کنوانسیون مقابله با فساد ۲۰۰۳ (مریدا)^۱ مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد (کنوانسیون مریدا)^۲ مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ به موجب قطعنامه شماره ۵۸/۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و توسط ۱۵۹ دولت امضاء شده و کشور جمهوری اسلامی ایران نیز براساس

1. United Nations Convention Against Corruption

2. Merida

«قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۲۰» به آن ملحق شده است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران نیز همسو با کنوانسیون مریدا در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۷ «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» را به تصویب رساند که براساس ماده ۱۱ آن قانون، قوه قضائیه مکلف شد لایحه جامعی را به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران و کارکنان دستگاه‌های دولتی و عمومی که به سبب شغل یا وظیفه مرتکب می‌شوند شامل تشکیلات، صلاحیت‌ها، آیین دادرسی و سایر تشریفات رسیدگی تهیه و به دولت ارائه تا سیکل قانونی را طی نماید که البته تاکنون اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است. این کنوانسیون مشتمل بر هشت فصل و ۷۱ ماده است که در مقدمه آن بر ارتباط «فساد» با دیگر جرائم سازمان‌یافته فراملی تأکید شده و اعلام شده که فساد مالی ثبات سیاسی و توسعه پایدار کشورها را تهدید می‌کند و فساد را یک پدیده مخرب و فراملیتی معرفی کرده است. کنوانسیون مذکور در صدد تنظیم همکاری دولت‌ها در موضوع جرم‌انگاری، پیشگیری، ضبط یا استرداد اموال، حمایت از شهود و بزه‌دیدگان در جرائم زیر می‌باشد:

- ۱- از دولت‌ها خواسته شده است کسب مزیت نامشروع توسط مقامات عمومی را جرم‌انگاری نمایند.
- ۲- ارتشاء مقامات دولتی داخلی ۳- ارتشاء مقامات دولتی خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی ۴- حیف‌ومیل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقام‌های دولتی ۵- اعمال نفوذ در معاملات ۶- سوءاستفاده از وظایف ۷- داراشدن من غیرحق ۸- ارتشاء در بخش خصوصی ۹- اختلاس اموال در بخش خصوصی ۱۰- تطهیر عواید ناشی از جرم ۱۱- ممانعت از اجرای عدالت (سلیمی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۵).

کنوانسیون مریدا در مواد زیر به مباحث مربوط به ارتشاء و پورسانت اشاره نموده است:

ماده ۱۵- ارتشاء مقامات دولتی داخلی:

هر کشور عضو، اقدامات قانونی و سایر اقدامات لازم را اتخاذ خواهند نمود تا موارد زیر زمانی که به صورت عمدی ارتکاب یافته باشند، به عنوان جرائم کیفری به حساب آیند:

الف- وعده، ارائه یا دادن امتیاز بی مورد به یک مقام دولتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای خود آن مقام یا هر شخص یا واحد دیگر برای اینکه آن مقام در انجام وظایف رسمی خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد.

ب- درخواست یا قبول امتیاز بی‌مورد از طرف یک مقام دولتی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای خود آن مقام یا هر شخص یا واحد دیگر برای اینکه آن مقام در انجام وظایف رسمی خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد.

ماده ۱۶- ارتشاء مقام‌های دولتی خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی:

الف- هر کشور عضو، قوانین و سایر اقدامات ضروری را اتخاذ خواهد نمود تا وعده، ارائه یا دادن یک امتیاز بی‌مورد به یک مقام دولتی خارجی یا مقام سازمان عمومی بین‌المللی برای خود آن مقام یا هر شخص یا واحد دیگر برای اینکه آن مقام در انجام وظایف رسمی خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد یا برای اینکه کسب‌وکاری را بدست آورد یا حفظ کند یا سایر امتیازهای بی‌مورد در ارتباط با رفتار تجارت بین‌الملل، در صورتی که به‌صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم تلقی گردد.

ب- هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات ضروری را مورد بررسی قرار خواهد داد تا درخواست یا قبول امتیاز بی‌مورد توسط یک مقام دولتی خارجی یا مقام سازمان عمومی بین‌المللی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای خود آن مقام یا هر شخص یا واحد دیگر برای اینکه آن مقام در انجام وظایف رسمی خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد، در صورتی که به‌صورت عمدی ارتکاب یابد، جرم تلقی گردد.

ماده ۲۱- ارتشاء در بخش خصوصی:

هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا موارد زیر در صورتی که به‌صورت عمدی در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا بازرگانی ارتکاب یافته باشد، جرم کیفری تلقی شود:

الف- وعده، ارائه یا دادن مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی‌مورد به هر شخص، که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند، برای خود آن شخص یا شخص دیگر برای اینکه وی با زیرپا گذاشتن وظایف خود، عملی را انجام دهد یا از انجام آن خودداری نماید.

ب- درخواست یا قبول مستقیم یا غیرمستقیم امتیاز بی‌مورد توسط هر شخص که در هر جایگاهی برای بخش خصوصی فعالیت یا آن را اداره می‌کند، برای خود آن شخص یا شخص

دیگر برای اینکه وی با زیرپا گذاشتن وظایف خود عملی را انجام دهد یا از انجام آن اجتناب ورزد.

نکات

- ۱- این کنوانسیون نیز تحصیل امتیاز نامشروع توسط مقامات دولتی داخلی (اعم از مسئولین و یا کارگزاران) که شامل اخذ رشوه، اخذ پورسانت و... می‌باشد را جرم‌انگاری نموده است، البته واژه امتیاز واژه‌ای است عام که اعم است از منافع مالی و یا غیرمالی.
- ۲- کنوانسیون به‌طور صریح خصوصیت مرتکبین را در سه ماده ۱۵ (مقامات دولتی داخلی)، ماده ۱۶ (مقام‌های دولتی خارجی و مقام‌های سازمان‌های عمومی بین‌المللی) و ماده ۲۱ (بخش خصوصی) طبقه‌بندی نموده و از دولت‌ها خواسته شده است تحصیل امتیاز نامشروع (از جمله پورسانت)، توسط مقامات مذکور را در قوانین داخلی جرم‌انگاری نمایند.
- ۳- مقررات این کنوانسیون در چارچوب نظام حقوقی کشور ایران به‌منزله (در حکم) قانون می‌باشد لذا همان اثری را که مقررات قانون جزا در رابطه با رشوه و اخذ پورسانت دارد، همان اثر را نیز مقررات کنوانسیون راجع به مفاسد مالی دارد، بنابراین چنانچه مشاورین خارجی مقامات و ارگان‌های دولتی اقدام به اخذ رشوه یا پورسانت نمایند باتوجه به ماده ۱۶ کنوانسیون مریدا قابل پیگرد و مجازات می‌باشند.
- ۴- کنوانسیون، صرفاً تصرف عینی رشوه یا پورسانت را برای تحقق کامل جرم ملاک ندانسته و ارائه وعده و یا درخواست را نیز مؤثر در مسئولیت کیفری می‌داند، در واقع تدوین‌کنندگان کنوانسیون قصد داشته‌اند اعطاء و تحصیل امتیاز نامشروع توسط دو طرف پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده را جرم تلقی نمایند.
- ۵- کنوانسیون وجود شخص ثالث در ارتکاب رشوه و پورسانت را پیش‌بینی نموده آنجا که از فعل مجرمانه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم یاد می‌کند، به‌صورت مستقیم یعنی خود فرد اقدام به ارتکاب می‌کند و غیرمستقیم یعنی شخص ثالثی این نقش را ایفاء می‌کند.
- ۶- همچنین ممکن است امتیاز موردنظر برای خود مرتکب درنظر گرفته شود یا برای شخص دیگر یا حتی ممکن است این امتیاز برای یک شخص حکمی (شخص حقوقی) که در کنوانسیون با عبارت «واحد» پیش‌بینی شده است مدنظر قرار گیرد.

۷- مهم‌ترین شاخصه این کنوانسیون جرم‌انگاری رشوه در بخش خصوصی است، یعنی بخش خصوصی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی نیز در صورت ارتکاب به اعطاء رشوه و یا اخذ رشوه قابل تعقیب و مجازات می‌باشند و البته این موضوع در قوانین ایران جرم‌انگاری نشده است و یکی از ملاک‌های جرم‌انگاری رشوه و پورسانت در ایران، دولتی‌بودن مرتکب یا مرتکبین جرم می‌باشد.

مبحث دوم: عنصر مادی جرم اخذ پورسانت

عناصر مادی جرائم معمولاً در قالب اشکال چهارگانه محقق می‌شود: «فعل»^۱ یا «ترک فعل»^۲، «رفتار» و «حالت»^۳. به‌طور کلی عناصر مادی متشکل از سه جزء می‌باشند: ۱- رفتار فیزیکی (رفتار مرتکب) که براساس نوع جرم فعل یا ترک فعل است. ۲- مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی که وجود یا عدم آنها از نظر قانونی شرط تحقق جرم می‌باشد. ۳- نتیجه حاصله از رفتار متهم که باید رابطه علیت با جزء اول فوق‌الذکر داشته باشد، یعنی رفتار متهم باعث نتیجه مجرمانه شده باشد. عنصر مادی جرم «اخذ پورسانت یا درصدا نه یا کمیسیون» که در قوانین حاکم (ماده‌واحدۀ سال ۱۳۷۲ و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲) بر آن تصریح گردیده، «قبول هرگونه هدیه یا امتیاز یا درصدا نه از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال در رابطه با معاملات و قراردادهای» است. در زیر در ابتدا مفاهیم مطرح و سپس به بررسی اختصاصی عنصر مادی جرم اخذ پورسانت می‌پردازیم:

الف) مفهوم لغوی رکن مادی جرم^۴

رکن یکی از اجزاء حتمی و اساسی ماهیت حقوقی و فقهی است چنان‌که گویند قصد، رکن عقود و ایقاعات است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۲۰۶۲) پس رکن ذات افعال و رفتار است و بجای آن، عنصر نیز به کار برده می‌شود. اما رکن مادی جرم در لغت به معنی تصمیم و اقدام از ناحیه شخص مجرم است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷: ص ۴۷۶). کلمه «مادی» در لغت‌نامه معین

-
1. Action
 2. Omission
 3. State Of Being
 4. actus reus: physical element of crime

به معنی «مجرای آب که از نهري برای زراعت عمومی قري و قصبات جدا کنند، کانال اصلی» است. رکن مادی جرم در لغت به معنی تصمیم و اقدام از ناحیه شخص مجرم است (معین، ۱۳۸۶: ص ۱۰۵۶).

ب) مفهوم اصطلاحی و کاربردی رکن مادی جرم

رکن مادی جرم یکی از مهم‌ترین ارکان است که در صورت تحقق افعال مجرمانه در عالم مادی و تطبیق آن با عنصر قانونی و معنوی جرم محرز می‌گردد. این عنصر وقتی محقق می‌گردد که فعل یا ترک فعل مجرمانه در عالم مادی و بیرونی وجود پیدا کند و از حالت قصد و قوه به فعل درآید. بدین‌سان فقط قصد ارتکاب جرم، جرم نیست و تا زمانی که عملیات و اقدامات مقدماتی مرتبط با جرم عملاً شروع نشود، عنصر مادی جرم همچنان غیرمحرز می‌ماند و جرم به مرحله تکوین نمی‌رسد. به عبارت دیگر رکن مادی جرم نتیجه تجلی و بروز عینی قصد مجرمانه یا سوءنیت متهم است (اباذری فومشی، ۱۳۸۷: صص ۵۲۶ و ۵۲۷).

گفتار اول: رفتار مرتکب

الف) اخذ وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال

طبق مفاد قوانین فوق‌الذکر، موضوع جرم اخذ پورسانت با قبول و اخذ «وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال» تحقق می‌یابد. مفاهیم فوق از جهت حصری یا تمثیلی بودن به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- وجه

در لغت به معنی رو، چهره، کیفیت، چگونگی، طریق، روش، ذات و پول آمده است^۱ (دهخدا، ۱۳۷۷: ص ۲۳۱۳۱) استعمال وجه به معنی پول در زبان فارسی قدمت طولانی ندارد. همچنان که در زبان عربی چنین معنایی از واژه وجه استنباط نمی‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۳۷۴۵). قانونگذار وجه را در این ماده به معنی پول استعمال کرده که شامل اسکناس و هر نوع مسکوک رایج داخلی و خارجی می‌شود و تفاوتی نمی‌کند وجهی که شخص دریافت کرده است ریال، دلار، یورو و یا سایر ارزهای معتبر خارجی باشد.

۱. (انوری، ۱۳۸۲: ص ۸۱۸۶).

۲- مال

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی و همچنین در قانون مدنی تعریفی از مال ارائه نکرده است. از این رو بهتر است که به منظور درک مفهوم مال به تعریف علمای حقوق از این واژه اشاره شود. مال در معنوی لغوی در اصل از فعل ماضی میل به معنی خواستن آمده و در اصطلاح چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تبدیل به پول است. بنابراین حقوق مالی مانند حق تحجیر و حق شفعه و حق صاحب علامت تجاری هم مال محسوب می‌گردد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷: ص ۵۹۵). در تعریف دیگر «مال به تمام اشیاء و حقوقی که دارای ارزش اقتصادی است گفته می‌شود.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۱۰) بدین ترتیب از نظر این اساتید، هر چیزی که در عرف دارای ارزش اقتصادی باشد به آن مال می‌گویند. بنابراین اشیائی مانند هوا و نور که فاقد ارزش اقتصادی هستند مال محسوب نمی‌شوند، حتی اگر مال فاقد ارزش نوعی باشد اما در قراردادی که منعقد می‌شود دارای ارزش مالی محسوب شود، باز هم عنوان مال بر آن صدق می‌کند. لذا می‌توان گفت مال مفهوم گسترده‌ای دارد و شامل تمام اشیاء و حقوقی می‌شود که دارای ارزش اقتصادی می‌باشند.

۳- سند پرداخت وجه یا تسلیم مال

در اصطلاح سند نوشته‌ای است که در اثبات مطالبی اعم از دعاوی و غیر آن به کار می‌رود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۲۱۹۷)، اما در اینجا منظور از سند پرداخت وجه سندی است که گیرنده می‌تواند به واسطه آن وجه نقد و یا مال بدست بیاورد مانند انواع چک، برات و سفته. همچنین هر سندی که در جهت واگذاری مال منقول و یا غیرمنقول ارائه و سند تسلیم مال، حواله‌ها یا اسنادی هستند که از طرف مراجع گوناگون صادر می‌شوند و به وسیله آنها می‌توان اموالی را بدست آورد.

بنابراین، موضوع جرم می‌تواند وجه نقد اعم از ریال یا سایر ارزهای خارجی^۱، مال منقول و غیرمنقول، سند پرداخت وجه مثل چک، سفته، برات و سند تسلیم مال مثل اموالی که دارای سند انتقال‌اند مانند ماشین یا ملک باشد.

۱. مطابق بند ج ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور، تعهدات مالی براساس وجه رایج کشور است مگر اینکه طرف‌ها قرار دیگری گذاشته باشند.

۴- مفهوم لفظ «قبول» در مواد قانونی

منظور از لفظ «قبول» در ماده‌واحد و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح چیست؟ آیا تحقق جرم منوط به قبض و اقباض است؟ یا صرف پیشنهاد از سوی مأمور خرید نیز برای تحقق جرم کفایت می‌کند؟

قبول^۱ در قانون و فقه تعریف نشده ولی می‌توان گفت قبول عبارت است از قصد انشائی که در جهت عکس ایجاب قرار گرفته و در ایجاد اثر یک عقد، مکمل ایجاب می‌باشد. در تعریف دیگر قبول در مقابل رد و یا اعتراض معنی شده است ولی در اینجا قبول فعلی مدنظر است و قبولی است که دلالت آن بر قصد قبول‌کننده توسط عملی از اعمال باشد خواه فعل باشد خواه ترک فعل (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷: صص ۵۲۶ و ۵۲۷). قبول پورسانت در معاملات دولتی همان پذیرش پورسانت در معاملات دولتی است (اباذری فومشی، ۱۳۸۷: ص ۵۶۰).

باتوجه به اینکه مقنن در ماده‌واحد و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح لفظ «قبول» را به کار برده است، استنباط می‌شود که برای تحقق جرم مذکور قبض وجه، مال و... ضرورت دارد و از طرف دیگر ذکر عبارت «رد پورسانت یا معادل آن به دولت» در متن قانون به‌عنوان یکی از مجازات‌های این جرم اقتضا دارد که مزایای مالی توسط متهم اخذ شده باشد در غیر این صورت الزام به بازگرداندن چیزی که اخذ نشده بی‌معناست. باتوجه به تبصره ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و ماده واحد، نظر مقنن این بوده که صرف قبول پورسانت رکن مادی را کامل نمی‌نماید، بلکه جهت حصول نتیجه مجرمانه می‌باید مرتکب پس از قبول، موضوع را مخفی نگه داشته و اعلام ننماید. لذا تا قبل از انجام این مرحله شروع به جرم محسوب و حسب مقررات مربوطه، شخص قابل مجازات است.

صرف اعلام قبولی و رضایت از سوی کارمند جهت اخذ پورسانت، جرم اخذ پورسانت محقق نمی‌گردد، بلکه باید این قبولی به فعلیت درآید (مهاجری، ۱۳۷۹: ص ۲۰۸). البته عمل می‌تواند از رهگذر توافق یا تفاهم^۲ یا ترتیبات خاص با سایر اشخاص یا نمایندگان و شعبه‌های آنها

1. Acceptation

۲. در فرهنگ لغات معین، توافق به‌معنای با هم متحدشدن، با یکدیگر موافق و متحدشدن، موافقت و سازگاری و تفاهم به‌معنای سخن یا مطالب و مقصود یکدیگر را فهمیدن، درک‌کردن چیزی از هم آمده است. بنابراین، بین دو واژه توافق و

صورت پذیرد و فرقی ندارد که طرف‌ها به شکل قطعی در مورد نوع پورسانت دریافتی به توافق رسیده باشند یا به‌طور ضمنی گیرنده پورسانت مقصود خود را در مورد نوع پورسانت خواسته‌شده بیان کند و به مرحله رضایت کامل نرسیده باشد.

بنابراین پورسانت‌گیرنده نمی‌تواند به این بهانه که راجع به موضوع جرم توافق قطعی حاصل نشده خود را مسئول نداند و یا ادعا کند وجه واریز شده به حساب بانکی وی بدون توافق قطعی یا بدون رضایت وی بوده است. بنابراین برای اینکه جرم اخذ پورسانت به‌صورت کامل تحقق یابد، دریافت پورسانت توسط مأمور خرید ضرورت دارد حتی اگر این دریافت هیچ تأثیری در کیفیت، کمیت و قیمت مال خریداری‌شده نداشته باشد و تا زمانی که وی مبادرت به دریافت وجه، مال و... نکرده است، جرم مأمور به‌صورت کامل واقع نشده است. البته الزامی ندارد که تسلیم و تسلّم فیزیکی مال صورت گیرد؛ به‌محض اینکه وجه در اختیار فرد مزبور قرار گیرد، جرم محقق می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر روش و طریقه در اختیار گرفتن مال یا وجه از اهمیت زیادی برخوردار نمی‌باشد. پس حتی اگر فروشنده با رضایت مأمور خرید اتومبیلی را به نام وی منتقل کند، جرم مزبور به وقوع می‌پیوندد.

همچنین دادن وام خارج از نوبت، تحویل اتومبیل زودتر از موعد مقرر، خرید منزل مسکونی یا سایر کالاها به‌صورت قسطی، پیشنهاد و قبول مسافرت‌های داخلی و خارجی، واردنمودن آشنایان یا افراد خانواده به یک شغل دولتی یا خصوصی، ازجمله مصادیق قبول هدیه یا امتیاز محسوب می‌گردد. قبول چک یا سفته یا برات و... درحالی‌که هنوز مبالغ آنها وصول نشده باشد نیز مشمول مواد فوق می‌گردد (مالمیر، ۱۳۸۹: ص ۱۹۵).

مقنن جهت تحقق جرم ارتشاء نیز در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ واژه «قبول نماید» را به‌کار برده است. در این رابطه از اداره حقوقی قوه قضائیه سؤال شده و مرجع مذکور در پاسخ به سؤال فوق نظر خود را بیان داشته است: ^۱ «از عبارت مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ که مقرر می‌دارد «... وجه، مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی

تفاهم عموم و خصوص مطابق برقرار است، یعنی در مورد توافق، هر دو رضایت به موافقت انجام‌شده دارند و یک طرف از روی ناچاری مجبور به موافقت نشده است، ولی در مورد تفاهم یک طرف بدون میل و رغبت کامل قبول کرده است.
۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۵۷ - ۱۳۷۲/۵/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه.

را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید» و تبصره ۲ ذیل ماده مذکور که مقرر می‌دارد در تمام موارد فوق مال ناشی از ارتشاء به‌عنوان تعزیر رشوه‌دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد، این مفهوم حاصل است که مرتشی باید مال را دریافت نماید. به عبارت دیگر قبول به معنی دریافت است و با دریافت آن جرم ارتشاء تحقق می‌یابد در غیر این صورت صرف وعده راشی به تنهایی برای تحقق جرم کافی نیست؛ مگر آنکه اقداماتی را که مرتشی انجام داده با وعده راشی جمعاً مفید شروع به جرم ارتشاء باشد. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۷۷: صص ۱۹۹ و ۲۰۰).

از نظر حقوق تطبیقی قابل ذکر است که هر چند کشورهای دیگر عنوان مجرمانه خاصی تحت عنوان اخذ پورسانت ندارند، اما در قالب دریافت و پرداخت «هر چیز بالارزش» یا «امتیاز بی‌مورد» موضوع را جرم‌انگاری نموده‌اند. طبق ماده ۱۰ قانون ضد فساد مالزی، صرف درخواست «هر چیز بالارزشی» توسط یک مقام عمومی جرم‌انگاری شده است. همچنین ماده یک قانون (اصلاحی) پیشگیری از فساد انگلستان نیز صرف موافقت مأمور دولت در تحصیل «هدیه» و «ما به ازاء» را جرم دانسته و همچنین در کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جنایات سازمان یافته فراملی (پالرمو) مصوب ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ و در کنوانسیون مقابله با فساد ۲۰۰۳ (مریدا) مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳، از دولت‌ها خواسته شده است درخواست «یک مزیت نامشروع» یا «امتیاز بی‌مورد» از سوی مقام عمومی را جرم‌انگاری نمایند. لذا با وصف فوق شایسته است قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور مقابله با این جرم، درخواست وجه، مال و... از سوی کارمند دولت را جرم‌انگاری نماید.

۵- حصری یا تمثیلی بودن مفاهیم

سؤالی که مطرح می‌گردد این است که: آیا موارد ذکرشده در قوانین فوق (وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال) جنبه حصری دارد یا تمثیلی؟ به نظر می‌رسد موارد فوق جنبه حصری ندارد؛ چرا که دریافت موضوع جرم در قالب مواردی مانند کمیسیون، حق الزحمه، حق‌العمل، درصدها، پاداش، هدیه^۱ و امتیاز بیان شده است. بنابراین قبول پورسانت و تحصیل

۱. به موجب ماده ۷۱ قانون محاسبات عمومی و ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۱، دریافت هرگونه هدیه نقدی و غیرنقدی از سوی مؤسسات دولتی نیز به موجب ضوابط خاص و در موارد قانونی مثل آیین‌نامه اجرائی نحوه استفاده از کمک‌ها و هدایای اعطایی اشخاص حقوقی و حقیقی به سازمان انتقال خون ایران یا آیین‌نامه نحوه

منفعت تحت هر عنوان جرم است و قانونگذار با استعمال عبارت «از قبیل» در صدر ماده واحد و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، جای هیچگونه شک و تردید را باقی نگذاشته است که موارد فوق جنبه تمثیلی دارند. اما باتوجه به اینکه عبارت مذکور در قانون یا مال هستند یا وسیله تحصیل مال می‌باشند و از طرف دیگر در حقوق کیفری قضات موظف به تفسیر مضیق از قوانین کیفری می‌باشند و نمی‌توانند قانون را به ضرر متهم به‌طور موسع تفسیر نمایند، لذا به‌نظر می‌رسد تنها مزایایی که جنبه مالی دارند را می‌توان مشمول مواد مذکور دانست و مزایای غیرمالی از شمول ماده خارج است.

بدین ترتیب اگر در ازای اتمام معامله طرف دیگر مبادرت به تعریف و تمجید از مأمور خرید چه به‌صورت شفاهی یا کتبی بنماید، نمی‌توان آن را اخذ پورسانت دانست. اما اگر شرکت طرف قرارداد در ازای انجام معامله، نمایندگی شرکت خود را به مأمور خرید واگذار نماید، از آنجایی که یک امتیاز مالی محسوب می‌شود و یا در موارد دیگری مانند تنظیم قرارداد همکاری مشترک جهت انجام فعالیت‌های خدماتی، تولیدی و... و یا شراکت در ساختمان‌سازی، فعالیت‌های اقتصادی و همچنین اعطاء امتیازاتی مانند پرداخت وام خارج از ضوابط مقرر، اعطاء بورس تحصیلی در داخل و خارج از کشور، واگذاری سهام و... می‌توان آن را اخذ پورسانت دانست و شخص را به‌واسطه آن تحت تعقیب قرار داد.

مقنن در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح عبارات مذکور در ماده واحد را به‌کار برده، اما در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مقنن به‌طور مطلق تحصیل منفعت را در معاملات، مزایده‌ها و... جرم دانسته است. در ماده موصوف صحبت از منظورکردن نفع برای خود یا دیگری تحت هر عنوان از قبیل کمیسیون، حق الزحمه، حق‌العمل یا پاداش شده است. واژه نفع در معنای خاص آن به‌کار نرفته و به‌معنای کسب سود است که هم مصداق مادی دارد و هم مصداق غیرمادی. باتوجه به اینکه قیدی در قانون به‌کار نرفته استنباط می‌شود که منافع غیرمالی مانند امتیاز و نیز آنچه به نوعی برای مرتکب ارزش اقتصادی دارد را در برمی‌گیرد. به‌عنوان مثال اگر شرکت طرف قرارداد به علت انجام قرارداد همسر، فرزند یا دوستان و خویشان

مأمور خرید را در شرکت خود استخدام نمود، هرچند جنبه نوعی منفعت مالی است، اما طبق این قانون می‌توان شخص را به علت تحصیل منفعت تعقیب نمود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عنوان‌هایی که دریافت در قالب آنها صورت می‌پذیرد به نوعی حالت متقابل برای انجام کاری دارند و بیان‌کننده ممنوعیت مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی تحت هر عنوانی است. ایراد وارد به ماده ۶۰۳ این است که از واژه پورسانت یا معادل آن استفاده نشده و واژه‌های استفاده شده که جنبه تمثیلی نیز دارند سنخیتی با عبارت پورسانت ندارد؛ هرچند کمیسیون به نوعی درآمد مشخصی از مبلغ یک معامله محسوب می‌گردد، ولی بیانگر نوعی حق‌الزحمه در قبال انجام کار مشخص است که در واقع از مصداق‌های رشوه است.

اما ماده‌واحد و ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م درخصوص موضوع پورسانت عنوان‌های کامل‌تر و بهتری را پوشش داده‌اند و موارد قیدشده در قالب هدیه، امتیاز یا درصدها به نوعی داراشدن بلاجهت است که فرد به‌خاطر انجام معامله و سمت خود دریافت می‌کند. همچنین به‌نظر می‌رسد باتوجه به اینکه درصدها یا پورسانت مشخص‌کننده میزان مبلغ پرداختی است، استفاده از این کلمات در کنار هدیه یا امتیاز که عنوان‌های پرداختی بوده و دریافت‌کننده با استفاده از آنها می‌خواهد عمل خود را مشروع جلوه دهد مناسب نیست. از نظر حقوق تطبیقی نیز می‌توان گفت که امروزه دادگاه‌های برخی از کشورها همانند ایالات‌متحده منفعت را به‌طور موسع تفسیر می‌کنند. به‌عنوان مثال دادگاه آلاباما ایالات‌متحده در دعوی مک‌دونالد علیه دولت، نزدیکی جنسی و یا حتی قول به انجام آن را نیز به‌عنوان «چیز باارزش» درنظر گرفته است (Scheb and Schebl، ۱۹۹۹: ۲۹۹). در ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جنایات سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) مصوب ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰، و در ماده ۱۵ کنوانسیون مقابله با فساد ۲۰۰۳ (مریدا) مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳، از دولت‌ها خواسته شده است که کسب مزیت نامشروع یا امتیاز بی‌مورد از سوی مقام عمومی را جرم‌انگاری نمایند. مزیت نامشروع یا امتیاز بی‌مورد نیز اعم از مزیتی است که جنبه مالی دارد و یا مزیتی است که جنبه مالی ندارد. در قانون ضد فساد مالزی نیز عبارت «هر چیز ارضاء‌کننده» و در قانون (اصلاحی) پیشگیری از فساد انگلستان، عبارت «ما به‌ازاء» به‌کار رفته است که شامل مزایای مالی و غیرمالی می‌شود.

(ب) شیوه و روش‌های ارتکاب جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی و خارجی

آنچه بدیهی است این است که شیوه و روش‌های ارتکاب جرم بدون درک موقعیت مرتکبین و شناخت و ارتباط نزدیک با آنها امکان‌پذیر نیست و معمولاً افرادی که در موقعیت‌های ارتکاب جرم هستند و سیستم‌های نظارتی و قضائی مرتبط فقط می‌توانند روش‌ها و شیوه‌های ارتکاب هر جرم را کشف و بیان نمایند و چون جرم اخذ پورسانت نیز از نظر پیچیدگی و همچنین مرتکبین خاص آن امکان کشف را ندارد، این موضوع نیز اهمیت کشف و دسترسی به شیوه‌های ارتکاب این جرم را برای مخاطبین بیشتر نمایان می‌کند. محقق نیز باتوجه به ارتباط با سیستم نظارتی و همچنین پرونده‌های قضائی، برخی از شیوه و روش‌های ارتکاب جرم اخذ پورسانت را براساس سوابق و پرونده‌ها و واقعیت‌های موجود احصاء نموده که به شرح زیر بیان می‌نماید.

(۱) شیوه و روش‌های اخذ پورسانت در معاملات داخلی

مرسوم است هنگام مراجعه نمایندگان و مأمورین خرید دولت و نیروهای مسلح به خارج از کشور به منظور آشنایی با خصوصیات و عملکرد شرکت‌های خارجی و تولیدات آنها قبل از انجام معامله یا خرید و بازدید از توانمندی، امکانات و بازرسی از کالاها و... به دلیل اینکه به نمایندگان مذکور به قدر کافی و نیاز بودجه در اختیار آنها قرار نمی‌دهند، لذا در این گونه موارد شرکت‌های خارجی که از این اشکالات و کمبودها مطلع هستند شخصاً نسبت به تهیه امکانات (مانند هتل و دعوت به رستوران و اعطاء هدیه و...) اقدام و در واقع زمینه آلوده‌شدن نمایندگان را فراهم می‌نمایند و ممکن است پیشنهادهایی نیز درخصوص پرداخت پورسانت در صورت خرید از آن شرکت‌ها داده شود و توافقاتی صورت پذیرد.

افشاء اطلاعات مربوط به معامله و اخذ وجه یا مال: در فرضی که کارمند دولت یا نیروهای مسلح در مناقصه‌ای پس از اطلاع از قیمت‌های پیشنهادی، قیمت‌ها را در اختیار یکی از شرکت‌کنندگان در مناقصه قرار دهد، آنگاه شرکت‌کننده مذکور با دادن پایین‌ترین قیمت برنده مناقصه شود، در این فرض چون دستگاه دولتی و یا یگان نظامی متضرر نشده است، لذا جرم تبانی محقق نمی‌گردد. اما چنانچه به این جهت وجه یا مالی دریافت نموده باشد، اقدام کارمند مشمول مقررات اخذ پورسانت می‌باشد. البته در این خصوص آراء مختلف و بعضاً متناقضی صادر گردیده و بعضی قضاات با این استدلال که وجه یا مال در ارتباط با مناقصه و معامله اخذ شده، مرتکب را تحت دو عنوان جرم اخذ پورسانت و افشاء اطلاعات محاکمه می‌کنند و برخی

نیز قائل به تفکیک اقدامات و میزان اثرگذاری آنها در معامله شده‌اند و با این استدلال که اخذ پورسانت پس از خاتمه قرارداد و به‌منظور تشویق و ترغیب به‌منظور خرید آتی داده می‌شود ولی در مصداق فرضی اشاره‌شده، ارائه و افشاء اطلاعات مربوط به مناقصه به‌منظور برنده‌شدن شرکت موردنظر در معامله بوده و اخذ وجه یا مال بدین‌منظور اخذ شده، لذا این مصداق را منطبق با قوانین اخذ پورسانت دانسته و کارمند مرتکب را به مجازات اخذ پورسانت محکوم می‌کنند.^۱

۱. دادنامه اخذ پورسانت و افشاء اطلاعات (پرونده کلاسه... شعبه هشتم دادگاه نظامی یک تهران): به دلالت مندرجات پرونده متهم ردیف اول در ارتباط با قراردادهای منعقد با شرکت‌های طرف قرارداد، درصدی را دریافت و بین خود و ردیف‌های دوم و سوم تقسیم نموده است و علاوه بر آن در ارتباط با قراردادهای اسناد خیلی محرمانه را افشاء نموده است. مطابق گزارش حفاظت اطلاعات... متهم ردیف اول در سال ۱۳۷۴ در صنایع... مشغول به‌کار گردیده و در پروژه‌های ساخت... فعالیت داشته است. وی علاوه بر اشتغال در صنعت... در دانشگاه‌های خواجه نصیر و... نیز به‌صورت ساعتی و در شرکت... به‌صورت پیمانکار برخی صنایع دفاعی دارای فعالیت بوده است. متهم از شرکت‌های طرف قرارداد در مجموع مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال پورسانت اخذ نموده بود. نامبرده درخصوص نحوه آشنایی با شرکت... مدعی است در هنگام عقد قرارداد با بازرگانی صنعت به‌عنوان ناظر در پروژه تعریف‌شده حضور داشته و از همین طریق با شرکت مذکور آشنا شده و ارتباط برقرار نموده است. یادشده اظهار داشته کماکان با شرکت مذکور همکاری دارد و بیان می‌دارد که از هر قرارداد ۱۰٪ دریافت می‌کرده است. همچنین مبالغی به متهمین... در قبال گرفتن اطلاعات صنعت جهت شرکت در مناقصه پرداخت کرده است. مشارالیه در تحقیقات مقدماتی به اخذ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌عنوان پورسانت از شرکت‌های طرف قرارداد اقرار کرده است و مبلغ ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب امانی سازمان قضائی واریز نموده است. همچنین متهم نقشه پروژه‌های صنایع... را از... گرفته و پس از تهیه کپی در اختیار شرکت... گذاشته است. اطلاعاتی که توسط نامبرده افشاء شده است اطلاعات زیرمجموعه‌های موشک... و اطلاعات مربوط به موشک... و پروژه بدنه موشک... بوده است. یادشده در جلسات رسمی دادگاه ضمن پذیرش اظهارات خود در دادرسی به اتهامات خود اقرار نموده است و... در توجیه و شرح آنها مفاداً و دفاعاً بیان داشته، مبنای فکری من در مورد دریافت وجوه به این نحو بود که اگر در ارتباط با شرکت طرف قرارداد وجهی را در قبال انجام کاری دریافت بکنیم، همان‌گونه که من دریافت می‌کردم حلال و بلاشکال است و چنانچه وجهی را بدون درخواست، شرکت‌ها پرداخت نمایند بلاشکال است و فقط در صورتی که کاری انجام ندهیم دارای اشکال است. لذا به این تصور وجوه را گرفتم و اشتباه کردم و...

وی در مورد افشای اسناد طبقه‌بندی‌شده گفته است: نقشه‌ها را از صنعت گرفتم و به شرکت دادم و این کار عرف بود و انجام می‌شده است. بازرگانی نقشه‌ها را با شرکت‌های مجاز مکاتبه و من نقشه‌ها را به شرکت... ارائه می‌دادم. در آن شرایط شرکت ممنوع‌المعامله نبود و این کار صحیح است. این استنباط من بود که اگر انتقال نقشه صورت گیرد، باید جدول بریده شود. این کار را انجام دادم و حذف جدول مانع لورفتن نقشه می‌شد. البته قبول دارم که اشتباه کردم. تنها نقشه‌هایی که بدون هماهنگی ارائه دادم نقشه بدنه... بود که آن را در خانه نگهداری می‌کردم و دلیل آن هم این بود که شب‌ها روی پروژه

۱- هنگامی که کارمند یا مأمور خریدی، سراغ فروشنده‌ای رفته با ارائه مدارکی خود را عامل خرید دولت و نیروهای مسلح معرفی و بدون آنکه جنس یا کالایی را خریداری کند، با اغوای فروشنده وجهی از وی می‌گیرد و قول می‌دهد برای دفعه بعد یا دفعات بعدی اجناس موردنیاز اداره متبوعش را صرفاً از وی خریداری نماید، اما دیگر هرگز سراغ آن فروشنده نرود، در این صورت اقدام وی اخذ پورسانت نبوده و چون عمل ارتكابی چنین کارمندی، بردن مال

کار فنی انجام می‌دادم. مابقی نقشه‌ها با اجازه بوده است و در مورد اینکه نقشه طبقه‌بندی نداشته و حفاظت اطلاعات جواب داده است که دارای طبقه‌بندی بوده باید بگویم من معنای طبقه‌بندی را نمی‌دانستم. (برگ‌های ۸۲۷، ۸۳۰ و ۸۹۹ پرونده) متهم ردیف دوم: نامبرده از سال ۱۳۸۱ در صنایع... به‌عنوان کارشناس مهندسی و سیستم کیفیت با دسترسی خیلی محرمانه مشغول به کار گردیده و به‌عنوان سرپرست کارخانه... فعالیت می‌نماید. وی با اعلام قیمت‌ها و قراردادن نقشه‌های دارای طبقه‌بندی به متهم ردیف اول و رابط شرکت... مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان دریافت کرده است و در تحقیقات به‌عمل آمده در تحقیقات مقدماتی اخذ پورسانت و افشای اطلاعات را پذیرفته است (برگ ۷۰۴ پرونده). نامبرده اطلاعات مربوط به پروژه... و قطعات... را افشاء نموده است. متهم در جلسات رسمی دادگاه به‌کلی منکر اتهامات مندرج در کیفرخواست گردیده است و اظهارات و اقاریر خویش را در تحقیقات مقدماتی (حفاظت اطلاعات و دادرسی) منکرشده و عنوان داشته به علت فشارهای روحی و روانی و جهت خلاصی از زندان و شرایط سخت مطالب مذکور را ابراز نموده است. همچنین اظهارات متهم ردیف اول را در دادرسی و جلسه رسمی دادگاه مبنی بر اخذ دو میلیون و پانصد هزار تومان از وی انکار نموده است و بیان داشته فقط مبلغ یک میلیون تومانی که به‌عنوان قرض گرفته بودم را پس دادم و متهم ردیف اول نیز به صراحت بیان داشته است که یک میلیون تومان از دو میلیون و پانصد هزار تومان قرض بوده که به‌همراه یک میلیون و پانصد هزار تومان سود به یادشده پرداخت کرده است. متهم اظهارات متهم ردیف اول را در مورد انتقال نقشه‌ها پذیرفته است، اما مدعی گردیده است که با هماهنگی و مطابق با مقررات این کار صورت گرفته است (برگ‌های ۸۳۰ تا ۸۳۴ پرونده).

درنهایت ادعای متهمان ردیف‌های اول و دوم درخصوص افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده از ساحفا استعلام که پاسخ‌های واصله حاکی از رد ادعای نامبردگان می‌باشد (برگ‌های ۸۵۱ و ۸۹۰ تا ۸۹۱ و ۹۰۶ و ۹۵۱ و ۹۵۳ پرونده).

رای دادگاه: دادگاه با احراز جرم نامبردگان مستنداً به مواد ۲۶ (بند ج) و ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و رعایت مواد ۵، ۳ و ۹ قانون مرقوم و ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی و نیز رعایت مواد ۱۰، ۱۷ و ۱۸ (تبصره) ۲۲ و ۴۷ قانون اخیرالذکر و لحاظ کیفیات مخففه ازجمله نداشتن سابقه محکومیت کیفری متهمین، وضعیت خاصشان از حیث تأهل، به‌ترتیب متهم ردیف اول را از حیث اخذ پورسانت به تحمل یک سال حبس تعزیری و رد وجه مأخوذه و پرداخت جزای نقدی معادل نصف وجه مأخوذ و در مورد اتهام افشاء اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی‌شده به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس و متهم ردیف دوم را از حیث اخذ پورسانت به تحمل هشت ماه حبس تعزیری و رد وجه مأخوذ به نفع دولت ضبط خواهد شد و پرداخت جزای نقدی معادل نصف وجه مأخوذ و از جهت افشای اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی‌شده به پرداخت دو میلیون ریال جزای نقدی بدل از حبس محکوم می‌نماید.

لازم به ذکر است شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور پس از رسیدگی به درخواست تجدیدنظر، مجازات افشاء اطلاعات را در راستای اخذ پورسانت دانسته و حکم صادره در این خصوص را نقض می‌نماید.

دیگری با توسل به حيله و تقلب بوده، از مصادیق کلاهبرداری خواهد بود (سازمان قضائی نیروهای مسلح، معاونت قضائی و حقوقی، اداره کل پیشگیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی، ۱۳۸۵: ص ۲۸).

۲- اگر فروشنده‌ای در همان مراجعه اول مأمور خرید وجه قابل‌توجهی به او بدهد تا مأمور در مراحل بعدی نیز خریدهایش را از وی انجام دهد، چنانچه از رهگذر چنین اخذ و پرداختی اداره دولتی متضرر شود، به دلیل اینکه مأمور خرید به جهت سروکار داشتن با بازار و فروشندگان واقف بر قیمت پایین اجناس بوده ولی به دلیل اخذ وجهی اجناس را از یک فروشنده متعین خرید و اداره متبوع نیز متضرر گردیده و در چنین فرضی، تبانی در معاملات دولتی محقق است. ولی اگر ضرری متوجه دولت نشده باشد، محل اختلاف است. برخی قضات عمل انجام‌شده را در قالب رشاء و ارتشاء قابل تعقیب می‌دانند (همان: ص ۲۸)، ولی برخی دیگر با این استدلال که وجه یا مال اخذشده توسط مأمور در رابطه با معامله بوده، فعل ارتكابی را در قالب جرم اخذ پورسانت قابل تعقیب و مجازات می‌دانند.

۳- بعضی مواقع فروشندگان شخصاً یا توسط بازاریاب‌ها به سازمان‌ها، ادارات دولتی و نظامی مراجعه نموده و ضمن تقدیم وجهی به عاملین خرید دولت و نیروهای مسلح، کارت خود را در اختیار آنها قرار داده و از آنها درخواست می‌کنند اجناس یا کالاهای مشخصی را از آن فروشنده خریداری کنند. لذا در این فرض اگر ضرری متوجه دولت یا نیروهای مسلح شده باشد، تبانی در معاملات دولتی محقق است هرچند مسئول فروشگاه وجهی پرداخت نکرده باشد. لذا وجود یا عدم وجود واسطه نیز تأثیری در موضوع ندارد و چنانچه ضرری وارد نشده باشد عمل ارتكابی از مصادیق رشاء و ارتشاء خواهد بود (همان: ص ۲۸). البته در این مورد نیز روال قضائی متفاوت است و بعضاً این وجه اخذشده را تحت‌عنوان پورسانت قابل تعقیب می‌دانند.

۴- در پرونده‌ای مدیر یک شرکت خصوصی با معاون بازرگانی یک صنعت نظامی به صورت پنهانی توافق نمودند که معاون بازرگانی در قبال دریافت ده درصد از معامله، قرارداد خرید لوازم و قطعات هلی‌کوپتر را به سمت شرکت نامبرده سوق دهد. پس از انعقاد قرارداد موردنظر، شرکت فروشنده با ارائه اسناد جعلی بارنامه به بانک عامل، بدون ارسال هیچ‌گونه جنسی، موفق به دریافت نود درصد مبلغ معامله شده و درصد معاون بازرگانی را نیز پرداخت می‌نماید. دادسرای نظامی پس از رسیدگی به پرونده، با صدور کیفرخواست تحت‌عنوان رشاء و ارتشاء، پرونده را به

دادگاه ارسال می‌کند. دادگاه نظامی نیز پس از رسیدگی با این استدلال که مبلغ پرداختی به نظامی درصد مشخصی از مبلغ معامله و در قبال انجام معامله بوده و با تغییر وصف مجرمانه، ضمن تبرئه پرداخت‌کننده وجه، گیرنده وجه را به مجازات جرم اخذ پورسانت محکوم و دیوان عالی کشور نیز در مقام تجدیدنظر رأی مذکور را تأیید و ابرام می‌کند. با مذاقه در روند افعال ارتكابی، کاملاً روشن است که نوع عنوان مجرمانه، به علت ایراد ضرر و خسارت به صنعت نظامی به جهت توافق و زدوبند پنهانی مرتکبین، تبانی در معاملات نظامی بوده و اخذ وجه نیز به عنوان رشوه مشمول تعدد معنوی می‌باشد.

۵- مصادیق دیگری که در راستای انجام معاملات دولتی و نظامی وجود دارد که نهایتاً منجر به تبانی و اخذ پورسانت در معاملات می‌شود غالباً شامل موارد زیر می‌باشد:

- عمدتاً توافق و تبانی در معاملات دولتی بین فرد مؤثر در قرارداد و فروشنده صورت می‌گیرد.

- شرکت چند نفر در معامله برای یک نفر، هنگامی که شرکتی ممنوع‌المعامله، مشکل‌دار و شناخته شده است، شرکت‌های دیگر را بجای خود معرفی و هدایت می‌کند و این اقدامات با اطلاع و هماهنگی مأمور دولت یا نیروهای مسلح صورت می‌گیرد.

- ایجاد مانع در راه شرکت سایر رقبا در معامله از سوی مأمور دولت و نیروهای مسلح که به انحاء مختلف ممکن است صورت پذیرد. مثلاً گزارش خلاف واقع در مورد توانمندی یکی از شرکت‌های طرف قرارداد برای اجرای قرارداد.

- انجام استعلام غیرواقعی یا مجعول قیمت‌ها و ارائه اسناد غیرواقعی. مثلاً از سه شرکتی که متعلق به فروشنده است استعلام قیمت صورت می‌گیرد.

- توافق فروشندگان و خریداران بر قیمت خاص

- افشاء اطلاعات معامله و قیمت‌های مربوط به مناقصه به فروشنده خاص

۲) شیوه و روش‌های اخذ پورسانت در معاملات خارجی

باتوجه به موارد پیش‌گفته و فرآیند شکل‌گیری قراردادهای و معاملات، یکی از تجربیات مهمی که در ارتباط با معاملات خارجی بدست آمده، نحوه پرداخت پورسانت در مراحل مختلف قراردادهای توسط شرکت‌های خارجی یا نمایندگان ایرانی آنها است که باتوجه به چندین سال بررسی پرونده‌ها و سوابق مختلف تحصیل گردیده است.

قرارداد دلالی و واسطه‌گری: دلالی و واسطه‌گری در حقوق داخلی کشورهای مختلف شناخته شده است. دلال و واسطه با تلاش قانونی و منطقی که برای «جوش دادن» قرارداد معمول می‌دارد، مستحق اجرت است.^۱ در روزگار فعلی بیش از هر زمان دیگر واسطه‌ها و دلالان در قراردادهای داخلی و بین‌المللی حضور فعال دارند. در شرایطی که کشور ایران در تحریم قرار دارد و هیچ شرکتی حاضر به ارسال قطعات، لوازم و کالاهای موردنیاز به ایران نیست. این امر زمینه را برای جولان واسطه‌ها و دلالان فراهم نموده و دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز جهت تأمین اقلام و کالاهای نظامی و غیرنظامی موردنیاز خود، هیچ راهی جز ارتباط و انعقاد قرارداد با واسطه‌ها و دلالان بین‌المللی را ندارند و ناچارند با پذیرفتن ریسک بالای خطر با انعقاد قرارداد با دلالان به آنها اعتماد نموده و نیازمندی‌های دستگاه‌های دولتی و نظامی کشور را تأمین نمایند.

البته ناگفته پیداست که همیشه دلالی به‌عنوان تلاشی با حسن نیت برای پیوند بین طرفین به‌کار نمی‌رود. افراد و شرکت‌هایی که با پرداخت پورسانت قادر به اعمال نفوذ در نزد یکی از طرفین قرارداد هستند، با پوشش «قرارداد واسطه‌گری» نفوذ غیرقانونی خود را اعمال می‌کنند. اما پرسش این است که تکلیف این‌گونه قراردادهای پوششی چیست؟ پاسخ دادگاه‌ها این است که این قراردادهای به لحاظ نامشروع بودن «جهت» آن باطلند.

با وجود این پاره‌ای از نویسندگان حقوقی (شریعت‌باقری، ۱۳۸۰: ص ۲۳). بر این باورند که رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای تجاری بین‌المللی که با کشورهای توسعه‌نیافته منعقد می‌شود از موجبات بطلان قرارداد نیست؛ چه ارتکاب پورسانت و اعمال نفوذ در تاروپود معاملات بین‌المللی تنیده و عجین شده است. برای نمونه برای تهیه توربین گاز برای پروژه پتروشیمی اراک به ماجرای اختلاف شرکت انگلیسی "وست من"^۲ در قراردادی که با شرکت فرانسوی به نام آلستوم امضاء می‌کند اشاره می‌گردد:

اصل ماجرا در حقیقت بدست‌آوردن قرارداد تهیه توربین گاز برای پروژه پتروشیمی اراک بوده است. مسئله از اینجا شروع می‌شود که به‌دنبال اعلام شرکت ملی پتروشیمی ایران دایر بر نیاز

۱. ماده ۳۳۵ قانون تجارت: «دلال کسی است که در مقابل اجرت، واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.»

به توربین‌های گاز جهت راه‌اندازی پروژه پتروشیمی اراک، شرکت انگلیس "وست من" در قراردادی که با شرکت فرانسوی به نام آلستوم امضاء می‌کند^۱ متعهد می‌شود که باتوجه به شناختی که از مقتضیات محلی دارد، ترتیبی اتخاذ نماید که پتروشیمی اراک، پروژه تهیه توربین‌های گاز را به شرکت فرانسوی آلستوم واگذار نماید؛ مشروط به اینکه شرکت آلستوم نیز تعهد نماید که پس از واگذاری پروژه مزبور از سوی پتروشیمی اراک، درصدی از مبلغ موضوع قرارداد را به‌عنوان کمیسیون به شرکت انگلیسی "وست من" پرداخت نماید.

به هر ترتیب، پروژه تهیه توربین‌های گاز به شرکت آلستوم واگذار می‌شود، اما شرکت آلستوم از پرداخت دیناری به «وست من» خودداری می‌نماید. شرکت انگلیسی باتوجه به وجود شرط داوری در قرارداد به دادگاه داوری اتاق تجارت بین‌الملل (ICC)، مستقر در پاریس شکایت می‌برد و دادگاه مزبور نیز شرکت فرانسوی را به پرداخت مبلغ ۵,۷۱۲,۲۴۰ فرانک سوئیس (به‌عنوان ۴٪ مبلغ قرارداد بین پتروشیمی اراک و شرکت فرانسوی) محکوم می‌نماید. شرکت فرانسوی آلستوم با مراجعه به دادگاه پژوهش پاریس ضمن اعلام اینکه قرارداد منعقد به شرکت انگلیسی قراردادی مبتنی بر رشوه و اعمال نفوذ بوده تقاضای ابطال رأی را نموده است. وی در دادخواست خود مدعی شده است که شرکت وست من هیچ‌گونه عمل دلالی قانونی انجام نداده است که استحقاق دریافت کمیسیون را داشته باشد. در واقع قرار بر این بوده است که شرکت وست‌من با پرداخت رشوه (پورسانت)^۲ و اعمال نفوذ در نزد کارفرما (پتروشیمی اراک) ترتیبی اتخاذ نماید که پروژه تهیه توربین‌های گاز به آلستوم واگذار شود و برنده‌شدن آلستوم در این پروژه به صلاحیت‌های آن شرکت مربوط بوده است و بنابراین رأی داوری در الزام آلستوم به پرداخت مبالغ موردنظر تأییدی بر قرارداد رشوه و اعمال نفوذ است که فاقد مشروعیت قانونی است.

دادگاه پژوهش پاریس در تاریخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۷۲ رأی مفصلی صادر نموده و سرانجام ضمن معتبردانستن قرارداد، رأی داوری را تنها به دلیل تقلب در ارائه صورتحساب هزینه‌های به‌عمل‌آمده توسط شرکت انگلیسی قابل ابطال دانسته است. بدین ترتیب دادگاه فرانسه بدون

1. Alstom

۲. منظور از رشوه، پرداخت پورسانت است که به دلیل اینکه عنوان پورسانت در مقررات بین‌المللی عنوان ناشناخته ایست، لذا از لفظ رشوه استفاده شده است.

اذعان به اینکه قرارداد بین طرفین قرارداد غیراخلاقی و مبتنی بر رشوه (پرداخت پورسانت) و اعمال نفوذ بوده است با ابطال رأی داوری به نفع شرکت فرانسوی آلستوم رأی داده است.

پرسش: آیا اخذ وجه، مال، سند تحصیل وجه و سایر امتیازات با ارزش از دلالت و نمایندگان شرکت‌های خارجی مشمول جرم اخذ پورسانت می‌گردد یا خیر؟

چنان‌که قبلاً اشاره گردید در متن ماده‌واحد و همچنین ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ عبارت «به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم» تصریح گردیده و در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز عبارت «یا به‌واسطه» و «برای خود یا دیگری» ذکر شده، عمل می‌تواند بالمباشره یا به‌واسطه باشد که در واقع همان شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم گرفتن پورسانت است. اما با توجه به اینکه قانونگذار در مواد قانونی فوق اشاره‌ای به اخذ پورسانت از نماینده یا دلال ننموده، آیا باز هم این اقدام مشمول اخذ پورسانت می‌گردد یا خیر؟

برابر سوابق موجود بنا به دلایلی که در فوق اشاره شد درحال حاضر عمدتاً کارگزاران و مأمورین خرید با واسطه‌ها و نمایندگان شرکت‌های خارجی ارتباط دارند و معمولاً پورسانت از ناحیه دلالان و نمایندگان مذکور پرداخت می‌گردد. لذا در این مطالب هرچند خلأ قانونی وجود دارد، اما باید در این موضوع فرضیات مختلف را مورد بررسی قرار داد.

فرض اول: چنانچه قرارداد با شخص دلال و واسطه باشد و اخذ وجه یا مال یا سند تحصیل وجه یا مال از وی باشد، عنوان مجرمانه همان اخذ پورسانت صدق می‌کند.

فرض دوم: چنانچه دلال یا واسطه به نمایندگی از فروشنده اصلی اقدامات و هماهنگی‌های موردنظر فروشنده را در ایران انجام می‌دهد، در این مورد نیز در صورتی که وجه، مال یا سند تحصیل وجه یا مال به کارمند و مأمور دولت یا نیروهای مسلح پرداخت شود نیز حکم اخذ پورسانت را دارد؛ چرا که اگر دلالی که در معامله سهیم و منتفع می‌باشد پورسانت از ناحیه وی پرداخت شود باز هم در نفس موضوع فرقی نخواهد کرد و عنوان جرم پورسانت تحقق یافته و صرفاً نباید این مبلغ از ناحیه طرف معامله پرداخت گردد، بلکه قبول پورسانت کافی بوده و دلالی که چنین اقدامی نموده در واقع در این معامله نفعی عاید او گردیده و در حقیقت جزء سهامداران بوده که پورسانت پرداخته است (مواد ۳۴۶ و ۳۴۷ قانون تجارت).

فرض سوم: اما چنان‌که در موضوع شرکت انگلیسی وست‌من نیز اشاره شد، دلال یا واسطه ایرانی در معامله موردنظر اعمال نفوذ به نفع فروشنده نموده و در این رابطه وجه مال یا سند تحصیل وجه یا مالی به مأمور یا کارگزار دولت و نیروهای مسلح پرداخت نموده باشد، در این صورت عنوان مجرمانه اخذ پورسانت نبوده، بلکه تحت‌عنوان مجرمانه پرداخت، اخذ رشوه و نفوذ در معاملات دولتی قابل تعقیب می‌باشد.

لزوم تشکیل باندهای چند نفره جهت اخذ پورسانت‌های خارجی

در پرونده‌ای یک باند شش‌نفره تبعه ایران (طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵)، اقدام به ارائه اطلاعات نیازمندی‌های نیروهای مسلح و هدایت خریدها به سمت شرکت‌های خارجی موردنظر نموده و سپس با اخذ مبلغ پورسانت‌های کلان آن را بین یکدیگر تقسیم می‌نموده‌اند. نحوه اقدام آنان بدین‌شکل بوده که نفر «الف» و «ب» که کارمند نیروهای مسلح بوده‌اند، اطلاعات مربوط به نیازمندی‌های نیروهای مسلح را در اختیار آقای «ج» که واسطه و دلال بوده می‌گذارند و نفر «ج» نیز اطلاعات مذکور را به تیم سه‌نفره مقیم خارج از کشور منتقل و تیم مذکور که متشکل از آقایان «د»، «ه»، «و» بوده‌اند نیز با ریزنی با شرکت‌های خارجی که دارای محصول موردنیاز بوده‌اند، ضمن توافق با شرکت‌های خارجی مبنی بر اخذ ده درصد پورسانت، معامله را جوش داده و زمینه خرید و عقد قرارداد را فراهم می‌نموده‌اند. پس از قطعی شدن معامله و انعقاد قرارداد، مبالغ پورسانت براساس پیشرفت قرارداد و ارسال محموله، مرحله به مرحله به حساب شخص «د» که مسئولیت تیم خارجی را بر عهده داشته واریز می‌شده و پس از اخذ کل مبلغ پورسانت، نامبرده نیز مبالغ را تقسیم و سهم نفرات تیم سه‌نفره ایرانی را به حساب آقای «ج» واریز و ایشان نیز سهم دو نفر کارمند نیروهای مسلح را به حساب‌های نامبردگان واریز می‌نموده است.

در مجموع باتوجه به مصادیق موجود و با استفاده از تجربیات مهمی که در ارتباط با معاملات خارجی بدست آمده می‌توان گفت باتوجه به مراحل شکل‌گیری قراردادها، پورسانت عموماً در یکی از چهار مرحله اجرای قراردادهای بین‌المللی به شرح زیر پرداخت می‌گردد:

• مرحله اول: هنگام آوردن قرارداد

آوردن قرارداد تحت‌عنوان Introduction که متعاقباً Fee (مبلغی) را طرف اعطاء‌کننده قرارداد (آورنده قرارداد) که اصطلاحاً در ایران از آن به‌عنوان کمسیون یا پورسانت نام‌گذاری

می‌شود، پرداخت می‌کند.^۱ شرکت‌های خارجی جهت شناسایی مجموعه‌های دولتی و نظامی که نیازمندی‌های خارجی دارند با پرداخت مبالغ کلان تحت‌عنوان پورسانت، تمام توان و تلاش خود را به کار می‌گیرند تا قراردادها و معاملات مجموعه‌های دولت و نیروهای مسلح را به سمت خود سوق دهند. متأسفانه وجود عناصر سست اراده و سودجو در تشکیلات دولتی و نظامی نیز این امکان را برای شرکت‌های مذکور فراهم می‌نماید.

• **مرحله دوم: هنگام مذاکره و عقد قرارداد**

در این مرحله نیز امضاءکننده قرارداد و یا مذاکره‌کننده احتمال دریافت حقوقی را تحت‌عنوان (Bourding Fee) پرداخت می‌نماید. همین عنوان را در ایران تحت کمیسیون و پورسانت طبقه‌بندی می‌نمایند.^۲

• **مرحله سوم: هنگام شروع اجرایی و گشایش LC^۳ قرارداد**

در این مرحله هم پیش‌پرداخت برای شروع قرارداد (شروع فیزیکی) و هم اعتبار اسنادی قبلاً گشایش یافته است و در این مرحله نیز کمیسیون و پورسانت پرداخت می‌گردد.^۴

• **مرحله چهارم: هنگام نظارت و ختم قرارداد^۵**

در این مرحله چون ضمانت حسن انجام کار در پایان اجرای پروژه باید صادر شود تا پیمانکار بتواند BQ^۶ خود را آزاد کند. باز احتمال آن وجود دارد پورسانت‌گیرنده در کلیه مراحل فوق نقش داشته باشد.^۷

نکات موجود در این مبحث

چنان‌که در بند ۲۲ نمونه قرارداد تنظیمی در معاملات خارجی (مندرج در دستورالعمل ابلاغی وزارت دفاع) قید گردیده، ممنوعیت حق کمیسیون^۸ (اخذ پورسانت) صراحتاً در مفاد

1. To Claim The Introduction Fee
2. Negotiation And Contract Singhing
3. Letter Of Credit
4. Commeunication And Opening LC
5. Delivery Of Contract
6. Bank quarantine
7. Contract Delivery And B, C Redease
8. COMMISSION PROHIBITION

قراردادها درج و قید می‌گردد. لیکن با وجود این موضوع مأمورین و کارگزاران نظامی نسبت به اخذ و کتمان آن اقدام می‌نمایند.

همچنین باتوجه به فرآیند انعقاد قراردادها و معاملات، مأمورین و کارگزاران در مراحل مختلف استعمال بها، مکاتبه با فروشندگان و برگزاری مناقصه، تعیین منبع (فروشنده) یا منابع (فروشندگان) موجود، تعیین صلاحیت فروشنده یا فروشندگان، تنظیم گزارش جهت اخذ مصوبه، امضاء قرارداد یا تایید فرم‌های نهائی، مرحله گشایش اعتبار بیشتر از مراحل دیگر در معرض ارتکاب به جرم اخذ پورسانت قرار دارند.

ج) وسیله ارتکاب جرم

وسیله ارتکاب جرم در برخی از جرائم مانند کلاهبرداری از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد؛ به‌طوری که یکی از شرایط تحقق بزه کلاهبرداری متقلبانه بودن وسایلی است که مرتکب از آنها برای اغفال و فریب قربانی جرم و بردن مال وی استفاده می‌کند اما وسیله ارتکاب در جرم اخذ پورسانت اهمیت ندارد. در جرم اخذ پورسانت باتوجه به اینکه مقنن در هیچ‌یک از قوانین مرتبط وسیله خاصی را شرط تحقق جرم مذکور ندانسته، استنباط می‌شود که نوع و کیفیت وسیله در تحقق این جرم مؤثر نیست. در واقع در بزه اخذ پورسانت آنچه اهمیت دارد اخذ وجه و مال و... در معاملات دولتی است و اینکه مرتکب چگونه و با چه وسیله‌ای مبادرت به تحصیل آنها کرده است از اهمیت برخوردار نمی‌باشد. البته شناسایی روش‌ها و وسیله‌های ارتکاب جرم در جهت کشف جرم و انطباق مجازات‌ها می‌تواند مفید و مؤثر باشد.

د) فعل مرتکب

۱- ضرورت ارتکاب فعل مثبت

در بیشتر جرائم عنصر مادی یا به عبارت دیگر رفتار مجرمانه به صورت عمل یا فعل مثبت تحقق می‌یابد. قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل (رفتار مجرمانه به صورت منفی) که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است را جرم محسوب کرده است. باتوجه به اینکه جرم فعل عملی^۱ است که انجام آن توسط قانونگذار منع شده و برای آن مجازات مقرر گردیده، لذا جرم پورسانت از مصادیق جرم فعل

۱. درخصوص جرم فعل مراجعه کنید به علی‌آبادی عبدالحسین؛ حقوق جنایی؛ جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۵، ص ۶۵.

می‌باشد و با عمل مثبت انجام می‌شود. باتوجه به عبارت «قبول» در ماده‌واحد و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، عنصر مادی جرم از یک فعل مثبت تشکیل می‌شود؛ زیرا قبول تنها با فعل مثبت تحقق می‌یابد و با ترک فعل واقع نمی‌شود. در ماده ۶۰۳ نیز داشتن نفع برای خود و دیگران نیز نیاز به فعل مثبت دارد. همچنین عنصر مادی معاونت در جرم علی‌الاصول با فعل مثبت تحقق می‌یابد و با ترک فعل واقع نمی‌شود.

دیوان عالی کشور در رأی شماره ۵۶۴-۱۳۲۶/۶/۲۲ بیان داشته «اگر یکی از دو نفر همکار اداری مرتکب اختلاس شود و دیگری با علم و اطلاع سکوت اختیار کند و گزارش ندهد، عمل او را نمی‌شود معاونت تلقی کرد. چون رکن تحقق جرم معاونت وحدت قصد و اقتران زمانی و تبانی با مجرم اصلی است و به‌علاوه از امور وجودی است نه عدمی» (امین‌پور، ۱۳۳۰: ص ۲۰)؛ بنابراین اگر شخصی از اخذ پورسانت توسط مأمور خرید اطلاع حاصل نماید اما مبادرت به گزارش آن نکند، نمی‌توان وی را به‌عنوان معاونت در بزه اخذ پورسانت تعقیب نمود بلکه عمل این شخص مشمول ماده ۶۰۶ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۷۸ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲ می‌باشد.^۱

۱. ماده ۶۰۶ ق.ا.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۱۰۱) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد (۱۰۲) و (۱۰۶) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضائی یا اداری اعلام ننماید، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» و ماده ۷۸ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲: «هر نظامی به مناسبت انجام وظیفه عمداً گزارشی برخلاف واقع به فرماندهان یا دیگر مقامات مسئول تقدیم نماید و یا حقایق را کتمان کند و یا با سوءنیت گزارشی با تغییر ماهیت یا به‌طور ناقص ارائه دهد و یا عمداً جرائم ارتكابی کارکنان تحت‌امر خود را به مقامات ذی‌صلاح گزارش ندهد و یا از گزارش آن جلوگیری نماید یا گزارش‌ها و جرائم را به موقع اعلام نکند، به‌ترتیب زیر محکوم می‌شود: الف- چنانچه اعمال فوق موجب شکست جبهه اسلام یا تلفات جانی گردد به مجازات محارب؛ ب- در صورتی که موضوع به امور جنگی یا مسائل امنیت داخلی یا خارجی مرتبط باشد به حبس از دو تا پنج سال؛ ج- در سایر موارد به‌استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال. تبصره ۱- چنانچه اعمال مذکور موجب خسارات مالی گردد، مرتکب علاوه بر مجازات فوق، به جبران خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد. تبصره ۲- هرگاه اعمال مورد اشاره در بندهای (ب) و (ج) این ماده در اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری باشد، در صورتی که موجب جنایت بر نفس یا اعضاء شده باشد، مرتکب به نصف حداقل تا نصف حداکثر مجازات‌های مزبور محکوم خواهد شد و در غیراین‌صورت طبق آیین‌نامه انضباطی عمل می‌شود. پرداخت دیه طبق مقررات قانون دیات می‌باشد.

۲- تأثیر انگیزه شرافتمندانه در تحقق جرم

آیا انگیزه خوب و شرافتمندانه مرتکب می‌تواند در تحقق یا عدم تحقق جرم تأثیرگذار باشد؟ لازمه تحقق عنصر مادی جرم پورسانت اخذ وجه، مال یا امتیاز و عدم اعلام و واریز وجه حاصله از پورسانت به خزانه دولت می‌باشد و انگیزه در تحقق جرم تأثیری ندارد. چنانچه پورسانت را با انگیزه شرافتمندانه دریافت و تصاحب نموده باشد باز هم مرتکب جرم شده است. نمونه جالب در این مورد پرونده مدیرعامل اسبق شرکت دخانیات بود که ۳۲/۵ میلیون دلار پورسانت از شرکت‌های خارجی دریافت نموده بود و در مدافعات خود با اعلام این مطلب که اکثر وجوه دریافتی را صرف امور خیریه و کمک به مستمندان نموده است، درخواست صدور رأی مبنی بر براءة خود را داشت که مورد قبول دادگاه واقع نگردید. نمونه مهم دیگری که در مورد پورسانت می‌توان نام برد پورسانت ده درصدی مهندس شریف امامی مربوط به کارخانه ذوب‌آهن است که از طرف اولیاء کارخانه کروپ در بانک‌های خارجی ریخته شده بود (آذری‌متین، ۱۳۷۹-۱۳۷۸: ص ۲۷۲).

۳- اخذ پورسانت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم

چنان‌که در متن ماده واحد و همچنین ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ عبارت «به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم» تصریح گردیده و در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز عبارت «یا به‌واسطه» و «برای خود یا دیگری» ذکر شده، عمل می‌تواند بالمباشره یا به‌واسطه باشد که در واقع همان شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم گرفتن پورسانت است و لزومی ندارد اخذ پورسانت به‌صورت مستقیم توسط مأمور خرید انجام شود؛ بلکه دریافت باواسطه پورسانت توسط همسر، فرزندان، آشنایان و... نیز موجبات تحقق جرم مذکور را فراهم می‌کند. چنانچه مقنن تنها اخذ پورسانت توسط خود مأمور خرید را جرم‌انگاری می‌کرد، این احتمال وجود داشت که بسیاری از افراد به‌منظور فرار از مجازات مستقیماً مبادرت به دریافت پورسانت نمایند، بلکه به‌صورت غیرمستقیم از طریق همسر، فرزندان، آشنایان و... اخذ کنند.

پیش‌بینی هر ترتیب خاص دیگری در زمینه گرفتن پورسانت در صورت مسئله و مسئولیت کیفری مرتکب تأثیری ندارد و مسئولیت فقط از راه‌های عنوان‌شده مستقر نمی‌شود؛ مثل اینکه کارمندی که در بخش کارگزینی یا اداری یک سازمان کار می‌کند، رابط بین فروشنده کالا با

کارپرداز اداره واقع گردیده و پورسانت را اخذ نماید. یا اینکه ترتیب خرید اتومبیل معامله‌کننده از رهگذر شخص ثالثی با قیمتی بیشتر داده شود یا ملکی به قیمت کمتر به همسر کارمند مرتکب فروخته شود. این فروش یا خرید از ناحیه هر شخصی باشد -چه نماینده فروشنده یا شعبه‌های آن یا شخص ثالث- تأثیری در مسئولیت مرتکب ندارد. لذا چنان‌که از مثال‌های ذکرشده مشخص بوده و در ماده ۶۰۳ ق.م.ا نیز آمده است، پورسانت اخذشده چه به نفع خود مرتکب یا دیگری باشد، مسئولیت کیفری را مستقر می‌نماید. در این رابطه دادنامه شماره ۶۲۸-۱۳۸۱/۸/۱۱ صادره از دادگاه نظامی یک تهران اشاره به این دارد که متهم از کارمندان یکی از سازمان‌های وزارت... بوده و خریدهای مربوط به سازمان خود را از طریق نماینده یک شرکت آلمانی در ایران انجام می‌داده است. شرکت خارجی پورسانت‌های مربوط به قرارداد را به شرکتی که نمایندگی‌اش را در ایران داشت پرداخت می‌کرد و نماینده شرکت خارجی در ایران نیز پورسانت‌ها را بین خود، کارمند وزارت... و شخص ثالثی که در این رابطه دخالت داشته تقسیم می‌کرده است.

دادگاه در رأی مذکور با وجود اینکه کارمند وزارت... پورسانت را به‌طور مستقیم دریافت نکرده بود، وی را به‌عنوان مباشر جرم اخذ پورسانت قلمداد نموده و وی را محکوم کرده است. لذا اخذ وجه، هدیه یا امتیاز از سوی خانواده یا نزدیکان و آشنایان مأمور خرید نیز چنانچه در ارتباط با قرارداد و معامله باشد، مشمول مواد فوق خواهد بود. همچنین شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در دادنامه صادره به شماره ۳۱/۴۱۲ مورخ ۸۸/۶/۴ اخذ هرگونه وجه تحت هر عنوان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات و قراردادهای داخلی و خارجی را از مصادیق اخذ پورسانت محسوب نموده است.

از طرف دیگر مقنن همسو و هماهنگ با اقدامات بین‌المللی در این زمینه تدبیر کرده است؛ به‌طوری که در کنوانسیون پالرمو و کنوانسیون مبارزه با فساد نیز عبارت «به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم» ذکر شده است و از دولت‌ها خواسته‌شده درخواست یا پذیرش یک مزیت نامشروع از سوی مقام عمومی را جرم‌انگاری نمایند. قانونگذار جمهوری اسلامی ایران نیز از این سیاست پیروی کرده و در مواردی با وجود اینکه پورسانت به‌صورت مستقیم به مأمور خرید پرداخت نشده بود، عمل وی را مشمول قانون دانسته و قضات نیز طبق آن حکم داده‌اند.

ه) همکاری و مساعدت در اخذ پورسانت

۱- شرکت در جرم

الف) بررسی تاریخی قوانین شرکت در جرم: از لحاظ سابقه تاریخی بحث شرکت در جرم در قانون جزای عرفی مصوب ۱۳۳۵ قمری مصادف با ۱۲۹۳ شمسی که به تصویب موقت هیئت دولت رسیده بود، در ماده ۵۸ چنین آمده بود: «هرگاه اشخاص متعدد مرتکب جرمی شوند به‌طوری که تقصیر همه بالسویه باشد یا اینکه هرکدام یک جزء از جرم واحد را انجام دهند شرکا در جرم محسوبند و مجازات همه یکسان است.»

سپس این نص در قانون کیفر همگانی مصوب ۱۳۰۴ در ماده ۲۷ چنین انشاء شده بود: «هرگاه چند نفر مرتکب یک جرم شوند به‌نحوی که هر یک فاعل آن جرم شناخته شود، مجازات هر یک از آنها مجازات فاعل است و اگر هرکدام یک جزء واحد را انجام دهند، به طریقی که مجموع آنها فاعل آن جرم شناخته شوند، شرکا در جرم محسوب و مجازات هر یک از آنها حداقل مجازات فاعل مستقل جرم است. اما هرگاه نسبت به بعضی از شرکا اوضاع و احوالی موجود باشد که در وصف جرم یا کیفیت مجازات تغییری دهد، تأثیری در حق سایر شرکا نخواهد داشت.»

این نص در اصلاحیه قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ در ماده ۲۷ آن بدین عبارت انشاء گردید: «هرکس با علم و اطلاع با شخص یا اشخاص دیگر در انجام عملیات اجرایی تشکیل‌دهنده جرمی مشارکت و همکاری کند، شریک در جرم شناخته می‌شود و مجازات فاعل مستقل جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد، مجازات هر یک از آنان مجازات فاعل مستقل خواهد بود. اگر تأثیر مداخله شریکی در حصول جرم ضعیف باشد، دادگاه مجازات او را به تناسب تأثیر عمل او تخفیف می‌دهد.» با مطالعه و بررسی مواد فوق چنین نتیجه گرفته می‌شود که در تمام موارد موصوف، مساعی قانونگذار بر این بوده است که به‌وضوح ملاکی از عنصر مادی شرکت در جرم ارائه نماید و بر این اساس افعال شرکا را به‌صورتی مکمل در نظر گرفته است، به‌نحوی که جرم به‌عمل همه آنان منتسب گردد؛ هرچند عبارات و مفاهیم را نارسا بیان نموده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و قوت‌گرفتن دیدگاه تطابق تمامی قوانین با اصول و مبانی فقهی و اسلامی، مقررات جزایی بیش از سایر قوانین دستخوش تغییر و تحول گردید و بحث شرکت در

جرم نیز از این قاعده مستثنی نماند. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ بحث شرکت در جرم در ماده ۴۲ آن بدین عبارت انشاء گردید: «هر کس عالماً و عامداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرائم قابل تعزیر یا مجازات‌های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد، خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود.

در مورد جرائم غیرعمدی (خطایی) که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد، مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود. تبصره: اگر تأثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد، دادگاه مجازات او را به تناسب تأثیر عمل او تخفیف می‌دهد.»
نهایتاً قانونگذار موضوع مشارکت در جرم را با اصلاحاتی در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنین قید نموده است: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم مستند به رفتار همه آنها باشد، خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد، مقصران شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان مجازات فاعل مستقل آن جرم است. تبصره: اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد.»

با تأمل و تعمق در مواد فوق نکاتی به ذهن متبادر می‌گردد. اول اینکه سیاست کیفری مقنن در بحث مجازات شرکت در جرم، محتاطانه است؛ چرا که مجازات شرکا را به مانند قانون سال ۱۳۵۲ مجازات فاعل مستقل می‌داند. اما در بحث عنصر مادی، قانونگذار با در نظر گرفتن دیدگاه‌های فقهی، عبارتی متفاوت از قوانین قبل از انقلاب انشاء کرده است. بدین توضیح که در تعریف عنصر مادی شرکت در جرم ماده ۱۲۵ این عبارت ذکر شده: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند، جرم مستند به رفتار همه آنها باشد، خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و...» به ضابطه استناد جرم به فعل همه شرکا

اشاره شده است که به مراتب رساتر و گویاتر از قوانین قبلی است. بدین ترتیب زمانی می‌توان مداخله‌کنندگان در یک جرم را شریک جرم قلمداد کرد که جرم ارتكابی منتسب به فعل همه آنها باشد. یعنی هرکدام جزئی از علت تامه جرم را انجام داده باشند به نحوی که مجموع این اعمال باعث وقوع جرم شود و یا نتوان اثر فعل مداخله‌کنندگان و میزان آن را تمیز داد به نحوی که بتوان گفت جرم توسط همگی صورت پذیرفته است.

دوم اینکه براساس قانون جدید، همکاری حداقل دو نفر و علم و اطلاع آنان از جرم و انجام عملیات اجرایی ضرورت دارد و سوم اینکه در ادامه ماده ۱۲۵ قانونگذار به عدم تأثیر میزان افعال شرکا اشاره کرده است که منطبق با قاعده استناد جرم به فعل همه شرکا است و مجازات آن را مجازات فاعل جرم قرار داده است.

ب) مفاهیم حقوقی و ماهیت مشارکت در جرم اخذ پورسانت: تعریف شرکت در جرم؛ یعنی ارتکاب جزئی از اجزای اصلی جرم به وسیله انسانی، به طوری که از جمع اعمال دو یا چند نفر، جرم محقق گردد. مانند اینکه کسی دست و پای مقتول را ببندد و دیگری او را خفه کند می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۸۴). به عبارت دیگر هرکس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم مستند به رفتار همه آنها باشد، خواه رفتار هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب می‌شود.

تفاوت معاونت و مشارکت در جرم در انجام رفتارهای مادی مشخص می‌شود. بدین معنا که در تحقق مشارکت، ورود همه افراد در انجام رکن مادی جرم شرط است، اما در معاونت چنین نیست و علی‌الاصول فردی که در عملیات اجرایی جرم وارد نشده، به عنوان شریک جرم شناخته نمی‌شود. ضمن اینکه در معاونت «وحدت قصد بین معاون و مباشر جرم» ضروری است، هم‌چنین مجازات «شریک در جرم» مجازات «فاعل مستقل» است.

باتوجه به معنای شرکت در جرم، در صورتی که شخصی در عملیات اجرایی اخذ پورسانت شرکت کند، عملش از مصادیق شرکت در جرم بوده و قابل تعقیب کیفری است. شریک بایستی پورسانت را دریافت کرده باشد. لذا هنگامی می‌توان شخصی را به عنوان شرکت در جرم تعقیب نمود که جرم مستند به عمل او باشد. به عبارت دیگر، باید عنصر مادی جرم را مرتکب شده باشد. همان‌گونه که در مباحث آتی خواهیم گفت، عنصر مادی بزه اخذ پورسانت، قبول یا اخذ

پورسانت می‌باشد. بنابراین شخص خواه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم باید در اخذ پورسانت مشارکت نموده باشد. علاوه بر این، سوءنیت وی نیز باید احراز گردد و در غیر این‌صورت به‌عنوان شریک در این جرم قابل تعقیب نمی‌باشد. به‌عنوان مثال اگر مأمور خرید نداند که وجه یا مال به علت انجام معامله به وی پرداخت شده است، در این‌صورت حتی اگر عنصر مادی جرم را هم مرتکب شده باشد، به علت نداشتن سوءنیت به‌عنوان شرکت در بزه اخذ پورسانت قابل تعقیب نمی‌باشد. مقنن در ماده ۱۱۱ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲ مشارکت بازرسان و ناظران امور مالی در نیروهای مسلح در جرائم موضوع مواد ۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مزبور را در حکم شرکت در جرائم مذکور دانسته است.^۱

باتوجه به اینکه طبق ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات شریک در جرم مجازات فاعل مستقل جرم می‌باشد، ضرورتی جهت ذکر ماده ۱۱۱ قانون مجازات جرائم نیروی مسلح به‌نظر نمی‌رسیده و به استناد ماده ۱۲۵ همان قانون، امکان تعقیب این افراد وجود داشته اما به‌جهت اهمیت اقدام بازرسان و ناظران امور مالی در نیروهای مسلح، قانونگذار موضوع شراکت در جرائم مورد نظر را در ماده ۱۱۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۲ را مجدداً مورد تأکید قرار داده است.

۲- معاونت در جرم

معاونت در جرم به معنی تحریک مباشر یا عامل اصلی جرم از سوی غیر مباشر و یا کمک در تهیه مقدمات کار مجرم و یا دخالت در لواحق جرم مانند اخفای اشیای مسروقه و... تعریف شده است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷: ص ۶۶۹). منظور از معاونت در جرم اخذ پورسانت آن است که شخصی بدون آنکه در عملیات اجرایی ارتکاب جرم مذکور شرکت کند، به یکی از صورت‌های پیش‌بینی‌شده در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ با مباشر جرم همکاری نماید.

۱. ماده ۱۱۱ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲ مقرر داشته: «چنانچه بازرسان یا ناظران امور مالی در نیروهای مسلح در ارتکاب جرائم مندرج در مواد (۱۰۸، ۱۰۹ و ۱۱۰) این قانون شرکت نمایند به مجازات مرتکبان اصلی محکوم و اگر پس از کشف یا اطلاع از وقوع، آن را مخفی دارند، به مجازات حبس مرتکبان اصلی محکوم خواهند شد.

۲. ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد؛ ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد؛ پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل نماید. تبصره: برای تحقق معاونت در جرم، وحدت یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است.

گاهی افراد بدون آنکه در اعمال تشکیل‌دهنده جرم دخالتی داشته باشند، به یکی از صورتهایی که در ماده ۱۲۶ ق.م.ا بیان شده است، به مرتکب جرم در ارتکاب بزه، کمک می‌نمایند که این افراد به‌عنوان معاونت در جرم، قابل تعقیب می‌باشند. براساس تبصره ۳ ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲، اگر پورسانت‌گیرنده اخذ پورسانت را به اطلاع مسئول مربوط برساند و وجوهی را که بدین‌طریق دریافت کرده است به حساب دولت واریز نماید، مشمول ماده فوق نمی‌باشد.

قانونگذار با ذکر تبصره فوق اقدام این اشخاص را مشمول علل موجهه و مباح تلقی نموده است. حال اگر شخصی مأمور خرید را تشویق به اخذ پورسانت نماید و مأمور خرید نیز پورسانت را اخذ و آن را به صندوق دولت واریز ننماید، آیا این شخص را می‌توان به‌عنوان معاونت در جرم پورسانت تعقیب نمود؟ پاسخ این است که تحریک ممکن است به دو صورت انجام شده باشد. گاهی مأمور خرید تحریک به اخذ پورسانت و واریز آن به صندوق دولت شده است. در این صورت عمل انجام‌شده توسط مرتکب جرم نبوده و به تبع آن عمل تحریک‌کننده نیز جرم نیست. اما اگر مأمور خرید تحریک به اخذ پورسانت برای خود شده باشد و پس از اخذ پورسانت آن را به صندوق دولت واریز ننماید، در این صورت با استناد به ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان تحریک‌کننده را به‌عنوان معاون در جرم تحت تعقیب قرارداد.

گفتار دوم: شرایط، اوضاع و احوال

جهت تحقق جرم اخذ پورسانت برخی شرایط خاص باید وجود داشته باشد تا زمینه تحقق این جرم فراهم گردد. در غیر این صورت ممکن است عنوان مجرمانه دیگری داشته باشد و یا جرم نباشد. ارکان اساسی تحقق جرم اخذ پورسانت در دو موضوع خلاصه می‌شود: اولاً لازم است وجوه و مزایای مالی در رابطه با معامله اخذشده باشد. ثانیاً آن معامله مربوط به دولت، سازمان‌ها و مؤسساتی باشد که در قانون از آنها نام برده شده و یا مربوط به معاملات نیروهای مسلح باشد. لذا باتوجه به میزان اهمیت، به بررسی دو موضوع فوق می‌پردازیم:

چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.»

الف) سمت مرتکب و رابطه استخدامی با دولت و نیروهای مسلح

در مقدمه این مبحث باید به این نکته اشاره شود که شغل به‌عنوان زمینه‌ساز موضوع بزهکاری به دو صورت قابل بررسی است: ۱- بعضی مشاغل فی‌نفسه ممنوع هستند ۲- بعضی مشاغل جرم‌زا هستند. مشاغل ممنوعه مانند ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ است که درخصوص ولگردی و کلاشی است که فی‌نفسه ممنوع است. همچنین مشاغلی مانند خرید و فروش مواد مخدر و یا مشروبات الکلی یا ساخت‌وساز مواد تقلبی و... اما بعضی وقت‌ها شغل مباح است ولی منشأ جرم می‌شود؛ مانند مشاغل وکالت، پزشکی، قضاوت و... که به آن جرائم شغلی می‌گویند. پس جرائم شغلی به فعالیت‌های غیرقانونی گفته می‌شود که صاحبان منصب و مقام با سوءاستفاده از موقعیت شغلی خود مرتکب یکی از عناوین مجرمانه می‌شوند؛ مثل اخذ پورسانت، اختلاس، رشوه و... لذا با این توصیف جرم اخذ پورسانت نیز براساس موقعیت شغلی بروز می‌کند و مرتکب آن نیز لزوماً کارمند یا مستخدم دولت یا نیروهای مسلح می‌باشد. در واقع بین شغل و بروز بزه پورسانت رابطه معنادار وجود دارد. با بررسی‌های انجام‌شده در سوابق موجود، مشخص گردیده احتمال دریافت پورسانت توسط کارکنانی که در معاونت بازرگانی کار می‌کنند بیشتر است؛ چرا که در مشاغل دیگر مانند اداری، پشتیبانی و... به علت عدم ارتباط با مباحث خریدی و عدم ارتباط با فروشندگان معمولاً کارکنان بخش‌های مذکور در معرض ارتکاب این جرم نیستند، اما با توجه به نوع ارتباط با شرکت‌ها و پیمانکاران، کارکنان شاغل در معاونت‌های بازرگانی بیشتر در معرض ارتکاب جرم اخذ پورسانت قرار می‌گیرند.

در ماده ۶۰۳ به‌صراحت لزوم کارمندبودن قید شده و در ماده ۱۰۹ نیز نظامی‌بودن شرط تحقق جرم است. اما در ماده‌واحدده مقنن ویژگی خاصی را برای مرتکبین جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی در نظر نگرفته است و به‌نظر می‌آید هر شخصی که مبادرت به اخذ پورسانت به طریق مذکور در قانون نماید را می‌توان به‌عنوان مباشر این جرم تحت تعقیب قرار داد. از ظاهر عبارت قانون، حتمی‌بودن سمت مرتکب که از مستخدمان لشکری یا کشوری باشد استنتاج نمی‌شود، ولی چنانچه به مشروح مذاکرات مجلس در زمان تصویب قانون مراجعه شود، مشخص می‌گردد که موضوع بحث و سمت مرتکب که از کارکنان دستگاه‌های دولتی یادشده در ماده‌واحدده باشد، محوریت مذاکرات را تشکیل داده و شامل کلیه مستخدمان دولتی اعم از

رسمی و غیررسمی می‌شود. همچنین اگر هر شخصی به دیگری در اخذ پورسانت مساعدت نماید و یا در اخذ پورسانت با وی مشارکت نماید، به ترتیب با عنوان معاون و شریک جرم قابل تعقیب می‌باشد.

باتوجه به اینکه نقش مرتکب در تحقق جرم اخذ پورسانت بسیار مهم است و جرم مذکور فقط در ارتباط با کارکنان و مستخدمین دولت جرم‌انگاری شده است، لذا در زیر به بررسی مفهومی کارمندان دولت و نظامیان و نکات موجود در ارتباط با این مبحث می‌پردازیم:

فرهنگ لغت معین کارمند را کسی که در موسسه یا اداره‌ای کار می‌کند یا عضو اداره می‌باشد تعریف نموده است و مأمور را به معنی امر کرده شده، فرمان داده شده، فرمان‌بر، گماشته، کسی که به او امر شده کاری را انجام دهد معرفی کرده است (معین، ۱۳۸۶: ص ۸۸۷).

غالباً به اشخاصی که پورسانت را قبول می‌نمایند کارپرداز می‌گویند. لذا در تعاریف ارائه‌شده در فرهنگ لغات معین، کارپرداز را چنین تعریف نموده است: «کار»+«پرداز» یعنی آنکه تدبیر و اجرای کاری به عهده او باشد. «کارپردازی» مباشرت در انجام دادن کاری، تدبیر در کاری، اداره‌ای که تهیه و تأمین لوازم کار و نوشت‌افزار و مایحتاج آن اداره یا وزارتخانه متبوع را بر عهده دارد و سابقاً اداره ملزومات و آژانس نامیده می‌شد (همان: ص ۸۸۴).

بر طبق ماده ۶ قانون استخدام کشوری مستخدم رسمی کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از جداول حقوق موضوع ماده ۳۰ برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی مشمول این قانون استخدام شده باشد.

به‌طور کلی در قانون استخدام کشوری واژه مستخدم به دو صورت به کار برده می‌شود: آنجا که تکالیف عمومی مستخدمین دولت مدنظر است واژه مستخدم به صورت مطلق به کار می‌رود و آنجا که صحبت از حقوق و مزایای مستخدم است اصطلاح رسمی به کار برده می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۴: ص ۲۳).

بنابراین کارمندان یا کارکنان دولت^۱ یا وابسته به دولت و همچنین نیروهای مسلح به ترتیب مقرر در قانون عبارتند از:

۱. کارمندان دولت اعم است از رسمی، پیمانی و روزمزد افرادی هستند که طبق قانون استخدام کشوری با داشتن شرایط خاص به استخدام دولت درمی‌آیند و از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند و دارای سمت و عناوین رسمی سازمانی هستند.

۱- کارمندان دولت شامل

- کارمندان و کارکنان ادارات دولتی یا وابسته به دولت
- کارمندان و کارکنان سازمان‌ها یا شوراهای شهرداری‌ها
- کارمندان و کارکنان مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت

۲- کارمندان نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی

طبق ماده ۳ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۱۵/۲/۹ مأمورین به خدمات عمومی کسانی هستند که در مؤسسات زیر خدمت می‌کنند:

- مؤسسات خیریه که برحسب ترتیب وقف یا وصیت یا تولیت آنها با حاکم عصر است.
- مؤسسات خیریه و مؤسسات عام‌المنفعه که توسط دولت یا شهرداری اداره می‌شوند.
- مؤسسات انتفاعی یا مؤسسات غیرانتفاعی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند.
- کارمندان بانک ملی ازجمله مأمورین به خدمات عمومی موضوع قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی می‌باشند که در صدر ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات از آنان نام برده شده است.^۱
- کارمندان و کارکنان نهادهای انقلابی نظیر بنیاد شهید.
- کارمندان و کارکنان دیوان محاسبات عمومی

۳- دارندگان پایه‌ها قضائی و غیرقضائی شامل: ۱- دارندگان پایه قضائی ۲- کارکنان مراجع قضائی

باعنایت به اینکه افرادی که در قوه قضائیه و قوه مقننه مشغول به خدمت می‌باشند دارای دو جنبه کاری متفاوت می‌باشند، ممکن است مثلاً در مورد دارندگان پایه‌های قضائی این چنین سؤال شود که منظور مقنن از در ردیف قراردادن دارندگان پایه‌های قضائی با سایر کارکنان دولت چیست؟ درحالی‌که در قوه قضائیه، کارکنان یا از اجزایی هستند که به‌عنوان قاضی مشغول انجام وظیفه هستند یا از کارکنان اداری محاکم و ادارات و... می‌باشند. آیا منظور از دارندگان پایه قضائی، کارکنان دسته اول است یا فقط کارکنان دسته دوم مشمولین قانون قرار خواهند گرفت؟ بدیهی است در تمامی این موارد هر جا که سوءاستفاده از وجوه عمومی مطرح باشد، مرتکب به‌عنوان مجرم قابل تعقیب خواهد بود.

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵۷۹-۱۳۷۳/۳/۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۴- نظامیان

مطابق اصل ۱۷۲ قانون اساسی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از حیث ارتکاب جرائم مربوط به وظایف خاص در ردیف صلاحیت محاکم نظامی قرار داده است. لذا در این مطالب مشاغل نظامی تعاریف خاص خود را دارند. مطابق ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ کلیه کارکنان ستادکل نیروهای مسلح، کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، کارکنان وظیفه، محصلان مراکز آموزشی نظامی و انتظامی و کلیه کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند، مشمول قانون مذکور می‌باشند.

قانونگذار در مواد ۲۱ تا ۲۷ و همچنین ماده ۳۷ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۰۷/۰۷ پرسنل ارتشی را توصیف نموده است.^۱ همچنین در مواد ۶ به بعد قانون مقررات

۱. ماده ۲۱ ارتش: «پرسنل ارتش کسانی هستند که برابر شرایط و مقررات مندرج در این قانون و یا قانون خدمت وظیفه عمومی به خدمت پذیرفته می‌شوند و عبارتند از: الف- کادر ثابت ب- وظیفه ج- پیمانی

ماده ۲۲: کادر ثابت به کارکنانی اطلاق می‌گردد که برای انجام خدمت مستمر در ارتش استخدام می‌شوند و عبارتند از:

۱- نظامیان ۲- کارمندان ۳- محصلین.

ماده ۲۳- نظامیان کارکنانی هستند که پس از طی آموزش لازم به یکی از درجات پیش‌بینی‌شده در این قانون نائل و از لباس و علائم نظامی استفاده می‌نمایند.

ماده ۲۴- کارمندان کارکنانی هستند که براساس مدارج تحصیلی و یا مهارت تجربی و تخصصی استخدام‌شده و بدون استفاده از درجات، علائم و لباس نظامی به یکی از رتبه‌های پیش‌بینی‌شده در این قانون نائل می‌شوند.

ماده ۲۵- محصلین کارکنانی هستند که به‌منظور خدمت در کادر ثابت استخدام و قبل از انتصاب در یکی از مشاغل مندرج در این قانون در یکی از مؤسسات آموزشی به هزینه ارتش یا وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آنها مشغول تحصیل می‌باشند.

ماده ۲۶- پرسنل وظیفه کسانی هستند که مطابق قانون خدمت وظیفه عمومی در یکی از دوره‌های ضرورت، احتیاط یا ذخیره مشغول خدمت می‌باشند.

ماده ۲۷- پرسنل پیمانی به کسانی اطلاق می‌گردد که خدمت پیمانی را به‌صورت نظامی یا کارمند برابر مقررات مندرج در این قانون انجام می‌دهند.

ماده ۲۸- پرسنل خرید خدمت به کسانی اطلاق می‌گردد که طبق مقررات مربوط خدمت مشخصی را برابر قرارداد معینی انجام می‌دهند.

استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۲۱ پرسنل سپاه را همانند پرسنل ارتش تعریف نموده است؛ با این تفاوت که یک عنوان استخدامی دیگر را نیز به آن اضافه نموده و آن هم «بسیجی» می‌باشد.

در ماده ۸ عنوان داشته: «پاسداران رسمی به کارکنانی اطلاق می‌گردد که برای جهاد در راه خدا و پاسداری و دفاع مسلحانه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و نظام جمهوری اسلامی ایران به استخدام سپاه درآمده و پس از طی دوره‌های آموزشی لازم به یکی از درجات پیش‌بینی شده در این قانون نائل و از لباس و علائم نظامی استفاده می‌نمایند.» در ماده ۱۳ پرسنل بسیجی را این‌گونه بیان نموده: «پرسنل بسیجی به افرادی اطلاق می‌شود که جهت تحقق ارتش بیست‌میلیونی تحت‌پوشش سپاه در می‌آیند و عبارتند از: الف- بسیجی عادی: عموم اقشار معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اهداف انقلاب اسلامی هستند که پس از گذراندن دوره آموزش عمومی به خدمت ارتش بیست‌میلیونی درآمده و سازماندهی می‌شوند ب- بسیجی فعال: آن دسته از بسیجیان عادی داوطلب هستند که واجد شرایط لازم بوده و پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، سازماندهی شده و ضمن شرکت در برنامه‌های حفظ انسجام در انجام مأموریت‌های محوله با سپاه همکاری می‌کنند. ج- بسیجی ویژه (پاسداران افتخاری): کارکنانی هستند که صلاحیت‌های یک پاسدار را دارا می‌باشند و پس از گذراندن آموزش‌های مطروحه در این قانون سازماندهی گردیده و متعهد می‌گردند تا به هنگام نیاز به‌طور تمام‌وقت در اختیار سپاه قرار گیرند.»

مقنن در ماده ۱۵ در خصوص افراد خریدخدمت بیان داشته: «افراد خریدخدمت سپاه، ستاد کل و وزارت دفاع به کسانی اطلاق می‌شود که بر طبق مقررات مربوط خدمت مشخصی را برابر قرارداد تنظیمی انجام می‌دهند.» هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳۰ بنا به پیشنهاد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و به استناد ماده (۳۷) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ آیین‌نامه نحوه استفاده از خدمات اشخاص به‌صورت خرید خدمت و برای خدمت

ماده ۳۷- خرید خدمت اشخاص بنا به ضرورت و برای مدت محدود، بنا به تشخیص سازمان‌های استخدام‌کننده، به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دفاع با هماهنگی ستاد مشترک و نیروهای سه‌گانه تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

مشخص، معین، محدود متناسب با تخصص شخص و در شرایطی که استفاده از خدمات مشمولان قانون مزبور امکان‌پذیر نباشد را به تصویب رسانده است.^۱

نکات موجود در این مبحث:

۱- هرچند در ماده واحد تصریحی به کارمند بودن نشده اما از آنجا که اخذ پورسانت در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی و... که اغلب دولتی هستند جرم‌انگاری شده است، لذا ارتکاب این جرم فقط از ناحیه کارگزاران و مستخدمین دولتی متصور می‌باشد.

۲- بنابر مفاد قوانین حاکم بر اخذ پورسانت، افرادی مشمول قانون می‌باشند که یا کارمند اداره یا موسسه دولتی یا نیروهای مسلح بوده و یا از طرف اداره یا موسسه متبوع، مأمور به انجام قرارداد یا معامله دولتی باشند.

۳- اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۳ مورخ ۱۳۷۳/۳/۱۸ درخصوص اخذ وجه توسط مأمورین خرید عنوان نموده: «اخذ وجه یا سند یا جنس توسط مأمورین خرید نیروهای مسلح حسب مورد از مصادیق اخذ رشوه یا تبانی در معاملات دولتی یا تدلیس در معامله و یا اخذ پورسانت می‌باشد.»

۴- بر طبق ماده ۶ قانون استخدام کشوری مستخدم رسمی کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از جداول حقوق موضوع ماده ۳۰ برای تصدی یکی از پست‌های سازمانی وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی مشمول این قانون استخدام شده باشد،^۲ علاوه بر مستخدمان رسمی ماده ۳ قانون راجع به محاکمات و مجازات مأموران به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵ مأمورین به خدمات عمومی یا کشوری که مستخدم رسمی کشور نیستند به شرح زیر احصاء

۱. نحوه استفاده از خدمات اشخاص به صورت خرید خدمت و برای خدمت مشخص، معین و محدود متناسب با تخصص شخص و در شرایطی که استفاده از خدمات مشمولان قانون استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ امکان‌پذیر نباشد (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۳/۳۰). ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۷۲/۰۳/۳۰) استفاده از خدمات اشخاص به صورت خرید خدمت به موجب قراردادی که در چارچوب ضوابط این آیین‌نامه بین "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" و "اشخاص دارای تخصص لازم" برای مدت یک سال منعقد می‌گردد، انجام می‌شود و دستگاه مربوط هیچ‌گونه تعهدی در مورد تجدید قرارداد ندارد. تمدید قرارداد در هر صورت حداکثر تا دو مرتبه (هر مرتبه حداکثر یک سال) مجاز خواهد بود.

۲. نظریه شماره ۷/۱۰۶۱۹ مورخ ۷۱/۱۰/۲۶ اداره حقوقی قوه قضائیه

نموده است: آزمایشی‌ها،^۱ مستخدمان پیمانی، مستخدمان خرید خدمتی، مستخدمان روزمزد، مستخدمان حکمی، مستخدمان رسمی (ماده ۵ قانون استخدام کشوری)، مستخدمان تابع حقوق خصوصی اداره. به‌طور کلی در قانون استخدام کشوری واژه مستخدم به دو صورت به کار برده می‌شود: آنجا که تکالیف عمومی مستخدمین دولت مدنظر است واژه مستخدم به‌صورت مطلق به کار می‌رود و آنجا که صحبت از حقوق و مزایای مستخدم است اصطلاح رسمی به کار برده می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۴: ص ۲۳).

۵- تحقق جرم اخذ پورسانت منوط به مسئولیت‌داشتن مرتکب در انعقاد قرارداد مربوط می‌باشد.^۲

۶- شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۴۲۴ مورخ ۷۸/۳/۲۷ در اعتراض به دادنامه صادره از شعبه سوم دادگاه نظامی یک تهران که ردیف‌های دوم و سوم را متهم به مشارکت در اخذ پورسانت نموده بود، باتوجه به اینکه نامبردگان فاقد اوصاف کارمند یا مسئول اداری یا مدیر... تصریح‌شده در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی هستند، رأی صادره را از این حیث نقض و رسیدگی را به شعبه دیگر دادگاه نظامی یک محول نموده است.

۷- اداره حقوقی قوه قضائیه درخصوص مرتکب اخذ رشوه طی نظریه‌ای عنوان داشته: «هرچند فقط کارمند دولت می‌تواند مرتکب جرم اخذ رشوه شود، لیکن این امر مانع از آن نیست که غیر کارمند به‌عنوان شرکت یا معاونت در جرم ارتكابی مداخله کرده و به همین جهات حسب مورد تحت تعقیب قرار گیرند.»^۳

۸- اداره حقوقی قوه قضائیه درنظر دیگری باتوجه به مقررات خاص قوانین حاکم بر اخذ پورسانت، مقررات ماده‌واحد ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ را منحصر در کارمندبودن مرتکب ندانسته است. متن نظریه بدین‌شرح است: «بزه‌های موضوع ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و بزه ارتشاء و موضوع ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی هرکدام مقررات خاص خود را دارد. مقررات ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص

۱. تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون استخدام کشوری

۲. رأی شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور به شماره ۳/۶۶۳ مورخ ۸۸/۹/۸

۳. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۴۹۳ - ۱۳۷۲/۸/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه.

مصلحت نظام شامل مستخدمین و مأمورین دولتی که برای انجام‌دادن یا انجام‌ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور باشد وجه یا مال یا سند پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم قبول نمایند، می‌باشد که باتوجه به میزان وجه و مقام شخص متهم مقررات خاصی دارد. لیکن موضوع ماده‌واحدۀ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت قبول هرگونه پورسانت در معاملات خارجی است که قبول هر نوع پورسانتی را از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا غیره در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه جرم شناخته است. مقررات موضوع ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی علاوه بر اینکه اطلاق آن معاملات و قراردادهای خارجی دستگاه‌های دولتی را دربر می‌گیرد، شامل مزایده‌ها، مناقصه‌ها، تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع تحت هر عنوان نیز می‌شود و اقدام‌کننده به اخذ وجه شخص مرتکب است که برای انجام اقدامات مذکور وجه یا مال به نفع خود یا دیگری دریافت می‌نماید. تحقق جرم موضوع ماده‌واحدۀ اخذ پورسانت در رابطه با معاملات خارجی قوای سه‌گانه و مؤسسات دولتی، انحصاری در کارمندان بودن مرتکب ندارد.^۱

۵- اشخاص حقوقی

به نظر می‌رسد قبول پورسانت منصرف به اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی را نمی‌توان به عنوان پورسانت‌گیرنده تحت تعقیب قرار داد. البته مطابق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرم شود. با وصف فوق شرکت‌های وابسته به دولت که اقدام به اخذ پورسانت از شرکت‌های طرف قرارداد نموده و آن را به نفع خزانه واریز ننموده بلکه آن را به نحو دیگر یا بین پرسنل خود توزیع می‌کنند نیز مشمول قانون می‌باشند. کمیسیون قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح^۲ درخصوص موضوع اخذ رشوه توسط اشخاص حقوقی دولتی عنوان داشته: «مطالبه و اخذ هرگونه وجه یا مال توسط سازمان‌ها، ادارات دولتی و نیروهای مسلح از اشخاص در قبال ارائه خدماتی که جزو وظایف قانونی آنها محسوب می‌شود، غیرقانونی و برخلاف مقررات است؛^۳ نظر به اینکه موضوع فاقد وصف انتفاع

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۴۸ - ۱۳۸۹/۳/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲. نظریات مشورتی کمیسیون حقوقی و قضائی سازمان قضائی نیروهای مسلح، جلد سوم، ۱۳۸۸: صص ۴۵-۴۶.

۳. نظریه مشورتی شماره ۷/۲/۵۲۲۰۰۷ مورخ ۸۶/۷/۱۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.

شخصی می‌باشد و اخذ رشوه توسط سازمان‌های دولتی نیز متصور نیست و موضوع را از شمول عنوان مجرمانه «ارتشاء» خارج دانسته است.

همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظر دیگری در این خصوص ابراز داشته بود: «قبول هرگونه پورسانت مذکور در ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷ نظر به معاملات خارجی قوای سه‌گانه، سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلاب شهرداری‌ها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها است و شرکت‌های خصوصی از شمول آن خارج‌اند.»^۱ لذا چنانچه اشخاص حقوقی دولتی که شامل مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت یا نیروهای مسلح می‌باشند، در راستای معاملات فی‌مابین از فروشندگان داخلی و خارجی اقدام به اخذ پورسانت نمایند، باتوجه به اینکه از بودجه دولت و نیروهای مسلح استفاده می‌کنند، اقدام آنان فاقد وصف مجرمانه اخذ پورسانت است و چنانچه مبالغ اخذشده را به مصرف دیگری رسانیده و بین پرسنل خودشان توزیع نمایند اقدام آنان تحت‌عنوان مجرمانه دیگری قابل برخورد و پیگیری است.

۶- اتباع خارجی

اگر اتباع خارجی به‌عنوان مأمور خرید از طرف مؤسسات و سازمان‌ها و سایر ارگان‌های مذکور در قانون مبادرت به اخذ پورسانت نمایند، به‌موجب ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نیز تحت‌تعقیب قرار می‌گیرند. مثلاً در رأی دادگاه عمومی تهران^۲ پورسانت‌گیرنده از اتباع پاکستان بوده که در رابطه با قراردادهای تأمین شرکت متبوع خویش از شرکت‌های خارجی مبادرت به اخذ پورسانت به مبلغ یکصد و بیست هزار دلار نموده و نهایتاً براساس ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی محکوم گردیده است. البته اداره حقوقی قوه قضائیه در یک نظریه متفاوت عنوان داشته: «بزه موضوع قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷، مخصوص مأموران یا مدیران مسئول انجام معاملات خارجی مربوط به قوای سه‌گانه، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و تشکیلات وابسته به آنهاست و لذا به افراد اتباع

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۸ - ۱۳۸۸/۲/۰۵ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲. رأی شماره ۳۸۵۱-۱۳۷۷/۱۱/۲۶ شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران.

بیگانه - که از فروشنده مورد معامله در خارج از کشور پورسانت اخذ نموده و در ایران یافت شود - تسری ندارد. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز مؤید این نظر است.^۱

۷- اقامت مرتکب در ایران

اقامت کارمند در ایران شرط تحقق جرم نیست و مهم نیست معامله در ایران صورت گیرد یا در خارج. برای مثال کارمندانی که به عنوان مأمورین جمهوری اسلامی ایران در کشورهای دیگر اقامت دارند، چنانچه در ارتباط با معاملات مرتکب جرم اخذ پورسانت گردند، به موجب ماده ۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱ مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه می گردند.

ب) ارتباط با معاملات داخلی و خارجی دولت و نیروهای مسلح

۱- مفهوم معاملات دولت و نیروهای مسلح

در تعریف معامله باید گفت معامله به معنی اعم، عبارت است از هر عملی که محتاج به قصد قربت نباشد. بنابراین عقد صدقه (ماده ۸۰۷ قانون مدنی) معامله نیست، معامله به معنی خاص شامل عقود (مالی و غیرمالی مانند نکاح) و ایقاعات است و به معنی اخص شامل عقود مالی معوض است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۶۴). معاملات دولتی معاملاتی هستند که یک طرف آن دولت باشد (خواه طرف ایجاب باشد خواه طرف قبول) (همان: ص ۶۶۱).

هر دولتی دارای اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی‌گری است. قراردادهای حاکمیتی یا قراردادهای دولتی عموماً دو نوع هستند. قراردادهای دولتی را به دو نوع؛ قراردادهای استخدامی یا همکاری و قراردادهای معاملاتی تقسیم می کنند. قراردادهای استخدامی و همکاری ارتباطی با موضوع اخذ پورسانت ندارد و از بحث ما خارج است؛ چرا که اخذ پورسانت در این قراردادها به جهت اینکه کالا و مالی ردوبدل نمی شود، عنوان مجرمانه پورسانت صدق نمی کند و مرتکب ممکن است تحت عناوین دیگر تعقیب و مجازات گردد؛ لذا از بحث ما خارج است. اما قراردادهای معاملاتی که در حقیقت جنبه اقتصادی دارند معمولاً در قالبهای مقاطعه یا

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۵۸۹ - ۱۳۸۷/۶/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲. نمونه اعمال تصدی‌گری در ماده ۱۳۶ قانون برنامه توسعه سوم اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷ بیان شده و اینها اعمالی‌اند که دولت از نقطه نظر حقوق مشابه افراد انجام می دهد؛ مانند خرید و فروش املاک و اجاره و مانند آن.

پیمانکاری،^۱ امتیاز،^۲ قرضه عمومی،^۳ عاملیت،^۴ فرهنگی، هنری، مشاوره و خدمات،^۵ پژوهشی و تحقیقاتی،^۶ اعطای ليسانس یا امتیاز،^۷ قراردادهای نظامی،^۸ قراردادهای خرید تجهیزات و اقلام و... منعقد می‌گردند و یا به شکل پیمان‌های استفاده از خدمات آب، برق و گاز یا به شکل قراردادهای بیمه، قراردادهای بانکی و غیره تنظیم می‌شوند، اعمال تصدی‌گری در جهت اجرای وظایف برای رفع نیازمندی‌های دولت انجام می‌شود. برای مثال، دولت در اعمال حاکمیت خود

۱. مقاطعه یا پیمانکاری: قراردادی است که دولت به‌موجب آن انجام عمل یا فروش کالایی را با شرایط معینی در قبال مزد یا بها و در مدت معین به شخص یا اشخاص معلوم به نام مقاطعه‌کار واگذار می‌کند. موضوع پیمانکاری ممکن است حمل و نقل، خرید مصالح، تجهیزات، ماشین‌آلات، تهیه و نصب تجهیزات صنعتی، ساخت و ساز ابنیه و مستحقات عمرانی و ساختمانی از قبیل راه، سد، تونل و غیره باشد.

۲. امتیاز: قراردادی است که به‌موجب آن دولت و یا مؤسسات وابسته به آن بر طبق شرایط معین اداره یک امر عام‌المنفعه و یا بهره‌برداری از یک ثروت ملی را به‌طور انحصاری به شخص یا اشخاص معین واگذار می‌کند که در مدت معین به سرمایه خود اداره یا بهره‌برداری کند و در ازای کار و زحمت خود وجوهی را از مصرف‌کنندگان یا از دولت دریافت دارد و یا سهمی از منافع خود را به دولت بپردازد؛ مانند امتیاز برق، آب و تلفن یا استخراج معادن و یا صید ماهی و... (مراجعه کنید به کتاب "اصول حاکم بر قراردادهای دولتی"، تألیف سیداسماعیل حسینی، تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

۳. قرضه عمومی: قراردادی است که به‌موجب آن دولت با انتشار اوراق قرضه وجوهی را به‌عنوان وام با سود معین از شخص یا اشخاص معین دریافت می‌کند که در سررسید مدت معینی اصل و سود آن را به وام‌دهنده کارسازی کند.

۴. عاملیت: قراردادی است که به‌موجب آن شخص یا اشخاص، از طرف موسسه عمومی در قبال گرفتن حق‌العمل کاری معین برای اجرا و اداره عملیات معینی به‌کار گرفته می‌شود. قراردادهای امتیاز و عاملیت معمولاً برای اکتشاف و استخراج نفت و یا پخش کالاهای انحصاری دولتی منعقد می‌شود.

۵. فرهنگی- هنری، مشاوره و خدمات: قراردادهای بررسی، مطالعه، تحقیق، تألیف، مشاوره‌های آموزشی، حقوقی، ترجمه و فیلم‌سازی که بیشتر جنبه‌های علمی و فرهنگی در زمینه‌های موردنظر دارند.

۶. پژوهشی و تحقیقاتی: مجموعه فعالیت‌هایی است که عدم قطعیت در تحقق اهداف آن بوده و ماهیت یک تحرک علمی و فناورانه را در زمینه‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای شامل گردد.

۷. اعطای ليسانس یا امتیاز: که به‌موجب آن یک‌طرف حق اختراع و امتیاز خود در ساخت، طراحی و یا استفاده از چیزی را به دیگری واگذار می‌کند. (همان، ص ۲۳)

۸. قراردادهای نظامی: قراردادهای نظامی به دو بخش تقسیم می‌شوند. اول: قراردادهای عمومی یا پشتیبانی دوم: قراردادهای اختصاصی یا نظامی. قراردادهای بخش اول همانند سایر قراردادهای دولتی به‌منظور تأمین کالاها و اقلام عمومی موردنیاز نیروهای مسلح (البته براساس مقررات نیروهای مسلح) منعقد می‌گردند، اما قراردادهای نظامی که به‌عنوان قراردادهای تسلیحاتی نیز شناخته می‌شوند، نوع خاصی از قراردادها و تابع نظامات خاص بوده و براساس مقررات و تدابیر ابلاغی از سوی فرماندهی معظم‌کل قوا و ستادکل نیروهای مسلح و در جهت تقویت بنیه دفاعی کشور و تأمین اقلام نظامی موردنیاز نیروهای سه‌گانه ارتش، سپاه و نیروی انتظامی با شرکت‌های داخلی و خارجی منعقد می‌گردند.

ملزم به ارائه خدمات عمومی مانند آموزش و پرورش، برق، گاز، تلفن و غیره است و در این راستا نیازمندی‌های موجود را از طریق انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی یا حقوقی تأمین می‌کند. برای مثال، برای چاپ فرم‌های قبض آب، برق و گاز با چاپخانه‌ها قرارداد می‌بندد یا قرارداد پیمانکاری و ساخت‌وساز ساختمان تنظیم می‌کند و یا در جهت اqlام مصرفی و مایحتاج عمومی مردم در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی، بهداشتی و حتی در زمینه نظامی و دفاعی قراردادهای متعدد و کلانی را با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی منعقد می‌کند. این‌گونه قراردادهای تابع قواعد و مقررات قراردادهای خصوصی و تحت حاکمیت قوانین مدنی، تجاری، الزامات و ممنوعیت‌های قوانین و مقررات خاص و عام‌اند. در واقع، جرم پورسانت به چنین قراردادهایی مربوط می‌شود که قرارداد دولتی نام دارند و ویژگی آنها این است که حداقل یک‌طرف آن دولت یا دستگاه‌های عمومی و نظامی است. لازم به ذکر است که مرحله قبل از انعقاد قرارداد که به مرحله تشخیص^۱ معروف است، برای بررسی نیازسنجی مجموعه‌های دولتی و نظامی است که از طریق فرآیند مزایده و مناقصه، نوع کالا و نیازمندی و طرف قرارداد را مشخص می‌کند.

۲- ضرورت ارتباط اخذ پورسانت با معاملات دولت و نیروهای مسلح

یکی از شرایط تحقق جرم اخذ پورسانت این است که پورسانت در راستای انجام معامله دولتی و نظامی اخذ شده‌باشد. لذا اگر مأمور دولتی که متصدی امور کارگزینی اداره دولتی یا نظامی است برای استخدام فرد مبادرت به دریافت مالی تحت‌عنوان کمیسیون، پاداش و... نماید، عمل وی جرم اخذ پورسانت تلقی نمی‌شود؛ هرچند ممکن است مشمول سایر عناوین مجرمانه باشد. همچنین البته این نظر قابل ایراد و بررسی است.

طبق ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی کشور جز در موارد خاص، معاملات دولتی باید از طریق مناقصه یا مزایده انجام شود. بنابراین اگر در راستای انجام مزایده یا مناقصه نیز مزیت مالی توسط مأموران اخذ شود، در صورت تحقق سایر شرایط مذکور در قانون، جرم اخذ پورسانت به وقوع می‌پیوندد و چنان‌که از مفاد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات

۱. به موجب ماده ۱۷ قانون محاسبات عمومی، «تشخیص» عبارت است از تعیین و انتخاب کالا و خدمات و سایر پرداخت‌هایی که تحصیل یا انجام آنها برای تحقق اجرای برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی ضروری است.

خارجی مصوب ۱۳۷۲ استنباط می‌شود، این قانون فقط شامل پورسانت‌هایی می‌شود که در معاملات خارجی اخذ می‌شود. به عبارت دیگر این قانون فقط پورسانت‌هایی را شامل می‌شود که طرف دیگر معامله از اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی می‌باشد و پورسانت‌هایی که در معاملات داخلی اخذ می‌شود مشمول ماده ۶۰۳ می‌باشد.

درخصوص ارتباط پورسانت با معاملات و قراردادهای، کمیسیون قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح در نشست قضائی مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۹ در پاسخ به سؤال مطروحه مبنی بر «ارتباط بین پورسانت (درصدانه و هدیه) با معاملات و قراردادهای (موضوع ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح) چگونه محقق می‌گردد؟» به اتفاق آراء که عیناً مورد موافقت کمیسیون نیز قرار گرفته، یک نظریه مشورتی به شرح زیر صادر نموده است: «پورسانت به معنای درصدانه آن به منظور ترغیب و تشویق افراد موردنظر برای انعقاد قرارداد و انجام معاملات می‌باشد و صرف وجود ارتباط بین پرداخت آن و انعقاد قرارداد کفایت می‌نماید.»^۱

شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور نیز در مقام تجدیدنظر نسبت به رأی صادره از شعبه هشتم دادگاه نظامی یک استان تهران^۲ عنوان نموده: «اخذ هرگونه وجه تحت هرعنوان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات و قراردادهای داخلی و خارجی از مصادیق اخذ پورسانت محسوب می‌شود.»^۳ همچنین شعبه مذکور در رسیدگی به اعتراض صورت گرفته

۱. معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح، مجموعه نشست‌های قضائی، جلد دوم، ۱۳۸۷: ص ۲۷۹.

۲. دادنامه شماره ۳۱/۴۱۲ مورخ ۸۸/۶/۴

۳. اخذ هرگونه وجه تحت هر عنوان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاونت و قراردادهای داخلی و خارجی از مصادیق اخذ پورسانت محسوب می‌شود: شماره دادنامه: ۳۱/۴۱۲ تاریخ رسیدگی: ۸۸/۶/۴ مرجع رسیدگی: شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور: آقای «م» به اتهام اخذ رشوه از تبعه بیگانه «ش.ش» به مبلغ یکصد و هشتاد و نه میلیون و پانصد هزار تومان و ۹۰۰،۰۰۰ دلار ارز تحت تعقیب دادسرای نظامی... قرار گرفته است. بدین توضیح که حسب گزارش معاونت آماد... بنا به درخواست... اقدام به خرید تعداد... دستگاه اتوبوس دست‌دوم از شرکت هلندی... می‌نماید. طبق قرارداد، مقرر می‌شود اتوبوس‌ها از کشورهای اروپایی تهیه و تحویل خریدار شود. تعدادی از آنها که از کیفیت پایین‌تری برخوردار بوده است، پس از اینکه اتوبوس‌ها تحویل می‌شود، به علت اشکالات فنی و مشکلات زیست‌محیطی و نداشتن طول عمر زیاد، نداشتن مجوز از ستادکل نیروهای مسلح و اعتراض سازمان بازرسی کل کشور، خرید بقیه اتوبوس‌ها متوقف می‌شود. به دنبال اعلام نیاز... به کامیون، از شرکت... هلندی خواسته می‌شود که قیمت و شرایط فروش کامیون‌ها را اعلام کند تا مانده اعتبار به این امر اختصاص یابد. به عللی خرید کامیون‌ها به شرکت... دبی که مدیریت آن را فردی به نام «ش.ع» عهده‌دار بوده محول می‌شود. باتوجه به مخالفت شرکت هلندی با فسخ قرارداد در اسفندماه ۱۳۸۲، شرکت مذکور به شرط پرداخت ۲،۵۰۰،۰۰۰

نسبت به حکم صادره از شعبه نهم دادگاه نظامی یک استان تهران به شماره ۲۶ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۸ در ارتباط با موضوع فوق طی دادنامه دیگری^۱ بیان نموده: «وجود ارتباط بین پرداخت وجه با معاملات و قراردادهای، شرط لازم تحقق بزه اخذ پورسانت می‌باشد»^۲

دلار خسارت به نفع شرکت... کنار می‌رود و مدیر شرکت پرداخت خسارت هلندی را می‌پذیرد. آقای «م» نقش کلیدی در انجام این معامله داشته است و «ش.ش» ارقام مختلفی یکبار ۴۰۵،۲۳۲ دلار بار دیگر ۳۰۰،۰۰۰ دلار و در بخش آخر ۲۵۰،۰۰۰ دلار را ذکر کرده که برای سهولت انجام معامله کامیون‌ها به آقای «م» پرداخت کرده است. وی اظهار کرده است آقای «م» پیشنهاد کرده که کامیون‌ها از طریق شرکت... انجام شود که به علت نظامی بودن کامیون‌ها این امر مقدور نبود، به وی پیشنهاد کرده که در مناقصه‌ای که شرکت‌های بزرگ خودروسازی از جمله ایران‌خودرو در آن شرکت دارند، شرکت کند و به پیشنهاد آقای «م» کمترین قیمت را پیشنهاد کرده و برنده مناقصه شده و جمعاً مبلغ ۱۸۹،۵۰۰،۰۰۰ تومان و ۹۰،۰۰۰ دلار به وی پرداخت کرده و در یک برگ از سالنامه ۱۳۸۲ آقای «م» که استخراج شده درج مبلغ ۴۴،۴۵۰ دلار که از «ش.ش» اخذ شده مشاهده شده است. متهم دریافت این مبلغ از وی را پذیرفته و اعلام کرده است آن را صرف خرید یک باب منزل در خیابان... کرده و دو دانگ آن را به نام همسر خود سند زده است.

دادگاه بدوی در خاتمه رسیدگی باتوجه به اینکه اخذ مبلغ مذکور به موجب هیچ‌یک از عقود و قراردادهای شناخته شده صورت نگرفته و در ارتباط با قرارداد (خرید) کامیون‌ها نیز به طور مخفیانه و با برقراری رابطه پنهانی اقدام به اخذ مبلغ مرقوم کرده و منزل مسکونی را به تریبی که گفته شد خریداری کرده است. باتوجه به گزارش‌ها و اقرار وی نقش خود در خرید کامیون‌های نیرو، اخذ وجوه از بیگانه «ش.ش» و اظهارات «م» معاون وقت لجستیک و اظهارات پاسدار مستغفی «م» مبنی بر نقش متهم در انعقاد قرارداد خرید کامیون‌ها از بیگانه مذکور، بزهکاری وی را احراز کرده و با تغییر وصف عمل وی به اخذ پورسانت و تحصیل مالی که فاقد مشروعیت قانونی است، مستنداً به ماده (۸۵) ق.م.ج.ن.م، مصوب ۱۳۷۱، قانون حاکم در زمان وقوع جرم که اخذ از قانون (ماده ۱۰۹) جدید است و ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری و رعایت مواد (۴۶ و ۲۲) ق.م.ا، وی را به هجده ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم کرده است. شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور چنین رأی می‌دهد: از ناحیه وکلای مدافع متهم اعتراض مؤثر و مطلب موجهی که نقض رأی تجدیدنظر خواسته را ایجاد کند به عمل نیامده، با حذف ماده (۲) قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری، دادنامه را که از حیث انطباق موضوع با قانون و رعایت اصول و قواعد دادرسی بلااشکال است، ابرام می‌نماید».

۱. رأی شماره ۳۱/۳۹۸ - ۱۳۸۵/۶/۲۸ شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور.

۲. وجود ارتباط بین پرداخت وجه با معاملات و قراردادهای، شرط لازم تحقق بزه اخذ پورسانت می‌باشد: براساس دادنامه شماره: ۳۱/۳۹۸ تاریخ رسیدگی: ۱۳۸۵/۶/۲۸ صادره از شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور: «کارمند وزارت دفاع «رح» به اتهام اخذ هدیه به مناسبت وظیفه محوله (اخذ پورسانت و هدیه) تحت تعقیب دادرسی نظامی استان... قرار گرفته است. بدین توضیح که نامبرده از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۳/۹/۱۰ به عنوان معاونت صنایع... به کار اشتغال داشته و مبالغی از افراد حقیقی و حقوقی طرف قرارداد با صنایع مذکور که در گزارش احصاء شده، دریافت کرده است. متهم دریافت وجوه از افراد حقیقی و حقوقی را نوعاً پذیرفته ولی اظهار داشته به عنوان قرض آنها را دریافت کرده و بخشی از وجوه دریافتی به بعضی از اشخاص را مسترد کرده است. از افراد مذکور تحقیق شده اظهار داشته‌اند وجوه را به عنوان وام به وی داده‌اند ولی به لحاظ رودرپایستی

آن را مطالبه نکرده‌اند. از «ص.ش» رئیس هیئت‌مدیره معدن زغال‌سنگ که برنده مناقصه بوده، تحقیق شده اظهار داشته «رح.» چندبار از او پول دستی گرفته و پس داده و بنا به قول خودش فعلاً مبلغ نه میلیون ریال بدهکار است که باید آن را برگرداند و اضافه کرده است کارمند مذکور کاری به نفع او انجام نداده که مزیتی یا رشوه‌ای دریافت کند.

«م.ن» که متهم است اظهار داشته که یک میلیون و هشتصد هزار ریال (یک دستگاه یخچال دوقلو سایدبای‌ساید) از وی اخذ کرده مورد تحقیق قرار گرفته اظهار داشته وجهی به‌عنوان رشوه به او نداده، او را به یکی از دوستانش در بازار معرفی کرده و یک دستگاه یخچال سایدبای‌ساید را خریداری کرده و پول آن را نپرداخته است و بعد از مدتی دوستش موضوع را به او گفته، خود او «م.ن» پول یخچال را پرداخته و مأخوذ به‌حیا بوده که از او مطالبه کند. شعبه نهم دادگاه نظامی یک استان... عهده‌دار رسیدگی شده و با حضور متهم و پرداخت‌کنندگان وجوه مورد ادعا تشکیل جلسه داده. متهم در این جلسه منکر اخذ پورسانت شده و مبالغ دریافتی از پنج نفر به نام «ف»، «ط»، «م.ح»، «ق»، «الف.ح» را پذیرفته ولی اصرار بر عنوان قرض بودن آنها کرده است. وی دریافت وجوه از بقیه افراد را انکار کرده است، ولی اظهار داشته از «م.ن» یک دستگاه یخچال به ارزش یک میلیون و پانصد هزار تومان و از «ن» یک دستگاه اتومبیل پیکان مدل ۶۱ که در مزایده برنده شده بود، به مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان خریداری و دو میلیون تومان آن را نقداً پرداخت کرده و مابقی به تنظیم سند قطعی انتقال موکول شده است. وکیل مدافع وی اعلام داشته بین خریداران یا فروشندگان رقابت وجود نداشته که امکان پرداخت پورسانت را فراهم کند و وی نقشی در معاملات نداشته است و در قراردادهای اقدامی که ضرری متوجه صنعت شود یا نفعی به طرف قرارداد برساند انجام نداده است و اصل بر صحت عقود است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود یا هیچ‌یک از طرف‌های مقابل اظهاری که دلالت بر پرداخت پورسانت کند بیان نکرده‌اند.

«م.ن»، «ح»، «الف.ح»، «ش» و «م.ر»، «ن»، «ق» و «رح.» در جلسه دوم دادگاه حضور یافته‌اند، بعضاً پرداخت هرگونه وجهی به متهم را انکار و آن دسته از آنان که مدعی پرداخت وجهی شده‌اند، همگی آن را به‌عنوان قرض قلمداد کرده‌اند. دادگاه در خاتمه رسیدگی باتوجه به اینکه هیچ‌یک از پرداخت‌کنندگان وجه در پی دریافت وجه خود نبوده‌اند و عموماً اظهار کرده‌اند به وی اعلام کرده‌اند هر وقت داشت مسترد کند و متهم هیچ اقدامی برای استرداد وجوه دریافتی نکرده است. به‌علاوه در مراحل اولیه تحقیق اشاره‌ای به قرض بودن وجوه دریافتی نکرده، بزهکاری وی را احراز کرده و به استناد ماده (۱۰۹) ق.م.ج.ن.م، و رعایت مواد (۵ و ۹) همان قانون ناظر به ماده (۲۲) ق.م.ا، با ذکر علت تخفیف وی را علاوه بر اعاده پنجاه‌وشش میلیون ریال وجوه دریافتی و قیمت یک دستگاه یخچال سایدبای‌ساید به نفع دولت و جزای نقدی معادل آن و یک سال حبس محکوم کرده است. محکوم‌علیه با پرداخت هزینه دادرسی اعلام داشته مدت هفت سال معاون صنایع... بوده و در بازپرسی به قرضی بودن وجوه اذعان کرده و علت این قرض‌ها وضعیت نامناسب اقتصادی وی در سال ۸۳ بوده و اشخاص پرداخت‌کننده همگی اظهار داشته‌اند به‌عنوان قرض وجوه را داده‌اند، به‌علاوه زمانی این قرض‌ها را گرفته که دیگر در سمت قبلی نبوده است. همچنین معاملات صنعت از طریق مزایده و مناقصه بوده و طبق ماده (۱۰۹) ق.م.ج.ن.م، دریافت هدیه و درصدها باید در ارتباط با معاملات و قراردادهای وجود نداشته و قبلاً ارتباط رابطه‌ی مقابلی داشته و در سرنوشت معامله مؤثر باشد، ولی وجوه دریافتی در زمانی بوده که معامله‌ای وجود نداشته و قبلاً انجام شده است. به‌علاوه، دادگاه وی را با پرداخت‌کنندگان وجه مواجهه نداده است و به این وسیله تقاضای تجدیدنظر کرده است. پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور چنین رأی می‌دهد: متهم و پرداخت‌کنندگان وجه اظهار داشته‌اند که وصول و ابصال آنها به‌عنوان قرض بوده است، به‌علاوه بین پرداخت وجوه و معاملات و قراردادهایی که آنان با صنعت... داشته‌اند، ارتباطی که مؤثر

۳- انجام معامله در ارتباط با وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و سازمان‌های عمومی غیردولتی و نیروهای مسلح

یکی از شرایط لازم جهت تحقق جرم پورسانت این است که پورسانت در رابطه با معاملات سازمان‌ها و نهادهای مذکور در قانون باید اخذ شود و ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب سال ۱۳۷۲ و ماده ۶۰۳ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به آن تصریح کرده ولی ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲ به آن تصریح ننموده و مقنن در ماده ۱۰۹ به طور مطلق اخذ هرگونه هدیه، امتیاز، درصدها در رابطه با معاملات و قراردادهای داخلی و خارجی را جرم دانسته و این ابهام را ایجاد کرده که منظور کدام یک از معاملات و قراردادها است؟

آیا منظور مطلق معاملات و قراردادها است و شامل قراردادهای دولتی، نظامی و خصوصی می‌شود؟ اگر این نظر پذیرفته شود در این صورت حتی اگر یک نظامی در رابطه با قراردادهای شرکت‌های غیردولتی نیز پورسانتی اخذ نماید، طبق این قانون قابل تعقیب است. نظر دیگر این است از آنجائی که مقنن رد هدیه، امتیاز، درصدها یا معادل آن را به دولت به عنوان یکی از مجازات‌های این جرم پیش‌بینی کرده است و در تبصره ۲ این ماده مبنی بر اینکه چنانچه پرداخت پورسانت به اطلاع مسئول مربوط رسانیده شود و وجه دریافتی به حساب خزانه واریز گردد، اقدام‌کننده را مشمول قانون ندانسته است، قانون را فقط باید شامل پورسانت‌هایی دانست که در رابطه با معاملات، قراردادهای سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی اخذ می‌شود و مشابه آن هم باتوجه به اینکه این ماده در قانون م.ج.ن.م آمده است منظور مقنن تنها پورسانت‌هایی بوده است که در قراردادهای نظامی اخذ می‌شود.

به هر حال قانون در این زمینه ابهام دارد، اما قدر متقن آن هم این است که هدیه، امتیاز و پورسانت‌هایی که در قراردادهای و معاملات نظامی اخذ می‌شود را شامل می‌گردد و شمول قانون به پورسانت‌هایی که در رابطه با قراردادهای شرکت‌های غیردولتی اخذ می‌شود باتوجه به توضیحات فوق بعید به نظر می‌رسد اما دلیلی هم بر عدم شمول قانون به پورسانت‌هایی که

در وقوع معامله باشد یا ایجاد تسهیل در آن کند یا کسب مزیتی برای وی بنماید نداشته است (صرف نظر از قصد و نیت طرفین) شرط اصلی تحقق جرم وجود نداشته است. لذا دادنامه را به علت عدم توجه به دفاعیات متهم از سویی و عدم ارتباط با معاملات و قراردادها (فقدان شرط قانونی مذکور) نقض و رسیدگی به شعبه دیگر دادگاه نظامی یک استان... محول می‌نماید.»

توسط نظامیان در معاملات، قراردادهای سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی-غیرنظامی اخذ می‌شود وجود ندارد و باتوجه به اطلاق قانون بعید نیست که اخذ پورسانت توسط نظامیان در این قراردادها نیز مشمول قانون باشد. به‌نظر می‌آید که ماده ۱۰۹ ق.م.ج.م شامل پورسانت‌هایی می‌شود که توسط نظامیان در رابطه با معاملات و قراردادهای داخلی و خارجی سازمان‌ها، مؤسسات دولتی و نظامی اخذ می‌شود.

ج) تأثیر زمان پرداخت پورسانت در تحقق یا عدم تحقق جرم

در معاملات، قراردادهای دولتی و نظامی ممکن است براساس توافق طرفین بخش یا کل پورسانت قبل، حین و یا بعد از انجام معامله پرداخت گردد. حال باتوجه به مراتب فوق این سؤال مطرح است که آیا زمان پرداخت پورسانت در تحقق یا عدم تحقق جرم مذکور تأثیر دارد یا خیر؟ کمیسیون قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح در نشست قضائی مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۹ در پاسخ به سؤال معنونه، به اتفاق آراء یک نظریه مشورتی به شرح زیر صادر نموده است: «صرف وجود ارتباط بین پرداخت پورسانت و انعقاد قرارداد کفایت نموده و زمان پرداخت (اعم از قبل و یا بعد از انعقاد قرارداد) واجد اهمیت نبوده و مؤثر در مقام نمی‌باشد.»^۱

د: تأثیر میزان و مقدار پورسانت اخذشده در تحقق یا عدم تحقق جرم

برخلاف مقررات مربوط به رشوه، باتوجه به اینکه مقنن در هیچ‌یک از قوانین مربوط به جرم اخذ پورسانت، ذکری از مقدار پورسانت اخذشده نکرده است و تنها «قبول پورسانت» و یا «تحصیل منفعت» را به‌طور مطلق در معاملات جرم دانسته است، به‌نظر می‌رسد مقدار پورسانت اخذشده تأثیری در تحقق یا عدم تحقق جرم مذکور ندارد. بنابراین حتی اگر پورسانت اخذشده ارزش مالی اندکی هم داشته باشد، جرم مذکور تحقق پیدا می‌کند.

گفتار سوم: نتیجه

الف) مطلق یا مقیدبودن جرم اخذ پورسانت

جرم مطلق به این معناست که قبل از حصول غرض و نتیجه مورد نظر مجرم، جرم تلقی شده‌باشد؛ مانند جرم جعل سند که به‌محض دست‌بردن، الحاق، امحاء و... توسط مجرم، جرم واقع گردیده و استفاده از آن از ارکان و شرایط وقوع جرم جعل سند نیست (جعفری‌لنگرودی،

۱. معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح، مجموعه نشست‌های قضائی، جلد دوم، ۱۳۸۷: ص ۲۷۹.

۱۳۸۷: ص ۱۹۴). به عبارت دیگر جرم مطلق عبارت از این است که در برخی جرائم نتیجه خاصی شرط تحقق جرم نمی‌باشد، ولی در جرم مقید برعکس، تحقق جرم منوط به اخذ نتیجه و یا شرایط خاصی می‌باشد. قانونگذار در ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و همچنین ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ صرف اخذ پورسانت را بدون توجه به نتیجه‌ای که از جرم حاصل می‌شود، جرم دانسته است. لذا جرم اخذ پورسانت جرمی است مطلق که با قبول و اخذ پورسانت از سوی مأمور خرید به طور تام و کامل تحقق می‌یابد و حتی اگر مأمور خرید با وجود اخذ پورسانت، مبادرت به خرید کالایی با قیمت و کیفیت مناسب کرده باشد، باز هم جرم محقق گردیده است.

ب) ورود ضرر و زیان به دولت و نیروهای مسلح

سؤال فوق در نشست قضائی سامان قضائی نیروهای مسلح مورد بررسی قرار گرفته و گفته شده: «تحقق جرم اخذ پورسانت مقید به ورود خسارت و ضرر و زیان به یگان نبوده و حتی در صورت سودمند بودن قرارداد برای نیروهای مسلح نیز قبول هرگونه هدیه یا امتیاز یا درصدانه که در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بیان شده است، از سوی فرد نظامی موجب تحقق جرم اخذ پورسانت خواهد شد» (همان: ص ۲۷۹). البته قابل ذکر است در صورتی که از قبل اقدامات انجام شده توسط کارگزار یا مأمور خرید، ضرر و زیان و یا خسارتی متوجه دستگاه نظامی یا دولتی گردد، مرتکب به اشد مجازات محکوم یا تحت عنوان اتهامی دیگر نیز مجازات می‌گردد. اداره حقوقی قوه قضائیه عنوان داشته: «چنانچه دریافت پورسانت باعث خلل در مرغوبیت و قیمت کالا باشد، مورد منطبق با ماده واحد قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی است.»^۱

گفتار چهارم: شروع به جرم اخذ پورسانت

مسیری که بزهکار برای ارتکاب جرم طی می‌کند دارای ۴ مرحله است: مرحله اول: «قصد مجرمانه»؛ یعنی مجرد قصد ارتکاب جرم که در نظام قضائی ایران جرم نیست و چون بروز و ظهور پیدا ننموده، مجازات ندارد.

۱. نظریه شماره ۷/۱۵۴۷ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه

مرحله دوم: «تهیه مقدمات ارتکاب جرم» با شرایط خاصی، جرم است و مرتکب تحت‌عنوان معاونت در جرم تعقیب می‌شود.

مرحله سوم: مرحله «شروع به جرم»^۱ است؛ یعنی عبور از قصد مجرمانه و عملیات مقدماتی و ورود به مرحله اجرایی جرم به‌نحوی که اعمال انجام‌شده دارای عنوان مستقل مجرمانه باشد و یا متصل به جرم موردنظر باشد، ولی در این مرحله بزه به‌طور کامل انجام نشده و جرم تام محسوب نمی‌شود.

در تعریف شروع به جرم به اقداماتی گفته‌شده که ارتباط مستقیم و بلاواسطه با جرم دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر مانع خارجی به وقوع نمی‌پیوست، جرم موردنظر تحقق می‌یافت. اما اگر اعمال انجام یافته با نیت مجرم فاصله طولانی داشته باشد، چنین عملی را نمی‌توان شروع به جرم دانست (محسنی، ۱۳۷۵: ص ۱۷۶). پس شروع به جرم رفتاری است که مرتکب پس از عبور از مراحل ذهنی (قصد مجرمانه) و تهیه مقدمات به‌منظور عملی کردن قصد مجرمانه انجام می‌دهد، لیکن به‌واسطه مانع غیرارادی، قصدش معلق می‌ماند و جرم منظور محقق نمی‌شود (مصدق، ۱۳۹۲: ص ۲۴۲). به عبارت دیگر شروع به جرم عبارت از این است که هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای عنصر مادی جرم یا آغاز عملیات اجرایی آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند و جرم منظور واقع نشود، شروع به جرم محقق شده و حسب قانون قابل تعقیب کیفری است.^۲

مرحله چهارم: «جرم تام» است که مرتکب حسب قانون به مجازات مقرر محکوم می‌گردد. برای تمییز اعمال مقدماتی از شروع به اجرا، دو نظریه ذهنی و عینی بین حقوقدانان مطرح گردیده است:

1. Attempt

۲. ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود: الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم، یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است، به حبس تعزیری درجه چهار ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است، به حبس تعزیری درجه پنج پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش. تبصره: هرگاه رفتار ارتكابی ارتباط مستقیم با ارتکاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام‌شده در حکم شروع به جرم است.

به موجب نظریه عینی، شروع به اجرا از زمانی محقق می‌شود که فاعل یکی از رفتارهایی که عنوان مجرمانه دارد مرتکب شود. برای مثال در جرم سرقت که ربایش پنهانی مال دیگری عنصر مادی تشکیل‌دهنده آن است، به محض آنکه مرتکب بر اموال دیگری دست گذاشت، شروع به جرم محقق می‌گردد و در موضوع جرم اخذ پورسانت که عنصر مادی تشکیل‌دهنده آن اخذ پورسانت است نیز چنانچه اخذ پورسانت را به صورت وجه، مال، امتیاز و... قبول نماید و موافقت خود را به طرف پرداخت‌کننده اعلام نماید، شروع به جرم محقق می‌گردد.^۱

در مقابل، طرفداران نظریه ذهنی معتقدند که شروع به اجرا توسل به رفتارهایی است که مبین اراده قطعی و تصمیم جازم فاعل بر ارتکاب جرم باشد. یعنی هر فعلی که مرتکب اراده کرده باشد که فوراً به مقصود برسد، شروع به اجرا تلقی می‌شود.

لذا اگر متهم در راستای مفاد ماده واحده و ماده ۶۰۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح قصد ارتکاب اخذ پورسانت داشته و ضمن درخواست پورسانت با طرف معامله نیز توافق نموده باشد ولی نهایتاً به دلیل عامل خارج از اراده وی پرداخت پورسانت صورت نگیرد، شروع به جرم اخذ پورسانت محقق گردیده است. با این ضابطه صرف درخواست پورسانت از سوی مأمور خرید را نمی‌توان شروع به جرم اخذ پورسانت به حساب آورد. زیرا بین درخواست پورسانت و دریافت آن توسط مأمور خرید ارتباط مستقیم و بلاواسطه وجود ندارد. اما بهتر بود مقنن با توجه به مقررات بین‌المللی، درخواست پورسانت را نیز جرم تلقی می‌نمود تا راه مبارزه با این جرم هموارتر شود.

توضیح اینکه در قوانین کشورهای انگلیس و مالزی به جای پورسانت از یک عنوان به اسم مزیت نامشروع استفاده می‌شود که درخواست یک مزیت نامشروع از سوی کارمند دولت به عنوان جرم تام در نظر گرفته شده است. عده‌ای از حقوق‌دانان معتقد هستند شروع به جرم تنها در جرائم مقید قابل تصور می‌باشد و برای جرائم مطلق شروع به جرم قابل تصور نیست (بهری، ۱۳۸۰: ص ۲۱۹). با توجه به اینکه جرم اخذ پورسانت جرم مطلق می‌باشد، طبق این نظر فرض شروع به این جرم منتفی می‌باشد. اما به نظر می‌رسد در جرائم مطلق نیز شروع به

۱. قانونگذار ایران در مواد ۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از نظریه عینی تبعیت کرده است.

جرم قابل تحقق می‌باشد. در جرم اخذ پورسانت هرچند مطلق هست، اما می‌توان فرض‌هایی را در نظر گرفت که شروع به جرم محسوب می‌شوند.

مثال: اگر در حین اخذ پورسانت توسط مأمور خرید مانعی خارجی از این امر مانع شود، مأمور خرید را می‌توان به‌عنوان شروع به جرم اخذ پورسانت تعقیب نمود. البته اگر مأمور خرید بعد از آنکه با فروشنده در مورد پورسانت به توافق رسید، بدون دخالت عامل خارجی، خودش به دلایل مختلف از این اقدام منصرف شود و پورسانت را دریافت ننماید، به‌عنوان شروع قابل تعقیب نیست.

برخی معتقدند شروع به جرم، جرم مستقلی محسوب نمی‌شود، بلکه در صورتی شخص به علت شروع به جرم تحت تعقیب قرار می‌گیرد که عملی که مرتکب شده جرم باشد. در این صورت نیز تنها به‌خاطر این عمل محکوم می‌شود (نوربها، ۱۳۷۵: ص ۲۴۳). در مقابل عده‌ای دیگر از اساتید حقوق هستند که اعتقاد دارند مقنن در موارد مختلف برای شروع به جرم مجازات در نظر گرفته است. شروع به آن جرائم جرم محسوب می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: صص ۹۱-۸۹).

به نظر می‌رسد دیدگاه میرمحمدصادقی معقول‌تر است. زیرا اگر قانونگذار واقعاً شروع به جرم را قابل مجازات نمی‌دانست، لزومی نداشت که ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ و موارد متفرقه دیگر را به این موضوع اختصاص دهد. دیوان عالی کشور نیز این نظر را تأیید نموده است: «در رأی وحدت رویه ۶۳۵-۷۸/۴/۸ به صراحت ماده ۲ ق.م.ا شروع به جرم در صورتی جرم و قابل مجازات است که در قانون پیش‌بینی و به آن اشاره شده باشد. باتوجه به اینکه مقنن در تبصره ۱ ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و تبصره ۱ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م شروع به جرم اخذ پورسانت را جرم تلقی کرده و قابل تعقیب کیفری دانسته، هرچند مقنن رد پورسانت و جزای نقدی را در کنار حبس به‌عنوان مجازات این جرم پیش‌بینی نموده است، اما باتوجه به اینکه در شروع به جرم هنوز پورسانتی اخذ نشده، حکم به رد پورسانت یا جزای نقدی معادل آن منتفی خواهد بود. مقنن در تبصره ۱ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م مجازات شروع به این جرم را حداقل مجازات حبس در این ماده دانسته است. اما اگر عمل شخصی مشمول ماده ۶۰۳ ق.م.ا باشد، در این صورت به علت عدم وجود قانون، شروع به آن جرم محسوب نمی‌شود.

سؤال: آیا باتوجه به تصویب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، شروع به ارتکاب بزه اخذ پورسانت مندرج در تبصره یک ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و تبصره یک ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نسخ گردیده یا همچنان به قوت خود باقی است؟ پاسخ: مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقام ایجاد نظم خاصی برای مجازات شروع به جرم است.

لذا در تمام مواردی که مشمول ماده ۱۲۲ قانون مذکور است، مجازات‌هایی به شرح ذیل این ماده تعیین نموده است. همچنین باتوجه به لزوم یکسان‌سازی نحوه رسیدگی در امور قضائی که در بند ۷ سیاست‌های کلان مقام معظم‌رهبری مورد تأکید قرار گرفته است و باتوجه به ماده ۷۲۸ قانون مزبور درخصوص لغو کلیه مقررات و قوانین مغایر با این قانون، به نظر این اطلاق شامل کلیه قوانین، مقررات خاص و عام درخصوص موضوع سؤال است. زیرا چنانچه قائل به عدم نسخ موارد خاص مندرج در قوانین جزائی درخصوص تعیین مجازات شروع به جرم باشیم، شاهد تفاوت، شدت و ضعف میزان مجازات و عدم تناسب آن خواهیم بود. در نتیجه کلیه مقرراتی که به‌طور خاص برای «شروع به جرم» مجازات تعیین کرده است، با تصویب و لازم‌الاجراشدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ملغی و مجازات شروع به جرم در تمام جرائم مطابق بندهای ذیل ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با رعایت ماده ۱۰ همان قانون تعیین می‌شود.^۱

همچنین درخصوص حاکمیت قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح درخصوص شروع به جرائم نظامیان نیز نظرات متفاوتی ابراز گردیده و برخی گفته‌اند که چون این قانون خاص و مقدم است، لذا قانون عام لاحق نمی‌تواند ناسخ قانون خاص مقدم باشد. لیکن برخی چنین نظر داده‌اند که باتوجه به اینکه قانونگذار با یک قاعده کلی همه شروع به جرم‌ها را نظام‌مند کرده، لذا شروع به جرم‌های قوانین خاص نیز نسخ شده است (مصدق، ۱۳۹۲: ص ۲۴۶).

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۶

مبحث سوم: عنصر معنوی جرم اخذ پورسانت

عنصر سوم در تحقق یک جرم وجود سوءنیت عام یا خاص در مرتکب جرم است که با رکن عالمانه و عامدانه می‌بایست همراه باشد. لذا مرتکب جرم اخذ پورسانت نیز واجد وصف عالمانه و عامدانه است که با اخذ وجه یا امتیاز محقق می‌شود.

جرم اخذ پورسانت از جمله جرائم عمدی و مطلق بوده که با قبول و اخذ پورسانت از سوی مأمور خرید به‌طور تام و کامل تحقق می‌یابد و قانونگذار در ماده‌واحدۀ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و همچنین ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ صرف اخذ پورسانت را بدون توجه به نتیجه‌ای که از جرم حاصل می‌شود، جرم دانسته است. حتی اگر مأمور خرید علی‌رغم اخذ پورسانت، مبادرت به خرید کالایی با قیمت و کیفیت مناسب کرده باشد، باز هم جرم محقق گردیده است و نیازی به ورود ضرر و زیان و یا خسارت به دولت یا نیروهای مسلح نمی‌باشد. لذا عنصر معنوی جرم اخذ پورسانت از نوع سوءنیت عام می‌باشد و سوءنیت خاص در تحقق این جرم لازم نیست. در صورت تحقق اخذ پورسانت توسط مرتکب، سوءنیت مجرم از سوی دادگاه اثبات می‌گردد.

فصل دوم: مجازات جرم اخذ پورسانت

در این فصل مجازات‌های اصلی، تکمیلی و تبعی مقرر در خصوص جرم اخذ پورسانت براساس هر سه قانون به تفکیک بیان می‌گردد.

مبحث اول: مجازات‌های اصلی

مجازات اصلی کیفری است که برای جرم‌های هم‌جنس در قانون مقرر می‌شود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۳۰۶۴) و مجازات فی‌البداهه برای کیفر مجرمین است که مقنن در قوانین زیر برای ارتکاب جرم اخذ پورسانت در نظر گرفته است.

گفتار اول: مجازات مقرر در ماده‌واحدۀ مصوب ۱۳۷۲

باتوجه به شیوع ارتکاب جرم اخذ پورسانت بالاخص در معاملات خارجی توسط مأمورین خرید دولت و مبهم‌بودن قانون و عدم تعیین مجازات مناسب برای این جرم که منجر به افزایش

اخذ پورسانت شده بود، مانند ده‌ها هزار دلار پورسانتی که مأموران خرید شرکت‌های نفتی از عرضه‌کنندگان خارجی اخذ کردند (روزنامه کیهان، ۱۳۷۳/۶/۳۰: ص ۸). و همچنین پورسانت‌های کلانی که مأموران وزارت پست، تلگراف و تلفن و مأموران سازمان صنایع... درخصوص خرید هواپیما از شرکت‌های خارجی اخذ کردند (نصیری‌مهری، ۱۳۸۰: ص ۳۷)، موجب گردید قانونگذار با تصویب قانون فوق‌الذکر مجازات زیر را وضع نموده و حتی مفاد آن را از حیث رد پورسانت یا معادل آن به دولت، عطف‌بماسبق نماید و براساس آن کلیه وجوه حاصل از معاملات خارجی از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ به بعد که توسط مأموران خرید در قالب پورسانت و بدون اطلاع اخذشده، می‌بایست به دولت مسترد گردد.

مطابق قانون مزبور: «قبول هرگونه پورسانت... ممنوع است. مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت، به حبس تعزیری از دو تا پنج سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می‌گردد.»

مطابق احکام و آراء صادره، مجازات این قانون نسبت به ارتکاب جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی اعمال می‌گردد. مانند رأی شماره ۲۴ مورخ ۱۳۸۸/۴/۹ صادره از شعبه ۱۱۹۲ دادگاه عمومی تهران که به موجب آن متهم «ا.ک» به جهت اخذ پورسانت در معامله خرید یک دستگاه شیب‌لیفت مربوط به صنایع دریایی از کشور انگلیس به ارزش سه میلیون پوند که مبلغ دریافتی ۷۰ درصد بیشتر از قیمت واقعی کالا بوده و پس از تغییر و جابجایی مدیر خرید خارجی، این معامله به جهت بالابودن قیمت، منتفی می‌گردد، اما متهم که نماینده وقت ایران در انگلیس بوده با اخذ مبلغ هشتاد هزار پوند پورسانت و اخذ مقداری تخفیف از فروشنده، مجدداً موجبات اجرای قرارداد را فراهم آورده و معامله انجام می‌گردد.

متهم به موجب حکم موصوف و با استناد به ماده واحده فوق‌الذکر، علاوه بر رد مبلغ هشتاد هزار پوند در حق دولت، به تحمل سه سال و چهار ماه حبس تعزیری و پرداخت هشتاد هزار پوند به عنوان جزای نقدی در حق دولت (معادل پورسانت) محکوم گردیده است.

گفتار دوم: مجازات مقرر در ماده ۶۰۳ ق.م.ا (تعزیرات)

مقنن در ماده فوق کیفر مرتکب جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی را تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله تعیین و مقرر نموده است: «هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده ۵۹۸... برای

خود یا دیگری نفعی منظور دارد، به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده آن گردد، به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد.»

مقنن در ماده ۶۰۳ جهت تعیین مجازات دو فرض را در نظر گرفته است: اول اینکه عمل شخص موجب تغییر در مقدار یا کیفیت یا افزایش قیمت کالا نمی‌شود. در این صورت وی تنها ملزم به تأدیه دو برابر وجوه و منافع است که از طرق مذکور در قانون تحصیل کرده است. اما اگر عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت یا افزایش قیمت مورد معامله بشود، علاوه بر مجازات فوق، به حبس از شش ماه تا پنج سال یا جزای نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم می‌گردد.

مجازات این ماده درخصوص ارتکاب جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی اعمال می‌گردد. مانند رأی شماره ۳۰۳ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱۹ صادره از شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران درخصوص اتهام غیرنظامی «م.ا» دائر بر معاونت در اخذ پورسانت به میزان ۵۳۲/۸۳۰ مارک آلمان و ۱۸۶/۶۵۰ دلار آمریکا درخصوص قراردادهای صنایع نظامی که با تأسیس شرکت ایرانی و اخذ نمایندگی شرکت‌های خارجی، ضمن تبانی با افراد نظامی و اخذ اطلاعات معاملات و قراردادهای صنعت موردنظر، قراردادهای مذکور را به سمت شرکت‌های موردنظر هدایت و پورسانت‌های کلانی را از شرکت‌های خارجی اخذ نموده‌اند. لذا نامبرده به استناد ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به مبلغ دویست میلیون ریال جزای نقدی و استرداد وجوهی که به‌عنوان پورسانت دریافت کرده، محکوم شده است.

گفتار سوم: مجازات مقرر در ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م

باتوجه به اهمیت جرم اخذ پورسانت در سطح نیروهای مسلح و شیوع آن، در بازنگری قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در سال ۱۳۸۲ یک ماده مستقل به آن اختصاص داده شد و قانونگذار مجازات آن را در این قانون تشدید نموده و مقرر داشته: «قبول هرگونه هدیه یا امتیاز یا درصدا... توسط نظامیان ممنوع است. مرتکب مذکور علاوه بر رد هدیه یا امتیاز یا درصدا یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از دو تا ده سال و جزای نقدی برابر هدیه یا امتیاز یا درصدا محکوم می‌گردد.»

ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ جرم اخذ پورسانت را به صورت یک جرم خاص و با مجازات شدیدتر برای اقشار نظامی مطرح نمود و چنان که ملاحظه می‌گردد در تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح در سال ۱۳۷۱ میزان پورسانت دریافتی در میزان مجازات شخص تأثیر داشته است، اما در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲ میزان پورسانت تأثیری در نوع و میزان مجازات شخص ندارد. دادگاه‌های نظامی مجازات نظامیانی که در معاملات داخلی و خارجی نیروهای مسلح مرتکب جرم اخذ پورسانت گردند را براساس ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲ تعیین می‌نمایند. برای نمونه شعبه هشتم دادگاه نظامی یک^۱ باتوجه به اینکه متهم «ح.ش» که مدیر بازرگانی صنایع... بوده و با تبانی با متهم «م.ص» مدیرعامل شرکت خصوصی ن.ل درخصوص خرید قطعات و لوازم... اقدام به انعقاد قرارداد نموده و این خرید طی دو مرحله انجام شده است. شرکت خصوصی به بهانه تحریم‌ها علیه ایران از انجام تعهد خودداری نموده و در نهایت با ارائه اسناد غیرواقعی به بانک محال‌علیه موفق به اخذ ۹۰٪ مبلغ قرارداد شده اما کالای مورد قرارداد تحویل صنعت نگردیده است. لیکن بابت این قراردادها مبلغ ۲/۲۲۱/۵۸۰/۰۰۰ ریال توسط «م.ص» به متهم «ح.ش» پرداخت گردیده و نهایتاً دادگاه اشاره شده به موجب دادنامه موصوف متهم را به استناد ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲ علاوه بر رد وجوه اخذشده به عنوان پورسانت و جزای نقدی به میزان یک میلیارد و پانصد میلیون ریال و تحمل هشت ماه حبس تعزیری محکوم نموده است.

گفتار چهارم: تأثیر استرداد پورسانت در میزان مجازات

۱- براساس نظریه ۷/۳۱۶۳ - ۱۳۷۸/۵/۵ ا.ح.ق: رد پورسانت یا معادل آن به دولت که در ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب سال ۱۳۷۲ آمده است، مجازات محسوب نمی‌شود تا با فوت محکوم‌علیه، اجرای حکم در این خصوص موقوف شود. رد پورسانت یا مال تحصیل‌شده از جرم، حکم قانونی خاص است که در ماده ۱۰ ق.م.ا. ۱۳۷۰ (ماده ۲۱۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲) تصریح شده است. بنا به مراتب در صورت قبول ترکه وراثت با رعایت ماده ۲۴۸ قانون امور حسبی مکلف به پرداخت وجه مذکور به صندوق دولت می‌باشند.

۱. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۹۰۱۰۸۰۰۱۴۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۷

۲- چنانچه وجوه و اموال ضبط و توقیف‌شده از متهم همان وجوه و اموال مأخوذه بابت پورسانت باشد، ضبط آن به نفع دولت و سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی فاقد اشکال قانونی است.

۳- پورسانت در قانون یادشده مال ناشی از جرم بشمار رفته و لذا در صورت موجودبودن آن، بدون دادخواست قابل استرداد است. در غیر این صورت با تقدیم دادخواست از سوی سازمان مربوط یا وزارت دارایی به دادگاه محل، مطالبه خواهد شد. نسبت به پورسانت‌های قبل از قانون هم بایستی با تقدیم دادخواست مطالبه شود.

۴- در صورت تسلیم پورسانت و یا معادل آن از سوی دریافت‌کننده آن، مسترد داشتن آن به همان شخص نادرست است و بایستی به عینه به خزانه دولت واریز شود. به عبارت دیگر، در صورت موجودبودن پورسانت بایستی به خزانه واریز شود در غیر این صورت به نحوی که گفته شد، با تقدیم دادخواست مطالبه خواهد شد.

۵- مأمور یا مدیر دولتی می‌بایست وجه دریافتی را به حساب سازمان مربوطه واریز نماید و مقادیر پرداخت‌شده متعلق به سازمان خریدار است.

مبحث دوم: مجازات‌های تتمیمی (تکمیلی) و تبعی

مجازات تکمیلی مجازاتی است که قانونگذار آن را فرع، ثانی و بالعرض بر کیفر اصلی قرار داده و قاضی را در تعیین آن کیفر مختار نموده است و در حکم دادگاه ذکر می‌گردد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: صص ۳۲۱۸-۳۰۶۵). مقصود از مجازات تتمیمی مجازاتی است که علاوه بر مجازات اصلی برای تکمیل مجازات‌های تعزیری و بازدارنده تعیین می‌شود. این مجازات اضافی باید در حکم دادگاه قید شود در غیر این صورت مجازات تبعی است.

گفتار اول: انتشار حکم مرتکب جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی

قانونگذار به منظور تنبه و انذار مجرمین، علاوه بر مجازات‌های اصلی در قوانین مقرر، مجازات‌های تکمیلی و تتمیمی را نیز به صورت کلی در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ معین نموده و به دادگاه اختیار داده که در جرائم تعزیری از درجه ۶ تا درجه ۱ و

متناسب با جرم ارتكابی و شخصیت مجرم، وی را به یک یا چند مجازات مشخص شده در این ماده محکوم نماید.^۱

قانونگذار در بند س ماده ۲۳ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار «انتشار حکم محکومیت قطعی» را به عنوان مجازات تکمیلی مورد تصریح قرار داده و در تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ انتشار آن را الزامی قرار داده و در بند ج تبصره ماده ۳۶ قانون فوق صراحتاً به «اخذ پورسانت در معاملات خارجی» اشاره نموده است. لذا در صورتی که محکوم علیه در معاملات خارجی مرتکب جرم اخذ پورسانت به میزان بالای ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شده باشد، حکم صادره می‌بایست در رسانه ملی یا در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر گردد.

سؤال: آیا انتشار حکم محکومیت به اخذ پورسانت در معاملات داخلی نیز امکان‌پذیر است؟ پاسخ این است که با توجه به صراحت تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اشاره به «اخذ پورسانت در معاملات خارجی»، امکان تسری قانون و انتشار حکم محکومیت به اخذ پورسانت در معاملات داخلی وجود ندارد.

به نظر می‌رسد قانونگذار براساس محتوای جلسات قانونگذاری در سال ۱۳۷۲ که موجب تصویب قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ گردید، ارتکاب جرم اخذ پورسانت را صرفاً در معاملات خارجی قابل تحقق دانسته و دلیل این نظر مشروح مذاکرات

۱. ماده ۲۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲: دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در قانون متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید.

الف- اقامت اجباری در محل معین ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین- انفصال از خدمات دولتی و عمومی ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری ج- منع از داشتن دسته‌چک و یا اصدار اسناد تجاری چ- منع از حمل سلاح ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور خ- اخراج بیگانگان از کشور د- الزام به خدمات عمومی ذ- منع از عضویت در احزاب، گروه‌ها و دسته‌های سیاسی یا اجتماعی ر- توقیف وسایل ارتکاب جرم یا رسانه یا مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین ژ- الزام به تحصیل س- انتشار حکم محکومیت قطعی. تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دو سال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید. تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار می‌گیرد.

مجلس شورای اسلامی در جلسات شماره‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ درخصوص تصویب کلیات طرح یک‌فوریتی ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مندرج در روزنامه‌های رسمی مورخه‌های یکشنبه ۱۳۷۲/۳/۲ و ۱۳۷۲/۳/۴ و همچنین نظر قانونگذار در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر عدم شمول مرور زمان نسبت به جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی می‌باشد.

لذا قانونگذار در موضوع انتشار حکم محکومیت و مرور زمان اشاره‌شده در مواد فوق‌الذکر باتوجه به ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی را جرم‌انگاری نموده، خلأ قانونی به‌وجود آورده که همین امر زمینه‌ساز مشکلات آتی در رسیدگی به پرونده‌های مذکور توسط محاکم قضائی خواهد بود. البته قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در اصلاحیه ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ که در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، انتشار حکم قطعی درخصوص «اخذ پورسانت در معاملات دولتی» را مشروط بر آنکه ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون ریال (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) یا بیشتر از آن باشد را بیان داشته بود و آن را شامل همه معاملات داخلی و خارجی نموده بود؛ هرچند که هیچ‌وقت مفاد آن توسط دادگاه‌ها اجرا نگردید.^۱

۱. تبصره ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸: «در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتكاب اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوءاستفاده از اختیارات به‌منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرائم گمرکی، جرائم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به‌طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرائم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم‌علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود؛ مشروط به آنکه ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.»

گفتار دوم: مجازات‌های تکمیلی و تتمیمی در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح

همچنین دادگاه‌های نظامی نیز به موجب ماده ۱۵ قانون م.ج.ن.م مصوب ۱۳۸۲ می‌توانند به‌عنوان تتمیم حکم، متهم به اخذ پورسانت را به یکی از مجازات‌های مقرر در ماده موصوف محکوم نمایند.^۱

گفتار سوم: مجازات‌های تبعی

مجازات‌های تبعی در تعریف فرهنگستان حقوقی لنگرودی به معنی کیفری است ناشی از حکم جزائی که در قانون پیش‌بینی می‌شود، نه در حکم دادگاه (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۳۰۶۵). مقصود از مجازات تبعی، کیفری است که علاوه بر مجازات اصلی به موجب قانون و بدون ذکر در رأی دادگاه بر محکوم‌علیه تحمیل می‌گردد.

قانونگذار مجازات‌های تبعی و مصادیق آن را در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون فوق‌الذکر احصاء و بیان نموده^۲ که پس از گذشت مواعد مقرر در ماده ۲۵ همان قانون اثرات تبعی محرومیت از حقوق

۱. ماده ۱۵- دادگاه‌های نظامی می‌توانند در جرائم تعزیری و بازدارنده علاوه بر تعیین مجازات، به‌عنوان تتمیم حکم، متهم را به یکی از مجازات‌های ذیل محکوم نمایند: الف- در مورد کارکنان پایور: ۱- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین از سه ماه تا دو سال. ۲- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال. ب- در مورد کارکنان وظیفه: ۱- اضافه خدمت حداکثر به مدت سه ماه. ۲- تنزیل یک درجه افسران و درجه‌داران وظیفه. ۳- منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت سه ماه و حداکثر تا پایان مدت خدمت وظیفه و در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از سه ماه باشد، دادگاه می‌تواند مدت باقی‌مانده را مورد حکم قرار دهد.

تبصره- در هر مورد که دادگاه از مجازات‌های فوق به‌عنوان مجازات اصلی استفاده نموده یا مجازات حبس را به یکی از موارد فوق تبدیل کرده باشد، نمی‌تواند همان مجازات را به‌عنوان مجازات تتمیمی مورد حکم قرار دهد.

۲. ماده ۲۵- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت‌زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: الف- هفت سال در محکومیت به مجازات‌های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود؛ لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد؛ مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات. تبصره ۲- در مورد جرائم قابل‌گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود، اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود. تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدت‌های فوق از زمان عفو

اجتماعی رفع می‌گردد. لذا در راستای اجرای قوانین فوق و باتوجه به آراء صادره درخصوص محکومیت‌های اخذ پورسانت، مبادی ذی‌ربط در وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی و نظامی مکلفند اثرات تبعی احکام صادره را دقیقاً به مورد اجرا بگذارند.

قانونگذار مجازات تبعی درخصوص نظامیان را در ماده ۱۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مقرر نموده که براساس آن نظامیانی که به‌موجب احکام قطعی دادگاه‌ها در جرائم عمدی محکوم به حدود و محکوم به حبس بیش از ۵ سال و محکوم به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و... گردند، از خدمت اخراج می‌گردند. لذا چنانچه دادگاه‌های نظامی متهم به اخذ پورسانت در معاملات داخلی و خارجی را مطابق ماده ۱۰۹ به حبس بیش از ۵ سال محکوم نمایند مطابق ماده ۱۲ از خدمت اخراج می‌گردد. همچنین به‌موجب ماده ۱۴ همان قانون چنانچه افسران و درجه‌داران وظیفه و کارکنان پیمانی عضو نیروهای مسلح

یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

ماده ۲۶- حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است: الف- داوطلب‌شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیئت دولت و تصدی معاونت رئیس‌جمهور پ- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری ت- انتخاب‌شدن یا عضویت در انجمن‌ها، شوراهای احزاب و جمعیت‌ها به‌موجب قانون یا با رأی مردم ث- عضویت در هیئت‌های منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف ج- اشتغال به‌عنوان مدیرمسئول یا سردبیر رسانه‌های گروهی چ- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاه‌های حکومتی اعم از قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداری‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و دستگاه‌های مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها ح- اشتغال به‌عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت‌اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریار خ- انتخاب‌شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام د- انتخاب‌شدن به سمت داور یا کارشناسی در مراجع رسمی ذ- استفاده از نشان‌های دولتی و عناوین افتخاری ر- تأسیس، اداره یا عضویت در هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت‌نام تجاری یا مؤسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی.

تبصره ۱- مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به‌عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب‌مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند. تبصره ۲- هر کس به‌عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد، پس از گذشت مواعد مقرر در ماده ۲۵ این قانون اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد؛ مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به‌طور دائمی محروم می‌شود.

به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها در جرائم عمدی به مجازات‌های مقرر در مواد مذکور محکوم شوند، از زمان قطعیت حکم، بقیه خدمت خود را پس از اجرای مجازات با دو درجه یا رتبه پایین‌تر به صورت خدمت وظیفه انجام خواهند داد.

مبحث سوم: کیفیات مشدده در مجازات جرم اخذ پورسانت

گاهی اوقات عمل مجرمانه که صورت می‌گیرد، توأم با مخاطرات بیشتری برای جامعه بوده و تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد و یا موجب خسارات هنگفتی بر دولت می‌شود. لذا در این حالت مقنن مجازات‌های سنگین‌تری را منظور داشته است و از کیفیات مشدده استفاده می‌نماید.

اوضاع و احوال حاکم بر جرم که موجب تشدید مجازات می‌گردد را کیفیات مشدده می‌گویند. مانند سردستگی گروه مجرمانه سازمان‌یافته یا تعداد و تکرار جرم از علل مشدده کیفر هستند (موضوع مواد ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۳۴ و ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). این کیفیات ممکن است قانونی باشد یا قضائی. اگر قانونگذار در جرمی خاص کیفیت مشدده را ذکر کند، آن را کیفیت مشدده خاص می‌نامند؛ مانند سرقت مقید (سرقت در شب یا سرقت مسلحانه) یا اخذ پورسانت در خرید یک کالای اساسی جامعه که منجر به تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده آن گردد (موضوع شق اخیر ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵). یا مثلاً جرائم امنیتی از جمله جرائمی هستند که به جهت ارتباط با مصالح سیاسی و عمومی کشور از درجه اهمیت بسیاری برخوردار است و قضات مکلفند در تعیین مجازات مرتکبین باتوجه به شرایط حاکم بر جرم و میزان لطمات وارده، حداکثر مجازات را برای مرتکبین تعیین نمایند.

اما اگر کیفیت مشدده اختصاص به جرم خاص نداشته باشد، آن را کیفیت مشدده عام گویند؛ مانند تکرار و تعدد جرم. اگر کیفیت مشدده ناظر به شخص مجرم باشد، آن را کیفیت مشدده شخصی گویند؛ مانند عمل منافی عفت توسط معلم یا شاگرد. اگر کیفیت مشدده ناظر به طبع جرم باشد، آن را کیفیت مشدده نوعی گویند، مانند هتک ناموس صغیر. تشخیص آن هم این است که دو کیفر هم نوع و هم درجه، آنکه حداکثرش بیشتر باشد و اگر در حداکثر مساوی باشند، آنکه حداقل آن بیشتر است و چنانچه در حداقل مساوی باشند، آنکه مجازات تبعی دارد،

مجازات اشد محسوب می‌گردد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۳۲۱۶-۳۰۶۶). بنابراین جهات تشدید مجازات کیفیاتی است که قانونگذار تعیین نموده و قاضی مکلف است باوجود آنها مجازات را بیشتر از حداکثر مقرر در قانون برای همان جرم معین نماید.

گفتار اول: کیفیات مشدده عام

الف) ارتکاب اخذ پورسانت به صورت سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته

سردستگی عبارت است از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است. گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد. مطابق ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ مرتکب یا مرتکبین به حداکثر مجازات این جرم محکوم می‌گردند. برابر بررسی سوابق موجود، ارتکاب به جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی غالباً به صورت تشکیل و طراحی گروه مجرمانه بوده که طی سالیان گذشته خسارات جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته است. برای نمونه طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵ باندهای مختلفی تشکیل گردیده بود که در معاملات خارجی دولت و نیروهای مسلح اقدام به اخذ پورسانت می‌نموده‌اند. من جمله باند اخوان که سه نفر در داخل کشور با ارائه اطلاعات مربوط به معاملات نیروهای مسلح به تیم سه نفره در خارج از کشور که وظیفه هماهنگی با شرکت‌های طرف قرارداد خارجی را داشته و نهایتاً توسط تیم خارجی، پورسانت از شرکت‌های خارجی اخذ و بین سایر اعضا تقسیم می‌گردیده است.

۱. ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر کس سردستگی یک گروه مجرمانه را بر عهده گیرد، به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضا آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد؛ مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد. تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.»

ب) تعدد جرم در جرم اخذ پورسانت

تعدد جرم یعنی یک نفر دو یا چند بزه از یک جنس و یا از چند جنس مرتکب شود که هیچ‌کدام منتهی به حکم لازم‌الاجرا نشده باشد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۷۸). به عبارت دیگر اگر فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم را دارا باشد و یا هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، تعدد جرم صورت گرفته و به موجب ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ مرتکب به اشد مجازات محکوم می‌گردد.

نظر به اینکه بزه اخذ پورسانت معمولاً توأم و همراه با سایر افعال مجرمانه می‌باشد، لذا این سؤال مطرح است که آیا مشمول تعدد جرم و مجازات اشد می‌باشد؟ فرضاً مأمور نظامی در راستای اخذ پورسانت، اطلاعات مربوط به قرارداد و معامله را در اختیار طرف معامله قرار می‌دهد. در اینجا که افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده خیلی مجرمانه که دارای اثر تبعی اخراج است، توأم با جرم تعزیری اشد اخذ پورسانت گردیده و تعدد جرم صورت گرفته، مشمول کدام مجازات می‌باشد؟

پاسخ: قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون خاص می‌باشد و قانون عام لاحق نمی‌تواند قانون خاص سابق را نسخ کند. بنابراین در موضوع معنونه صرفاً مجازات اصلی جرم اشد برابر ذیل ماده ۱۳۴ قابلیت اجرایی خواهد داشت. آثار تبعی جرم اخف نیز نسبت به کارکنان نیروهای مسلح از تاریخ قطعیت حکم اعمال می‌شود. ضمناً برابر رأی شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور در دادنامه صادره از دادگاه نظامی یک تهران به کلاسۀ ۷/۴۸/۲۰۱/۸۷ مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۰، اتهام اخذ پورسانت و افشای اطلاعات مجرمانه را قابل جمع و تشدید مجازات دانسته و آن را نقض نموده است.

همچنین طبق ماده ۶۰۳ ق.م.ا اگر اخذ کمیسیون باعث تغییر در کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده آن شود، مجازات مرتکب تشدید می‌شود. حال اگر شخص چندین مرتبه مبادرت به اخذ پورسانت نماید به‌طوری که در پاره‌ای موارد عمل وی موجب تغییر در کیفیت... مورد معامله شود، اما در سایر موارد موجب چنین تغییر نشود مجازات وی چگونه

۱. ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم موجب تعزیر، هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود.»

هست؟ و یا طبق ماده ۶۰۳ آیا باید این نوع جرائم را از یک نوع در نظر گرفت، یک مجازات تعیین نمود و در صورت لزوم مجازات را تشدید کرد؟ آیا باید این اعمال را از نوع جرائم متعدد در نظر گرفت و برای هر کدام مجازات جداگانه تعیین نمود؟

برخی اساتید اعتقاد دارند جرائمی را که از نظر طبیعت با هم شباهت دارند می‌توان از یک نوع جرم محسوب نمود و برای آنها یک مجازات تعیین کرد (نوربها، ۱۳۷۵: ص ۴۳۸). به نظر می‌رسد در مورد سؤال اخذ پورسانت باید یک مجازات تعیین شود. زیرا مقنن هر چند با توجه به تأثیر یا عدم تأثیر اخذ پورسانت در معاملات مجازات‌های متفاوتی را برای آن در نظر گرفته، ولی فقط یک مجازات تعیین می‌شود و دادگاه به علت تعدد جرم فقط می‌تواند در صورت لزوم مجازات را تشدید نماید و نمی‌تواند به بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون حکم صادر کند.^۱

ج) تکرار در جرم اخذ پورسانت

منظور از تکرار جرم این است که مرتکب پس از محکومیت قطعی نسبت به رفتار مجرمانه، دوباره مرتکب جرم شود؛ خواه هر دو جرم از عناوین مجرمانه واحد باشد یا متعدد. بدین ترتیب در صورت تکرار جرم اخذ پورسانت توسط مرتکب، دادگاه می‌تواند حسب ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۲ مرتکب را به حداکثر مجازات تا یک برابر و نیم محکوم نماید. برای اینکه بتوان مجازات را به عنوان تکرار جرم تشدید نمود، باید حکم محکومیت قبلی نیز از سوی محاکم ایران صادر شده باشد (اردبیلی، ۱۳۸۴: ص ۲۳۳). جهت اجرای قاعده تکرار حتماً باید محکومیت متهم توسط محاکم ایران باشد و اگر در کشور دیگر محکومیت قبلی داشته باشد، در ایران اجرا نمی‌شود.

۱. رأی وحدت رویه ۶۰۸-۷۵/۲/۲۷ دیوان عالی کشور.

۲. ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.»

گفتار دوم: کیفیات مشدده خاص

الف) نظامی بودن

وظایف و مسئولیت‌های خطیر و مهمی که برعهده نظامیان قرار گرفته ایجاب می‌نماید که نظم و انضباط در میان آنها بیشتر از سایر تشکیلات و سازمان‌ها باشد و مردم و جامعه نیز ضمن اینکه از آنان انتظار دارند که در امور رزمی و دفاعی شایستگی و آمادگی کاملی داشته باشند، آنان را متجسم به فضائل اخلاقی مانند درستکاری، رازداری و هوشیاری می‌دانند که بیشتر از سایرین به آنها پایبند هستند. به همین دلیل اصولاً مجازات‌هایی که برای اقشار نظامی در نظر گرفته می‌شود شدیدتر از مجازات‌هایی است که برای سایر افراد تعیین می‌شود.

قانونگذار در ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مجازات نظامیان را تشدید کرده و براساس آن متهمین نظامی علاوه بر رد پورسانت به دولت، به جزای نقدی معادل پورسانت و حبس تعزیری از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شوند. درحالی‌که براساس ماده واحده اگر افراد عادی (غیرنظامی) مبادرت به اخذ پورسانت در معاملات خارجی نمایند، علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت، به پرداخت جزای نقدی معادل پورسانت به نفع دولت و حبس تعزیری از ۲ تا ۵ سال محکوم می‌شوند و اگر اخذ پورسانت در معاملات داخلی باشد، طبق ماده ۶۰۳ ق.م.ا (تعزیرات) در صورتی که عمل آنها موجب تغییر در معامله نشده باشد، به پرداخت دو برابر وجوه و منافعی که از این بابت تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند و اگر اخذ پورسانت موجب تغییر در مورد معامله شده باشد، به حبس از شش ماه تا پنج سال و جزای نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که نظامی بودن در جرم پورسانت یکی از شرایطی است که باعث افزایش مجازات می‌گردد.

ب) ورود ضرر و زیان به دولت و نیروهای مسلح

چنانچه در نتیجه اقدامات مأمور دولت یا نیروهای مسلح ضرری متوجه دولت یا نهادهای وابسته به دولت و نیروهای مسلح گردد، قانونگذار در جهت تشدید برخورد با مرتکب یا مرتکبین در قسمت انتهایی ماده ۶۰۳ ق.م.ا (تعزیرات) ۱۳۷۵ عنوان نموده: «در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار، یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده آن گردد، به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد. البته به نظر می‌رسد این مجازات نوعی مجازات تنمیمی و تکمیلی در برخورد با متهم است که به

سبب ورود خسارت و یا ضرر و زیان، قانونگذار آن را علاوه بر مجازات اصلی مقرر نموده است. همچنین قانونگذار در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۹ مسئولیت ورود ضرر و زیان به دولت و نیروهای مسلح را متوجه کارمندی نموده که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی را وارد کنند.^۱

مبحث چهارم: کیفیات مخففه در مجازات جرم اخذ پورسانت

گفتار اول: معاذیر قانونی معاف‌کننده مجازات

قانونگذار در هیچ‌یک از مواد قانونی مربوطه به جرم اخذ پورسانت عذر قانونی معاف‌کننده یا تخفیف دهنده‌ای را پیش‌بینی نکرده است. هرچند در تبصره ۳ ماده‌واحد و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م.^۲ اقدام‌کننده را مشمول مواد فوق قرار نداده، اما چنان‌که در مباحث قبلی اشاره گردید، این اقدام از مصادیق اسباب اباحه یا مشروعیت عمل به‌موجب حکم قانون می‌باشد. چرا که از عبارت «مشمول این ماده (ماده فوق) نخواهد بود» مندرج در تبصره ۳ ماده‌واحد و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م. چنین استنباط می‌شود که نظر مقنن درخصوص مورد اشاره

۱. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۹: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. ماده ۱۰ همان قانون: کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

ماده ۱۱ همان قانون: کارمندان دولت و شهرداری و مؤسسات وابسته به آنها که به‌مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنها نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است، ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به‌عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

۲. تبصره ۲ ماده ۱۰۹ ق.م.ج.ن.م. - در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله درصداً می‌پردازد، موضوع قبلاً به اطلاع مسئول مربوط رسانیده می‌شود و وجوه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول این ماده نخواهد بود. تبصره ۳ - در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله پورسانت می‌پردازد، موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذی‌ربط رسانده می‌شود و وجوه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می‌گردد. در این صورت اقدام‌کننده مشمول ماده فوق نخواهد بود.

شده این بوده که اصلاً جرمی اتفاق نیفتاده است و مقنن با استعمال عبارت فوق قصد داشته است پورسانت‌گیرنده را که پرداخت پورسانت را به اطلاع مسئولان مربوط می‌رساند و وجوه مزبور را نیز به خزانه دولت واریز می‌کند، مشمول اسباب اباحه دانسته و دیدگاه‌های نمایندگان در زمان تصویب ماده واحد مؤید این نظر می‌باشد. توضیح اینکه در اسباب اباحه یا مشروعیت عمل به موجب حکم قانون، خاصیت مجرمانه عمل موردنظر سلب می‌شود و ارتکاب آن مباح می‌شود.

مبحث پنجم: تعویق و تعلیق مجازات

تعلیق در لغت به معنی آویزش و آویختن است و اصطلاحاً ایجاد وقفه در اثری است. تعلیق مجازات در حقوق به این معنی است که اگر مجرم محکوم، سابقه ارتکاب جرم نداشته باشد، به او اخطار می‌شود که اگر بعداً مرتکب جرم دیگر نگردد، حکم فعلی تا زمان ارتکاب جرم دیگر موقوف‌الاجرا می‌شود؛ در غیر این صورت حکم هر دو جرم درباره او اجرا خواهد شد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۶: ص ۱۳۰۰). منظور از تعلیق اجرای مجازات، متوقف‌ساختن مجازات کسی است که به کیفر تعزیری محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی مرتکب جرم دیگری نگردد و از دستورات دادگاه تبعیت نماید، محکومیت او کان‌لم‌یکن تلقی شود.

نهاد تعلیق تعقیب که از آموزه‌های مکتب «عدالت ترمیمی» است، توسط قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی سابق پذیرفته شده بود و در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز با تغییراتی در مواد ۴۶ تا ۵۵ پیش‌بینی گردیده است. اما اصطلاح تعویق که به معنی به تأخیر انداختن اثر حقوقی است، تأسیس جدیدی است که برای اولین بار در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده و از حقوق کشورهای غربی و خصوصاً فرانسه گرفته شده است. قانونگذار ایران برای اولین بار در مواد ۴۰ الی ۴۵ ق.م.ا ۱۳۹۲ شرایط تعویق را بیان نموده است. این نهاد حقوقی مبتنی بر نظریه جرم‌شناسی برچسب‌زنی است و در حقیقت راهی برای مقابله با آثار زیان‌بار برچسب مجرمیت به افراد است.^۱

۱. ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد: الف) وجود جهات تخفیف ب) پیش‌بینی اصلاح مرتکب پ) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران خسارت ت) فقدان سابقه کیفری مؤثر.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران باتوجه به مخاطرات برخی جرائم مهم، به موجب ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، جرائم مذکور را از شمول تعویق و تعلیق خارج نموده است. لذا با این توصیف و به موجب بند ج ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، جرم اخذ پورسانت در صورتی که مبلغ آن بالغ بر ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد از شمول تعویق و تعلیق خارج گردیده و قاضی نمی‌تواند تحت هیچ‌عنوان جرائم مذکور را تعویق یا تعلیق نماید. اما چنانچه مبلغ جرم اخذ پورسانت کمتر از میزان اعلام‌شده در بند ج ماده ۴۷ قانون فوق باشد (کمتر از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال)، امکان تعویق یا تعلیق آن وجود دارد.^۱

فصل سوم: فرآیند رسیدگی به جرم اخذ پورسانت

در این فصل آیین رسیدگی به جرم اخذ پورسانت توضیح داده می‌شود. جرم مذکور که جزو جرائم کارمندان دولت قلمداد می‌گردد، در بسیاری جهات از آیین دادرسی مشابهی تبعیت می‌کند. در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران رسیدگی به جرائم کارمندان دولت در مرجع خاصی تحت‌عنوان «دیوان کیفر کارکنان دولت» رسیدگی می‌شده است، اما در حال حاضر باتوجه به وجود قوانین و مراجع مختلف، در مراجعی که در آتی ذکر می‌شود، رسیدگی می‌گردند.

تبصره- محکومیت مؤثر محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده ۲۵ این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.»

۱. ماده ۴۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

- الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات
- ب- جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی
- پ- قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا
- ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان
- ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض
- ج- جرائم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

مبحث اول: مراجع صالح جهت رسیدگی به جرم اخذ پورسانت

صلاحیت کیفری برای قاضی یک امر تکلیفی است و نه اختیاری و اولین اقدام در رسیدگی به یک جرم، تعیین مرجع صالح می‌باشد. باتوجه به اینکه جرم اخذ پورسانت یکی از جرائم کارکنان دولت و نظامیان محسوب می‌گردد، لذا قبل از ورود به بحث، صلاحیت رسیدگی به جرائم مذکور مطرح می‌گردد.

مرجع صالح جهت رسیدگی به جرائم کارکنان دولت قبل از انقلاب «دیوان کیفر کارکنان دولت» بوده که در سال ۱۳۳۴ تأسیس شد و تا مهر ۱۳۵۸ به فعالیت خود ادامه داد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ با تصویب لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی، رسیدگی به جرائم کارکنان دولت به دادگاه‌های عمومی محول شد.

تبصره ماده ۱۸ این قانون مقرر می‌داشت: «به جرائمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان کیفر کارکنان دولت می‌باشد، در دادگاه‌های جزای مرکزی استان رسیدگی خواهد شد و به کلیه جرائم استانداران، فرماندهان، دارندگان پایه‌های قضائی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دادسرا و دادگاه‌های جزائی تهران رسیدگی می‌شود (عبارت «و نمایندگان مجلس شورای اسلامی...» الحاقی و مصوب ۱۳۶۹/۱۱/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد).

با انحلال دادگاه‌های عمومی در سال ۱۳۶۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو، جرائم مستخدمان دولت نیز مانند سایر جرائم در صلاحیت این دادگاه‌ها قرار گرفت. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۲۵-۱۳۶۲/۱۱/۵ دیوان عالی کشور، دادگاه‌های کیفری مراکز استان‌ها صلاحیت رسیدگی به این جرائم را دارا بودند (قربانی و دیگران، ۱۳۸۳: صص ۳۴۴ و ۳۴۳).

پس از تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تیرماه ۱۳۷۳ محاکم تخصصی منحل شدند و به‌موجب این قانون دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی به امور مدنی، جزائی و... را پیدا کردند. بدین ترتیب رسیدگی به جرائم کارکنان دولت نیز در صلاحیت دادگاه‌های عمومی قرار گرفت. البته محاکم عمومی مراکز استان صلاحیت رسیدگی به جرائم این اشخاص را به عهده داشتند.

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۸۳-۱۳۷۴/۵/۲۵ در این رابطه بیان داشته است: «فلسفه و مصلحتی که تصویب تبصره ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی

مصوب ۱۳۵۸ را موجب شد، هنوز به قوت خود باقی است؛ کما اینکه بعد از قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ نیز تبصره مذکور اجرا می‌شد. چون در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب هم خلاف آن تصریح نشده بود، لذا رسیدگی به جرائم کارکنان دولت که قبلاً در صلاحیت دیوان کیفر سابق بود، در صلاحیت دادگاه مرکز استان قرار گرفت و نه دادگاه عمومی محل وقوع جرم.» (شهری و دیگران، ۱۳۷۴: صص ۵۵ و ۵۴).

با اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ دادگاه‌ها به شعب حقوقی و جزائی تقسیم شدند. براساس ماده چهار این قانون هر حوزه قضائی که بیشتر از یک شعبه دادگاه عمومی دارد، آن شعب به حقوقی و جزائی تقسیم می‌شوند و در صورتی که مصلحت ایجاد نماید، رئیس قوه قضائیه می‌تواند شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری را برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاصی اختصاص دهد.

ماده ۴ آیین‌نامه این قانون برخی از شعبات تخصصی را که رئیس قوه قضائیه می‌تواند تشکیل دهد برشمرده است که از جمله آنها اختصاص شعبه‌ای از دادرسی و دادگاه عمومی برای رسیدگی به جرائم کارکنان دولت می‌باشد. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ قانونگذار در ماده ۲۵ آن قانون، تصریحاً تشکیل دادرسی جرائم کارکنان دولت را زیر نظر دادرسی شهرستان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه بیان نموده است.^۱

گفتار اول: دادرسی و دادگاه صالح به رسیدگی به جرم اخذ پورسانت

از لحاظ تعیین دادرسی صالح، نظر به اینکه دادرسی در معیت دادگاه فعالیت می‌نماید و تابع آن است (ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)، تشخیص و تعیین دادرسی صالح منوط به تعیین دادگاه صالح به رسیدگی به جرم پورسانت می‌باشد؛ مگر اینکه قانون خلاف این امر را مقرر نموده باشد.

درخصوص ملاک تعیین مرجع صالح به رسیدگی به جرم پورسانت، طبق اصول اولیه محکمه‌ای که جرم در حوزه آن واقع شده است صالح به رسیدگی است و جرم پورسانت نیز ازجمله جرائم عمومی است و طبق اصل مذکور، محکمه‌ای که جرم اخذ پورسانت در حوزه آن

۱. ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴: «به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادرسی‌های تخصصی از قبیل دادرسی جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرسی شهرستان تشکیل می‌شود.»

واقع شده است، صالح به رسیدگی می‌باشد. البته چنانچه مرتکب از مقامات اشاره‌شده در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نباشد. حقوقدانان صلاحیت در امور کیفری را براساس نوع جرم، اهمیت بزه ارتكابی، محل وقوع جرم، موقعیت شغلی و اجتماعی بزه‌کار و نیز با در نظر گرفتن سن بزه‌کار و درجه نظامی او (در خصوص نظامیان) به سه قسم تقسیم کرده‌اند: صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی و صلاحیت شخصی (مصدق، ۱۳۹۳: ص ۶۹).

صلاحیت ذاتی: تبصره ۲ ماده ۲۴۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ برخی مصادیق صلاحیت ذاتی را بر شمرده بود،^۱ اما قانونگذار در ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه‌های کیفری را به پنج قسم تقسیم نموده است: دادگاه‌های کیفری یک، دادگاه‌های کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی. براساس ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارند؛ مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.^۲

صلاحیت محلی: در صلاحیت محلی دادسرا و دادگاهی صلاحیت رسیدگی دارند که جرم در حوزه قضائی آن ارتکاب یافته باشد. در خصوص صلاحیت محلی ماده ۱۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که جایگزین ماده ۵۱ قانون سابق گردیده مقرر نموده: «بازپرس در حوزه قضائی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفای وظیفه می‌کند و در صورت وجود جهت قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق می‌نماید:

الف- جرم در حوزه قضائی محل مأموریت او واقع شود.

۱. «صلاحیت مراجع قضائی دادگستری نسبت به مراجع غیر دادگستری و صلاحیت دادگاه‌های عمومی نسبت به دادگاه انقلاب و دادگاه‌های نظامی، همچنین صلاحیت دادگاه بدوی نسبت به مراجع تجدیدنظر از جمله صلاحیت‌های ذاتی آنان است.»

۲. مطابق ماده ۵۸۳ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی «وظایف و اختیارات، صلاحیت و تعداد اعضای دادگاه‌های نظامی دو، نظامی یک و تجدیدنظر نظامی همان است که در مورد دادگاه‌های کیفری دو، کیفری یک و تجدیدنظر استان مقرر شده است، مگر مواردی که در این بخش به نحو دیگری درباره آن تعیین تکلیف شود.»

ب- جرم در حوزه قضائی دیگری واقع گردد و در حوزه قضائی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.

پ- جرم در حوزه قضائی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضائی محل مأموریت او مقیم باشد.»

صلاحیت شخصی: این صلاحیت که استثنائی بر صلاحیت محلی است، باتوجه به شخصیت، سن، درجه و شغل مرتکب تعیین می‌شود. مانند نمایندگان مجلس و روسای قوای سه‌گانه یا جایگاه‌های سرتیپی به بالا که به دلیل شغل و جایگاه، قانونگذار رسیدگی به جرائم ارتكابی آنان را در صلاحیت دادگاه کیفری تهران قرار داده است. ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که جایگزین تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸ گردیده^۱ مقرر نموده: «رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، وزیران و معاونین وزیران،

۱. تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳: «به جرائم اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران، فرمانداران، جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استان‌ها در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی می‌شود؛ به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضائی است.» همچنین علاوه بر این باتوجه به ماده ۱۴ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۳/۱۵ و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۹ رئیس قوه قضائیه و رسیدگی به اتهامات بقیه مقامات موضوع تبصره ۱ ماده ۸ لایحه قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۰ شورای انقلاب اسلامی و اصلاحیه‌های بعدی آن، به جز اتهام مقامات موضوع تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در صلاحیت دادسرا و دادگاه شهرستان مرکز استان مربوطه می‌باشد.

مقامات موضوع تبصره ۱ ماده ۸ قانون فوق‌الذکر عبارتند از کلیه معاونان و مدیران کل وزارتخانه‌ها، معاونان نخست‌وزیر و مدیران کل نخست‌وزیری و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و سفرا و رؤسای دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی علمی دیگر که از طرف دولت و یا با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و استانداران و فرمانداران و رؤسای ادارات استان‌ها و شهرستان‌ها و شهرداران مراکز شهرستان‌ها و رؤسا و مدیران و اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت‌ها و مؤسسات و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت و رؤسا و مدیران سازمان‌ها و مؤسسات مملکتی و رؤسا و مدیران سازمان‌ها و مدیران سازمان‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و کفیل یا قائم‌مقام هر یک از مقامات مذکور و رؤسا و مستشاران و دادستان دیوان محاسبات و دارندگان پایه‌های قضائی که سبب شغل و وظیفه مرتکب شوند؛ که صلاحیت دادگاه شهرستان مرکز استان در این خصوص نوعی صلاحیت شخصی می‌باشد.

دارندگان پایه قضائی، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران، فرمانداران مراکز استان و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل‌های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، حسب‌مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری تهران است؛ مگر آنکه رسیدگی به این جرائم به‌موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره ۱- شمول این ماده بر دارندگان پایه قضائی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب‌مورد، در قوه قضائیه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند. تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات افسران نظامی و انتظامی موضوع این ماده که در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح می‌باشد، حسب‌مورد در صلاحیت دادگاه نظامی یک یا دو تهران است. البته به‌موجب ماده ۵۸۵ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به جرائم نظامیان دارای درجه سرتیپ سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند و نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ نباشند، در دادگاه و دادرسی نظامی مرکز استان رسیدگی می‌شود.

همچنین ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشعار داشته: «رسیدگی به اتهامات مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب‌مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری مرکز استان محل وقوع جرم است؛ مگر آنکه رسیدگی به این اتهامات به‌موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.»

بنابراین باتوجه به مفاد قوانین فوق‌الذکر می‌توان گفت چنانچه جرم اخذ پورسانت از جانب یکی از افراد فوق‌الذکر صورت بگیرد، باتوجه به شخصیت و جایگاه افراد مذکور، رسیدگی به اتهام نامبردگان در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران یا دادگاه نظامی استان تهران می‌باشد و چون صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران و یا نظامی استان تهران درخصوص اشخاص مذکور به‌جهت شخصیت آنها می‌باشد، لذا از آن تحت‌عنوان صلاحیت شخصی یاد می‌شود.

گفتار دوم: صلاحیت دادسرا و دادگاه نظامی

صلاحیت دادگاه‌ها و دادسراهای نظامی براساس اصل ۱۷۲ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲ ایجاد گردید.^۱ مقنن در قسمت اخیر تبصره ماده ۴ قانون سابق تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ مقرر نموده بود در صورتی که مرتکب از افراد نظامی باشد و جرم ارتكابی هم از جرائم خاص نظامی و انتظامی باشد، دادسرا و دادگاه‌های نظامی صلاحیت رسیدگی به جرائم آنان را دارند. همچنین قانونگذار در ماده ۱ قانون سابق دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران «ارتش، سپاه، ژاندارمری، شهربانی، پلیس قضائی، کمیته‌های انقلاب اسلامی و هر نیروی مسلح دیگر» را در صلاحیت دادگاه‌های نظامی قرار داده بود.

در حال حاضر ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲^۲ در خصوص صلاحیت رسیدگی دادسرا و دادگاه‌های نظامی به جرائم نظامیان و ماده ۵۹۷ قانون آیین

۱. اصل ۱۷۲ قانون اساسی: برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود. دادستانی و دادگاه‌های نظامی بخشی از قوه قضائیه کشور، مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

مفهوم کلی جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی روشن است و محتاج به تفسیر نیست. منظور تخلفاتی است که مأمور نظامی یا انتظامی در ارتباط با وظایف خاص خود مرتکب می‌شود و وظایف خاص و حدود آن را قانون عادی معین می‌نماید.

۲. ماده ۱- دادگاه‌های نظامی به جرائم مربوط به وظائف خاص نظامی و انتظامی کلیه افراد زیر که در این قانون به اختصار «نظامی» خوانده می‌شوند رسیدگی می‌کنند:

الف- کارکنان ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته
ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته
ج- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
د- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته
ه- کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
و- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن
ز- محصلان - موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح - مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، جرائم در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح را برشمرده است^۱، همچنین قانونگذار در قانون جدید آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ در ابداعی جدید در ماده ۵۹۹ جرائم نظامیان کمتر از هجده سال شمسی را با رعایت مقررات مربوط به اطفال و نوجوانان در صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی دانسته است.^۲

مبحث دوم: بررسی مرور زمان در جرم اخذ پورسانت

ماده ۱۷۳ قانون سابق آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ تعقیب کیفری جرائمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی بوده را با انقضای مواعد مشروحه در ذیل ماده مرقوم از تاریخ اولین اقدام تعقیبی مشمول مرور زمان دانسته بود و غالب حقوقدانان با استناد به ماده فوق اخذ پورسانت را

ح- کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.
تبصره ۱- جرائم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال نمی‌شود.

۱- ماده ۵۹۷- به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به‌جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادرسی‌های سازمان قضائی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی‌که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است.

تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.

تبصره ۳- رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضائی دادگستری مرتکب می‌شوند.

۲. ماده ۵۹۹- به جرائم نظامیان کمتر از هجده سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضائی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.

مشمول مرور زمان می‌دانسته‌اند، اما مرور زمان در بزه اخذ پورسانت یک امر اختلافی بوده است.

قانونگذار در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی^۱ مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ ناظر به ماده ۳۶ همان قانون،^۲ تصریحاً اخذ پورسانت در معاملات خارجی را در صورتی که بیش از یک میلیارد ریال باشد، از شمول مرور زمان خارج کرده است؛ هرچند در خصوص معاملات داخلی موضوع را مسکوت گذارده است. لذا با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی دولت و نیروهای مسلح تا سقف اشاره‌شده از شمول مرور زمان خارج گردیده البته باتوجه به «مالانص‌فیه» (سکوت قانون نسبت به معاملات داخلی) با وحدت ملاک از استفتائات صادر از مراجع عظام تقلید و همچنین نظریه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که اخذ پورسانت در معاملات دولتی را حرام دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: صص ۲۷۶ و ۲۷۵) و با استناد به آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره «ولا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل...» حرام‌بودن اخذ پورسانت منطبق با عنوان فقهی احتیال می‌باشد؛ چرا که عنوان جزائی احتیال که در متون فقهی به آن تصریح شده است، منحصر به آنچه امروزه به‌عنوان کلاهبرداری شناخته می‌شود نمی‌باشد. زیرا تعریف فقهی احتیال شامل تحصیل اموال به نحو متقلبانه با توسل به دروغ، فریب و اسناد غیر واقعی است که از این جهت اتهام تبانی در معاملات دولتی و اخذ پورسانت نیز قابل انطباق با عنوان

۱. ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند. الف: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ب: جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون را رعایت مبلغ مقرر در آن ماده پ: جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر
۲. ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. تبصره- انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: الف- رشاء و ارتشاء ب- اختلاس پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ث- تبانی در معاملات دولتی ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی چ- تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت ح- جرائم گمرکی خ- قاچاق کالا و ارز د- جرائم مالیاتی ذ- پول‌شوئی ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.

فقهی احتیال می‌باشد و به این دلیل مشمول عنوان تعزیرات شرعی بوده و از شمول عنوان بازدارنده خارج است.^۱

همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۸۶/۵/۱۰-۷/۳۴/۸۶/۵۵۳۶۵- نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره: ۸۶/۵/۱۰-۷/۳۴/۸۶/۵۵۳۶۵-۱۰۵۰۱۰۴ مورخ ۹۱۰۹۹۷۹۰۱۰۵۰۱۰۴ ص ۹

تعزیری بودن جرائم نیروهای مسلح و خارج بودن آن از شمول مرور زمان را مورد تأکید قرار داده است.^۲ لذا به نظر می‌رسد با توضیحات فوق جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی نیز همانند معاملات خارجی از جمله جرائم تعزیری محسوب و مشمول مرور زمان نمی‌گردد. البته در این خصوص رأی وحدت رویه^۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور^۴، که به استناد تبصره‌های ۲ و

۱. رأی شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران به شماره ۹۱۰۹۹۷۹۰۱۰۵۰۱۰۴ مورخ ۹۱۰۹۹۷۹۰۱۰۵۰۱۰۴ ص ۹

۲. نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره: ۸۶/۵/۱۰-۷/۳۴/۸۶/۵۵۳۶۵-۱۰۵۰۱۰۴ سؤال: آیا مجازات‌های جرائم موضوع قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح از نوع بازدارنده می‌باشند یا تعزیری؟ و آیا مشمول مرور زمان می‌گردند یا خیر؟ پاسخ: با عنایت به نظر حضرت امام خمینی (ره) در مبحث فرع پنجم از کتاب حدود تحریرالوسیله که می‌فرمایند: «کل من ترک واجباً او ارتکب حراماً فللامام... به شرطان یكون من الکبائر...» هر فعل حرامی که از گناهان کبیره محسوب شود، قابل تعزیر است و تعزیرات شرعی نیز باتوجه به مقررات ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب جرم بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر شده است و مجازات بازدارنده به موجب ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف شارع برای حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و ضوابط حکومتی تعیین می‌گردد، لذا باعنایت به مراتب یادشده و مستفاد از آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره‌های ۶۷۷-۸۴/۴/۱۴ و ۶۹۶-۸۵/۹/۱۴، جرائمی مانند اختلاس، ارتشاء، سرقت تعزیری و اخاذی، اخذ پورسانت و... که در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده به لحاظ حرمت اولیه شرعی و... از نوع تعزیری محسوب و از شمول مجازات‌های بازدارنده خارج و مشمول مقررات مرور زمان موضوع ماده ۱۷۳ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نمی‌شوند. لکن مجازات جرائمی مثل خوابیدن حین نگهبانی، ترک پست، لغو دستور و... چنانچه مجازات آنها از نوع مجاریه نباشد بازدارنده تلقی و مشمول مقررات مرور زمان می‌گردند.

۳. رأی وحدت رویه شماره ۶۷۷ - ۱۳۸۴/۴/۱۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور

۴. رأی وحدت رویه ۶۷۷ مورخه ۱۳۸۴/۴/۱۴ ردیف ۶/۸۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور:

واضع جرائم واجد مجازات‌های بازدارنده حکومت است. زیرا مطابق ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، کیفرهای مذکور برای حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماعی در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی اعمال می‌گردد و براساس تبصره ۱ ماده ۲ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده... و اصل حکم پرداخت و دریافت رشوه را نیز شرع انور بیان فرموده‌اند و در موارد مربوط به موضوع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، به ممنوعیت

۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مجازات ارتشاء را تعزیری اعلام و آن را مشمول مرور زمان مجازات‌های بازدارنده مندرج در ماده ۱۷۳ قانون سابق آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ ندانسته و مرور زمان را شامل بزه ارتشاء نمی‌دانست نیز مبنا و ملاک بود. اما با تصویب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ رأی وحدت رویه فوق نیز از درجه اعتبار ساقط است و در شرایط فعلی کاربرد ندارد.^۱ لذا در حال حاضر در خصوص اخذ پورسانت در معاملات داخلی به‌طور کلی و در معاملات خارجی کمتر از یک میلیارد ریال با خلأ قانونی مواجه هستیم.

مبحث سوم: نحوه رسیدگی به جرم اخذ پورسانت

نظر به اینکه اصول حاکم بر دادرسی کیفری براساس قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تغییرات اساسی داشته، لذا توجه به اصول مذکور در رسیدگی به پرونده‌های اتهامی الزامی است. مهم‌ترین این اصول عبارتند از تفکیک مقام تعقیب از تحقیق، الزامی بودن تشکیل پرونده شخصیت، ضرورت نظارت رئیس کل دادگستری استان بر امر تفتیش، ضرورت نظارت دادستان بر ضابطان و تشکیل پلیس اطفال، ساختار دادگاه‌های تجدیدنظر و...

گفتار اول: رسیدگی در دادسرا

رسیدگی در دادسرا تابع تشریفات خاصی است که در صورت اجرای دقیق آن، عدالت قضائی را می‌توان حکم‌فرما نمود، کما اینکه به‌علت نقص موجود در قانون سابق آیین دادرسی، مقنن با تصویب مقررات حفظ حقوق شهروندی در سال ۱۳۸۳ سعی نمود این نقیصه را برطرف نماید، اما در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ ضمن توجه به مقررات حفظ حقوق شهروندی، مراحل و تشریفات رسیدگی در دادسراهای عمومی و نظامی به‌طور دقیق تشریح و

مستخدمین دولتی، به‌طور کلی اعم از قضائی و اداری، از دریافت رشوه به هر عنوان تصریح گردیده است و در تبصره‌های ۲ و ۵ قانون اخیرالذکر، نوع مجازات را تعزیری اعلام نموده‌اند. لذا رشوه از عداد مجازات‌های بازدارنده که از طرف حکومت تعریف می‌گردد خارج و به حکم شرع دارای مجازات تعزیری بوده و مشمول مقررات ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نمی‌باشد.

۱. نظریه مشورتی شماره ۱۰۱۹ - ۱۳۹۲/۶/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه

بیان گردیده که می‌توان این دستاورد را یکی از موفقیت‌های نظام عدالت قضائی برشمرد. با توجه به اینکه رسیدگی به جرم اخذ پورسانت نیز می‌بایست براساس قوانین جدید صورت گیرد، لذا سعی گردیده فرآیند رسیدگی قضائی به جرم اخذ پورسانت مطابق با آیین دادرسی جدید تشریح و بیان گردد.

الف) ارجاع پرونده و شروع به تحقیق و احضار و تعقیب متهم

چنان‌که در بالا گفته شد، قانونگذار در مواد ۹۲ و ۹۳ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۱ با تفکیک مقام تعقیب از تحقیق، انجام کلیه تحقیقات را بر عهده بازپرس گذاشته اما در غیر جرائم مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۳۰۲ این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیارات بازپرس می‌باشد.

شروع به تحقیقات و رسیدگی در مرحله دادسرا باید طبق قانون باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی در ماده ۶۵ قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸^۲ آمده بود و در ماده ۶۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۳ تصریح شده است. همچنین مطابق ماده ۵۷۵ آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۹۳/۷/۸، هرگاه در اثر

۱. ماده ۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - تحقیقات مقدماتی تمام جرائم برعهده بازپرس است. در غیر جرائم مستوجب مجازات‌های مقرر در ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهائی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به‌نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند.

تبصره- در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رئیس حوزه قضائی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی‌بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد. ماده ۹۳- بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.

۲- ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری:

جهات قانونی برای شروع به رسیدگی به‌قرار زیر است:

الف- شکایت شاکی، ب- اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود، ج- جرائم مشهود در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد، د- اظهار و اقرار متهم.

۳. ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری: جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح زیر است: الف- شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، ب- اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، پ- وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس، ت- اظهار و اقرار متهم، ث- اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر.

وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند.^۱ البته وقوع جرم اخذ پورسانت به دلیل اینکه در خفا و پنهان است، لذا همیشه کشف نمی‌گردد و آمار این جرم نیز جزو آمار جرائم رقم سیاه تلقی می‌گردد. لذا معمولاً در صورت کشف جرم اخذ پورسانت، مطابق بند ب ماده ۶۴ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ توسط ضابطان دادگستری و ضابطان نظامی و توسط مراجع اطلاعاتی کشف و به مراجع قضائی منعکس می‌گردد.

پس از انعکاس جرم به مراجع قضائی دادگستری یا نظامی و ارجاع پرونده به شعبه تحقیق بازپرسی، تحقیقات شروع می‌شود. مرجع تحقیق در بدو شروع به تحقیق پس از احراز امر فوق (ارجاع کتبی موضوع)، اولین امری که باید توجه نماید این است که آیا صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد یا خیر؟ و چنانچه خودش را براساس مقررات اشاره‌شده در مبحث صلاحیت، صالح به رسیدگی تشخیص داد، اقدام به ادامه تحقیقات می‌نماید.

در خصوص ارجاع جرم اخذ پورسانت، به شعبه نیز دو حالت متصور است یا پرونده به همراه متهم به شعبه ارجاع می‌شود یا بدون حضور متهم؛ در صورتی که پرونده بدون حضور متهم به شعبه ارجاع شود. در صورت تکمیل تحقیقات و وجود دلایل کافی بر احضار متهم، دستور احضار متهم صادر می‌گردد و در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، شعبه تحقیق بدو دستور تکمیل تحقیقات را صادر می‌نماید. در صورتی که پرونده به همراه متهم به شعبه ارجاع شود و یا در صورتی که پس از احضار، متهم در شعبه حاضر شود، نوبت به تحقیق از متهم می‌رسد.

ب) مرحله بازپرسی

بازپرسی یا استنطاق در واقع همان بازجویی است با این تفاوت که توسط قاضی انجام می‌شود. این اقدام در امور مهمه جنایی و جرائم امنیتی و یا جرائم مهم علیه دولت و نیروهای مسلح (مانند اخذ پورسانت) توسط بازپرس انجام می‌شود. تحقیق در مورد جرائم ساده‌تر را دادیار انجام می‌دهد که به آن تحقیقات قضائی گفته می‌شود. در مرحله تحقیق قضائی، قاضی موظف است نوع اتهام را به متهم تفهیم نماید و دلایل اتهام را برای او آشکارا

^۱ - ماده ۱۳۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹: هرگاه در اثر وقوع بزه‌ی که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های نظامی است خسارت یا زیان مالی متوجه نیروهای مسلح شده باشد دادستان نظامی با تعقیب موضوع از لحاظ جنبه عمومی از حیث دریافت خسارات در دادگاه، سمت نمایندگی نیروهای مسلح را دارا خواهد بود.

بیان نماید و او را متوجه حقوق قانونی خود بنماید. در پایان تحقیقات نیز آخرین دفاع را اخذ می‌کند. شایان ذکر است که در بازجویی نباید تفهیم اتهام انجام شود و یا آخرین دفاع توسط بازجو اخذ گردد، چون این یک اقدام قضائی است.

ج) نمونه دستور تکمیل تحقیقات

در صورت ناقص بودن تحقیقات و لزوم تکمیل تحقیقات، قبل از احضار متهم دستور تکمیل تحقیقات صادر می‌شود که این دستور حسب مورد و باتوجه به نوع جرم متفاوت می‌باشد. در خصوص جرم اخذ پورسانت نظر به اینکه باید وضعیت استخدامی متهم، نوع معامله، ارتباط و تأثیرگذاری متهم در معامله مورد نظر، میزان وجه اخذ شده، نحوه تحصیل پورسانت و علت اخذ آن مشخص شود، چنین دستوری صادر می‌شود: «دفتر محترم پرونده ثبت، مقید به وقت نظارت، نظر به ضرورت تکمیل تحقیقات طی شرحی به مرجع ضابط^۱ مرقوم دارید تا نسبت به انجام دستورات ذیل اقدام و نتیجه را به شعبه گزارش نمایند:

۱. الف) ضابطان عام دادگستری: براساس ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۱۲، ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

در ماده ۲۹ آن قانون ضابطان عام دادگستری را به شرح زیر بر شمرده است: الف- ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند. ب (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - (ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقامات قضائی را اجرا کنند. ریاست و نظارت بر ضابطین از حیث وظایفی که به عنوان ضابط دارند، با دادستان است. ضابطین به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذیصلاح قضائی اعلام می‌کنند.

در خصوص جرائم مشهود نیز تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ وسایل، ادوات، آثار جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی معمول می‌دارند. همچنین تحقیقات مقدماتی را انجام داده و بلافاصله به اطلاع مقام قضائی می‌رسانند.

ب) ضابطان خاص نظامی: ضابطان نظامی که در حدود مقررات قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح نسبت به جرائمی که در صلاحیت دادگاه‌های نظامی است تحقیق می‌نمایند و برای حفظ آثار و دلایل این نوع جرائم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، موافق مقررات قانون اقدام لازم معمول می‌دارند و طبق ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی جرائم

- ۱- وضعیت استخدامی متهم از اداره متبوع استعلام شود.
- ۲- درخصوص تاریخ و محل دقیق اخذ پورسانت و ارتباط آن با معامله موردنظر تحقیق شود.
- ۳- میزان دقیق وجه دریافتی مشخص و معین شود.
- ۴- درخصوص نحوه اخذ وجه نقد یا سند دریافت وجه یا امتیاز مکتسبه که به‌صورت معامله صوری یا به نحو دیگر بوده به‌صورت دقیق تحقیق شود. امضاء و تاریخ

د) احضار متهم

احضاریه و احضارنامه چیست؟

احضاریه و احضارنامه برگه‌ای است که به‌موجب آن مقامات ذیصلاح متهم یا شاهد، گواه و کسانی را که برای امر تحقیق و بازجویی و رسیدگی به جرم لازم بدانند، به مراجع قضائی فرا می‌خوانند^۱ (توضیح اینکه احضار اقدامی است خاص مقامات قضائی و دیگر مأمورین این حق را

نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ مأمورانی هستند که تحت‌نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به‌موجب قانون اقدام می‌کنند.

ضابطان نظامی مطابق ماده ۶۰۳ عبارتند از: الف- مأموران دژبان نیروهای مسلح

ب- مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریت‌ها و وظایف قانونی

پ- مأموران بازرسی و قضائی نیروهای مسلح

ت- فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی

ث- افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی

ج- مقامات و مأمورانی که به‌موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضائی است، ضابط نظامی محسوب می‌شوند.

تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند، اما تحت‌نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات انجام‌شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست.

تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضائی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به‌عهده ضابطان نظامی مربوط است.

۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۴: ماده ۱۶۸- بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به‌عنوان متهم احضار و یا جلب کند. تبصره- تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. ماده ۱۶۹- احضار متهم به‌وسیله احضاریه به‌عمل می‌آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ

ندارند). پس از ارجاع موضوع به شعبه و تکمیل تحقیقات و وجود دلایل کافی بر احضار متهم به شرح ذیل دستور احضار متهم صادر می‌گردد:

«دفتر، مقرر است پرونده ثبت شعبه، مقید به وقت نظارت متهم آقای... به اتهام دریافت اخذ پورسانت با قید نتیجه عدم حضور جلب است، ظرف ۳ روز پس از رؤیت احضار شود.» امضاء و تاریخ

پس از اینکه متهم به وسیله احضار یا جلب نزد مقامات مربوطه حاضر گردید، بازپرس مکلف است در ظرف مدت ۲۴ ساعت از زمان حاضر شدن متهم تحقیقات اولیه و بازجویی از وی را به عمل آورند. احضار نظامیان و کارکنان نیروهای مسلح و فرماندهان جایگاه‌های سرتیپی و بالاتر نیز براساس مواد ۶۱۵ و ۶۱۷ قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸ و دستورالعمل مصوب فرماندهی کل قوا به عمل می‌آید.^۱

ه) انجام مصاحبه

مصاحبه عبارت است از مذاکره آزاد بین مأمور تحقیق و فردی که به نوعی با ارتکاب جرم ارتباط دارد (مظنون، شاهد، مطلع و...). مصاحبه به صورت شفاهی و غیررسمی به عمل می‌آید. در واقع مصاحبه مرحله قبل از بازجویی است. در حقوق ایران، مصاحبه جایگاهی ندارد و از

می‌گردد و نسخه دیگر پس از امضاء به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود. ماده ۱۷۰- در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضاء مقام قضائی می‌رسد. تبصره- در جرائمی که به تشخیص مرجع قضائی، حیثیت اجتماعی متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضائی مراجعه کند.

۱. ماده ۶۱۵- احضار متهمان نظامی و متهمان وزارت اطلاعات از طریق فرمانده یا مسئول مافوق انجام می‌گیرد، اما در موارد ضروری یا در صورتی که به متهم در یگان مربوطه دسترسی نباشد، احضار از محل اقامت صورت می‌گیرد و مراتب به اطلاع فرمانده یا مسئول مافوق می‌رسد.

تبصره ۱- نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولان نیروهای مسلح براساس دستورالعملی است که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.

تبصره ۲- ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ در محل اقامت، بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود.

ماده ۶۱۷- در صورتی که به تشخیص قاضی پرونده به لحاظ مصالح نیروهای مسلح، حیثیت اجتماعی متهم، عفت و یا امنیت عمومی، ذکر درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور در احضارنامه و یا روزنامه به مصلحت نباشد، درجه یا موضوع اتهام و یا نتیجه عدم حضور ذکر نمی‌شود.

همان ابتدا بازجویی آغاز می‌شود. ابداع مصاحبه در کشورهای دیگر به لحاظ محدودیت‌های موجود ناظر بر بازجویی و آثار حقوقی مترتب بر آن است. بدین ترتیب مواردی که در مصاحبه بدست می‌آید قابلیت استناد در پرونده را ندارد، اما علت استقبال آن در کشورهای دیگر این است که در انجام مصاحبه لازم نیست وکیل متهم حضور داشته باشد و یا حقوق قانونی متهم به وی متذکر گردد یا اتهامی به وی تفهیم گردد. تعریف دیگری که از مصاحبه می‌شود این است که مصاحبه عبارت است از پرس‌وجو از فردی که فعلاً سوژه نیست، برای تعیین اینکه آیا فرد مذکور می‌تواند اطلاعات باارزشی را برای پرونده به ما بدهد یا خیر؟ به‌عنوان مثال، هنگامی که جرم اخذ پورسانت رخ داده، اولین دفاع مظنونین به این عمل این است که ثابت کنند در معامله دخالت نداشتند و یا هیچ‌گونه وجهی دریافت نکرده‌اند.

ضابط به‌عنوان مأمور بررسی این پرونده به مظنون موردنظر خود مراجعه می‌کند و بدون اینکه موضوع را به او توضیح دهد، از وی سؤال می‌کند که در زمان وقوع جرم کجا بوده است و آیا با شرکت یا شخص پرداخت‌کننده پورسانت ارتباط داشته و...، این پرس‌وجو و اقدام ضابط مصاحبه نامیده می‌شود.

(و) بازجویی از متهم

بازجویی در لغت به معنای تحقیق و رسیدگی به امری و یا کاری است و در عرف قضائی تحقیق کتبی و یا شفاهی از شاکی، شاهد، مطلع، مظنون و یا متهم در یک مسیر معین و جهت نیل به یک هدف خاص را بازجویی گویند بازجویی از متهم مجلوب باید مقدم بر سایرین باشد.

در فرآیند تحقیق و تشکیل پرونده‌های قضائی، بازجویی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سازمان تشکیل‌دهنده پرونده شامل کلانتری، بازرسی، حفاظت و هر تشکیلات مسئول دیگری که ادعایی را مطرح می‌کند، می‌بایست ادعای خود را مستند به مدارک و دلایلی نماید که بخشی از این دلایل و مدارک می‌تواند بازجویی‌های انجام‌شده از شکات، متهمین، شهود و مطلعین باشد که در پرونده مورد استناد قرار می‌گیرد.

معمولاً پرونده‌هایی کمتر دچار اطاله دادرسی شده و سریع‌تر به حکم و نتیجه قضائی مطلوب نائل می‌گردند که در بدو امر خوب و قوی تشکیل شده باشند و دارای گردشکارهای واضح و

روشنی باشند و این گردشکار به استناد محتویات پرونده موضوع را به‌خوبی شرح داده و دارای ادله روشن و متکی بر اقرار متهمین، اظهارات شهود و گواهان باشد. این اقدام تنها به دست توانای کارشناسان خبره و مسلط به بازجویی میسر می‌شود. در سیستم قضائی ما، اقرار ملکه دلایل است و اعترافات متهمین نقشی اساسی در سرنوشت آنها و پرونده دارد. بعد از اقرار شهادت شهود نقش مهم‌تری دارند و بعداً نظریه کارشناسی و نظریه‌های پلیس علمی باتوجه به نوع پرونده ایفای نقش می‌کند. لذا قاضی دادگاه وقتی ملاحظه می‌کند که کیفرخواست مستند به اقرار متهم^۱ است و یا با شاکی‌ای مواجه است که ادعای خود را مدلل بیان کرده و در کنار

۱. نقض رأی به علت تجزیه اقرار متهم: دادنامه: ۹۳۸ شماره تجدیدنظر ۷۸۸۱/۶-۳۱ تاریخ رسیدگی: ۸۰/۹/۱۸

تجدیدنظرخواه: آقای محمد... به وکالت از آقای سعید... (محکوم‌علیه)

تجدیدنظر خواسته: دادنامه شماره ۲۳۶-۸۰/۴/۱۷ صادره از شعبه چهارم دادگاه نظامی یک استان...

مرجع رسیدگی: شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور

آقای سعید... به اتهام اخذ رشوه تحت تعقیب دادرسی نظامی... قرار گرفته است (سایر اتهامات متهم به‌علت صدور حکم برائت و اتهام نگهداری مواد مخدر باتوجه به ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر مورد بحث این گزارش نیست). بدین توضیح نامبرده از شرکت... جهت صنایع... مبادرت به خرید ماشین‌آلات راهسازی نموده که عنوان شده با وساطت و معاونت جعفر... و مشارکت فردی بنام کوروش... مبلغ ۳۲ هزار دلار به‌عنوان رشوه دریافت کرده است. متهم در تحقیقات اولیه در حفاظت اطلاعات به اخذ پورسانت اقرار کرده ولی در مرحله بازپرسی منکر هرگونه وجهی به‌عنوان پورسانت شده، اظهار داشته مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان از جعفر... به‌عنوان قرض دریافت داشته و در قبال آن چک صادر کرده و پس از فروش منزل پدری‌اش، وجه را به وی پرداخت کرده است.

آقای... بازرگان خارجی طرف قرارداد و جعفر... و کوروش... منکر پرداخت هرگونه وجهی به هر عنوان، به وی شده‌اند. متهم در جلسه دادگاه اظهار داشته بعد از اینکه متوجه شده جعفر... از عوامل شرکت... نیست و پدرش برای جراحی معده در بیمارستان بستری بوده و برادر جعفر... نیز در همان بیمارستان تحت مداوا بوده، با کشیدن یک فقره چک به مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان مبلغ فوق را از وی قرض گرفته و رشوه یا پورسانتی دریافت نکرده است.

دادگاه در خاتمه رسیدگی در این خصوص به شرح زیر انشاء رأی کرده است (درخصوص اتهام متهم موقوف دایر بر اخذ رشوه هرچند متهم منکر بزه اخذ رشوه به مبلغ ۳۳ هزار دلار می‌باشد و فقط اخذ مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان آن هم به‌عنوان قرض الحسنه عنوان داشته، ولی باتوجه به اقرار صریح متهم در مراحل اولیه تحقیق و لایحه ارسالی خطاب به بازپرس محترم شعبه اول دادرسی نظامی... در برگ ۱۱۵ پرونده و نحوه مدافعات بلاوجه وی و اظهارات بلاشائبه بازرگانی خارجی در صفحه ۴۳۰ پرونده در محضر دادگاه، با ترجمه همسر ایرانی‌الاصل ضمن رد ماده استنادی کیفرخواست، عمل وی را با ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح تطبیق و با اعمال کیفیات تخفیف‌دهنده با ذکر جهات، وی را به شش ماه حبس تعزیری و استرداد وجوه مأخوذه به مبلغ سه میلیون و پانصد هزار تومان در حق دولت محکوم و از سایر اتهامات، جز نگهداری مواد مخدر تبرئه کرده است.

این ادعا، اظهارات شاهدهی عادل نیز وجود دارد، با اطمینان قلبی بیشتری مبادرت به صدور رأی می‌کند. ضمن اینکه این رأی در مراحل بعدی دادرسی که شامل تجدیدنظر و فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است، کمتر مورد ایراد و خدشه قرار می‌گیرد. بازجویی و تحقیق از متهم توسط مقامات مسئول به دو صورت ذیل انجام پذیرد:

اول: بازجویی توسط ضابطین در بدو برخورد با مجرمین

پس از اینکه مقامات مسئول و ضابط دلایل و قرائن وقوع جرم اخذ پورسانت را جمع‌آوری کردند و این دلایل و قرائن وقوع جرم حاکی از ارتکاب جرم اخذ پورسانت توسط متهم بود، متهم با رعایت مقررات و موازین قانونی احضار یا جلب و به‌شکل زیر مورد بازجویی و سؤال قرار می‌گیرد:

- بازجو می‌بایست تاریخ و محل وقوع جرم اخذ پورسانت، مکان، زمان، شب و یا روز بودن آن را سؤال نماید.

- بازجو می‌بایست میزان دقیق مبلغ اخذشده به‌عنوان پورسانت و یا امتیازات مکتسبه از بابت تنظیم و اجرای قرارداد با شرکت داخلی یا خارجی را سؤال نماید.

آقای... (وکیل محکوم‌علیه) طی لایحه‌ای ضمن شرح قضیه و نحوه خرید متهم که متضمن ۷۶۶/۴۵۰ دلار سود و ۴۰٪ ارزان‌تر از قیمت واقعی بوده، اقرار اولیه وی را معلول شرایط بازداشت در سلول انفرادی و وضعیت مزاجی وی به استناد اصل ۳۸ قانون اساسی غیرمستند دانسته به عدم استعلام دادگاه در مورد اخذ پورسانت از شرکت... و استعلام از حفاظت‌اطلاعات اشاره کرده و اعلام سازمان مذکور را به‌علت عدم همکاری جعفر... با شرکت... و اظهارات بعدی جعفر... که شرکت مذکور در تهران نمایندگی ندارد، فاقد وجاهت محسوب دریافت مبلغ مذکور را از جعفر... به‌عنوان قرض دانسته و اعلام داشته باید واسطه‌ها از فروشنده وجهی گرفته باشند تا به متهم بپردازند که شرکت مذکور پرداخت وجه را منکر شده و شرکت مذکور نیز اگر پولی به کورش... و جعفر... داده، به‌عنوان قرض بوده که پرونده در دادگستری مطرح است و شماره چک‌هایی که متهم به جعفر... داده ذکر و فتوکپی آنها را نیز ضمیمه کرده است و بدین‌وسیله تقاضای تجدیدنظر کرده است. پرونده به دفتر دیوان عالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع شده است.

هیئت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای... ممیز و اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای... دادیار دیوان عالی کشور، اجمالاً مبنی بر وارد دانستن اعتراض دادنامه شماره ۲۳۶/۸۰۰ تجدیدنظر خواسته، مشاوریه نموده چنین رأی می‌دهد:

دادگاه اقرار متهم در دادگاه مبنی بر اخذ ۳/۵۰۰/۰۰۰ تومان را با جمع قرائن دیگر مبنای علم خود قرار داده و بزهکاری وی را احراز کرده است. درحالی‌که متهم دریافت این مقدار را به‌عنوان قرض ذکر کرده و دادگاه در واقع اقرار وی را تجزیه کرده است. باتوجه به مدافعات متهم و مدارک ابرازی، رأی دادگاه با مدافعات وی و وکیل مدافع مطابقت ندارد اعتراض را وارد دانسته، دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض و رسیدگی را به شعبه دیگر دادگاه نظامی یک محول می‌نماید.

- بازجو می‌بایست نحوه اخذ پورسانت و یا امتیازات مکاتبه از بابت تنظیم و اجرای قرارداد با شرکت داخلی یا خارجی را سؤال نماید.
- بازجو می‌بایست در خصوص وضعیت و موقعیت جرم اخذ پورسانت و نیز چگونگی و نحوه ارتکاب عمل مجرمانه و اینکه این اعمال مجرمانه با سبق تصمیم بوده یا بدون آن و نیز کلیه کسانی که در واقعه مجرمانه شرکت داشته‌اند و هریک چه نقشی داشته‌اند را از متهم سؤال نماید.
- از متهم سؤال می‌شود انگیزه او از انجام دادن جرم یا عمل مجرمانه‌اش چه بوده؟ این سؤال در تحقق جرم مؤثر نمی‌باشد، بلکه در میزان و نوع مجازات اثر دارد.
- متهمین در صورت متعدد بودن می‌بایست به صورت جدا از یکدیگر و منفرداً مورد بازجویی قرار گیرند و نباید با یکدیگر داخل مواضع و مذاکره شوند. مقصود از مواضع یعنی با یکدیگر متفق شدن و همدست شدن و در صورت نیاز به مواجهه حضوری طبق نظر مقام قضائی، متهمین با یکدیگر مواجهه می‌شوند.
- متهم باید در کمال آزادی و امنیت و بدون داشتن زنجیر پا و دستبند دست و یا وسایل دیگر مورد بازجویی قرار گیرد (مگر در موارد خاص).
- پاسخ‌هایی را که متهم می‌دهد باید همان‌طوری که او پاسخ می‌دهد و بدون تغییر، تبدیل و یا تحریف نوشته شود. متهمین باسواد لازم است خودشان جواب سؤالات را بنویسند.
- انتهای هر پاسخ را باید متهم امضاء نموده و در صورت عدم سواد وی، پاسخ‌ها توسط بازجو نوشته شده و متهم اثر انگشت دست خود را انتهای پاسخ درج نماید.
- سؤالات تلقینی یا اغفال یا اکراه یا اجبار متهم ممنوع می‌باشد، زیرا بازجویی باید به نحوی پیش برود که راه قبول و اعتراف برای متهم آسان شود.
- بازجو نباید متهم را به مسیری که خود می‌خواهد هدایت نماید و او را به موضع مجرمانه‌اش هدایت نماید، بلکه او را باید در پاسخ به اظهارتش آزاد بگذارد.
- در صورتی که متهم از پاسخ دادن امتناع نماید، امتناع وی در صورت مجلس قید می‌گردد.
- بازجو نباید در انجام بازجویی و سؤالات خود کلمات موهن، خلاف اخلاق و ادب و کلمات غیرمرتبط با اتهام متهم را به کار ببرد.

- با وجود اقرار و اعتراف صریح متهم به ارتکاب جرم، بازجویی نباید متوقف گردد و لازم است ادامه یافته تا حقیقت موضوع و چگونگی وقوع جرم، زمان و مکان آن و دیگر جوانب مربوط به موضوع مجرمانه مشخص گردد.

- در صورت متعدد بودن متهمین به گونه‌ای باید سؤال شود که نقش هریک از آنان در جرم اخذ پورسانت مشخص شود که کدامیک مرتکبین اصلی بوده و در ارتکاب جرم مباشرت داشته‌اند و کدامیک شریک و کدامیک معاون جرم بوده‌اند. در تحقق بزه یا موضوع مجرمانه مشخص شود هریک چه نقشی داشته‌اند و میزان و نحوه پورسانت اخذ شده توسط هر یک مشخص گردد.

- اذیت و آزار، شکنجه روحی و جسمی متهم یا متهمین برای اخذ اقرار ممنوع می‌باشد. چنانچه ضابطین قضائی جهت اقرار مرتکب اذیت و آزار بدنی گردند یا در این باب امری بدهند، به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهند شد و در صورتی که متهم به واسطه این اذیت و آزار فوت نماید، مرتکب مجازات قاتل و آمر قتل را خواهد داشت. ماده ۵۷۸ ق.م.ا تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این خصوص مقرر داشته: هر یک از مستخدمین یا مأمورین قضائی یا غیرقضائی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را آزار و اذیت بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد.

- سؤالات بازجو می‌بایست مفید و مؤثر در کشف قضایا بوده و از طرح سؤالات بی‌ربط و نابجا با اصل قضیه خودداری شود.

- بازجو باید مراقبت نماید تا پاسخ‌های متهم مربوط به نوع سؤالاتی باشد که مطرح می‌شود تا متهم نتواند با طرح و درج مطالب بیجا از بیان واقعیت فرار نموده و مسیر اصلی بازجویی را عوض نماید.

- اوراق بازجویی باید به ترتیب زمان تشکیل و اقدام آن شماره‌گذاری گردیده و پیوست پرونده شود.

- در صورتی که نیاز به تغییر پاسخ مربوط به متهم باشد، جملات قبلی وی نباید کاملاً حذف یا محو گردد، بلکه یک خط نازک روی آن کشیده شده و شخص متهم و بازجو ذیل آن را تأیید و امضاء می‌نمایند.

- در پایان بازجو یا قاضی تحقیق نام و نام‌خانوادگی، سمت و تاریخ بازجویی را قید نموده و امضاء می‌نماید.

- در انتها از متهم سؤال می‌شود که اظهارات خود را چگونه گواهی می‌نماید و او پاسخ می‌دهد با امضاء و در صورت عدم سواد انگشت می‌زند. در این مرحله تحقیقات از متهم اگر دلیل جدید دیگری ارائه نشود، تحقیقات از وی به پایان می‌رسد.

دوم: بازجویی توسط مقام قضائی صلاحیت‌دار (بازپرس)^۱

بازجویی توسط مقامات قضائی تابع مقررات ق.آ.د.ک بوده و دارای سیر کامل و جامع‌تری می‌باشد. پس از معرفی متهمین به مراجع قضائی و ارجاع پرونده به بازپرسی، ظرف مدت ۲۴ ساعت بازپرس مکلف به بازجویی و تحقیق از متهم می‌باشد. در این مرحله بازجویی منشأ اثرات مفیدی است. زیرا به تجربه ثابت شده است که در همان مرحله اول برخورد با متهمین به لحاظ اینکه آنان خودشان را در برابر عظمت قانون می‌بینند، روحیه حفظ و پنهان نگه‌داشتن جرمشان شکسته شده و به ناچار به موضوعات اتهامی خود اقرار می‌نمایند که اگر مهلتی بیاوند در زندان یا بازداشتگاه توسط افراد خبره یا حرفه‌ای و یا در بیرون از محیط زندان توسط افراد وارد دیگری راهنمایی می‌شوند؛ به گونه‌ای که با دروغ و صحنه‌سازی‌های متقلبانه و مهیانمودن دیگر پاسخ‌های غیرواقع و از پیش تعیین‌شده بتوانند از جرمشان فرار نمایند.

پس از این مرحله چنانچه برای کشف جرم و رسیدگی به دلایل مجرمانه نیاز باشد، متهم به زندان معرفی می‌گردد و در صورتی که آزادی او لطمه‌ای به دلایل و مدارک جرم نزند و بیم فرار و تبانی متهم نباشد، با صدور قرار تأمین متناسب وی آزاد می‌شود. سپس مقام قضائی مربوطه در صدد جمع‌آوری دلایل و مدارک مربوط با جرم برآمده و با این ابزار بدست‌آمده، متهم را برای بازجویی و تحقیقات مجدد احضار می‌نماید. بعضی از مواقع هم دیده شده است در مراحل اولیه تحقیق به لحاظ وجود اضطراب و ترس از زندان و... متهم پاسخ‌های غیرواقع می‌دهد. اگر مدارک جمع‌آوری شده مطابق با واقع باشد، پرونده در مرحله دادسرا برای اظهارنظر قضائی پیرامون

۱- مطابق مواد ۹۷ و ۹۸ قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحیه ۱۳۹۴/۳/۲۴ بازپرس می‌تواند با همکاری ضابطان دادگستری نسبت به انجام تحقیق اقدام نماید و طبق ماده ۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) - قانون مذکور در صورت کمبود بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیارات بازپرسی است.

تقصیر متهم اعلام‌نظر می‌گردد و قرار جلب به دادرسی صادر می‌گردد. در صورت بی‌تقصیری متهم قرار منع تعقیب صادر می‌شود.

ز) بازجویی و تحقیق از شهود و مطلعین

شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم‌وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضائی است.^۱ به عبارت دیگر شهادت یا گواهی عبارت است از اظهارات شفاهی یا کتبی اشخاص راجع به آنچه دیده یا شنیده‌اند؛ اعم از اینکه اظهارات مزبور از آنها استشهد شده یا اینکه به‌طور غیررسمی به‌عمل آمده باشد. گواهی یا شهادت از معمولی‌ترین طریق اثبات در دعاوی جزایی است. زیرا موضوع اثبات در این قسمت عملیات یا اتفاقاتی است که به‌طریق دیگری غیر از گواهی نمی‌توان موضوع آنها را ثابت کرد. از نظر روانشناسی گواهی مربوطه به قوای مشاهده، حافظه و تخیل انسانی بوده و درجه صحت و صداقت آن بستگی کامل با مدت‌زمان، جنس، سن، گواه، استعداد فکری و تمایلات او دارد و حافظه نیز شامل سه قسمت فراگیری، نگهداری و یادآوری است و این عوامل در افراد مختلف متفاوت می‌باشد.

در موضوع جرم اخذ پورسانت نیز شاهدان معمولاً یکی از مهم‌ترین دلایل در خصوص ارتکاب جرم مذکور هستند؛ چرا که در یک مجموعه بازرگانی چنانچه اتفاقی بیفتد و در یک قرارداد درصدانه‌ای پرداخت شود، همکاران و افرادی که در آن مجموعه هستند و بالاخره کم‌وبیش از وقوع جرم مطلع می‌گردند، می‌توانند در کشف جرم مؤثر باشند. اما با وجود قوانین و مقررات مختلف (من‌جمله ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) به‌دلیل ترس از افشای نام آنان و برخورد توسط مسئولین صنعت و...، از بازگوکردن حقایق خودداری می‌نمایند. البته با توجه به مخاطرات موجود برای شاهدان و به‌منظور حمایت از شهود و گواهان، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در مواد ۲۰۴ الی ۲۱۶ به موضوع احضار و تحقیق از شهود و مطلعان اشاره شده است. قانونگذار برای اولین بار در ماده ۲۱۴ تدابیری را به‌منظور حمایت از شهود و مطلعین اتخاذ نموده است.^۲

۱. ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱

۲. ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به‌منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند:

ح) اعلام اتهام

چنانچه در هنگام بازجویی و تحقیق از متهم دلایل کافی بر تفهیم اتهام وجود نداشته باشد، فقط موضوع شکایت شاکی یا موضوع گزارش به متهم اعلام و یا به عبارت دیگری برای متهم قرائت می‌شود و اظهارات متهم صورتجلسه می‌شود. در این صورت نیازی به اخذ قرار تأمین مناسب از متهم وجود ندارد و متهم آزاد می‌باشد.

ط) تفهیم اتهام

در صورتی که در زمان بازجویی و تحقیق از متهم دلایل کافی بر توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد، در این صورت موضوع اتهام با ذکر دلایل به متهم تفهیم اتهام می‌شود و دفاعیات متهم اخذ و صورتجلسه می‌شود. در این صورت به منظور دسترسی به متهم پس از تفهیم اتهام، قرار تأمین مناسب اخذ می‌شود. در تفهیم اتهام به متهم باید به چند نکته توجه شود:

۱- جهت جلوگیری از اینکه متهم هویت واقعی خود را پنهان نماید، باید هویت متهم با اوراق شناسایی معتبر (شناسنامه، کارت ملی و پاسپورت) احراز شود و مفاد ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اخذ مشخصات، هویت، آدرس متهم و اقامتگاه وی باید رعایت شود.^۱

الف- عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم

ب- عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع

پ- استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور.

تبصره ۱- در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

تبصره ۳- ترتیبات مقرر در این ماده و تبصره (۱) آن در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز اجراء می‌شود.

۱. ماده ۱۹۳: «بازپرس ابتدا اوراق هویت متهم را ملاحظه می‌نماید و سپس مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تابعیت، مذهب، سابقه کیفری در موارد ضروری و مرتبط، همچنین نشانی محل سکونت و محل کار او، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کدپستی منزل، شماره ملی، پیام‌نگار (ایمیل) و شماره تلفن ثابت و همراه او را به‌طور دقیق پرسش می‌کند، به‌نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضائی به متهم به آسانی مقدور باشد.»

۲- درخصوص تفهیم اتهام به متهم، فقط ذکر عنوان اتهام (اخذ پورسانت) کفایت نمی‌کند، بلکه باید موضوع اتهام (عملیات مادی انجام‌شده) و با ذکر دلایل به متهم تفهیم شود.

۳- نمونه تفهیم اتهام: «به تاریخ... در وقت مقرر/فوق‌العاده پرونده کلاسه... تحت‌نظر است. ملاحظه می‌گردد که متهم... در بازپرسی حاضر است. خطاب به متهم؛ هویت، مشخصات و آدرس خود را بیان نمایید. همچنین مفاد ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به شما تفهیم می‌شود. آدرس اعلامی، محل اقامت قانونی شما محسوب می‌شود. در صورت تغییر مراتب را به این مرجع اعلام نمایید. در غیر این صورت، احضاریه‌ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. مواظب اظهارات خود باشید.

جواب متهم: فهمیدم نام اینجانب... نام خانوادگی... نام پدر... شماره شناسنامه... تاریخ تولد... کد ملی... سن... شغل... مجرد/متاهل... اهل... تابعیت... مذهب... و ساکن... دارای سابقه کیفری... خطاب به متهم، باتوجه به گزارش ضابط...، شهادت شهود و... اتهام شما مبنی بر دریافت مبلغ... ریال جهت انجام قرارداد... از شرکت/آقای... به‌عنوان پورسانت به شما تفهیم می‌شود. از خود دفاع نمایید. مواظب خود باشید.

جواب متهم: متهم اظهار داشت... «امضاء و تاریخ

نکته: درخصوص جرم اخذ پورسانت هرچند که گیرنده وجه متهم است، اما شخص پرداخت‌کننده نیز مورد تحقیق و بازجوئی قرار گرفته و اظهارات وی در صورتجلسه قید می‌گردد.

ی) قرارهای تأمین

پس از تفهیم اتهام به متهم و اخذ دفاعیات، چنانچه دفاعیات متهم موجه تشخیص داده شود و دلایل کافی بر اخذ تأمین وجود نداشته باشد، متهم بلاقید آزاد می‌شود. ولی چنانچه دفاعیات متهم موجه تشخیص داده نشود، از متهم باید قرار تأمین اخذ شود. جلوگیری از فرار متهم و تبانی او با سایرین و همچنین تسهیل دسترسی به وی در مواقع ضروری اقتضاء می‌نماید بعضی اوقات قبل از صدور حکم قطعی، آزادی متهم سلب شود و یا محدودیت‌هایی برای وی و یا سایر افراد فراهم شود.

طبق ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به‌منظور دسترسی به متهم و حضور به‌موقع متهم در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا مخفی‌شدن و تضمین حقوق بزه‌دیده

برای جبران ضرر و زیان وی، پس از تفهیم اتهام به متهم و تحقیق لازم، باید قرار تأمین مناسب از متهم اخذ شود.^۱

درخصوص جرم اخذ پورسانت نیز پس از تفهیم اتهام به متهم چنانچه دفاعیات متهم موجه نباشد، طبق مواد ۲۱۷ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، باید از متهم تأمین مناسب اخذ شود.

نمونه قرار تأمین (قرار وثیقه) درخصوص جرم اخذ پورسانت

قرار آزادی متهم... فرزند... به اتهام اخذ پورسانت به مبلغ... در پرونده کلاسه... مقید است به قید معرفی وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول به مبلغ... از حال تا ختم رسیدگی و شروع به اجرای دادنامه صادر و اعلام می‌گردد که درصورت معرفی

۱. ماده ۲۱۷- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، درصورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف- التزام به حضور با قول شرف

ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف

ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام

ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

ح- اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله

خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

تبصره ۱- درصورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و درصورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود. تبصره ۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه قضائی با اجازه قاضی ممکن است. تبصره ۳- در جرائم غیرعمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضائی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

وثیقه و صدور قرار قبولی آزاد، در غیر این صورت بازداشت باشد. قرار صادره پس از صدور به متهم ابلاغ شد؛ اظهار داشت فهمیدم، وثیقه دارم و معرفی می‌نمایم. امضاء و تاریخ متهم مطابق قوانین کیفری سابق، بازداشت موقت شخصی که متهم به اخذ پورسانت بود، امکان‌پذیر بوده اما مطابق قوانین دادرسی جدید (قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸) درخصوص متهمین به ارتکاب جرم اخذ پورسانت، بازپرس می‌بایست از سایر قرارهای تأمین استفاده نماید.

ک) قرار جلب به دادرسی

پس از تفهیم اتهام به متهم و اخذ تأمین مناسب، چنانچه تحقیقات تکمیل باشد و یا پس از تکمیل تحقیقات از متهم، آخرین دفاع اخذ و پس از آن، خاتمه تحقیقات اعلام و قرار جلب به دادرسی صادر می‌شود.

قرار جلب به دادرسی باید به موافقت دادستان برسد و در صورت موافقت کیفرخواست صادر می‌شود. در صورت عدم موافقت، چنانچه قرار جلب به دادرسی توسط دادیار صادر شده باشد، مکلف به متابعت از نظر دادستان می‌باشد. ولی چنانچه توسط بازپرس صادر شده باشد، حق اختلاف با دادستان را دارد که حل اختلاف بین بازپرس و دادستان بر عهده دادگاه جزائی صالح می‌باشد.

نمونه قرار جلب به دادرسی

درخصوص اتهام آقای... فرزند... آزاد به قید وثیقه مبنی بر اخذ پورسانت به مبلغ... باتوجه به گزارش مرجع ضابط، شهادت شهود، اموال مکشوفه از متهم، اقرار متهم و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده در تاریخ... در محل... بزه انتسابی محرز است. لذا مستنداً به ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح قرار جلب به دادرسی نامبرده صادر و اعلام می‌گردد. دفتر محترم پرونده به نظر دادستان محترم برسد. پس از موافقت و صدور کیفرخواست، پرونده از آمار کسر و به دادگاه ارسال شود.

ل) کیفرخواست

کیفرخواست در قانون تعریف نشده ولی در تعریف آن می‌توان گفت تقاضای دادستان از دادگاه کیفری برای صدور حکم به مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی درباره متهم است.

کیفرخواست مترادف ادعانامه و تقاضانامه است و هر سه واژه در یک مفهوم به کار می‌روند (مصدق، ۱۳۹۳: ص ۳۹۸).

پس از صدور قرار جلب به دادرسی درخصوص متهم و موافقت دادستان، درخصوص متهم کیفرخواست صادر و پرونده جهت رسیدگی به اتهام متهم به دادگاه ارسال می‌شود. مطابق ماده ۲۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در کیفرخواست می‌بایست نکات زیر درج گردد:

- مشخصات متهم شامل: نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت، وضعیت تأهل متهم، آزاد یا تحت‌قراربودن وی و در صورت بازداشت قید زمان دقیق و علت آن، نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم، ادله انتساب جرم به متهم.

- مستندات قانونی اتهام، قید سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم خلاصه پرونده شخصیت متهم.

نمونه کیفرخواست

ریاست محترم دادگاه‌های نظامی/عمومی و انقلاب

درخصوص اتهام... فرزند... سن... متأهل، باسواد شغل... اهل... به آدرس... بازداشت و با قرار تأمین... در تاریخ... و دارای سابقه کیفری... متهم به اخذ پورسانت به مبلغ... می‌باشد. باتوجه به گزارش ضابط، شهادت شهود، وجوه و اموال مکشوفه از متهم، اقرار متهم و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده در تاریخ... در محل...، بزهکاری متهم در تاریخ... و در محل... محرز است. به استناد ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، تقاضای مجازات نامبرده را دارم.

امضاء و تاریخ دادستان/دادیار

نکته: صدور کیفرخواست بر عهده دادستان، معاون وی یا جانشین دادستان (دادیار) می‌باشد.

گفتار دوم: رسیدگی در دادگاه

الف) رسیدگی در دادگاه بدوی

پس از صدور کیفرخواست توسط دادسرا و ارسال آن به دادگاه و ارجاع به شعبه، در صورتی که کیفرخواست نقص نداشته باشد، دستور تعیین وقت رسیدگی صادر می‌شود که وقت

رسیدگی به شاکی، متهم و وکلای آنها و دادستان ابلاغ می‌شود و جلسه رسیدگی با حضور دادستان یا نماینده وی، متهم و شاکی و یا وکلای آنها تشکیل می‌شود.

در صورت حضور متهم در جلسه رسیدگی به متهم تفهیم اتهام می‌شود و سپس آخرین دفاع اخذ و پس از اعلام ختم رسیدگی، دادگاه مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادره در خصوص جرم اخذ پورسانت قابل تجدیدنظر می‌باشد که پس از قطعیت اجرا می‌شود.

نمونه صور جلسه رسیدگی در دادگاه

بسمه تعالی. به تاریخ... در وقت مقرر/فوق‌العاده جلسه شعبه... دادگاه نظامی یک تهران به تصدی امضاکننده ذیل تشکیل است. پرونده کلاسه... تحت نظر است. ملاحظه می‌گردد شاکی... در دادگاه حضور دارد. متهم... حاضر است. نماینده دادستان... حضور دارد و تقاضای مجازات متهم وفق کیفرخواست را دارد. خطاب به طرفین (در صورتی که هویت و آدرس طرفین در پرونده موجود باشد)؛ هویت شما در پرونده منعکس است. مفاد ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص اخذ مشخصات، هویت، آدرس متهم و اقامتگاه وی به شما تفهیم می‌شود. آدرس اعلامی اقامت قانونی شما محسوب می‌شود. در صورت تغییر آدرس مراتب را به دادگاه اعلام نمایید. در غیر این صورت احضاریه‌ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. مواظب اظهارات خود باشید. طرفین اظهار داشتند فهمیدیم. در صورت تغییر اقامتگاه مراتب را اعلام خواهیم نمود.

دادگاه خطاب به نماینده دادستان متن کیفرخواست را با ذکر دلایل بیان نمایید: نماینده دادستان متن کیفرخواست صادره را قرائت و دلایل خود را مطرح می‌نماید.

دادگاه خطاب به متهم اظهار می‌دارد: ... اتهام شما حسب کیفرخواست صادره از سوی دادسرا و به استناد گزارش ضابط، شهادت شهود، اخذ وجه به مبلغ... بابت انجام قرارداد... از شرکت...، مبنی بر اخذ پورسانت به شما تفهیم می‌شود. دفاعیات خود را بیان نمایید. متهم اظهار داشت... (متهم یا وکیل مدافع وی اظهارات و دفاعیات خود را بیان می‌نمایند).

دادگاه خطاب به متهم اظهار می‌دارد: به‌عنوان آخرین دفاع، دفاعیات خود را بیان نمایید.

دادگاه در پایان جلسه ختم رسیدگی را اعلام و ظرف یک هفته رأی را صادر و ابلاغ می‌نماید که این رأی غیرقطعی و قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر می‌باشد.

(ب) رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر/دیوان عالی کشور

انسان‌ها در سنوات گذشته شناختی از مفهوم تجدیدنظر از احکام نداشته زیرا تصور می‌کردند قاضی هرگز دچار اشتباه نمی‌شود و حکم ناحق صادر نمی‌کند؛ لذا معتقد بودند حکم دادگاه باید قطعی باشد.

با گذشت زمان، نیاز به تجدیدنظر از احکام احساس شد. زیرا همان‌طور که حقوقدانان آلمانی بیان کرده‌اند، قضات نیز همانند سایر انسان‌ها جایز‌الخطا می‌باشد و ممکن است در صدور حکم مرتکب اشتباه شوند. لذا رسیدگی پژوهشی برای جلوگیری از اشتباهات قضائی لازم و ضروری می‌باشد (آخوندی، ۱۳۷۹: ص ۳۷۹).

در مقررات حقوقی کشور ما قابل تجدیدنظر در مواد ۴۲۶، ۴۲۷ و ۴۲۸ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ ذکر شده که در صلاحیت دادگاه عمومی یا نظامی دو و تجدیدنظر است.

اما باتوجه به تغییر و اصلاح قوانین کیفری، قانونگذار در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۴/۱۲ در مواد ۴۴۸ تا ۴۶۱ کیفیت رسیدگی در دادگاه‌های تجدیدنظر استان را بیان نموده و در مواد ۴۶۲ تا ۴۷۳ کیفیت رسیدگی در دیوان عالی کشور را بیان نموده که به‌جهت رعایت اختصار از بیان مواد مذکور خودداری می‌گردد.

گفتار سوم: ادله اثبات جرم

در نظام حقوقی ایران ادله خاصی برای اثبات جرائم اخذ پورسانت، ارتشاء و تبانی در معاملات دولتی پیش‌بینی نشده است؛ لذا این جرائم مشمول قاعده کلی می‌باشند.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در بخش پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در مواد ۱۶۰ الی ۲۱۳ ادله اثبات در امور کیفری را شامل: «اقرار»، «شهادت»، «قسامه»، «سوگند» و «علم قاضی» دانسته است که در مواد مذکور به تشریح و کاربرد هر یک اشاره نموده است. اما باتوجه به اینکه در مقررات کیفری ایران از نظام دلایل معنوی یا اقناع وجدانی قاضی تبعیت شده است (طاهری‌مجد: صص ۳۲۰-۳۰۳)، هر دلیلی که بتواند دادرس را اقناع کند که متهم یکی از جرائم مذکور را مرتکب شده است، قابل ارائه به دادگاه می‌باشد و حاکم نیز می‌تواند مطابق آن حکم صادر نماید.

البته این جرائم اغلب به وسیله اقرار متهم و گزارش ضابطان دادگستری اثبات می‌شود. به‌عنوان مثال شعبه ۱۷۰۹ دادگاه عمومی تهران در پرونده‌ای که در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۱ رسیدگی نموده است در مورد احراز اتهام اخذ پورسانت توسط مرتکب بیان داشته است: «...که وزارت اطلاعات گزارش داده و متهم اقرار به آن کرده است مجرمیت متهم محرز می‌باشد.»

شعبه ۱۴۱۳ همان دادگاه نیز در رسیدگی به پرونده‌ای در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۶ در مورد بزه اخذ پورسانت دلیل اثبات جرم را همان اقرار متهم و گزارش ضابطان دانسته است. یکی دیگر از راه‌های کشف جرائم، که در اثبات بسیاری از جرائم از آن استفاده می‌شود، شهادت شهود و اعلام مطلعان می‌باشد.

اما باتوجه به اینکه جرائم مذکور فاقد شاکی خصوصی می‌باشند، شهادت شهود و اعلام مطلعان کمتر برای اثبات آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرا از یک سو شاهدان و مطلعان انگیزه کافی برای ارائه اطلاعات خود به مقامات صلاحیت‌دار را ندارند و از طرف دیگر ممکن است با تهدیداتی از سوی مرتکبان این جرائم، بالأخص هنگامی که این جرائم به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند، مواجه شوند.

به‌همین منظور در قوانین بین‌المللی به دولت‌ها توصیه‌شده شرایطی را فراهم نمایند که شاهدان و مطلعان بدون هیچ‌گونه دغدغه‌ای اطلاعات خود را در اختیار مقامات ذیصلاح قرار بدهند.

کنوانسیون مبارزه با فساد ماده ۳۲ خود را به حمایت از شهود به کارشناسان و بزه‌دیدگان اختصاص داده است. در بند ۱ این ماده از دولت‌ها خواسته شده است اقدامات مناسب را به‌منظور حمایت از شهود، کارشناسان، نزدیکان و وابستگان آنها به‌عمل آورند.

بدین‌منظور که از تهدیدات و اقدامات تلافی‌جویانه احتمالی متهمان در امان بمانند. در بند ۲ این ماده از دولت‌ها درخواست شده است در صورتی که ضرورت اقتضاء نماید، شهود، کارشناسان و شرایطی را فراهم نمایند که اظهارات شهود و کارشناسان به‌گونه‌ای بیان شود که امنیت آنها را به خطر نیندازد.

به همین منظور به دولت‌ها پیشنهاد شده است که از تکنولوژی ارتباطی همانند ویدئو و سایر وسایل مناسب استفاده شود. در بند ۴ از دولت‌ها خواسته شده است که مقررات ماده ۳۲ را در

مورد بزه‌دیدگان نیز اعمال نمایند. (در مواد ۲۴ و ۲۵ کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی نیز به حمایت از شهود و قربانیان اختصاص یافته، اما به کارشناسان اشاره نشده است). خوشبختانه مسئولین کشور ما نیز اهمیت موضوع فوق را خوب درک کرده‌اند. از این رو در «برنامه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» از وزارت اطلاعات درخواست شده که لایحه حمایت از شهود و مطلعان را تهیه نماید. این عمل می‌تواند نقش مؤثری در ترغیب مخبران و شهود به ارائه اطلاعات داشته باشد.

علاوه بر این، باید از طریق برنامه‌های فرهنگی و آموزشی مردم را تشویق نمود تا اطلاعات خود را در این زمینه به مقامات ذی‌صلاح اطلاع دهند. ایجاد یک خط مستقیم نیز می‌تواند اقدام مناسبی برای تسهیل افشاء فساد مالی باشد (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱: ص ۲۳۰). زیرا بدین طریق مطلعان به راحتی می‌توانند اطلاعات خود را در این زمینه به مقامات صلاحیت‌دار ارائه نمایند.

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از شهود و مطلعان در قوانین مصوب زیر تدابیری را اتخاذ نموده است:

الف: در ماده ۱۷ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی، اقدامات حمایتی خود را بیان نموده و دولت را مکلف نموده درخصوص عدم افشاء اطلاعات مربوط به شهود و مطلعان، فراهم آوردن موجبات انتقال آنان، جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی نامبردگان و... اقداماتی را انجام دهند.^۱

۱. ماده ۱۷-دولت مکلف است طبق مقررات این قانون نسبت به حمایت قانونی و تأمین امنیت و جبران خسارت اشخاصی که تحت عنوان مخبر یا گزارش‌دهنده، اطلاعات خود را برای پیشگیری، کشف یا اثبات جرم و همچنین شناسایی مرتکب، در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار می‌دهند و به این دلیل در معرض تهدید و اقدامات انتقام‌جویانه قرار می‌گیرند، اقدام نماید. اقدامات حمایتی عبارتند از:

الف- عدم افشاء اطلاعات مربوط به هویت و مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت اشخاص مذکور، مگر در مواردی که قاضی رسیدگی‌کننده به لحاظ ضرورت شرعی یا محاکمه عادلانه و تأمین حق دفاع متهم افشاء هویت آنان را لازم بداند. چگونگی عدم افشاء هویت اشخاص یادشده و همچنین دسترسی اشخاص ذی‌نفع، در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص می‌شود.

ب: در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تدابیری را به منظور حمایت از شهود و مطلعین اتخاذ نموده که در مبحث شهود و مطلعین به آن اشاره گردید و البته این اقدام قانونگذار یکی از مهم‌ترین اقدامات درخصوص کشف جرم و حمایت از شهود محسوب می‌گردد که برای اولین بار در این قانون مورد توجه قرار گرفته و به تصویب رسیده است.

گفتار چهارم: اجرای حکم

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران، بخش پنجم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) که شامل مواد ۴۸۴ تا ۵۵۸ می‌باشد را به اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی اختصاص داده است.

به موجب ماده ۴۸۴ قانون فوق، دادستان عهده‌دار اجرای احکام کیفری است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی انجام وظیفه می‌کنند. معاونت مذکور در اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجرا و مأمور مراقبتی در اختیار دارد و براساس ماده ۴۸۹ وظایف مقرر در قانون را برعهده دارد. همچنین به موجب ماده ۴۹۰ همان قانون آراء کیفری قطعی شده پس از ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

ب- فراهم آوردن موجبات انتقال افراد مذکور با درخواست آنان به محل مناسب دیگر در صورتی که در دستگاه‌های اجرائی موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون شاغل باشند، دستگاه مربوط موظف به انجام این امر است و این انتقال نباید به هیچ وجه موجب تقلیل حقوق، مزایا، گروه شغلی و حقوق مکنتی مستخدم گردد.

ج- جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه واردکننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد. در این صورت دولت جانشین زیان دیده محسوب می‌شود و می‌تواند خسارت پرداخت شده را مطالبه نماید.

د- هرگونه رفتار تبعیض آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن پیش از موعد، تغییر وضعیت، جابجایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایای مخبر، گزارش دهنده و منبعی که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذی صلاح قانونی منعکس می‌نمایند، ممنوع است.

تبصره- اشخاص فوق در صورتی مشمول مقررات این قانون می‌شوند که اطلاعات آنها صحیح و اقدامات آنان مورد تأیید مراجع ذی صلاح باشد.

نحوه اقدامات حمایتی، نوع آن و میزان جبران خسارت آنان، طبق مقرراتی است که توسط وزارت اطلاعات و با همکاری وزارت دادگستری، معاونت‌های برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور تهیه می‌شود و اقدامات قانونی لازم برای تصویب در مجلس شورای اسلامی به عمل می‌آید.

بنابراین اجرای احکام آخرین مرحله رسیدگی و اجرای حکم صادره قطعی درخصوص پرونده قضائی است. لذا هنگامی که درخصوص مرتکب جرم اخذ پورسانت حکم قطعی صادر شده باشد، به منظور اجرای حکم، پرونده به قسمت اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب یا اجرای احکام دادسرای نظامی ارجاع می‌گردد تا نسبت به اجرای حکم اقدام لازم صورت پذیرد.

بخش سوم

عوامل زمینه‌ساز جرم اخذ پورسانت و راهکارهای پیشگیری

فصل اول: عوامل زمینه‌ساز جرم اخذ پورسانت

از جمله معضلات و مشکلاتی که جامعه بشری همواره در طول تاریخ با آن مواجه بوده، مسئله «جرم و آسیب‌های فردی و اجتماعی ناشی از جرم» است. تقریباً هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که در آن جرمی به وقوع نپیوندد. هرچند نوع و میزان جرم و بزه در یک جامعه نسبت به جامعه دیگر متفاوت و متغیر است، اما یک پیامد غیرقابل‌انکار وجود دارد که در همه جوامع، امکان نقض قوانین وجود دارد و کشور ما هم از این موضوع مستثنا نبوده و نخواهد بود. در دهه‌های اخیر خصوصاً پس از پایان جنگ تحمیلی، به علت رشد جمعیت، گسترش مسئله شهرنشینی، هجوم فرهنگ غربی و شبیخون فرهنگی، تجمل‌گرایی و...، میزان وقوع جرم هم در کشور ما افزایش یافته است. در این میان نیروهای نظامی به‌علت درگیر شدن در جنگ تحمیلی، شکل سازمان‌یافته و منسجم نداشته و پس از پایان جنگ نیز، نیاز بیشتری به وجود نیروهای مسلح کارآمد احساس می‌شده که از این‌رو نیروهای مسلح افزایش چشمگیری یافته و به‌تدریج شکل منسجمی به‌خود گرفته است. با گسترش صنایع و واحدهای تولیدی دفاعی، فعالیت‌های دفاعی و نظامی رشد چشمگیرتری پیدا کرد. به‌تبع افزایش تعداد و فعالیت نیروهای مسلح، تخلف و جرم هم رو به فزونی نهاد.

بسیاری از مدیران و نمایندگان دولتی با زمینه‌سازی و تبانی، اقدام به انجام خریدهای عمده از شرکت‌های موردنظر نموده و با اخذ پورسانت، مبالغ کلانی را به جیب زده‌اند و هرگز هم تحت تعقیب قرار نگرفته‌اند. حال آنکه اگر افراد عادی افعال مذکور را انجام می‌دادند، به مجازات سنگینی محکوم می‌شدند.^۱ لذا این جرائم را معمولاً جرائم یقه‌سپیدان می‌نامند. زیرا مجرمین همگی از افراد خوش‌پوش و موجه جامعه می‌باشند. اصطلاح یقه‌سپید^۲ در سال ۱۹۴۱ به وسیله سائرلند^۳ عنوان شد. وی معتقد است: «جرائم یقه‌سپیدان عبارت از جرائم کسانی است که با داشتن مسئولیت شغلی، مرتکب بزه می‌شوند و دارای وضع اجتماعی عالی هستند. آنها در اجتماع خود افراد مشهوری هستند. در مقابل این دسته، یقه آبی‌ها^۴ قرار دارند که در اجتماع از امتیازات کمتری بهره‌مند می‌باشند. یقه‌سپیدان چنان اعمال خود را ماهرانه انجام می‌دهند که کشف و تعقیب آنها غیرممکن است؛ به‌طوری‌که در منابع اطلاعاتی آمار جنائی این‌گونه جرائم مکتوم مانده، در آمار رسمی منعکس نمی‌شود و در اصطلاح رقم سیاه یا مخفی نامیده می‌شود.»

شیوع این جرم در سطح کشورهای در حال توسعه (کشورهای حوزه خلیج فارس خصوصاً کشور ایران) چنان شایع گردیده که آقای لوگال^۵ در مقاله خود تحت‌عنوان "رژیم مالی کمیسیون‌هایی که توسط مؤسسات فرانسوی برای بدست‌آوردن بازار صادرات" چنین می‌نویسد: «تجربه شرکت‌های فرانسوی صادرکننده کالا ثابت کرده است که در بسیاری از کشورها به‌خصوص کشورهای در حال توسعه (حوزه خلیج فارس) هیچ قراردادی منعقد نمی‌شود مگر اینکه مبالغی به‌عنوان کمیسیون، خواه به‌صورت رسمی و خواه به‌صورت مخفی، به جیب کسانی که معمولاً ناشناس باقی می‌مانند واریز شود.» (شریعت‌باقری، ۱۳۸۰: ص ۲۴).

۱. گزارش دادستان نظامی وقت در جمع بازرسان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که در دی‌ماه ۱۳۷۰ در تهران تشکیل شده بود، مؤید این مطلب است.

2. White Collar
3. Suther Land
4. Blue Collar
5. LeGall

گلوگاه‌هایی در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و نیروهای مسلح وجود دارد که به بخش‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مشهور هستند و چون منابع مالی در آنها زیاد است، لذا عملکرد مسئولان و کارشناسان فعال در آنها می‌تواند موجبات ارتکاب جرائم مختلف مالی را فراهم نماید. در این تشکیلات به مأموران خرید و کارمندان متصدی دولت و نیروهای مسلح اختیارات بیش از حدی داده می‌شود که به تبع این امر در آنها قدرت و اختیار ایجاد می‌شود و همین موضوع نزد طرفین تجاری این ذهنیت را تقویت می‌کند که این افراد همه‌کاره هستند و در راستای استیلا یافتن بر اراده آنها می‌بایست آنها را طعمه خود قرار دهند و با پیشنهاد ایجاد تسهیلات یا پرداخت پورسانت، کارگزاران خرید را تشویق به خرید از آنها می‌نمایند.

از آنجا که آسیب‌شناسی جرم اخذ پورسانت در نیروهای مسلح از اهمیت فراوانی برخوردار است، لذا در بخش سوم این کتاب، تأکید عمده نویسنده به بررسی این آسیب در نیروهای مسلح است و تلاش شده است عوامل وقوع این جرم در سطح نیروهای مسلح را مورد بررسی قرار داده و راهکار پیشنهادی ارائه گردد.

آثار و پیامدهای جرم اخذ پورسانت

آثار و پیامدهای جرم اخذ پورسانت گوناگون، بسیار مخرب و در همه ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه تأثیرگذار است؛ لذا توجه به آنها ضرورت برخورد و مبارزه با این جرم را برای همه عدالت‌خواهان و مسئولین روشن می‌نماید. برخی از پیامدهای جرم اخذ پورسانت به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- اخذ پورسانت موجبات فساد و تبعیض را فراهم می‌کند. فساد و تبعیض به حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه آسیب می‌زند. کاهش سرمایه‌گذاری، ناشی از هزینه‌های سنگین و عدم اطمینانی است که فساد مالی ایجاد می‌کند و کاهش نرخ رشد اقتصادی نتیجه مستقیم کاهش سرمایه‌گذاری است.

۲- انحراف و هزرتن مقادیر متنابهی ارز و منابع دولتی از مسیر اصلی و تصرف ناروای آن توسط اشخاص ذی‌نفوذ در معامله (آذری‌متین، ۱۳۷۹-۱۳۷۸: ص ۲۷۵).

۳- عدم رعایت صرفه و صلاح دولت یا نیروهای مسلح در انعقاد قراردادها و خریده‌ها توسط کارشناسان و یا مدیران مربوط.

۴- عدم توجه به کیفیت و کمیت موضوع خریده‌ها و قراردادها.

- ۵- تبانی در خرید به جهت دریافت پورسانت بیشتر.
- ۶- ورود ضرر و زیان به دولت و نیروهای مسلح به جهت تبانی بین مأمورین و فروشندگان^۱
- ۷- باتوجه به ماهیت پورسانت معمولاً مورد معامله با نقایص و عیوب بسیار تحویل می‌گردد.
- ۸- عدم استقلال کارشناسان و مدیران خرید و تدارکات و تبدیل‌شدن آنان به عناصری بی‌تفاوت و بی‌اراده در مقابل شرایط تحمیلی فروشنده.
- ۹- خدشه‌دارشدن عدالت اجتماعی که زمینه ایجاد بدبینی مردم نسبت به نظام و نیروهای مسلح را فراهم می‌آورد.
- ۱۰- جذابیت و اغواگری منافع حاصل از پورسانت زمینه فساد و آلودگی بسیاری از عناصر بانفوذ را فراهم خواهد آورد.
- ۱۱- تشدید وابستگی به خرید از کشورهای خارجی، به لحاظ تمایل به اخذ پورسانت بیشتر.
- ۱۲- گسترش و شیوع واسطه‌گری و دلالتی در خریده‌ها.
- ۱۳- خرید از یک نوع جنس بجای خریده‌های متنوع.
- ۱۴- ایجاد و القاء نیازمندی‌های کاذب به یک جنس یا کالا جهت اخذ پورسانت.
- ۱۵- سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای مغرض و معاند با نظام جمهوری اسلامی ایران، در قالب و پوشش شرکت‌های فروشنده و فروشندگان داخلی یا خارجی طرف قرارداد با نیروهای نظامی و سازمان‌های دولتی، با پرداخت پورسانت، مأموران خرید خصوصاً در نیروهای مسلح را به‌نوعی به استخدام خود درآورده و از آنها به‌عنوان یک عامل جهت اهداف پلیس جاسوسی خود استفاده می‌کنند.
- ۱۶- فساد مالی با تضعیف انگیزه‌ها موجب زیان‌های اجتماعی و یا تضعیف نهادهای موجود، زیان‌های سیاسی و یا توزیع و تخصیص ناعادلانه امکانات و منابع شده و بالاخره زیان‌های اقتصادی را دربر دارد.

۱. از مصادیق ورود ضرر و زیان در قبال اخذ پورسانت می‌توان به پرونده‌ای که در دادسرای نظامی تهران رسیدگی شده‌است، اشاره نمود. در این پرونده درخصوص خرید از شرکت خارجی، پیشنهاد پرداخت پورسانت شده و متعاقباً به دلیل حذف برخی از مکانیسم‌های کنترلی در قرارداد موجب سوءاستفاده شرکت خارجی را فراهم آورد و با جعل اسناد بارنامه و ارائه به بانک محال‌علیه موفق به اخذ مبالغ LC (حدود دو میلیون یورو) گردیده و متواری می‌گردد و صنعت متضرر شده پس از گذشت حدود ده سال، هنوز موفق به بازگرداندن مبلغ مذکور نشده است.

۱۷- اخذ پورسانت مانع از رشد رقابت و موجب خنثی‌شدن تلاش‌ها در جهت کاهش فقر و تبعیض اجتماعی می‌شود. از میزان اثربخشی و مشروعیت دولت‌ها می‌کاهد، هست و نیست جوامع را به خطر می‌اندازد و ارزش‌های دموکراسی و اخلاقیات را مخدوش می‌سازد و از این طریق مانع توسعه سیاسی و اجتماعی می‌شود.

۱۸- باعث افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان پیش‌بینی‌های اقتصادی می‌شود و مانع از توسعه پایدار می‌گردد.^۱

۱۹- منجر به هدررفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده بر روی منابع انسانی، کمرنگ‌شدن فضائل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در جامعه می‌شود.

۲۰- موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده‌طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده‌ای بهتر می‌شود.

۲۱- موجب ازدیاد فقر و فاصله بین فقیر و غنی شده و تلاش‌های فقرزدایی را ناکام می‌سازد.

۲۲- مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و مسیر رشد و توسعه اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد.

۲۳- احکام شایسته‌سالاری را مخدوش می‌سازد.

۲۴- هزینه‌های گزافی را برای مبارزه صرف می‌کند.

۲۵- موجب خنثی‌سازی تلاش دولت و نیروهای مسلح برای تأمین عدالت همه‌جانبه می‌شود.

۲۶- هرکجا پورسانت ریشه بدواند، فساد روزه‌روز بیشتر شده و مقابله با آن دشوار می‌گردد و همه دلایل موجود ضرورت مبارزه همه‌جانبه با پدیده جرم مذکور را نشان می‌دهد.

۲۷- فساد اخذ پورسانت از طریق خدشه واردکردن بر سیاست‌های دولت در مقابله با منافع و اهداف اکثریت باعث اتلاف منابع ملی می‌شود. روی آوردن درآمدهای ناشی از پورسانت به سمت مصرف کالاهای وارداتی بر بازار مبادله‌های ارزی به ضرر پول داخلی فشار می‌آورد؛ در نتیجه بر توسعه اقتصادی کشور اثر نامطلوب می‌گذارد.

۱. یعنی اخذ پورسانت امکان چانه‌زنی و خرید کالا با قیمت واقعی را به صفر می‌رساند و غالباً اقلام و کالاها با قیمت‌های گزاف و بیشتر از قیمت واقعی به دولت یا نیروهای مسلح فروخته می‌شود.

۲۸- پرداخت پورسانت از طرف فروشندگان قبل از آنکه به نفع خریدار (شخص حقوقی) باشد، بیشتر به نفع فروشندگان خواهد بود. زیرا ماهیت پنهان پورسانت، مستلزم چشم‌پوشی نمایندگان طرف حقوقی از بسیاری نواقص خواهد بود.

۲۹- مطابق بررسی‌های انجام‌شده مشخص گردیده در خریدهای عمده نیروهای مسلح بخشی از کالاهای خریداری‌شده از کیفیت لازم برخوردار نبوده یا قابل بهره‌برداری نبوده و بیش از اینکه سودی را به‌عنوان پورسانت نصیب خریداران کرده باشد، سرمایه‌های بزرگی را به جیب بیگانگان سرازیر کرده است.

۳۰- جابجایی ضدارزش‌ها و ناهنجاری‌ها بجای ارزش‌ها و هنجارها در جامعه باعث از بین رفتن زشتی آن عمل و عادی تلقی‌شدن آن در سطح جامعه می‌گردد و افرادی که درگیر جرم پورسانت می‌باشند درنهایت ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را زیرپا گذاشته و زمینه آلوده‌شدن دیگر افراد جامعه را فراهم می‌نمایند. عادی‌شدن موضوع باعث گردیده تا زمینه بروز آن نیز فراهم گردد و هر فرد سودجویی در شرایط خاص خود مرتکب این جرم (اخذ پورسانت) گردد.

۳۱- فساد در نیروهای مسلح نوعی تهدید امنیتی و دفاعی نیز تلقی می‌گردد؛ چرا که اگر یک اختلاس در یک بانک صورت گیرد، صرفاً ممکن است بانک ضررهای مالی ناشی از این اقدام را تحمل نماید. لیکن چنانچه در مجموعه‌های نیروهای مسلح اختلاسی صورت گیرد، باتوجه به اینکه این اختلاس می‌تواند در تأمین منابع مالی جهت انجام پروژه‌های حساس دفاعی تأثیرگذار باشد و در نتیجه به این علت کشور مواجه با یک تهدید در تأمین اقلام و تجهیزات دفاعی گردد، مسلم است که این اقدامات جنبه امنیتی و حیاتی پیدا می‌کند.

درخصوص اخذ پورسانت چنانچه در پرونده‌های متعدد طی سال‌های گذشته شاهد بودیم، به‌دلیل اینکه کشور ما با تحریم مواجه بوده، لذا سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای متخاصم آمریکا و اسرائیل با شناسایی نیازمندی‌های خریدی نیروهای مسلح بر سر راه تأمین این اقلام توسط شرکت‌هایی که قبلاً شناسایی شده‌اند قرار گرفته و ضمن سوق‌دادن خریدهای مذکور به سمت شرکت‌های خارجی موردنظر، اقدام به ارسال و تحویل کالاهای معیوب و مستعمل و بعضاً هدف‌گذاری‌شده نموده‌اند. از طرف دیگر با پرداخت پورسانت‌های کلان، عوامل خرید صنایع را عامل و جاسوس خود نموده و از این طریق به اهداف شوم خود مبنی بر جمع‌آوری

اطلاعات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و خرابکاری درخصوص تأمین اقلام موردنیاز نائل می‌گردند.

بنابراین در این فصل تلاش شده با استفاده از پرونده‌ها، منابع و جزوات موجود (اداره کل پیشگیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح، ۱۳۹۳: ص ۲۱)، تجربیات و نظریات کارشناسان سیستم‌های نظارتی مرتبط با خریدهای نیروهای مسلح و نظریات قضات محترم رسیدگی‌کننده به پرونده‌های جرائم اقتصادی، علل و زمینه‌هایی که سبب ارتکاب جرم اخذ پورسانت و در نتیجه ایجاد فساد و انحراف می‌شود را مورد بررسی کارشناسی قرار داده و آفات و انحرافات موجود را بیان و نتیجه دقیق از آن ارائه گردد تا با مشخص شدن علل و زمینه‌های ارتکاب جرم، مسئولین مربوطه با اطلاع از این آسیب‌ها نسبت به اصلاح ساختارها و روش‌ها بپردازند تا در مسیر تعالی و تکامل کشور عزیزمان با محیطی سالم و به دور از هرگونه آفت‌زدگی خصوصاً در نیروهای مسلح امکان بروز انحرافات و زمینه‌های ارتکاب جرم اخذ پورسانت به حداقل برسد.

بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل بر یک جرم امکان‌پذیر نیست مگر با شناخت و دسته‌بندی هرکدام از عوامل و تعیین میزان تأثیرگذاری آنها بر جرم موردنظر. لذا در این بخش بررسی عوامل تأثیرگذار بر جرم اخذ پورسانت براساس عوامل شخصی و فردی، معیشتی و اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی، محیطی و شغلی، ساختاری و سازمانی، اجتماعی و خانوادگی دسته‌بندی گردیده که به شرح زیر بیان می‌گردد.

مبحث اول: انگیزه‌های شخصی و روانی

انگیزه در لغت به معنای سبب، باعث، علت و آنچه که کسی را به کاری برانگیزد تعریف شده است (عمید، ۱۳۸۶: ص ۳۷) و در اصطلاح به نفع یا امتیازی که فاعل جرم را ترغیب به ارتکاب جرم می‌کند، انگیزه گویند (شامبیاتی، ۱۳۷۸: ص ۴۰۸).

اصطلاحات قصد و انگیزه در حقوق جزا شبیه مفاهیم علت و جهت در حقوق مدنی می‌باشند. همان‌طور که از «جهت» به امری تعبیر شده که معامله‌کننده برای رسیدن به آن معامله را انجام می‌دهد (همان: ص ۴۰۹)، در حقوق جزا نیز به کوشش درونی و میل پنهانی فرد که

انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می‌کند، انگیزه گویند. در حقوق کیفری از انگیزه به «سبب»، «علت» و «داعی» نیز تعبیر شده است (اردبیلی، ۱۳۸۴: ص ۲۴۰).

وجود انگیزه و سوءنیت در اکثر جرائم ضروری است و بدون آن مرتکب قابل تعقیب نمی‌باشد (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ص ۶۱). از طرف دیگر در قوانین ایران صرف وجود انگیزه در صورتی که جرم واقع نشود، قابل تعقیب نیست. لذا انگیزه بدون افعال مجرمانه هیچ تأثیری در تحقق جرم ندارد. همچنین در اغلب جرائم، مجازات‌ها به صورت حداقلی و حداکثری تعریف شده‌اند و انگیزه ارتکاب جرم ممکن است در شدت یا ضعف مجازات و نهایتاً در حکم قاضی تأثیر بگذارد.

بر فرض مثال در مورد شخص کارمندی که به طمع اخذ وجه یا مال یا امتیازی، تصمیم می‌گیرد با شرکتی ارتباط برقرار نموده و یا اطلاعات مناقصه را در اختیار شرکت مذکور قرار دهد (سوءنیت)، نتیجه مستقیم و بلافاصله عمل و اخذ مال، انگیزه کارمند یا نظامی در ارتباط با شرکت موردنظر می‌باشد. همچنین در اینجا قصد ارائه اطلاعات به شرکت برای برنده شدن و اخذ مال (سوءنیت)، از عناصر تشکیل‌دهنده جرم اخذ پورسانت بوده و با تحقق آن مرتکب به علت ارتکاب جرم اخذ پورسانت به مجازات مقرر محکوم می‌شود.

قطعاً انگیزه‌های روانی یکی از دلایل مهم شکل‌گیری و ارتکاب یک جرم خصوصاً جرم اخذ پورسانت است و زمینه‌های اجتماعی نیز یکی از پتانسیل‌های قوی در این راستا ارزیابی می‌گردد. چنان‌که در معامله ساده‌ای که در زمان‌های گذشته جهت برطرف کردن نیازمندی‌ها صورت می‌گرفته نیز این موضوع مشاهده می‌گردید. در این معامله ساده که یکی فروشنده و دیگری خریدار بوده نیز بعضاً مشکلاتی بوده و انحرافات وجود داشته مانند: کم‌فروشی، غش در معامله، فاسدبودن کالا، هم‌سنگ‌نبودن کالا، وعده فروختن کالا و عدم تحویل به‌موقع آن، خیانت در امانت و... و این موارد موجب انحراف معامله ساده از مسیر درست می‌شده که انگیزه آن نیز شخصی و به‌منظور دریافت سود بیشتر و مال‌اندوزی بوده است. این موضوع موجب گردید مسئولین دولت‌ها به‌عنوان ضمانت اجرایی، سیستم‌های نظارتی، بازرسی و کنترلی را ایجاد نمایند تا ضمن برخورد، از بروز تخلفات مذکور جلوگیری نمایند.

اما طی سال‌های اخیر با رشد و توسعه و افزایش جمعیت، تغییر و تنوع نیازها در عرضه و تقاضا، وجود پول، ارز، اعتبارات بانکی و تجاری در مبادلات، وجود اشکال مختلف تجارت، پدیدآمدن سبک‌ها، روش‌ها، مکاتب و عقاید مختلف در مالکیت خصوصی و دولتی،

دگرگونی‌های فراوان در زندگی روزمره مردم، دولتی‌شدن امور صنعتی و تجاری در ایران و به‌کارگیری عوامل و عناصر دولتی و حقوق‌بگیر در فعالیت‌های اقتصادی و مالی جهت تأمین نیازمندی‌ها از داخل و خارج در بخش‌های نظامی و غیرنظامی روند اقتصاد و معاملات تجاری و نظامی به‌گونه‌ای کاملاً متفاوت و پیچیده مبدل شد و موجب گردید که عنصر انسانی به‌عنوان نقش خریدار و مأمور خرید در این چرخه قرار گیرد (عنصر انسانی اشاره‌شده شامل کارمند، کارشناس، مأمور خرید، مباشر خرید، کارگزار، مدیر پروژه و... می‌باشد که حقوق‌بگیر دولت یا نیروهای مسلح می‌باشد).

این عنصر به‌واسطه اختیارات و اعتمادی که دولت و نیروهای مسلح به وی دارند، سبب شکل‌گیری انحرافات مالی و اقتصادی گردید که پایه و اساس ده‌ها آفت و انحراف در معاملات کوچک و بزرگ دولتی و نظامی شد. مسلماً پایین‌بودن حقوق پرداختی به این عناصر، موجبات انحراف و کشاندن این عناصر انسانی به‌سمت تخلف مالی و اقتصادی بسیار گسترده و پیچیده را فراهم کرده، اما انگیزه‌های دیگری نیز وجود داشته و دارد. فقر و نیازمندی، کسری درآمد و جبران کمبودها، چشم و هم‌چشمی‌ها، وسوسه‌های خانواده و اطرافیان، زیاده‌خواهی و مال‌اندوزی، انحرافات اخلاقی و سست‌عنصری شخصیتی، فقدان صداقت کاری و عدم اعتقاد به حقوق بیت‌المال، مشکلات خانوادگی و روانی و یا انگیزه جاسوسی به نفع اجانب به‌منظور تحصیل منفعت و اخذ مجوز اقامت کشورهای خارجی نیز جزو انگیزه‌های همکاری با شرکت‌های طرف معامله بوده است.

در هر صورت با فرهنگ‌سازی و ارتقاء ابعاد معنوی و اخلاقی و روشن‌کردن روح صداقت و ایمان در کارمندان و مأمورین خرید و تأمین مالی و اقتصادی آنان، تا حد زیادی می‌توان از ارتکاب جرم جلوگیری نمود و با برنامه‌ریزی و کنترل و به‌کارگیری روش‌های نوین خرید، راه انحراف را تا حد زیاد مسدود نمود.

مبحث دوم: عوامل اقتصادی، معیشتی و رفاهی

در شرایط کنونی جامعه، سوءاستفاده از موقعیت، اگرچه تحت‌عنوان یک ناهنجاری اجتماعی تلقی می‌شود، اما در اصل ریشه در تنش‌ها و بحران‌های اقتصادی دارد که ممکن است منجر به افساد فی‌الارض گردد و اگر قرار باشد در مقابله با این پدیده توفیقی حاصل شود، باید

برخوردهای وسیع و منسجمی صورت گیرد. یکی از دلایل اساسی بروز انحراف و جرم اخذ پورسانت در سیستم‌های دولتی و نظامی، کمبود دستمزدها و درآمدها در قبال هزینه‌ها و مصارف زندگی است که مدام قیمت‌ها در حال افزایش است. بروز تنگنایهای اقتصادی و برهم خوردن نسبت معقول بین درآمد و نیاز، موقعیت را برای سوءاستفاده مالی فراهم می‌کند. وجود تبعیض در برخورداری از ثروت‌های عمومی و شکاف‌های فاحش طبقاتی و امثال آن قطعاً موجب می‌شود که شخص کارگزار دولت یا نیروهای مسلح گرفتار نوعی از حرمان و درد «احساس حقارت» شود.

نیازمندی، کمبود و حتی فقر اگر عادلانه باشد هرگز تنش، حقارت و ناهنجاری ایجاد نمی‌کند. اما تبعیض در توزیع امکانات، مزایا و ثروت ملی و حتی مناسب اجتماعی مضر و ویران‌کننده است. به همین خاطر است که همیشه این تفکر در جوامع مختلف مطرح است که باید حداقل زندگی، امکانات رفاهی و مالی را برای کارگزاران فراهم کرد.

از عمده مواردی که می‌تواند منجر به سوءاستفاده شود خرید کالای موردنیاز کشور یا نیروهای مسلح در داخل و خارج است. مأموران و کارگزاران این‌گونه خریدها موظف هستند کالای موردنیاز را به ارزان‌ترین قیمت خریداری نمایند. لیکن موارد بسیاری بوده که منافع جامعه وجه‌المصالحه قرار گرفته تا سودی نصیب کارگزاران شود. کارگزار یا کارمند دولت یا نیروهای مسلح که تام‌الاختیار هستند شامل یک مأمور خرید ساده بوده تا نمایندگان و گروه‌های بزرگ و هیئت‌های کارشناسی که جهت عقد قراردادهای بزرگ با دولت‌ها و شرکت‌های خارجی، هرکدام قیمتی دارند و هزینه‌ای که پرداخت می‌شود، زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند. خرید اجناس و مواد بسیار نامرغوب و در انبار مانده و امثال آن و فروش آن در چرخه توزیع یارانه‌ای و سپس اعلام اینکه اجناس قابل‌استفاده نیست، یک مورد مشخص است.

یک راه محدود کردن این‌گونه نابسامانی‌ها و انحرافات اقدام حقوقی و قضائی است تا برخورد جدی با مرتکبین، اسباب عبرتی برای دیگران باشد. بررسی‌های تاریخی نشان داده در هر دوره‌ای که مردم از نظر اقتصادی در رفاه بیشتری بوده‌اند، میزان تخلفات مالی و سوءاستفاده‌ها کاهش چشمگیری داشته و نیز هرگاه وضعیت مالی مردم بدتر بوده است، میزان تخلفات و سوءاستفاده‌های مالی از موقعیت‌ها، امتیازها و حتی انحصارها افزایش یافته است. همچنین نقش دولت در ارتکاب این جرم بی‌تأثیر نیست؛ چرا که در کشورهای پیشرفته نقش دولت به

سیاست‌گذاری‌های کلان محدود شده اما در کشورهای در حال توسعه (من جمله ایران) دولت با تمام ابعاد زندگی مردم نه تنها به عنوان کارفرما، بلکه به عنوان تنظیم‌کننده امور و تولیدکننده و توزیع‌کننده بزرگ ارتباط دارد و به دلایل فقدان بخش خصوصی دامنه فعالیت‌های دولتی در این کشورها روز به روز افزایش می‌یابد. این امر به علاوه محدودیت‌هایی که از جانب دولت در زمینه‌های مختلف برای تنظیم امور اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد می‌شود، زمینه‌ساز فساد مالی و ارتشاء (اخذ پورسانت) است (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: ص ۲۸).

امور رفاهی و معیشتی یکی از مهم‌ترین عوامل ارتکاب جرم اخذ پورسانت تلقی می‌گردد و بررسی دقیق این عوامل می‌تواند زمینه‌ساز رفع مشکلات و به تبع آن برچیده شدن ارتکاب جرائم خصوصاً جرم اخذ پورسانت باشد. عوامل مؤثر مادی و رفاهی که می‌تواند بر وقوع جرم اخذ پورسانت مؤثر باشد به شرح زیر دسته‌بندی گردیده و اجمالاً بیان می‌گردد:

۱- تجمل‌گرایی و اسراف (زیاده‌خواهی و طمع‌ورزی)

تجمل‌گرایی و اسراف دو صفت بسیار زشت و هلاک‌کننده است که در دین اسلام نیز جهت پرهیز از آن بسیار سفارش شده است. این دو صفت زمینه‌ساز بسیاری از گناهان، تخلفات و جرائم است. به جرئت می‌توان ادعا نمود که اکثر مفاصد اقتصادی ریشه در این دو موضوع دارد. هر جامعه‌ای که گرفتار این صفات گردد چه جامعه دینی و چه غیردینی، محکوم به فنا و نابودی است. دانشمند ارزشمند ابن‌خلدون در حرکت دورانی تاریخ، زوال و نابودی جوامع را در مواردی از جمله اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی بیان نموده است. کارکنانی که درگیر این دو صفت رذیله می‌گردند، محیط خدمتی خود را به ورطه فساد خواهند کشید.

۲- عدم تعادل دخل و خرج

از جمله عواملی که در ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد، فقر و تنگدستی است. در آموزه‌های دینی نیز از فقر به عنوان مرگ بزرگی که دنیا و آخرت انسان را نابود می‌کند یاد شده است. لذا کارشناسان علوم اجتماعی عدم تعادل دخل و خرج کارگران، کارمندان و مدیران را به عنوان عامل مؤثر در شیوع رشوه‌خواری و اخذ پورسانت معرفی می‌کنند.

۱- احساس وجود تبعیض و نابرابری در پرداخت‌ها بعضاً سبب توجیه دریافت پورسانت می‌گردد.

۲- عدم شفافیت روابط شخصی و اقتصادی کارکنان

۳- وجود افراد سست‌عقیده که در قسمت‌های مالی و بازرگانی در سطح نیروها مشغول به کار هستند.

۴- وجود تبعیض در برخوردها و بی‌عدالتی‌ها در نحوه پرداخت‌ها مثل پرداخت‌های حقوق و مزایا و پرداخت اضافه‌کاری‌ها و... به کارکنان ذی‌ربط

۵- وجود توقعات کاذب و عدم قناعت بین برخی از متصدیان مالی

۶- ارتباط برخی از کارکنان با افراد سودجو و تجمل‌گرا

۷- نداشتن روحیه قناعت و مناعت طبع برخی از کارکنان

۸- وجود فشار و تحریک غیرمستقیم افراد بیرون از سازمان به برخی از کارکنان سست‌عنصر

۹- تقدم‌داشتن منافع شخصی بر منافع سازمانی

۱۰- ناتوانی برخی از افسران خرید و به تناسب آن دخالت افراد غیرمسئول که با هدف تبانی وارد می‌شوند.

۱۱- آسیب‌پذیری برخی از نیروها به دلیل قرارگرفتن در شرایط خاص

۱۲- وجود تهدیدات همراه با تطمیع‌های مکرر مباحثین خرید از سوی فروشندگان و شرکت‌های طرف معامله

۱۳- بالا بودن هزینه مسکن و کمبود شدید منازل سازمانی که نهایتاً منجر به اخذ پورسانت توسط برخی از کارکنان خواهد شد.

۱۴- مسائل و مشکلات اقتصادی کارکنان و بی‌توجهی به وضع زندگی کارکنان و نیز بیم افزایش تورم و عدم اطمینان به آینده شغلی

مبحث سوم: عوامل فرهنگی و اعتقادی

عوامل فرهنگی و اعتقادی به باورها و ارزش‌های فرد مربوط می‌شود و زیربنای رفتار انسانی در این بُعد (عقیده و باور) است که کنش اجتماعی افراد را شکل می‌دهد، این بُعد از رفتار جمعی افراد تحت تأثیر نظام فرهنگی و اعتقادی جامعه است.

افراد با آگاهی کامل از عواقب ناشی از این عمل، مبادرت به دریافت پورسانت می‌نمایند، اما چون به دنبال کسب منافع بیشتر می‌باشند، به باورها و ارزش‌هایی که معتقدند اهمیتی قائل نمی‌شوند و ارزش‌ها و باورهای خود را زیرپا می‌گذارند.

علل فرهنگی و اعتقادی مؤثر بر وقوع جرم اخذ پورسانت عبارتند از:

۱- عدم حرص نسبت به دنیا و کسب معنویت، اخلاق و ایمان اساس ارزش‌ها و فضایل انسانی به حساب می‌آیند و باعث فداکاری، عفت و پاک‌دامنی انسان می‌شوند و سبب چشم‌پوشی و بی‌اعتنایی به برخی لذایذ مادی، به خصوص اعمال نامشروع و خلاف قانون می‌گردند. در طرف مقابل، فقدان ایمان، دوری از معنویت و بی‌توجهی به توحید و معاد اساس هر جرم و جنایت از جمله ضایع نمودن حقوق دیگران را تشکیل می‌دهند. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «برای آنها به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت و برای خداوند صفات اعلائی است و او قدرتمند و حکیم است». پورسانت‌خواری یکی از مصادیق برجسته صفات زشت و ناپسند می‌باشد.

۲- غریزه‌ای بنام منفعت‌طلبی در انسان وجود دارد که در این منفعت‌طلبی باید ضوابط عقلی، شرعی و اصول انسانی رعایت شود و هرگاه که کارگزار دولت بخواهد این غریزه را خارج از اصول انسانی و ضوابط عقلی و شرعی ارضاء کند، منفعت‌طلبی جنبه غیرشرعی و رذالت پیدا می‌کند. خروج غریزه منفعت‌طلبی از اصول انسانی به علت ضعف ایمان است. تمایل شخص کارگزار به اخذ پورسانت ناشی از انحراف او از اصول و مبانی شرعی و اخلاقی است که این انحراف نیز به خاطر ضعف ایمان و اعتقاد است. درخصوص این بحث می‌توان چنین نتیجه گرفت که: دلیل اصلی و ریشه ارتکاب جرم اخذ پورسانت در درجه اول ضعف ایمان در شخص کارمند یا کارگزار است و در مرحله دوم غریزه منفعت‌طلبی که در ایشان وجود دارد، است.

۳- تمرکز سیاست و فعالیت دستگاه‌های اجرائی و نظامی به منظور تقویت ایمان، اعتقاد کارگزاران و نظامیان و تزکیه نفس آنها یک اقدام اساسی است که موجب نابودی یا به حداقل رساندن جرم اخذ پورسانت می‌شود؛ هرچند مجازات جدی افراد مجرم و یا برکناری آنها از مسئولیت‌های مالی یک اثر وضعی دارد که موجب عبرت دیگران می‌شود. لذا ضعف اراده و ایمان یک مشکل اساسی است که با بی‌توجهی دستگاه‌های مسئول و تقویت آن از سوی شیاطین، لذت ارتکاب گناه حرام‌خواری نزد افراد چنان جذاب و شیرین است که مرتکب یا مرتکبین با توجیهات مختلف سعی می‌نمایند به خود القاء کنند که اخذ این پورسانت چون با رضایت پرداخت‌کننده بوده و یا اقدامی توسط آنان برای فروشنده صورت گرفته که اخذ این مال اجرت‌المثل انجام آن اقدام است و حلال و خارج از شبهه تلقی نمایند. اینجاست که حضور دستگاه‌های مسئول (عقیدتی سیاسی و...) و توجه جدی به تقویت ابعاد معنوی، اعتقادی،

روحي و رواني کارگزاران، کارمندان و نظامیانی که در مشاغل مالی و قراردادهای هستند یک ضرورت انکارناپذیر محسوب می‌گردد.

۴- عدم اجرای صحیح فریضه امر به معروف و نهی از منکر: یکی دیگر از عوامل زوال هر جامعه‌ای فراموشی فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه الهی به عنوان یک سیستم کنترلی عمل می‌کند که به گونه‌ای همه آحاد مردم مراقب اعمال خود و دیگران خصوصاً مسئولان باشند. فراموشی یا عدم اجرای صحیح این فریضه تبعات بسیار منفی برای جامعه خواهد داشت. به جرئت می‌توان گفت که بسیاری از مفاسد اجتماعی و اقتصادی که جامعه ما با آن دست‌به‌گریبان است و مشکلات عدیده‌ای نیز به وجود آورده است، نشأت گرفته از عدم اجرای صحیح این فریضه الهی است. مسئولیت نهادهای فرهنگی و عقیدتی در اشاعه صحیح این فریضه بسیار حساس است که متأسفانه وجود ضعف‌های اساسی در این قسمت زمینه را برای ارتکاب جرائم از جمله پورسانت فراهم می‌آورد.

۵- رفتار هر شخص نشانگر شخصیت او بوده و شکل‌گیری شخصیت هر فرد در گرو اجتماعی زندگی کردن او می‌باشد و افرادی که مرتکب این جرم می‌شوند، اگرچه در ظاهر خود را معتقد و متمهّد به انجام ارزش‌ها و هنجارهای جامعه می‌دانند، ولی در عمل رفتاری غیرارزشی و مطابق شخصیت خود بروز می‌دهند.

۶- عدم آگاهی کارکنان به حقوق حقه و قانونی خود

۷- از بین رفتن قبح اخذ پورسانت

۸- عدم آگاه‌سازی فرهنگی در زمینه تبعات اخذ پورسانت

۹- عدم ترویج صحیح فرهنگ مصرف و قناعت

۱۰- فراگیرشدن اخذ پورسانت در سطح جامعه

مبحث چهارم: عوامل محیطی و شغلی

در مقدمه این مبحث باید به این نکته اشاره شود که شغل به عنوان زمینه‌ساز موضوع بزهکاری به دو صورت قابل بررسی است: ۱- بعضی مشاغل فی‌نفسه ممنوع هستند ۲- بعضی مشاغل جرم‌زا هستند. مشاغل ممنوعه مانند ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ است و در خصوص ولگردی و کلاشی است که فی‌نفسه ممنوع است. همچنین مشاغلی

مانند خرید و فروش مواد مخدر و یا مشروبات الکلی یا ساخت و ساز مواد تقلبی و... اما بعضی وقت‌ها شغل مباح است ولی منشاء جرم می‌شود مانند مشاغل وکالت، پزشکی، قضاوت و... که به آن جرائم شغلی می‌گویند. پس جرائم شغلی به فعالیت‌های غیرقانونی گفته می‌شود که صاحبان منصب و مقام با سوءاستفاده از موقعیت شغلی خود مرتکب یکی از عناوین مجرمانه می‌شوند مثل اخذ پورسانت، اختلاس، رشوه و...، لذا با این توصیف جرم اخذ پورسانت نیز براساس موقعیت شغلی بروز می‌کند و مرتکب آن نیز لزوماً باید کارمند یا مستخدم دولت یا نیروهای مسلح باشد. درواقع بین شغل و بروز بزه پورسانت رابطه معنادار وجود دارد.

با بررسی‌های انجام‌شده در سوابق موجود، مشخص گردیده احتمال دریافت پورسانت توسط کارکنانی که در معاونت بازرگانی کار می‌کنند بیشتر است؛ چرا که در مشاغل دیگر مانند اداری، پشتیبانی و... به علت عدم ارتباط با مباحث خرید و عدم ارتباط با فروشندگان معمولاً کارکنان بخش‌های مذکور در معرض ارتکاب این جرم نیستند. براساس مطالعات انجام‌شده و بررسی پرونده‌های مربوط، مشاغل و کارکنانی که در معرض بیشترین تهدیدات اخذ پورسانت قرار دارند عبارتند از:

- ۱- کارکنان ذی‌حسابی
- ۲- مدیران، کارشناسان و کارکنان شاغل در معاونت‌های مالی و بازرگانی (داخلی و خارجی)
- ۳- اعضای کمیسیون معاملات
- ۴- کارشناسان و مدیران پشتیبانی
- ۵- مأموران، رابطین، ناظرین و مباشرین خرید
- ۶- تنخواه‌گردان‌ها
- ۷- مسئولین و متصدیان انجام پروژه‌ها در صنایع دولتی و نظامی
- ۸- کارشناسان و مدیران مؤثر در امور پروژه‌ها، قراردادهای، مناقصه‌ها، مزایده‌ها خریدها و فروش‌ها
- ۹- مسئولین دفاتر مدیران
- ۱۰- کارکنانی که دوستان، بستگان و آشنایان آنها در شرکت‌هایی که در زمینه‌های موردنظر با صنعت فعالیت می‌کنند.

۱۱- کارکنانی که به دلیل دارا بودن سابقه کاری، تجربه، درجه و... نظرات و پیشنهادهای آنها در امور مالی و بازرگانی مؤثر واقع شود.

در ارتباط با شغل و بزهکاری دو دسته عوامل وجود دارد:

الف- عوامل مشترک و عمومی ب- عوامل اختصاصی

الف) عوامل مشترک و عمومی

۱- وجود زمینه‌های مناسب برای ارتکاب جرم برای هر شغل به فراخور خصوصیات آن شغل بستگی دارد. یعنی هر شغلی زمینه‌های مناسب خود را دارد (وکالت، قضاوت، رانندگی و...). هر شغل بدون استثناء حتی روحانیت فی‌نفسه و استادی، مهندسی، رفتگری و... زمینه‌ساز بسیاری از مسائل است. هر شغل به فراخور آن زمینه‌ساز بسیاری از جرائم است. لذا در بحث حاضر مشاغلی مانند کارگزار، مأمور خرید، مدیر تدارکات، مسئول تأمین اقلام و تجهیزات، معاون بازرگانی و... نیز می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرائمی مثل اختلاس، اخذ پورسانت و رشوه و... باشد (مثلاً در پرونده‌ای شاهد بودیم که به علت تغییر ساختاری و عدم توجه مسئولین مالی صنعت، مبالغ هنگفتی در یکی از حساب‌ها وجود داشته که مسئولین جدید اطلاعی از آن نداشته‌اند و همین موجب گردیده که مسئولین قبلی با سوءاستفاده و جعل بتوانند مبالغ مذکور را اختلاس و به نفع خود برداشت نمایند.

۲- نارضایتی شغلی (شغلی که انتخاب شده جوابگوی انتظارات فرد نیست و احساس مطلوبی نسبت به شغل ندارد. لذا به دلیل بی‌ رغبتی و نارضایتی مرتکب انواع جرائم در این شغل می‌شود).

۳- وسوسه‌انگیز بودن نفس مشاغل خریدی و بازرگانی

۴- عدم تربیت مناسب یا پرورش و تربیت نامناسب شخص

۵- نداشتن باورهای دینی و اعتقادات راسخ مذهبی

۶- وجود استعداد ارتکاب بزه به هر دلیلی خواه ناشی از تمایلات فردی و خواه ناشی از عامل خانوادگی باشد، به هر دلیل شخص استعداد ارتکاب جرم را دارد.

۷- نیاز شدید به دستاورد اعمال مجرمانه، گاهی به دلیل فقر اقتصادی و نیاز شدید مالی در محیط‌کاری که قرار گرفته، همان نیاز مالی و مادی او را برای ارتکاب جرم تحریک و تشویق می‌کند.

۸- فشارهای عصبی ناشی از مسائل خانوادگی یا ناشی از بی‌هویتی، امراض جسمانی، روحی و روانی

۹- به‌طور کلی فقر فرهنگی که ناشی از عوامل مختلفی است.

۱۰- وجود افراد و شرکت‌های واسطه و دلال

۱۱- آلودگی بازار داخلی و خارجی در پرداخت پورسانت به عوامل خریدی

۱۲- آسیب‌پذیری نوع مشاغلی که در معرض ابتلا به پورسانت هستند.

ب (عوامل اختصاصی که به دو قسمت تقسیم می‌شود

الف) ارتکاب جرم قبل از دستیابی به شغل ب) ارتکاب جرم بعد از دستیابی به شغل
الف) ارتکاب جرم قبل از دستیابی به شغل یعنی یافتن خود شغل به‌طور عام که توسط خود داوطلب صورت می‌گیرد. چون مرکز و کانون مشخص جهت اشتغال وجود ندارد، افراد برای کاریابی مجبورند تلاش‌های جمعی یا فردی را انجام دهند و این فرد ممکن است جهت رسیدن به اهداف خاصی من جمله اخذ پورسانت، اختلاس، ارتشاء و رشوه و... به شغل موردنظر ورود پیدا کند تا به اهداف خود برسد.

ب) ارتکاب جرم بعد از دستیابی به شغل به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱) جرائمی که در محیط کار صورت می‌گیرد (۲) جرائمی که در خارج از محیط کار صورت می‌گیرد.

۱) جرائمی که در محیط کار صورت می‌گیرد: بعضی مشاغل بنا به اقتضای نوع فعالیت و نوع شغل هر لحظه منشاء جرائم مختلف قرار می‌گیرند. مثلاً مشاغل مالی و بازرگانی یا تدارکات خریدهای داخلی یا خارجی

در مشاغل مالی و بازرگانی جامعه‌شناسان منکر تأثیر عوامل فردی نیستند و همین‌طور منکر تأثیر عوامل عمومی هم نیستند. به عبارت دیگر تأثیرات عوامل فردی به‌علاوه عوامل عمومی برای ارتکاب بزه توسط فرد شاغل از نگاه جامعه‌شناسان غیرقابل انکار است، اما شغلی که فرد به آن اشتغال دارد عامل مؤثرتر ارتکاب بزه است چگونه؟ در عوامل عمومی ما می‌توانیم طبیعت، سطح فرهنگ، تربیت خانواده، محیط اجتماعی، دوستان، وضعیت اقتصادی، وضعیت عمومی کشور و سیاست‌های جنایی و کیفری، فقر، عدم پایداری به قواعد، اصول و ضوابط و بی‌توجهی به مسائل جامعه؛ این عوامل عمومی عوامل مشترکی هستند که

ممکن است در همه جرائم باشد، اما چیزی که روی آن تأکید می‌شود عوامل اختصاصی است یک کارمندی که دارای شغل و جایگاه مالی یا بازرگانی است، این شغل او را مستعد برای بزهکاری می‌کند.

۲) وقوع جرم در خارج از محیط کار: از آنجایی که شاغل شهرتی که از شغل خود بدست می‌آورد به مرور زمان در جامعه از جایگاه ویژه‌ای او را برخوردار می‌کند و به‌تدریج (به‌طور مستقیم و یا مباشرت) با سوءاستفاده از این جایگاه و اعتباری که بدست آورده به کلاهبرداری و تحصیل مال نامشروع و خیانت در امانت مبادرت می‌ورزد و یا با تشکیل باند اموال مردم را که به ظاهر قانونی است بدست می‌آورد و باتوجه به تشکیلاتی که بدست آورده کلاهبرداری می‌کند یا باندهای مخوف سرقت‌های مسلحانه راه‌اندازی می‌کند و اخاذی می‌کند و در قبال این قضیه مرتکب جرائم متعددی می‌شود.

در این ارتباط به دلیل اشتباهی که شاغلین به مناسبت‌های شغلی بدست می‌آورند گاهی به‌صورت فردی و گاهی به‌صورت باندی و تشکیلاتی به‌دلیل اعتمادی که مردم نسبت به این‌گونه افراد پیدا می‌کنند، اموال مردم به‌راحتی در اختیار این گروه از افراد قرار می‌گیرد که چه‌بسا سبب ارتکاب برخی از جرائم می‌شود که خیانت در امانت و کلاهبرداری از شایع‌ترین جرم ارتكابی در ارتباط با این‌گونه افراد می‌باشد.

درخصوص وقوع جرم در خارج از محیط کاری، علت اصلی آن همان شغلی است که فرد شاغل با اشتغال به آن مقدمات ارتکاب جرائم را فراهم می‌سازد. مثلاً قبلاً نماینده مجلس بوده باتوجه به اشتغال و جایگاه اجتماعی که پیدا کرده، راه سوءاستفاده‌های بعدی به‌راحتی برای این فرد نماینده یا تشکیلات او یا باندهایی که راه‌اندازی کرده باز می‌شود یا مدیر بازرگانی و تدارکات خریدهای صنعت که بازنشسته‌شده با استفاده از سابقه قبلی، با زدوبند و تبانی راه را برای سوءاستفاده بعدی در سوق‌دادن خریدهای صنعت به‌سمت شرکت موردنظر خود فراهم می‌کند. به هر حال بسیاری از موارد و انحرافات در فرآیند خریدها و معاملات در محیط کار صنایع به‌وجود می‌آید.

درخصوص بررسی عوامل محیطی و شغلی مؤثر بر وقوع جرم اخذ پورسانت، این عوامل در سه بخش قابل تقسیم است؛ عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم قبل از خرید یا انجام معامله، عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم در هنگام انجام مناقصه تا تعیین پیمانکار و عوامل و زمینه‌های

ارتکاب جرم پس از انجام مناقصه و برنده‌شدن پیمانکار به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم قبل از خرید یا انجام معامله

۱-۱- ایجاد و اعلام یک نیاز کاذب و یا غیرضروری

ایجاد و اعلام یک نیاز کاذب و یا غیرضروری^۱ در دولت یا نیروهای مسلح توسط مأمورین و کارشناسان خرید با همکاری و هماهنگی یک یا چند شرکت فروشنده یا پیمانکار خاص به‌منظور اخذ پورسانت صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه کارشناسان و متخصصان در یک نیرو یا سازمان که بیشتر در بخش عملیات و جزو نیروهای تأثیرگذار سازمان می‌باشند، ایده‌پرداز و ایجادکننده نیازمندی‌های نیرو می‌باشند، در نتیجه نظرات و راهکارهای آنها برای کل نیرو تعیین‌کننده و راهگشاست. چنانچه این بخش منحرف شود و به‌دنبال اهدافی غیرسازمانی و یا با هدف سودجویی شخصی و یا حتی اهداف ضدانقلابی و ضدملی باشد، می‌تواند سبب به انحراف کشاندن نیرو و استراتژی‌های آن و در نهایت ورود زیان‌های جبران‌ناپذیر در عرصه اقتصادی و امنیتی شود.

کارشناسان یا مأمورین خرید دولت یا نیروهای مسلح با استفاده از رانت‌خواری و ایجاد نیاز کاذب و هدایت نیروی نظامی یا سازمان مربوطه به‌سوی آن نیاز خاص اهداف غیرمشروع خود را دنبال می‌کنند.

البته در این راستا کارشناس یا مأمور خرید ممکن است خود و یا یکی از آشنایان و یا افرادی که با او ارتباط دارند و دارای شرکت باشند و بعضاً نیز تولیدکننده و یا واردکننده یک کالای خاص و انحصاری باشند. آنها برای بازاریابی و فروش یک کالای خاص به نیرو، زمینه‌چینی لازم را انجام می‌دهند و نیرو یا صنعت نیز عمده‌تأ نظرات و پیشنهادهای آنان را می‌پذیرند و کالای موردنظر را جزء نیاز حیاتی قلمداد می‌کنند. البته در مرحله اول این مقوله یک مسئله و سوءاستفاده مالی فرض می‌شود ولی در مراحل بعدی مسائل امنیتی را در حیطه خود قرار خواهد داد.

۱- نیاز کاذب یا غیرضروری نیازی است که بود و نبود آن برای نیرو تفاوتی ندارد و گاهی نیز سبب زیان اقتصادی و عملیاتی نیز می‌شود.

در این مرحله، کارشناسان متخلف همواره مضطرب و نگران هستند که امکان فاش شدن عدم‌نیاز به کالا در هر مرحله باعث لورفتن و برملا شدن اهداف آنان شود و یکی از شگردهای دیگر این کارشناسان منحرف و متخلف برای اینکه از هرگونه نظارت و کنترلی خلاصی یابند و در فرآیند این تخلف مشکلی به وجود نیاید، سعی می‌کنند نیازمندی کاذب را جزئی‌تر و خردتر مطرح کنند تا نیازی به بررسی و اظهارنظر کارشناسی نباشد^۱، چرا که هرچه میزان معامله کلی‌تر و بزرگ‌تر باشد، امکان توجیه و تفسیر آن سخت‌تر می‌گردد. به عبارتی نیازهای کلی را خیلی‌ها می‌توانند صحت و سقم و نیازمندی واقعی‌اش را تشخیص دهند. این تخلف در نیروهایی که مستقیماً اختیار و امکان خرید دارند به مراتب گسترده‌تر و عمیق‌تر است. چرا که خریدهایی که به صنایع منتقل می‌شود یک مرحله دیگر نیز ممیزی می‌شود؛ ولی متأسفانه نیروهایی هستند که به علت سری بودن اقدامات اختیار خرید را بدون اعمال سیستم‌های نظارتی دارند و به عبارتی خودشان می‌برند، می‌دوزند و می‌پوشند و نهایت نیز خودشان متضرر می‌گردند.

۱-۲- تبانی جهت انحصاری قلمداد نمودن خریدها

در شرایط کنونی جهان و ایران و باتوجه به پیشرفت‌های فنی و تکنولوژی در زمینه‌های مختلف، قاعدتاً نباید با اقلام و کالاهای انحصاری مواجه باشیم، اما باتوجه به عمده سوابق و پرونده‌های مختلف خرید در وزارت دفاع و سازمان‌ها و صنایع تابعه، شاهد هستیم که با

۱. به موجب ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳/۱۱/۰۳ و ماده ۳ مقررات برگزاری مناقصات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۶/۰۴/۲۴، معاملات از نظر نصاب به سه دسته جزئی، متوسط و عمده تقسیم می‌شوند و براساس تصویب‌نامه شماره ۱۵۱۸۵/ت/۵۳۰۵۷ هـ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۲ هیئت وزیران که در جلسه ۱۳۹۵/۲/۸ به پیشنهاد شماره ۵۶/۷۹۸۰ مورخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد تبصره ۱ ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات - مصوب ۱۳۸۳- و ماده ۴۲ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) - مصوب ۱۳۹۳- نصاب معاملات دولتی را به شرح زیر تعیین نموده است: الف- ۱- معاملات کوچک: معاملاتی که تا سقف مبلغ دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد. ۲- معاملات متوسط: معاملاتی که مبلغ معامله بیشتر از سقف معاملات کوچک بوده و از مبلغ دو میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تجاوز نکند. ۳- معاملات بزرگ: معاملاتی که مبلغ برآورد اولیه آنها بیش از دو میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال باشد. نصاب معاملات به مواردی که به صورت مزایده انجام می‌شوند نیز تسری می‌یابد. البته باتوجه به بخشنامه‌ها و ابلاغیه‌های وزارت دفاع، صنایع و سازمان‌های تابعه مکلفند درخصوص معاملات با مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به بالا نظر کارشناسی و حقوقی را اخذ نمایند.

انحصاری قلمداد نمودن، خریده‌ها به سمت شرکت‌های خاص هدایت می‌شوند. در هنگام تنظیم، هماهنگی و زمینه‌چینی جهت انعقاد این قراردادها، تلاش در این است که حجم و تنوع آن بسیار زیاد باشد؛ به‌طوری‌که همهٔ مسائل و موارد در نیرو و صنعت را شامل شود تا هرگاه بعداً نیرو یا صنعت تصمیم به خرید مجدد داشته باشد، مجدداً خرید موردنظر را از پیمانکار یا شرکت خاص تأمین نمایند. لذا قراردادهای ادامه‌دار نیز شامل این مقوله می‌شود و قراردادهای را طوری مطرح می‌کنند که نیاز به قراردادهای جنبی و وابسته به آن دارد که از طریق قراردادهای خردتر وارد بدنهٔ اصلی قرارداد شوند.

لذا روش ارتکاب در این مرحله از خرید بدین‌گونه است که نیازمندی به‌صورت واقعی مطرح می‌شود و مأمورین خرید با اطمینان بیشتری مرتکب تخلف می‌شوند و با داعیهٔ دلسوزی و نگرانی از تأخیر در خرید و رکود صنعت و توقف خط تولید و... درخواست می‌کنند که خرید موردنظر بایستی در اسرع وقت انجام شود و مدام و پشت سر هم پیگیری و نامه می‌زنند که چرا خرید نمی‌شود و کار نیرو خوابیده است. از طرف دیگر با پیمانکار موردنظر تباری نموده و وی را برای اقدام بعدی آماده می‌کنند که چگونه درخواست و پیشنهاد خود را به صنعت مطرح نمایند و...

در این مرحله تلاش می‌شود نیازها به‌صورت کلی‌تر و عمده‌تر مطرح گردد تا همه سعی کنند نسبت به رفع آن اقدام نمایند. زمین و زمان و داخل و خارج را به هم می‌دوزند که این نیازمندی را پاسخ دهند و درست هنگامی‌که همه از رسیدن به آن ناامید می‌شوند و نمی‌دانند که این نیاز مهم و حیاتی را چگونه و به کمک چه کسی می‌توان برطرف نمود، پیمانکار موردنظر از راه می‌رسد و با معرفی و پیشنهاد فروش کالای موردنیاز و ارائه اسناد و با انحصاری قلمداد کردن فعالیت خود، آرامش و اطمینان را به نیرو می‌دهد و براساس قیمت اعلام‌شده از طرف پیمانکار اشاره‌شده، بودجه و امکانات تصویب می‌گردد.

در خریده‌های انحصاری که با شیوه و شگردهای خاص و به‌منظور سوءاستفاده و تحصیل منافع مطرح می‌شود، مناقصهٔ رسمی برگزار نمی‌گردد و حتی جهت بررسی قیمت از چند پیمانکار یا شرکت دیگر نیز استعلام بها صورت نمی‌گیرد و صنعت خریدار با ترک تشریفات مناقصات، نیازشان را صرفاً از یک پیمانکار انحصاری که همهٔ هماهنگی‌های با آن شده، برطرف می‌کنند و بودجه و اعتبار لازم نیز سریعاً تصویب و در اختیار مجریان قرار می‌گیرد.

طرح انحصاری بودن یک کالا ممکن است از سوی پیمانکار و شرکت موردنظر براساس روابط و آشنایی موجود با کارشناسان به نیرو یا صنعت اعلام گردد که فلان محصول را دارد و هیچ شرکتی آن را ندارد. این باعث می‌شود در نیرو یا صنعت این نیاز پدیدار و مطرح گردد. هماهنگی‌های انجام‌شده بین کارشناس و پیمانکار سبب می‌شود که کالای موردنظر در بازار داخلی و خارجی کمیاب شود و گاهی نیز حذف گردد و براساس برنامه‌ریزی انجام‌گرفته ممکن است در تمام بازار، صرفاً پیمانکار موردنظر را به‌عنوان منبع تأمین‌کننده کالای انحصاری معرفی نماید.

۱-۳- تبانی جهت انحصاری قلمداد نمودن منابع یا شرکت‌های طرف معامله

انحصاری معرفی نمودن برخی شرکت‌های خاص (داخلی یا خارجی) تبعات و صدمات خاص خود را بر صنعت وارد می‌کند. بدین‌شرح که مسئول مربوط که شرایط انحصاری شدن را برای آن شرکت فراهم می‌کند. در درجه اول به منافع شخصی خود می‌اندیشد و درآمدی که از این طریق عاید وی می‌گردد و دیگر اینکه درگیر انجام تشریفات، مراحل اداری و مالی معاملاتی نمی‌گردد و از طرفی شرکت مربوط نیز ممکن است یک شرکت واسطه‌ای باشد و کار را به شرکت دیگری بسپارد و به نام شرکت خود تمام کند و چه‌بسا فعالیت صحیحی نیز انجام ندهد و مثلاً کار یا پروژه واگذاری را با چالش‌های جدی مواجه نماید و علاوه بر هدر دادن زمان انجام کار، هزینه‌های دیگری را نیز بر صنعت تحمیل نماید.

۱-۴- تعیین و ایجاد نیازمندی‌ها با تبانی با یک پیمانکار خاص

ایجاد نیازمندی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای یک نیرو یا صنعت با انجام تبانی با شرکت یا پیمانکار موردنظر توسط عوامل دست‌اندرکار و مسئولین بازرگانی با روش‌های گوناگون صورت می‌گیرد به‌طوری‌که با ایجاد چند شبکه و چندلایه در بخش‌های مختلف سعی می‌کنند تا خریده‌ها به سمت هدف موردنظر سوق داده شود. این نوع ایجاد نیاز به یک کالای خاص ختم نمی‌شود، بلکه به یک فرآیند و خط‌مشی سوق داده می‌شود. مثلاً به‌کارگیری یک نوع تکنولوژی و یا فناوری خاص و پیچیده که در پی ورود آن تکنولوژی به نیرو و ایجاد بستر موردنظر، نوعی وابستگی و ایجاد زمینه نیاز به یکسری محصولات پایین‌دستی و بالادستی برای به‌کارگیری تجهیزات و انتقال تکنولوژی صورت می‌گیرد که در نهایت متعلقات جزئی‌تری را نیز شامل می‌گردد.

لذا در این چرخه یک فرآیند اجرایی و یک سلسله رفتارها سبب ارتکاب جرم شده و زمینه بروز تخلف را فراهم می‌کند. با پی‌ریزی و سیاست‌گذاری یک چشم‌انداز برای آینده و برنامه‌ریزی جهت رسیدن به یک هدف تعیین‌شده، نیرو یا صنعت مربوطه مجبور می‌شود باتوجه به ایجاد این بستر، نسبت به تهیه محصولات موردنظر جهت پروژه مثلاً الف از پیمانکار خاص اقدام نماید. در اینجا است که هر درخواستی جهت تأمین این اقلام موردقبول واقع می‌شود و در این راستا چون این زمینه‌چینی صورت گرفته، مسئولین و فرماندهان بالاتر برای بهره‌گیری از این بستر آماده‌شده و برای پاسخگویی به فرماندهان ارشد با هر درخواست خرید و کالایی آن‌هم از شرکت یا پیمانکار مشخص‌شده و معرفی‌شده، موافقت می‌نمایند.

۱-۵- تأسیس شرکت توسط کارکنان و کارشناسان مستعفی یا بازنشسته به‌منظور مداخله در

معاملات نیرو یا صنعت

تأسیس شرکت توسط کارکنان و کارشناسان مستعفی و یا بازنشسته نیرو یا صنعت به‌منظور تأمین نیازمندی‌های نیروهای مسلح با استفاده از رانت اطلاعاتی، یکی دیگر از علل و زمینه‌های بروز تخلف و اخذ و پرداخت پورسانت در معاملات دولتی و نظامی محسوب می‌گردد. این مرحله تبانی و همکاری کارشناسان و مسئولین نیرو یا صنعت با شرکت‌ها و پیمانکارانی است که قبلاً کارمند نیرو یا صنعت مربوطه بوده و زمینه‌آشنایی با آن نیرو یا صنعت را داشته و از نیازمندی‌ها مطلع هستند. معمولاً برخی از کارشناسان و مسئولین نیروها هم‌زمان و یا بلافاصله پس از بازنشستگی و با جداشدن از نیرو به هر دلیلی، شرکت‌ها و یا مؤسساتی را تشکیل می‌دهند تا باتوجه به اطلاعات و آگاهی‌هایی که از داخل نیرو دارند و از نیازمندی‌های روزمره و یا آینده نیرو یا صنعت ذی‌ربط خبر دارند نسبت به تهیه اقلام موردنیاز آنها اقدام و باتوجه به نفوذ و آشنایی‌هایی که از همکاران قبلی خود دارند، با هماهنگی با آنها به‌صورت‌های مختلف و با تطمیع آنان و پرداخت پورسانت، معاملات موردنظر را انجام می‌دهند.

این شرکت‌ها در شکل‌های مختلف (شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های با مسئولیت محدود و تضامنی، شرکت‌های اقماری وابسته به نیرو یا شرکت‌های پوششی) تأسیس می‌شوند. مسئولین این شرکت‌ها گاه با همکاری خود نیرو و مسئولین مربوطه آن و برای راحتی و تسریع در رفع نیازمندی‌های آن نیرو و یا به توصیه آنها و حتی دیده‌شده برای ایجاد

تسهیلات و امکانات بیشتر با سرمایه خود نیرو به صورت مجاز و یا غیرمجاز تأسیس می‌شوند که انحرافات زیادی را نیز می‌تواند به دنبال داشته باشد.

در برخی از موارد مؤسسين این شرکت‌ها به علت اینکه از سازمان خارج شده‌اند و امکان سفر خارجی نیز دارند، به عنوان افراد غیرنظامی مطلع به خارج سفر می‌نمایند و با بیگانگان ارتباط تنگاتنگ برقرار می‌نمایند و از آنها سوءاستفاده‌های مختلفی می‌شود. با توجه به اینکه این افراد هنوز با همکاران سابق خود در نیرو ارتباط داشته و به راحتی می‌توانند وارد محیط امن صنعت شده و حتی با فرماندهان بالاتر مذاکره کنند، لذا به اطلاعات محرمانه و دارای طبقه‌بندی دسترسی داشته و همین موضوع می‌تواند زمینه‌ساز ارتکاب جرائم امنیتی را نیز فراهم نماید و خواسته و یا ناخواسته در افشاء اطلاعات سهیم باشند.^۱

۱-۶- چینه‌های نیروهای صنعت یا نیرو توسط مسئول یا فرمانده قبل از بازنشستگی جهت استمرار ارتباط با صنعت یا نیرو و اطلاع از نیازمندی‌ها

یکی دیگر از راه‌ها و روش‌هایی که سبب ایجاد شبکه و انجام هماهنگی‌های قبلی برای اختلال در خرید و ایجاد انحراف می‌گردد، مهره‌چینی‌ها و نصب یکسری عوامل و عناصر در پست‌های حساس و کلیدی در بخش‌های مختلف سازمان‌های نظامی و دولتی است که توسط فرماندهان و مسئولین قبل از بازنشستگی و جدایی از خدمت صورت می‌گیرد.

مسئولین یا فرمانده یک سازمان یا صنعت یا نیرو با نقشه و طرح‌ریزی یک شبکه اجرایی و سازمان داده شده در پست‌های مختلف کارشناسی، اجرایی، بودجه و اعتبار، تصویب و تأمین و تهیه قرارداد‌های مختلف و نصب آنها در این سازمان، به گونه‌ای عمل می‌نمایند که پس از بازنشستگی و یا جدایی از سازمان یا صنعت و تشکیل شرکت و یا پیمانکاری در خارج سازمان،

۱. پرونده‌های متعددی در این زمینه وجود دارد. برای نمونه در یکی از صنایع...، آقای «الف» که در صنعت مذکور خدمت سربازی خود را گذرانده بود و در آنجا استخدام شده بود، پس از استعفا و انفکاک از صنعت، اقدام به تأسیس شرکتی نموده و با توجه به حفظ ارتباط با چند نفر از همکاران سابق خود در بخش‌های بازرگانی و پروژه‌ای با پرداخت پورسانت به نامبردگان و اخذ اطلاعات خریدها، نیازمندی‌های صنعت مذکور را تأمین می‌نمود و در این راستا و با توجه به ارتباطات گسترده با بیگانگان، مورد تقرب سرویس اطلاعاتی آمریکا قرار گرفته و با جمع‌آوری اطلاعات دارای طبقه‌بندی صنعت مذکور و ارائه به سرویس اشاره‌شده، مرتکب جاسوسی به نفع اجانب شده و نهایتاً توسط دادگاه انقلاب... به ده سال حبس محکوم گردیده است.

با به‌کارگیری این عوامل دست‌نشانده به اهداف خود دست یابند. اهدافی مانند ایجاد نیاز به یک کالا و یا فعالیت، تصویب آن نیاز، تصویب و تأیید بودجه و اعتبار پروژه موردنظر و تنفیذ قراردادهای مربوطه و سوق‌دادن خرید کالاهای موردنیاز به سوی پیمانکار و شرکت خاص و دریافت برنامه‌ریزی‌های جدید و تصمیم‌گیری‌های نهایی و کسب اطلاعات آخرین تغییرات و استراتژی نیرو یا صنعت و دیکته‌نمودن اهداف شرکت برای نیرو توسط عوامل انتصابی در متأسفانه این آفت بزرگ در نیروهای مسلح خصوصاً وزارت دفاع به‌واسطه آزادی عمل بسیار کارکنان دیده‌شده و زمینه اجرای آن به‌راحتی فراهم بوده و هست؛ چرا که باتوجه به بازبودن دست آنها در عرصه‌های مختلف و خریدهای مستقیم این امکان وجود دارد که مهره‌های چیده‌شده، هماهنگی این شرکت‌ها مسیر خرید را به سمت‌وسوی این شرکت‌ها سوق بدهند و باتوجه به اینکه دستیابی خرید مستقیم از طرف نیرو میسر می‌باشد، این آفت نیز به‌وفور در نیروهای آنها ملاحظه گردیده است.

۱-۷- افشاء اطلاعات مربوط به نیازمندی‌ها نزد شرکت‌ها و پیمانکاران خصوصی

یکی دیگر از راه‌های سودجویی و انحراف، افشاء و بر ملا نمودن اسرار و نیازمندی‌های یک سازمان دولتی یا نیروی‌های مسلح بین بازار و مراکز فروش، پیمانکاران و شرکت‌ها می‌باشد تا از این طریق ضمن ایجاد یک بازار سیاه کاذب و نایاب‌نمودن کالاهای موردنظر، نسبت به افزایش قیمت و ناچار نمودن صنعت یا نیرو برای خرید آن کالا با قیمت بسیار بالاتر از واقعی و در بعضی مواقع با کیفیت پایین‌تر، به‌واسطه نیاز حیاتی و ضروری دولت و نیروهای مسلح اقدام می‌کنند.

این روش در خصوص خرید کالاهای جزئی و یا قطعات حیاتی یک دستگاه است که مجموعه را مختل می‌کند. معمولاً در این روش با ایجاد این بازار سیاه، تبانی و همکاری بین مأمور خرید سازمان مربوطه با پیمانکار موردنظر و یا هماهنگی با نمایندگان و کارشناسان فنی و تعمیراتی نیرو و سازمان نظامی صورت می‌گیرد تا با تأمین این قطعه به روش خود به هدف منحرف خود نائل آیند.

تبانی در این خصوص انواع مختلفی دارد: جمع‌آوری قطعات موردنظر از بازار قبل از ارسال درخواست به مراکز خرید، مشخص نمودن یک قطعه خاص که فقط یک فروشنده دارد، مشخص نمودن یک کیفیت و یا استاندارد خاص که بایستی قطعه داشته باشد، مشخص

معین نمودن یک کارخانه خاص، مشخص نمودن پارامترهای فانکشنی خاص و ویژه و دهها عنوان می‌تواند خاص بودن و ویژه بودن قطعه و خرید را شامل شود که از طریق آن این بازار کاذب و انحصاری را در دست می‌گیرند.

اقداماتی که در این راستا صورت می‌گیرد بسیار گسترده و پیچیده است و از خرید یک قطعه کوچک کم‌بها شروع می‌شود تا یک مجموعه قطعات مختلف و متنوع. چون بازی دادن نیرو و آماده نمودن بازار جهت خرید یک قطعه خاص و حساس بسیار امکان پذیرتر است از خرید یک دستگاه یا سیستم‌های گسترده و پیچیده که تمام کارشناسان و ممیزین، قیمت آنها را دارند و امکان دریافت اطلاعات آنها نیز میسر است.

بیشترین عوامل و عناصری که در این آفت خرید دخیل می‌باشند، مأمورین خرید و یا همان مباشرین خرید نیرو می‌باشند که مستقیم با بازار و عوامل فروش سروکار دارند و می‌توانند درخواست خرید قطعات کارشناسان و نمایندگان فنی را با بحران روبرو نمایند. در مرحله بعد این نمایندگان فنی و کارشناسان درخواست قطعه هستند که در ابتدا با هماهنگی یک فروشنده و آماده نمودن بازار یک درخواست خرید قطعه را صادر می‌نماید و وقتی مأمور خرید به بازار می‌رود و در مراحل مختلف تلاش می‌نماید، نماینده فنی اعلام می‌کند فلان فروشنده قطعه را دارد و بدین وسیله خرید به سمت شرکت موردنظر سوق داده می‌شود.

۸-۱- تأسیس شرکت توسط کارگزاران یا اقرباء آنان و مداخله در معاملات دولتی

به موجب تبصره ۴ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۴ تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا مؤسسات عمومی است و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوق و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌هایی تعاونی ادارات و مؤسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.

اما کارگزاران و کارمندان شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و نظامی بعضاً به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق اقرباء اقدام به تأسیس شرکت‌های خصوصی نموده و برخلاف تبصره ۱ ماده ۱ قانون راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۲ دی‌ماه ۱۳۳۷ که براساس آن پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد کارکنان دولت نمی‌توانند با وزارتخانه‌ها و یا بانک‌ها و یا

شهرداری‌ها و سازمان‌ها و یا سایر مؤسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت وزارت یا معاونت یا مدیریت دارند وارد معامله یا داوری شوند، با رانت اطلاعاتی که درخصوص خریدهای صنعت دارند، خریدهای صنعت را به سمت شرکت‌های متعلق به خود هدایت نموده و از این طریق ضمن تبانی و ورود ضرر و زیان به تشکیلات دولتی و نظامی، موجب سوءاستفاده و انتفاع شخصی می‌گردند.

۲- عوامل و شیوه‌های ارتکاب جرم در هنگام انجام مناقصه تا تعیین پیمانکار

در این مرحله به تشریح زمینه‌هایی که ممکن است در روند و فرآیند خرید یک محصول و کالا و یا فعالیت و خدمات مورد درخواست صنعت یا نیرو به وجود آید می‌پردازیم، عوامل و عناصر تأثیرگذار و تعیین‌کننده در این فرآیند بسیار گسترده و متنوع است و با توجه به اینکه در این مرحله گستردگی فعالیت و مجازبودن این گستردگی و عناصر دخیل در آن پیچیده می‌باشد، لذا امکان به انحراف کشیدن آن در هر مرحله به مراتب گسترده‌تر و زیادتر است. عامل، کارشناس نیرو یا صنعت، کارشناس کنترل کیفیت، مدیر پروژه، عناصر و مسئولین خرید، مسئولین مالی و ذی‌حسابی، تأییدکنندگان پروژه یا خرید، تأمین‌کنندگان، اعضاء کمیسیون‌های مناقصات و... همگی می‌توانند در این روند اختلال و انحراف ایجاد نمایند.

۲-۱- هماهنگی جهت هدایت خرید به سمت پیمانکار مشخص هم‌زمان با اعلام‌نیاز به یک محصول خاص

اصولاً شروع یک فرآیند خرید در صنایع با دریافت اعلام‌نیاز به یک محصول یا کالا یا فعالیت از طرف نیروهای مسلح که به روش‌های مختلف از جمله به طریق ارسال نامه و انعکاس درخواست نیاز به محصول، یا توسط کارشناسان نیرو به هنگام بازدید از روند فعالیت‌های تحقیقاتی و تولیدی صنایع و بازاریابی صنایع برای محصولات آن صنعت و به صورت تدریجی براساس اعلام و دستور مقامات مافوق در وزارت دفاع یا نیروهای مسلح یا ستادکل نیروهای مسلح خواهد بود.

این اعلام نیاز و ارسال آن به بالاترین مقام اجرائی صنعت یا کمیسیون مناقصات صنعت همانند یک مثلث است که یک رأس آن کارشناس پروژه در نیروهای مسلح است، یک رأس آن عامل و مسئولین خرید در صنایع و رأس سوم آن پیمانکار است که هرکدام از اینها با ایفاء نقش خود، به درستی و یا نادرستی می‌توانند فرآیند خرید را از مسیر خود به انحراف

بکشانند.

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در هدایت و انحراف فرآیند خرید به سمت‌وسوی پیمانکار و شرکت موردنظر، عوامل خرید در داخل صنایع می‌باشند که یکی از رؤس سه‌گانه خرید را تشکیل می‌دهند.

پس از ارسال و اعلام نیاز نیروهای مسلح، باتوجه به هماهنگی‌هایی که بین پیمانکار (شرکت مشخص) با عوامل داخل صنعت از قبل وجود دارد و پس از معین‌شدن نوع کالا و خدمات موردنظر و پیوست فنی و مشخصات آن، این انحراف آغاز می‌گردد.

در این مرحله در بسیاری از موارد مشاهده گردیده است که اعلام نیازی به صنایع وزارت دفاع از سوی نیروهای مسلح (ارتش، سپاه، نیروی انتظامی) می‌رسد و پیرو آن نامه‌های متعدد جهت سرعت در خرید و تأمین آن و حیاتی‌بودن آن و اینکه فرصت کم است، نیرو در مأموریت خود دچار مشکل‌شده و مطالبی از این دست ارسال می‌گردد. درحالی‌که صنایع به‌نوعی به‌دنبال پیدانمودن مفری برای پاسخگویی به نیرو می‌باشد و از طرفی پیگیری‌های شدید و طاقت‌فرسای نیروها، صنعت را دچار سردرگمی نموده و در جلسات مختلف در داخل صنعت همه اهمیت این درخواست را گوشزد می‌کنند، یکباره نامه‌ای از طرف نیرو می‌آید که محتوای آن معرفی یک پیمانکار و یا شرکت است یا اینکه یکی از مسئولین نیرو درخواست جلسه‌ای را می‌نماید که با خود یک پیمانکار را به‌همراه دارد و اعلام می‌دارد که نیرو، نوع کالا یا خدمات این شرکت را قبول دارد و تأیید می‌نماید. چون از قبل خودش با این پیمانکار کار کرده لذا از صنعت نیز می‌خواهند با آن پیمانکار وارد مذاکره و خرید شود. پیرو این معرفی در چندین نوبت نیز نیرو نامه‌های متعدد ارسال می‌نمایند و در جلسات مختلف اعلام می‌نمایند که پس چرا از این شرکت خریداری نمی‌نمایید. گاهی کار تا آنجا پیش می‌رود که درخواست خرید انحصاری را نیز مطرح و ارسال می‌نمایند.

معمولاً هر شرکت یک نوع کالا و یک نوع تخصص کاری و حرفه‌ای دارد که به هر صورت داخل صنایع جای خود را باز نموده است. مثلاً وقتی درخواست و اعلام نیاز به یک قطعه مکانیکی خاص که دارای آلیاژ برای ماندگاری در محیط دریایی باشد، یک شرکت جای خود را باز نموده تا سرویس‌دهی نماید و باتوجه به امکاناتی که در تهیه آن فراهم نموده، سابقه‌ای که ایجاد کرده و هماهنگی‌ها و ارتباطاتی که در داخل صنعت صورت داده، تبلیغات و فضا را طوری

آماده نموده که مگر می‌شود غیر این شرکت که این‌همه سابقه داشته و با سیستم کنترلی صنایع آشنایی دارد و یا اینکه به‌خاطر این صنایع امکاناتی را ایجاد نموده یا اینکه خیلی سریع‌تر از بقیه می‌تواند به نمونه درخواستی صنایع دست یابد و ده‌ها دلیل دیگر که همه اینها فضا سازی و صورت تبلیغاتی دارد، نظرها را به سمت وسوی آن پیمانکار خاص هدایت می‌نماید. در نتیجه امتیازاتی که در شرایط مساوی و یا حتی نامساوی می‌توان به پیمانکار داد به سوی آن می‌کشاند.

حتی گاهی اتفاق افتاده که زمان را آن‌قدر کوتاه و بحرانی جلوه می‌دهند که در این زمان اندک به‌دنبال پیمانکار دیگری نمی‌گردند. لذا برخلاف قوانین و مقررات موجود، فقط شرکتی که هماهنگ‌شده و سابقه کاری دارد، برنده مناقصه گردیده و کار را دریافت می‌نماید. در همین مرحله است که بین عوامل خرید و پیمانکار هماهنگی‌هایی صورت می‌گیرد و مسیر به انحراف کشیده می‌شود.

هر امتیازی که به این پیمانکار داده می‌شود و هر تبلیغی که برای توانا جلوه‌دادن آن شود، هزینه‌ای را برای پیمانکار خواهد داشت که بایستی بپردازد. در این مرحله یکی از مهم‌ترین انحرافات رخ می‌دهد که خرید را از مسیر اصلی و صحیح خارج می‌کند، موجبات انحرافات بعدی را فراهم نموده و بسیاری از فرآیندهای بعدی این خرید را مختل می‌نماید. متأسفانه شرکت‌های اقماری که توسط دولت تأسیس شده و تحت حمایت آن می‌باشند، در این مقوله بسیار دخیل هستند. از طرفی هماهنگی‌های صورت‌گرفته با این شرکت‌ها مابین نیرو و شرکت در حد قرارداد، نهایی نمودن قیمت، پیوست فنی و... می‌باشد؛ به‌طوری‌که دست صنعت را برای هرگونه تغییر و تأثیری می‌بندد.

حتی گاهی اتفاق افتاده که به‌عنوان افزایش قیمت مجاز صنایع که بایستی جهت جبران هزینه‌ها، سه‌بار خرید و فروش به قیمت شرکت اضافه شود نیز توسط نیرو تعیین می‌گردد که مثلاً با شرکت این قیمت را بسته‌ایم و شما هم ۵٪ می‌توانید این قیمت را افزایش دهید و با نیرو قرارداد ببندید. محدوده این انحراف بسیار پیچیده و گسترده است.

۲-۲- توافق و هماهنگی پنهانی مأمورین خرید با پیمانکاران درخصوص کلی‌گویی و گسترده‌تر نمودن پیوست فنی و مشخصات کالای مورد نیاز

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل و دستمایه‌هایی که در یک خرید مؤثر است، نقش

تعیین‌کننده دارد و خرید حول محور آن در حرکت است، پیوست فنی و مشخصات اصلی کالای مورد درخواست می‌باشد.

پیوست فنی مواردی از این قبیل را تعیین می‌نماید: چه چیزی بایستی خریداری شود، چه مشخصاتی داشته باشد، چه پاسخ‌هایی ارائه دهد، نتایج و پارامترهای آزمایشگاهی، عملیاتی و کاربردی آن چه چیزی باشد، چه استانداردهایی را بایستی داشته باشد، چه متعلقاتی را داشته باشد، گارانتی، پشتیبانی، آموزش، مستندات، نصب و راه‌اندازی و به‌کارگیری آن تا چه مرحله و تا چه محدوده‌ای باشد، مواد تشکیل‌دهنده آن از نظر جنس، رنگ و... چه چیزی باشد، نحوه تولید، مونتاژ، قطعات و... دارای چه مشخصات و استاندارد باشد، انتقال تکنولوژی آن چگونه بایستی باشد و...

خلاصه‌گستره «پیوست فنی» آن قدر پیچیده و حساس می‌باشد که امکان هرگونه دخل و تصرف و تفسیر و تعریف را دارد. کافی است یک مشخصه در یک پیوست فنی جابجا شود یا پارامتر آن تغییر نماید. یکبار همه‌چیز کالای مورد درخواست تغییر می‌کند. کافی است جنس بدنه یک محصول یا کالا از نظر مواد تغییر کند؛ ناگهان قیمت کالا به‌طور محسوسی تغییر می‌نماید. کافی است درجه حرارت استاندارد تعریف‌شده که بایستی سیستم پاس کند مثلاً از ۴۰ درجه زیر صفر به ۱۰ درجه زیر صفر در نظر گرفته شود. شاید به جرئت می‌توان گفت قیمت دستگاه یک سوم تغییر می‌کند. ده‌ها مثال دیگر می‌توان در این زمینه آورد که با تغییر مشخصات فنی در پیوست فنی، قیمت دستگاه، زمان تحویل و... تغییر می‌نماید.

حال با این پیش‌زمینه و با یک نگاه عمیق، توجه خوانندگان را به این نکته جلب می‌نماییم که اگر با یک پیمانکار و یا یک شرکت توافق و هماهنگی قبلی صورت گرفته باشد که پیوست فنی ارائه‌شده برای مناقصه دارای مشخصات سنگین، گسترده و پیچیده باشد که هرکسی از عهده آن بر نیاید یا قیمت بالا و زیاد باشد، ولی در هنگام اجرای کار و تحویل با هماهنگی نیرو یا صنعت و کارشناس مربوطه، مشخصات نازل‌تر و یا پایین‌تر در نظر گرفته شود، تا چه حد امکان انحراف از فرآیند خرید سالم وجود خواهد داشت.

نحوه عمل در این مرحله از انحراف می‌تواند به دو صورت انجام شود:

۱- ممکن است با هماهنگی کارشناسان نیرو یا یگان درخواست‌کننده و پیمانکار و مأمورین خرید صنعت، این پیوست فنی به‌صورت سنگین و پیچیده تهیه شود تا به‌عنوان مشخصات

اصلی منحرف شوند و قیمت بالاتری را ارائه دهند. در این صورت، پیمانکار موردنظر با آگاهی از کاذب بودن پیوست فنی، قیمت پایین‌تر و اصلی را ارائه می‌دهد تا برنده مناقصه شود. اما در آینده هنگام تحویل کالا با مأمورین خرید صنعت و کارشناس نیروی درخواست‌کننده هماهنگ می‌شود.

۲- ممکن است کارشناس نیروی درخواست‌کننده کالا دخالتی نداشته باشد. در این صورت ممکن است نیرو پیوست موردنظر را ارائه نماید و مأمور خرید صنعت با پیمانکار موردنظر هماهنگی و تباری نماید، پیوست را گسترده‌تر جلوه دهد، مشخصات را پیچیده‌تر اعلام می‌نماید و به‌عنوان اسناد مناقصه ارسال می‌کند تا پس از برنده شدن پیمانکار موردنظر با توجه به اینکه تأیید بایستی براساس پیوست فنی امضاء شده با نیرو باشد، محصول در آینده بر آن اساس مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. هیچ‌کس روی این مسئله حساس نخواهد شد تا مشخصات مناقصه را بررسی کند تا با پیوست فنی سنجیده شود. در نتیجه کالا با مشخصات پایین‌تر از مشخصات مناقصه تحویل می‌گردد.

۲-۳- توافق و هماهنگی جهت مهم و با اهمیت نشان‌دادن مشخصات فنی کالا و خدمات موردنظر

موضوع خرید در یک قرارداد یا معامله، یعنی همان کالا، محصول یا فعالیت و خدماتی که موردنیاز نیروهای مسلح یا موردنیاز بخشی از پروژه‌های صنعت می‌باشد، همان چیزی است که تمام فعالیت‌ها، کوشش‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌های مختلف دفاعی و نظامی براساس آن شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه محور اصلی قرارداد یا معامله حول محور آن می‌چرخد، طبیعتاً این امکان متصور است که در راستای این موضوع پرارزش، ده‌ها اتفاق و فعل‌وانفعال جهت سودجویی بیشتر و به انحراف‌کشاندن موضوع اصلی خرید برای اهداف شخصی صورت گیرد.

یکی از روش‌ها در این مرحله، مهم جلوه‌دادن خدمات و کالایی است که اصلاً مهم نبوده و شاید به مراتب بی‌اهمیت نیز باشد. کالایی که در مرتبه چندم اولویت‌های نیروهای مسلح بوده، با توجه به اینکه این کالای درخواست‌شده را پیمانکار موردنظر، موجود دارد یا اینکه امکان تهیه آن به راحتی و با نازل‌ترین قیمت را دارد، به‌نوعی آن را جزو کالاها و خدمات اساسی و حیاتی جلوه می‌دهند، مشخصات کالا و خدمات موردنظر را بسیار مهم جلوه می‌نمایند و دائماً

نیز پیگیر آن جهت خرید، عقد قرارداد، دریافت استعلام، سریع‌تر مطرح‌شدن در کمیسیون مناقصات و... می‌شوند.

در این مرحله از انحراف که عوامل خرید و پیمانکار از صحنه‌گردانان اصلی می‌باشند، موضوع خرید را می‌توان از مرحله ایجاد یک نیاز کاذب تا مرحله القاء یک نیاز کمرنگ و بی‌اهمیت به یک نیاز مهم و اولویت‌دار در نظر گرفت.

۲-۴- اعلام نیاز براساس خدمات و کالای یک پیمانکار به واسطه سابقه و تجربه کاری

همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، حمایت نیروها از یک پیمانکار خاص محدوده بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد. مسئولین و فرماندهان نیروهای مسلح یا صنایع معمولاً و براساس روال موجود، بازدیدهایی را از شرکت‌های معرفی‌شده به‌عنوان منابع تولید دارند که متعاقباً نیازمندی خود را باتوجه به توصیه‌ها، مطالعات و خدمات آن شرکت‌ها جستجو نمایند. این جستجو به شکل‌ها و روش‌های مختلفی جلوه‌گر می‌شوند که ازجمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: سفارش یک محصول موجود در شرکت، تغییر در خدمات اختصاصی جهت بازسازی یا اجرای پروژه در نیرو یا صنعت، تحقیقات و دستیابی به فناوری جدید موردنیاز نیرو یا صنعت برای رسیدن به یک محصول و پروژه جدید و بسیاری از فعالیت‌هایی که کارشناسان نیرو یا مأمورین خرید صنعت با یک پیمانکار و شرکت ممکن است هماهنگی داشته باشند.

پس از انجام این هماهنگی و انجام قول و قرارهای طرفین، پیش‌قراردادهای آشکار و پنهان، شروع اولیه و ابتدایی تعهدات، مشخص‌شدن فرآیندهای کاری و بسته‌شدن مسیر تولید، موضوع به صنایع اعلام می‌گردد. آن‌چنان موضوع را به قولی چهارمیخ می‌کنند که امکان تغییر از مسیر موردنظر نیرو غیرممکن جلوه می‌نماید. چند نامه، تلفن و توصیه به صنایع می‌آید و سابقه و توانایی شرکت را تأیید می‌نمایند. از صنایع می‌خواهند که فقط با این شرکت قرارداد منعقد شود. آن‌قدر دایره مانور را محدود می‌کنند و اهمیت شرکت را افزایش می‌دهند که فرار از آن عملاً غیرممکن می‌شود.

۲-۵- مطلع‌نمودن یک شرکت و پیمانکار قبل از اعلام عمومی و ارسال اسناد مناقصه به سایر شرکت‌ها توسط مأمورین خرید

یکی از روش‌هایی که امکان هماهنگی عوامل خرید را با یک شرکت و پیمانکار تقویت می‌نماید و سبب انحراف معامله از مسیر اصلی و درست می‌شود، آگاه و مطلع‌کردن شرکت

موردنظر قبل از اعلام عمومی به سایر شرکت‌هاست.

معمولاً جمع‌آوری اطلاعات و کامل‌نمودن اسناد جهت ارائه به صنایع برای شرکت در مناقصه، زمان طولانی را طلب می‌کند که خیلی از شرکت‌ها برای همین زمان طولانی به زمان مناقصه نمی‌رسند. بعد از اتمام دوره مدارک آنها شامل پیوست‌های فنی و قیمت ضمانت‌نامه می‌باشد آماده می‌شوند. این طولانی‌بودن باعث عدم شرکت در مناقصه می‌شود. بدین ترتیب مأمورین متخلف صنعت با شرکت‌هایی که هماهنگ می‌باشند، این تبادل اطلاعات را دارند و قبل از اینکه هرگونه اقدامی برای مناقصه و مقدمات آن شروع گردد شرکت مزبور را از چگونگی مناقصه، مفاد و روند آن مطلع و آگاه کرده و خود را برای ورود به مراحل مناقصه آماده می‌نمایند.

آگاه‌نمودن شرکت می‌تواند گستره زیادی داشته باشد. ارائه اطلاعات فنی برای بررسی بیشتر و دریافت اطلاعات فنی از منابع موردنظرش، محدوده قیمتی کالا، قیمت موردنظر صنایع و سقف قیمت قرارداد با نیرو، به عبارتی قیمتی که از نظر صنایع قابل قبول است و قیمت نمونه‌هایی که صنایع از آن مطلع می‌باشند، ارائه مستندات فنی قبل از ارسال به سایرین جهت بررسی فنی دقیق‌تر و گسترده‌تر سیستم، دورخیز مناسب برای شرکت در مناقصه، حتی محدوده‌ای که بایستی ضمانت‌نامه تهیه نماید، زمان لازم برای تهیه آن برای شرکت در مناقصه و... که جملگی این اطلاعات توسط عوامل و متولیان خرید صنعت در اختیار شرکت موردنظر قرار می‌گیرد، از جنبه‌ای می‌تواند یک جرم امنیتی در نیروهای مسلح تلقی گردد؛ چرا که ممکن است خرید منتفی گردد یا در خریدهای مهم لزومی به ارائه اسناد و اطلاعات به شرکت‌های شرکت‌کننده در مناقصه نباشد، ولی در اینجا این اطلاعات مورد افشاء قرار می‌گیرد.^۱ این اطلاع‌رسانی به شرکت موردنظر که به نوعی افشاء اطلاعات نیز می‌تواند باشد. به‌طور کلی در این مرحله از انحراف، پیمانکار یا شرکت موردنظر بایستی آمادگی داشته باشد که وقتی اعلام عمومی مناقصه شد، سریعاً قیمت و مدارک مربوط به

۱. البته دیوان عالی کشور در یک رأی دادگاه نظامی تهران که برای چنین اقدامی هم افشاء اطلاعات و هم اخذ پورسانت درنظر گرفته و مجازات تعیین نموده بود با نقض حکم مذکور، ارائه اطلاعات به شرکت فروشنده را در راستا و فرآیند جرم اخذ پورسانت تلقی و آنها را یک جرم اعلام نموده است.

مناقضه را به کمیسیون مناقضات صنعت ارائه می‌کند تا راه برای برنده‌شدن و کسب بیشترین امتیازات لازم باز باشد.

۲-۶- تأسیس یک شرکت و ایجاد یک پیمانکار قبل از اعلام عمومی و ارسال اسناد مناقضه به سایر شرکت‌ها

هماهنگی قبل از انجام مناقضه با یک پیمانکار ازجمله امکانات بیشتر، ارائه اطلاعات زودتر و آگاه‌نمودن شرکت در کلیه امور و مسائل مناقضه می‌تواند بسیار فراتر، پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تر باشد؛ به‌طوری‌که موضوع کاملاً سازماندهی شود و با یک برنامه‌ریزی دقیق قبل از آنکه اعلام عمومی شود، آن‌قدر به تعویق می‌افتد و زمان تلف می‌گردد تا عوامل خرید با هماهنگی و کمک یکسری از عوامل خارجی به تأسیس یک شرکت پرداخته شود. این شرکت براساس هماهنگی انجام‌شده به‌گونه‌ای عمل می‌نماید که اسامی مدیرعامل و هیئت‌مدیره از افراد خارج سازمان یا صنعت انتخاب شود و اساسنامه آن نیز به‌گونه‌ای تنظیم گردد که موضوع مناقضه در آن گنجانده شود و مسائل بعدی را نیز که ممکن است در روند مناقضه پیش بیاید، پوشش دهد.

مثلاً اگر در مناقضه‌ای شرایط خاص را بایستی برای شرکت‌ها درنظر بگیرند، اساسنامه و محدوده آن مبتنی بر قواعد مناقضه تهیه می‌شود و شرایطی چون محدوده کاری، سرمایه شرکت، سابقه کاری و... را پوشش می‌دهد.

دایره این انحراف بسیار گسترده و پیچیده است. گاهی حتی قبل از اینکه شرکتی ثبت شده‌باشد یا کارهای مربوط به آن انجام گرفته باشد، تنها با یک اسم کذب و دروغین در لیست مجوز شرکت‌کنندگان وارد می‌شوند و پس از هماهنگی‌های لازم و برنده‌شدن آن به‌گونه‌ای عمل می‌شود تا کار به طول انجامد و مراحل ثبت شرکت انجام پذیرد.

۲-۷- ایجاد یک نیاز داخلی صنعت برای به‌کارگیری در پروژه‌های دیگر صنعت براساس هماهنگی با پیمانکار موردنظر

جدای از پروژه‌ها و محصولاتی که مورد درخواست نیروهای مسلح و مشتریان صنایع در خارج از سازمان است، پروژه‌های داخلی سازمان‌ها و صنایع مربوطه نیز به‌عنوان یک محصول کامل یا بخشی از یک پروژه، تکمیل پروژه‌های بزرگ‌تر یا قطعات و امکانات موردنیاز پروژه‌ها و با تکنولوژی‌های موردنیاز پروژه‌ها، تحقیقات و پژوهش‌های مربوطه به سیستم‌های جدید و نو و...

ایجاد این نیاز کاذب یا واقعی است که در دو بخش تحقیقاتی و بخش تولیدی امکان اجرایی دارد:

الف - بخش تحقیقاتی: همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، ایجاد نیاز کاذب براساس توانایی یک پیمانکار یا شرکت توسط کارشناس یک پروژه، در بخش تحقیقات و پژوهش جلوه‌گر شده است؛ به‌طوری‌که با هماهنگی‌های داخلی و همکاری با مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی انجام می‌گیرد. این تحقیقات در بخش‌های مختلف مهندسی، فنی، فناوری و حتی علوم انسانی گسترش می‌یابد.

در بسیاری موارد دیده‌شده پروژه‌هایی در قالب سیستم‌های اصلاح مدیریتی مطرح می‌گردد. روش‌ها و تکنیک‌های مدیریتی نیز موضوعات پژوهشی است که در این مقوله می‌گنجد. به خدمت‌گرفتن استادان، مشاوران و تعریف پروژه‌هایی از این‌دست و برگزاری کلاس‌های آموزشی، همایش‌ها و... برای روش‌ها و تکنیک‌های من‌درآوردی مدیریتی و ساختار سازمانی است که کاملاً روش‌های وارداتی و کورکورانه می‌باشد و نتیجه‌ای جز پرکردن جیب یک عده از افراد مثلاً کارشناس و دعوت‌کنندگان آنها ندارد.

از سوی دیگر بسیاری از پروژه‌های تحقیقاتی و پژوهشی در بخش فنی، مهندسی و صنعتی نیز وجود دارد که می‌تواند دچار این آفت‌زدگی شوند. موسسه و سازمان تحقیقاتی موردنظر روی یک زمینه خاص تحقیقات و پژوهش نموده و این پروژه از طریق یک کارشناس در بخش تحقیقات می‌تواند به‌عنوان پروژه موردنیاز و حیاتی برای بخشی از پروژه به‌صورت جداگانه مطرح و تصویب‌شده و با پشتیبانی‌هایی که صورت می‌گیرد، راه برای سودجویی باز شود.^۱

ب - بخش تولیدی: این موضوع در پروژه‌های تولیدی و محصولی بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌تواند مطرح شود. از خرید یک قطعه برای پروژه‌های داخلی شروع می‌شود تا ساخت یک

۱. در پرونده‌ای ملاحظه گردیده که از طریق فاوای ستادکل نیروهای مسلح طراحی و تولید یک سیستم نظامی به موسسه تحقیقات دفاعی اعلام و مسئول پیگیری این پروژه در موسسه تحقیقات با تبانی با یک شرکت (تحت‌عنوان یک شرکت فن‌آور و نخبه) به صنایع، مبالغ کلانی در اختیار شرکت مذکور قرار گرفت. بعد از گذشت چندین سال نه‌تنها شرکت مذکور موفق به انجام پروژه موصوف نگردید، بلکه از استرداد مطالبات نیز خودداری و موجب طرح پرونده در مراجع قضائی گردید.

برد، مونتاژ آن، تولید محصول نیمه‌ساخته و محصول کامل با متعلقات مربوطه می‌باشد. گستره ایجاد این نیاز در داخل صنعت بسیار می‌تواند متنوع و پیچیده باشد.

۲-۸- هماهنگی با پیمانکار برای ارسال قیمت پایین‌تر و ارسال کالا با کیفیت نازل‌تر

یکی دیگر از مهم‌ترین عناصر در یک مناقصه که جزو اصلی‌ترین مسائل یک مناقصه است، قیمت و ارزش کالای مورد مناقصه است. مسابقه قیمتی و سبقت از هم بین پیمانکاران و شرکت‌ها در زمینه ارائه قیمت مناسب یک امتیاز بزرگ محسوب می‌گردد. قیمت همیشه مسئله‌ای است که سبب سنجش و امتیازدهی می‌شود. بر سر قیمت، اتفاقات فراوانی رخ می‌دهد و به روش‌های مختلف از آن برای مقاصد متفاوت بهره‌گیری می‌شود.

پیمانکاران به روش‌های گوناگون به قیمت کالای مورد بحث می‌رسند. از استعلام‌های مختلف قیمت مواد، دستمزد، تورم، قیمت نمونه خارجی، قیمت موجود در بازار و... اما همه اینها یک طرف، از سوی دیگر زمینه، پایه و اطلاعاتی است که از طرف مناقصه‌گذار و عوامل دخیل در آن برای پیمانکار ارسال می‌گردد.

یکی از همکاری‌هایی که ممکن است مسئولین خرید در صنعت که با مشارکت کارشناسان پروژه و عوامل کنترلی سازمان با پیمانکار و شرکت فروشنده صورت دهند این است که برای ارسال قیمت شرکت در مناقصه، پیمانکار اطمینان داشته باشند قیمت نازل‌تر و پایین‌تری ارائه دهد، به شرط آنکه کیفیت محصول که بعداً ارائه خواهد داد نازل‌تر و از نظر استانداردهای موردنظر پذیرش کالا در سطوح پایین‌تری باشد.

از طرفی این هماهنگی صورت گرفته با عوامل داخلی سبب می‌شود که کالای موردنظر از نظر کارشناس پروژه تأیید شود، از نظر نیروهای کنترل کیفیت پاس شود و در نهایت همه از این پروژه بهره‌مند گردند.

عوامل صنایع می‌توانند دو راهنمایی برای قیمت برنده بدست آورند. یکی اینکه پس از تحویل کلیه پакت‌ها به صنایع از طرق مختلف از قیمت سایر شرکت‌ها مطلع شوند و قیمت پایین‌تر را به شرکت‌ها یا پیمانکاران موردنظر خود ارائه نمایند. با بازکردن پакت‌ها، سؤال‌های خاص و روش‌های مختلف از خود پیمانکاران و به انحراف‌کشاندن آنها برای لودادن قیمت‌ها که به این ترتیب این آگاهی‌ها به پیمانکار داده می‌شود و او آخرین قیمت را درنظر گرفته و پایین‌تر از آن قیمت را ارائه می‌دهد. راهنمایی دیگری که می‌تواند دریافت کند قیمت مورد انتظار صنایع

است که با نیروهای نظامی قرارداد بسته است. این قیمت یک شاخص است؛ چرا که صنایع نمی‌توانند از قیمت قرارداد فروش بیشتر خرید داشته باشند در نتیجه با این قیمت محدود و سقف آن مشخص می‌گردد و پیمانکار این قیمت را ارائه می‌دهد.

در اینجا انحراف دیگری نیز می‌تواند از قبل تدارک دیده شده باشد. باتوجه به اینکه قیمت و مبلغ کالا که قرارداد با نیرو می‌باشد، ملاک و سقف قابل قبول در مناقصه می‌تواند باشد. لذا با همکاری عوامل داخلی صنایع، پیمانکار و عوامل داخلی نیروهای مسلح در هنگام عقد قرارداد، آن قدر قیمت را بالا در نظر می‌گیرند که این سقف بالا سبب بازبودن دست پیمانکار برای مانور بیشتر و بالابودن سقف قرارداد می‌شود.

در هر صورت عامل قیمت و نحوه برخورد با آن بسیار گسترده، تعیین کننده و تأثیرگذار است و نتیجه این فرآیند آن است که در هنگام تحویل کالا و خدمات توسط پیمانکار کالایی فاقد استاندارد تعریف شده تحویل می‌گردد. باتوجه به اینکه کلیه عواملی که بازرسی و کنترل این سیستم را برعهده دارند با عوامل خرید هماهنگ می‌باشند، مورد توجه کسی هم واقع نخواهد شد. کالا خریداری می‌شود، وارد انبار می‌گردد و به شکلی در یکی از پروژه‌های صنعت به صورت کاملاً حساب شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته در هنگام افتتاح پروژه با کلی نواقص و اشکالات مواجه می‌گردند و پروژه موردنظر را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

۲-۹- ایجاد مانع برای جلوگیری از حضور و یا برنده شدن شرکت‌های دیگر در مناقصه

یکی دیگر از اقدامات مرتکبین تبانی و اخذ پورسانت در مجموعه‌های دولتی و نظامی این است که با ارسال ناقص اسناد برای پیمانکارانی که احتمال برنده شدن دارند یا با ارائه اطلاعات ناقص و ناصحیح از پروژه و در نتیجه ارائه پاسخ نادرست، از صحنه مناقصه حذف گردند. براساس مقررات برگزاری مناقصات در نیروهای مسلح که در سال ۱۳۸۶ از طریق ستادکل نیروهای مسلح برای کلیه نیروهای مسلح ابلاغ گردیده و همچنین قانون برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۳ که به کلیه دستگاه‌های دولتی ابلاغ گردیده، تشریفات مناقصه دارای تعاریف و روش‌های اصولی است که بایستی براساس فرآیندهای تعریف شده اقدام گردد.

تهیه لیست شرکت‌ها، قابلیت و توانمندی شرکت‌ها برای اجرا، دریافت مجوز، تأییدیه‌های مربوطه، تهیه مقدمات شرکت در مناقصه، تهیه مشخصات فنی، تعریف پروژه به صورت واقعی و شفاف، ارسال به موقع اسناد و... همه از مشخصات و تعاریف تشریفات مناقصه می‌باشد.

اختلال در هر کدام از آنها و انحراف از هر یک برای برخی از شرکت‌ها کاملاً مناقصه را به نفع شرکت‌های موردنظر تغییر می‌دهد.

لذا تشریفات مناقصه مقوله‌ای است که تخلف و انحراف از هر کدام از آنها می‌تواند سبب تغییر در روند مناقصه و در نهایت در سرنوشت آن شود. یکی دیگر از مسائل و موضوعات مهم در روند مناقصه، زمان و مسائلی است که حول محور آن دور می‌زند. زمان مناقصه یعنی مهلتی است که مشخصات یا اطلاعات موردنیاز به پیمانکاران داده می‌شود تا در مهلت مقرر و تا اعلام زمان دریافت پاکت‌ها، سه موضوع اصلی را مشخص و ارسال نمایند:

اول- اخذ مشخصات فنی ارائه‌شده برای پاسخ فنی و تخصصی

دوم- استخراج قیمت برای سیستم موردنظر براساس مشخصات فنی

سوم- ارائه ضمانت‌نامه‌های لازم برای شرکت در مناقصه

این سه موضوع بایستی در مهلت داده‌شده صورت‌پذیرد. ولی پیمانکاران و شرکت‌های موردنظر مأموران و کارگزاران خرید صنعت از این امر مستثنا می‌شوند؛ به‌طوری‌که قبل از اعلام عمومی مناقصه و شروع بازه زمانی مناقصه، اطلاعات مناقصه به‌طور غیررسمی و پنهانی به آنها داده می‌شود تا با خیال راحت بررسی‌های موردنظر خود را انجام دهند. استعلام‌ها از منابع مختلف چه از نظر فنی و چه از نظر قیمت صورت می‌پذیرد تا در زمانی که اعلام عمومی شد و سایر شرکت‌ها فرصت کمی دارند، آنها کار خود را انجام داده باشند.

و از طرفی زمان اتمام قرارداد نیز به‌صورت رسمی برای سایر شرکت‌ها مشخص شده و دریافت پاکت‌ها پس از آن زمان غیرممکن و غیرقابل انجام است. ولی با هماهنگی که با پیمانکار موردنظر صورت می‌گیرد، پس از اتمام زمان مناقصه، پاکت او با ثبت تاریخ و زمان مجاز چندین هفته پس از اتمام نیز می‌رسد و ثبت می‌شود.

در نتیجه در این بحث می‌توان تغییر و انحراف از اصول تعریف‌شده در روند و تشریفات مناقصه که بخشی از آن در بالا گفته شد که یک انحراف آشکار و آفت محسوب می‌گردد را مشاهده نمود. لذا نوع رفتار عوامل خرید با شرکت‌ها متفاوت است. شرکت‌هایی که با آنها هماهنگ می‌شوند موفق خواهند بود و شرکت‌های دیگر ناچار مغلوب می‌شوند. یعنی برای شرکت‌هایی که موردنظر کارگزاران می‌باشند، اسناد مناقصه با توضیحات لازم به‌صورت کامل ارسال و با خوش‌رویی، پرسش‌ها و راهنمایی‌های لازم پاسخ داده می‌شود. حتی کارشناسان

خاصی به آنها معرفی می‌شوند که سریع‌تر و بسته به موضوع مناقصه است. این روش بیشتر در مناقصاتی اتفاق می‌افتد که سیستم مورد درخواست نمونه تولید شده نداشته باشد و بایستی پیمانکاران آن را بسازند. اما درخصوص سایر شرکت‌ها متأسفانه این‌گونه رفتار نمی‌شود و حتی پیوست‌ها و مشخصاتی که به شرکت‌های موردنظر داده می‌شود به سایر شرکت‌ها خیلی عمومی‌تر و کلی‌تر ارائه می‌شود. در جلسات کارشناسی و رفع ابهام‌های پیش‌آمده سعی می‌شود یا تشکیل نشود و اگر هم تشکیل شود خیلی به آنها کمک نکند و حتی آنها را به بیراهه می‌کشاند. ولی برای شرکت‌هایی که موردنظر می‌باشند پاسخ‌ها کامل، درست و حتی بیشتر از آنچه آنها می‌خواهند ارائه می‌شود. حتی در بسیاری از موارد نمونه‌های ساخته‌شده‌ای از موضوع خرید را در اختیار آنها قرار می‌دهند تا از روی آنها نسخه‌برداری و با مشاوره‌های فنی خط اصلی برای رسیدن به محصول اصلی داده می‌شود.

خلاصه راه و جاده را برای پیمانکارانی که موردنظرشان می‌باشد صاف و هموار می‌سازند تا سریع‌تر و راحت‌تر به موضوع و اهداف مالی و مادی خود برسند؛ ولی برای سایر شرکت‌ها با مانع‌تراشی و سنگ‌لاخ‌نمودن راه را سخت‌تر می‌کنند به‌طوری که یا در مناقصه برنده نشوند یا اینکه به‌زحمت بسیار بیفتند.

۲-۱۰- ارائه مشخصات فنی کالای موردنیاز به شرکت موردنظر توسط مأمورین خرید

همکاری مأمورین خرید و کارشناسان صنعت با پیمانکار یا شرکت موردنظر جهت ارائه مشخصات فنی قابل‌پذیرش یک کالا در مناقصاتی که ورود به آن بایستی با اطلاعات و پیوست کامل یا نمونه محصول ساخته شده باشد، یکی دیگر از انحرافات موجود در مسیر اجرای قرارداد یا مناقصه بشمار می‌رود. یکی از روش‌های مناقصه که بیشتر برای کالاهایی که نمونه ساخته‌شده آن وجود ندارد و برای اولین‌بار ساخته می‌شوند این است که پیمانکاران و شرکت‌کنندگان در مناقصه برای ورود به تشریفات مناقصه علاوه بر قیمت، مشخصات فنی و اطلاعات مربوط را با یک نمونه از سیستم مربوطه طراحی و بسازند تا صنایع پس از آزمایش‌ها و ارزیابی‌های مختلف و براساس نیازمندی که به آن سیستم دارند، آن را ارزیابی و امتیاز فنی به آن دهند.

در این مرحله انحراف از آنجا شروع می‌شود که یک پیمانکار با کارشناس خرید دولت هماهنگی کامل داشته باشد و کارشناس خرید از ابتدا اطلاعات و مشخصات فنی موردنیاز

برای طراحی و ساخت نمونه را در اختیار پیمانکار موردنظر قرار دهد. به عبارتی همه امکانات، اطلاعات داخل سازمان و مشخصات فنی سیستم و روش‌هایی که امکان رسیدن به سیستم یادشده را فراهم می‌آورد را به او می‌دهد. در برخی از موارد حتی این هماهنگی به گونه‌ای می‌باشد که کارشناس مربوطه سیستم یادشده را می‌سازد، آماده می‌نماید و به پیمانکار می‌دهد تا به صنایع تحویل دهد. به عبارتی برنامه‌ریز، طراح و سازنده کارشناس و عوامل داخلی صنایع می‌باشند و پیمانکار فقط یک مجری صرف است.

پس از تحویل نمونه ساخته شده به صنایع، مجدداً این نمونه به کارشناس مربوطه که در اصل سازنده همان دستگاه می‌باشد داده می‌شود تا آن را تست و ارزیابی نموده و جهت اخذ نمره فنی و امتیازدهی، جهت برنده شدن تأیید نماید.^۱

۲-۱۱- جذب و استخدام کارشناسان و مأمورین خرید صنعت توسط شرکت‌های طرف قرارداد یکی از مفسده‌های موجود در صنایع نظامی این است که برخی از پیمانکاران و شرکت‌های طرف قرارداد در صنایع یکی از کارشناسان، کارمندان یا یکی از عوامل و عناصر صنایع را در شرکت خود به صورت پاره‌وقت یا ساعتی، بعد از ظهرها یا حتی شب‌ها به کار می‌گیرند تا برای آنها کار کنند و با پرداخت پورسانت یا به صورت قراردادی دستمزدهای چشمگیری را به آنان پرداخت می‌کنند.

محدوده کارکرد این افراد بسیار گسترده می‌تواند باشد. از کارشناسان فنی که در بخش تحقیقات کار می‌کنند گرفته تا عوامل خرید، عوامل ارتباطی با نیروهای مسلح، عوامل و مسئولینی که می‌توانند در نیروها نیازمندی ایجاد نمایند و نیازمندی‌های آنها را تأمین کنند.

این افراد شرکت را در جریان رخدادهای مختلف داخل صنایع، نیازمندی‌ها و استراتژی‌های نیرو می‌گذارند؛ به گونه‌ای که شرکت یادشده روند فعالیت خود را براساس این نیازمندی‌ها و استراتژی قرار می‌دهد. شرکت یادشده گویی در صنایع نمایندگی دارد و از طرفی توانمندی‌های این شرکت در داخل صنایع تعریف و گاهی القاء می‌گردد.

۱. در پرونده‌های متعدد این موضوع مطرح گردیده و پس از بازجویی و تحقیقات صورت گرفته مشخص گردیده که مبالغی که کارمند نظامی از شرکت طرف معامله تحت عنوان پورسانت اخذ نموده به جهت همکاری وی با شرکت مذکور در تهیه و ساخت کالا یا سیستم مورد نیاز صنعت بوده است.

بدیهی است با این اقدام، پیمانکار مذکور که در مناقصه صنعت شرکت نموده، کارشناس مربوطه با آن همکاری می‌کند و در طول روند مناقصه اطلاعات و عملیات لازم را برای او انجام می‌دهد. از طرفی با آشنایان و همکاران که در بخش‌های دیگر صنایع می‌باشند، روند شرکت در مناقصه را تسهیل می‌نمایند و شرکت را پشتیبانی می‌کنند.

۲-۱۲- ایجاد بازار سیاه، کاذب و تصنعی برای خرید کالاها

روش سیاه‌کاری بازار کاذب و سیاه و القاء کمبود مصنوعی در بازار خرید برای خریدهای جزئی یا کالاهای کلی قطعات و ایجاد فرصت برای یک فروشنده و تأمین‌کننده خاص به‌صورت انحصاری، یکی از شایع‌ترین روش‌هایی است که در دسترس همه مأمورین و مباشرین خرید صنایع و کلیه کسانی که مستقیماً با فروشندگان و تأمین‌کنندگان نیازمندی صنایع ارتباط نزدیک دارند، می‌باشد.

ایجاد کمبود کاذب در بازار، انحصاری جلوه‌دادن آن، زدوبند و دریافت استعلام‌های ساختگی و غیرواقعی از یک فروشنده با مهرها و سربرگ‌های مختلف در خریدهای خارج مناقصه و سه استعلامی، هماهنگی و فاکتورسازی با فروشندگان جزء برای خریدهای تک استعلامی، دریافت پورسانت از فروشندگان برای خریدهای مداوم از فروشنده خاص با یک فاکتور و در تداوم با سربرگ‌های مختلف، دریافت کادو، هدیه، درصد، سهم و از طرفی متقاعدنمودن درخواست‌کننده قطعه و کالا به وجود همین یک مدل و یک کارخانه برای خرید انحصاری یک قطعه از یک فروشنده خاص، ازجمله اقدامات کارگزاران و مسئولین خرید صنایع نظامی و دولتی در راستای ارتکاب جرم و اخذ پورسانت می‌باشد.

۳- عوامل و شیوه‌های ارتکاب جرم پس از انجام مناقصه و برنده‌شدن پیمانکار

در فرآیند انجام قراردادها پس از برنده‌شدن پیمانکار تا مرحله تحویل کالا و تسویه حساب با صنایع دولتی و نظامی، تخلفاتی ممکن است صورت گیرد. در مرحله اجرا و انجام تعهدات که آخرین مرحله معاملات محسوب می‌گردد، یک تفاوت اساسی با سایر مراحل وجود دارد و آن اینکه تخلف در محتوا و بطن کار نیست، بلکه مسیر مشخص‌شده معامله را دارای سنگلاخ و دست‌انداز می‌نماید که شرکت برنده‌شده بایستی با گذشتن از این مسیر پرپیچ‌وخم، به‌قولی سرکیسه را شل کند و به انتهای مسیر برسد. مسلماً آنچه می‌تواند این پیچیدگی را هموار نماید و این روند طولانی را کوتاه نماید یک جواز مجدد است و آن پول و یا امکاناتی است که

شرکت در این فرآیند واگذار می‌کند تا مسیر انجام تعهدات را هموار و کار خود را پیش ببرد. از طرف دیگر در این مرحله وظایف و مسئولیت‌هایی برعهده کارمندان و مسئولین هر قسمت است که در مسیر انجام تعهدات شرکت قرار دارند. این وظایف از مرحله برنده شدن تا انجام تشریفات قرارداد و اجرای آن و تحویل کالا و تسویه حساب وجود دارد. تفاوت اساسی که در این مرحله وجود دارد این است که در این مرحله کارمندان و مسئولین می‌بایستی براساس وظیفه و شغل خود، به تناسبت پیشرفت کار اقدامات و هماهنگی‌های لازم جهت پرداخت‌ها و تضمینات را به شرکت‌های طرف قرارداد انجام دهند. ممکن است در این فرآیند تخلفاتی صورت پذیرد. در این مرحله کارمندان با سوءاستفاده از وظایف محوله، آن را به جرم و انحراف تبدیل می‌نمایند. عوامل و عناصری که در این بخش دخیل می‌باشند گسترده‌ترین مجموعه را شامل می‌شود. مجموعه عوامل خرید، مجموعه عوامل پیگیری قراردادهای و پیمان‌سپاری‌ها، مدیران بخش‌های بازرگانی و مالی، کارشناسان و مجریان پروژه‌ها و... هستند. عناوین فعالیت‌های انحرافی در این مرحله به شرح زیر بیان می‌گردد:

۳-۱- نحوه اعلام به شرکت برنده شده در مناقصه

اولین مرحله پس از انجام مناقصه، اعلام برنده شدن به پیمانکار می‌باشد. مسلماً پیمانکار که با ده‌ها مشکل و ماراتن پیچیده به پایان راه مناقصه رسیده، بسیار این خبر برایش مهم می‌باشد و شاید هرکسی که این خبر را می‌دهد برای او مهم جلوه می‌کند و مستحق پاداش باشد. در برخی از مواقع از داخل جلسه مناقصه که پاکت‌ها باز می‌شود و همه از برنده مناقصه باخبر می‌شوند با پیمانکار تماس گرفته می‌شود و به او خبر می‌دهند. در همان جلسه گاهی اوقات هنگامی که قیمت پیمانکار با قیمت سایرین برابر باشد ولی امتیاز فنی بیشتری آورده باشد با او تماس گرفته و از او می‌خواهند تا قیمت خود را کاهش دهد تا برنده شود. بدین ترتیب از برنده شدن خود باخبر می‌گردد.

ولی در غیر این صورت یکی از عوامل خرید که با پیمانکار ارتباط دارد این خبر را به او می‌دهد. البته با شرایط خاص گاهی پیمانکار را دعوت می‌کند و پس از کلی قول و قرار و دریافت مزدگانی با امکانات و یا امتیازی ویژه خبر را می‌دهد. گاهی شده است خبر برنده شدن را به چیز دیگری منوط می‌کنند تا بتوانند امتیاز بگیرند. مثلاً برنده شدن مشروط به انجام کاری می‌شود که حذف آن بر عهده او می‌باشد و با اینکه فلان مدرک کسری است و بایستی تهیه

نماید و به روش‌های متفاوت سعی دارند از این خبر سود و مزیتی نصیب خود نمایند.

۳-۲- اخذ تخفیف از پیمانکار و دریافت قیمت نهایی کالا

یکی از راههایی که در صنایع متداول شده که البته جنبه قانونی هم ندارد، تلاش برای کاهش قیمت کالا و محصول برنده شده می‌باشد؛ به‌طوری‌که به روش‌های مختلف پیمانکار را ملزم می‌نمایند که برای آخرین بار و با تخفیف نهایی قیمت خود را از آنچه در مناقصه و اسناد مربوط به آن مطرح نموده و برنده شده کمتر کند.

این راهی است که مفری از آن نیست و پیمانکار ممکن است از همان داخل جلسه کمیسیون که شروع شده و مستقیماً به او تماس گرفتند و با بهانه اینکه قیمت او با سایر شرکت‌ها برابر است، درصدی قیمت را کاهش دهد. یا اینکه پس از انجام جلسه فوق، عامل اصلی که طرف مستقیم با پیمانکار است را دعوت می‌نماید و شروع به مذاکره می‌نماید که بایستی مثلاً ۱۰٪ تخفیف دهد. ولی وی حاضر است درصدی از این مبلغ را دریافت نموده و تخفیف صورت نگیرد یا اینکه در حداقل آن باشد. در هر صورت در این مرحله به روش‌های مختلف امتیازی که قرار است پیمانکار به صنایع دهد تا از قیمت تمام‌شده صنایع کاهش یابد، بین پیمانکار و عامل خرید تقسیم می‌گردد.

۳-۳- تکمیل اطلاعات فنی و مشخصات کالا براساس هماهنگی انجام‌شده با پیمانکار

در این پروسه پس از برنده شدن یک پیمانکار، تکمیل اطلاعات فنی و مشخصات کالا جهت تنظیم قرارداد و متمم‌های آن ضروری می‌باشد؛ چرا که پیمانکاری که برنده شده و خود را به این مرحله رسانده بایستی تعهداتی بدهد که در روند کار تا مرحله تحویل کالا و تسویه حساب با صنایع، این تعهدات را که بر عهده شرکت است به انجام برساند. هر چه این تعهدات که در مفاد قرارداد درج شده کمتر و سبک‌تر باشد و کاهش یابد، مسلماً پیمانکار اولاً در اجرای آنها راحت‌تر خواهد بود ثانیاً نفع و سود بیشتری نصیب آن شرکت خواهد شد.

چنانچه پیمانکاری در این مرحله با عوامل داخلی صنایع هماهنگ باشد می‌تواند عبور از این مرحله را به‌گونه‌ای که به نفع اوست رقم بزند. مشخصات فنی، قابلیت‌های اختصاصی سیستم، شرایط محیطی، امکانات و تسهیلات خاصی که صنایع به او می‌دهد، مستنداتی که در اختیار او گذاشته می‌شود، مراحل قسمت و ارزیابی، شرایط تحویل‌گیری، پارامترها و...

همه در این مرحله بایستی مشخص و نهایی گردد و چنانچه پیمانکار با کارشناس فنی صنایع هماهنگ باشد، در این مرحله توفیق بیشتری خواهد داشت.

همان‌گونه در بخش‌های گذشته بیان گردید، بعضی مواقع مشخصات فنی برای مناقصه با هماهنگی کارشناس و مأمورین خرید پروژه، سنگین و گسترده‌تر در نظر گرفته می‌شود تا سایر شرکت‌ها باتوجه به مشکل‌بودن و گسترده‌بودن پیوست فنی قیمت بالاتری ارائه دهند ولی شرکت موردنظر با هماهنگی انجام‌شده مطلع است که در مرحله تنظیم قرارداد امکان کاهش مشخصات می‌باشد. لذا قیمت را پایین می‌دهد و برنده می‌شود. اما در این مرحله با هماهنگی کارشناسان نیرو و صنعت، پیوست فنی را برای پیمانکار برنده‌شده کاهش می‌دهند و براساس توانایی‌های او تنظیم می‌نمایند. یعنی نیازمندی نیرو را براساس و بر پایه نظر پیمانکار تعریف می‌نمایند. کارشناس نیرو راضی می‌شود که از پیوست فنی اصلی عدول نماید، آنچه درخواست پیمانکار است را می‌پذیرد و مشخصات نهایی‌شده با پیمانکار در نظر گرفته شود.

علاوه بر اینها پروژه‌های داخلی صنایع که مشتری مستقیم آن خود صنایع می‌باشد نیز مقوله‌ای خاص دارد. در این نوع پروژه‌ها کار کاملاً در دست کارشناس و عوامل خرید صنایع می‌باشد. آنها به راحتی می‌توانند با هماهنگی با پیمانکار پیوست‌ها، قابلیت‌ها و مشخصات فنی سیستم را تغییر و براساس نظر طرفین تنظیم نمایند. کارشناس نیز تمامی توجیهات خود را برای این سیستم به شکل کاملاً قانونی و منطقی مطرح می‌نماید. از آنجا که درنهایت این کارشناس است که بایستی سیستم را ارزیابی نماید و امتیاز فنی به آن بدهد، دستش باز است. در این نوع پروژه‌ها نفر سومی وجود ندارد، سیستم با هر قابلیت قابل قبول است و مشخصات آن تعریف می‌شود.

۳-۴- تنظیم و انعقاد قرارداد براساس توافق پیمانکار با مأمورین خرید صنعت یا نیرو

مرحله پس از تکمیل اطلاعات و مشخصات فنی، تنظیم مفاد و مشخصات اجرایی قرارداد است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در فرآیند انجام معاملات دولتی یا نظامی، انعقاد قرارداد می‌باشد. انعقاد قرارداد شالوده اصلی یک معامله بوده و تضمین‌کننده صحت و سلامت معاملات می‌باشد. در این مرحله نیز شرایط و مفاد قرارداد می‌تواند دستخوش تغییرات و دخل و تصرف به نفع پیمانکار گردد.

موضوع و مشخصات فنی قرارداد، زمان اجرای قرارداد، مراحل اجرایی قرارداد، مراحل

پرداخت، میزان پیش‌پرداخت ۱۰٪، ۲۵٪ و...، پرداخت مرحله اول و مراحل بعدی، مراحل تحویل کالا و فواصل آن، ضمانت‌نامه‌هایی که بایستی تحویل داده شود ۵٪، ۱۰٪ و ۲۵٪، شرایط فسخ قرارداد، شرایط کسر و جریمه تاخیرات و بسیاری موارد دیگری که در یک قرارداد هر چه سبک‌تر و ساده‌تر در نظر گرفته شود، به نفع پیمانکار خواهد بود.

چنانچه در این مرحله پیمانکار با تنظیم‌کننده قرارداد و عواملی که دستمایه‌های این قرارداد را تهیه می‌نمایند هماهنگ باشد، به راحتی می‌تواند قراردادی کاملاً به نفع خود به نگارش درآورد. عوامل داخلی نیز این امکان را دارند تا توجیهات لازم را برای سایر بخش‌ها، نیروها یا صنایع که بایستی قرارداد را امضاء و تأیید نمایند به وجود می‌آورند تا مشکلی از این نظر پیش نیاید. حتی گاهی این هماهنگی‌ها آن قدر گسترده می‌شود که پیمانکار خود، فرم‌ها و الگوی قرارداد را به نیروها و صنایع ارائه می‌دهد تا براساس نظر خود و آنچه به نفع خودش است قرارداد تنظیم و امضاء گردد.

۳-۵- روند اخذ امضاهای قرارداد تا ابلاغ به پیمانکار

پس از تنظیم قرارداد و تکمیل مفاد آن، قرارداد آماده امضاء می‌باشد. فرآیند اخذ امضاء قرارداد خود دارای مقوله‌ای است نفس‌گیر. بارها و بارها اتفاق افتاده که قرارداد برای امضاء و تأیید قسمت‌ها و مسئولین مربوطه می‌رود، ولی امضاء نمی‌شود و ایرادها، اشکالات و مسائل فراوانی پیرامون آن مطرح می‌گردد. لذا دوباره باز می‌گردد تا اصلاح شود و چندین بار در رفت‌وآمد است. اگر کسی پیگیر آن نباشد، قرارداد در هر مرحله گرفتار تأخیر می‌شود. روزها و شاید هفته‌ها فراموش می‌شود تا به مرحله بعدی برسد. این قرارداد آماده امضاء ممکن است روی میز مدیر حقوقی بماند و چندین ایراد گرفته شود، روی میز مدیر صنعت بماند، روی میز مدیر بازرگانی، روی میز مدیر مالی و... آن قدر دست‌به‌دست می‌گردد که در بسیاری موارد قرارداد گم‌شده و دوباره همه چیز از اول تهیه می‌شود. چندین بار ایرادهای گرفته شده توسط حقوقی، بازرگانی، مالی، حسابرسی و... اصلاح می‌گردد، شرکت امضاء می‌کند و این چرخه دور باطل خود را شروع می‌کند.

اما این فرآیند سنگین و سخت در یک صورت می‌تواند کوتاه‌تر و سریع‌تر انجام شود و آن هنگامی است که شخصی که با پیمانکار هماهنگ باشد، پیگیر قرارداد باشد، برای پیشبرد آن فعالیت نماید و نگذارد که قرارداد بایکوت شود، فراموش گردد و ایراد گرفته شود. اگر ایراد و

اشکالی گرفته شود وی توجیه لازم را داشته باشد و در اسرع وقت آن را اصلاح کند. این شخص همان کسی است که دستمزد این همکاری را از پیمانکار گرفته است. پیمانکار با او قول و قرار دارد. این شخص به پیمانکار گفته که در این صنایع اگر کسی پیگیر قرارداد نباشد، قرارداد مربوط به وی به این راحتی امضاء و تأیید نخواهد شد. پیمانکار نیز برای اینکه قراردادش در داخل مسائل اداری گیر نکند و فراموش نشود، یک نفر پشتیبان داشته باشد و سریع‌تر به او آگاهی داده شود و از وضعیت آن مطلع گردد، حاضر است مبلغی را هزینه کند تا این عامل خرید یا یکی از عوامل مربوطه پیگیر کار او باشند.

۳-۶- اخذ تضمین‌های قراردادی

مرحله بعدی پس از امضاء قرارداد، اخذ ضمانت‌نامه‌ها است. معمولاً هر پیمانکار برای قرارداد خود در شکل قانونی و منطقی آن بایستی سه ضمانت‌نامه ارائه دهد: ضمانت‌نامه پیش‌پرداخت، ضمانت‌نامه انجام تعهدات و ضمانت‌نامه حسن انجام کار. صنایع دولتی و نظامی موظفند براساس آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۸۳ تضمینات مقرر قانونی را مطابق آیین‌نامه موصوف از شرکت‌های پیمانکار اخذ نمایند.

عمده‌ترین مشکلاتی که در این مرحله اتفاق می‌افتد این است که شرکت‌های پیمانکار و عوامل داخلی آنان از ارائه ضمانت‌نامه‌های قانونی و مختلف سر باز می‌زنند و همیشه سعی می‌کنند این ضمانت‌نامه را ندهند یا اینکه ضمانت‌نامه‌ها را کاهش دهند. برخی از شرکت‌های مذکور نیز این قابلیت را ندارند که ضمانت‌نامه بدهند. بانک‌های طرف قرارداد آنها نیز این امکان را برای آنها فراهم نمی‌کنند یا اینکه علاقه دارند در قبال ضمانت چک، سفته یا سند بگذارند. این عوامل داخلی هستند که با هماهنگی با پیمانکار خواسته‌های آنها را جامه‌عمل می‌پوشانند. عوامل داخلی پیمانکاران تلاش می‌نمایند مسئولین و قسمت‌های مختلف بقبولانند که ضمانت اخذ نشود یا اینکه جایگزین آن چک یا سفته دریافت شود یا اینکه این قول داده می‌شود که بابت تضمینات پرداختی در هنگام پرداخت‌های دوره‌ای از صورت‌حساب کسر گردد. خلاصه با این هماهنگی‌هاست که به هر نحو رضایت پیمانکار جلب می‌شود. در این مرحله به نحوی عامل این پیگیری نیز منتفع می‌گردد.

۳-۷- پیش‌پرداخت (اولین مرحله پرداخت)

پیش‌پرداخت مرحله شروع اجرائی قرارداد و مؤثرشدن آن محسوب می‌شود؛ چرا که تا زمانی

که مبلغی ردوبدل نمی‌گردد، همه‌چیز شکل صوری و بر روی کاغذ است که خودبه‌خود اعتبار ندارد. مرحله دریافت پول از صنایع توسط پیمانکار یکی از شیرین‌ترین مراحل است. نتیجه این همه تلاش و کوشش فرا می‌رسد. مرحله پیش‌پرداخت اولین مرحله‌ای است که کار اجرایی می‌شود. گاهی اوقات برای اینکه قرارداد شکل اجرایی پیدا کند، مبلغی به‌صورت علی‌الحساب به پیمانکار پرداخت می‌گردد. در این مرحله پیمانکاری که هماهنگ باشد می‌تواند دخل و تصرف‌های خاصی در این مسیر مرتکب شود؛ ازجمله اینکه میزان پیش‌پرداخت چقدر باشد، زمان پرداخت قبل یا بعد از دادن ضمانت‌نامه‌ها و مدارک باشد، دریافت علی‌الحساب زودتر از شروع قرارداد باشد و...

۳-۸- تکمیل و ارائه مدارک به مالی جهت پرداخت‌های قراردادی

در این مرحله عوامل دیگری در فرآیند کاری قرار می‌گیرند؛ ازجمله عوامل مالی و اعتبارات، صدور چک، تحویل چک، حسابداری و... مسلماً مسئول مربوطه و مدیر مالی با آکراه کار را پیش می‌برد و علاقه‌ای به خالی‌شدن حساب ندارد. وی سعی می‌نماید از چکی که بایستی به پیمانکار بدهد ده‌ها ایراد و اشکال بگیرد و مدارک را ناقص اعلام کند تا بعداً کمتر پاسخگوی حسابرسی باشد. در این مرحله مسئولین صدور چک و امور مالی از تأیید و تکمیل‌بودن مدارک جهت صدور چک سر باز می‌زنند و هر بار که مدارک از سوی بازرگانی و عوامل خرید برای مرحله نهایی و صدور چک تحویل می‌شود، ایرادهای مختلفی ازجمله موارد ذیل مطرح می‌گردد: اشکال در درخواست وجه، اشکال در فاکتور پیمانکار، خط‌خوردگی، اشکالات در قرارداد، تأخیرداشتن پیمانکار، بدهکاربودن پیمانکار، عدم اجرای تعهدات در قراردادهای دیگر آن پیمانکار و...

حال اگر پیمانکاری با این عوامل هماهنگ باشد، به‌راحتی می‌تواند از هرکدام از این ایرادهای مختلف رهایی یابد. کافی است این قول و قرارها صورت پذیرد، تمامی این ایرادها با اغماض و چشم‌پوشی روبرو می‌گردد یا اینکه توسط خود مسئولین مربوطه مرتفع می‌گردند. این موضوع برای تمام مراحل که در طول قرارداد بایستی پرداختی به پیمانکار صورت پذیرد اتفاق خواهد افتاد. در فرآیند و سیر اجرایی قرارداد هر جا که قرار است پرداختی صورت گیرد، ده‌ها مشکل و ایراد تراشیده می‌شود.

۳-۹- مشکلات موجود در خصوص صدور چک پیمانکار

پس از تکمیل مدارک، صدور چک تا تحویل آن به پیمانکار در چندین مرحله قابل پیگیری است که به مسئول صدور چک برمی‌گردد. اولین کار مسئول صدور چک استخراج مبلغ چک با در نظر گرفتن کلیه مستندات و کسورات و اجرایی نمودن تمامی قول و قرارها و مفاد قرارداد در زمینه پرداختی، سهم مالیات و عوارض دیگر، کسورات بیمه، حسن انجام کار مستهلک نمودن علی‌الحساب و... می‌باشد. باتوجه به مسائل قانونی و مشکلات موجود ممکن است تأخیر در صدور چک و عقب‌انداختن آن، اشکال تراشی در عدم اعلام موجودی حساب و تأخیر در ارسال چک برای امضاء و به نوبت گذاشتن آن، پیگیری و تحویل چک جهت امضاء مربوطه و مدیران از مجوز پرداخت تا امضاء خود چک، عدم تحویل چک به پیمانکار تا مدت مدیدی که گاهی تا هفته‌ها و حتی ماه‌ها طول بکشد.

اشکال تراشی در هر مرحله می‌تواند هم در انجام کار تأخیر ایجاد نماید و هم به پیمانکار فشار وارد کند. حال چنانچه مسئول صدور چک با پیمانکار یا عوامل پیمانکار هماهنگ باشد، همه این مراحل در کمترین زمان صورت می‌گیرد. اینها همه مسائل و اختیاراتی است که مسئول صدور چک در دست دارد که برای چشم‌پوشی و تسریع در آنها از پیمانکار مبلغی دریافت می‌نماید. مثلاً براساس نوبت‌گذاری براساس تاریخ، مدارکی که به مالی رسیده بایستی چک برایشان صادر گردد؛ ولی پیمانکاری که هماهنگ است، با اینکه مدارک وی با تأخیر رسیده، ولی زودتر چک او صادر و به امضاء می‌رسد. اگر موجودی حساب کم باشد سعی می‌کنند چک‌های دیگر صادر نگردد و فقط چک پیمانکار موردنظر صادر گردد و سایر چک‌ها به علت عدم موجودی صادر نمی‌شود یا اینکه با روش‌های مختلف از کسورات زیادی جلوگیری می‌نمایند و...

۳-۱۰- نظارت و پیگیری نسبت به اجرای مفاد قرارداد و پیشرفت کار

پیمانکار به محض دریافت پیش‌پرداخت بایستی کار را شروع نماید، پیگیری اجرای مفاد قرارداد و ممیزی آن به روش‌های متفاوت صورت می‌پذیرد. در این روند کار به شکل‌های مختلف پیش می‌رود. پیمانکاری که بایستی کالایی را خریداری نماید، وارد کند یا اینکه کالایی را بسازد، به گونه‌ای مختلف عمل می‌نماید.

برای پروژه خرید، کالا یکباره تحویل خواهد شد و کمتر به تحویل نمونه نیاز دارد. چون

دفترک و شماره سریال مشخص است و براساس آن سفارش داده می‌شود. برنامه زمان‌بندی تحویل آن نیز مشخص است که بایستی طبق آن عمل شود. تاخیرات آن بایستی تذکر داده شود و جریمه تأخیر اخذ گردد. ولی در مورد پروژه‌هایی که بایستی نمونه ساخته شود و تحویل گردد، فرآیند به‌گونه‌ای است که پیمانکار بایستی نمونه کالا را بسازد و تحویل صنایع دهد تا مورد تست و ارزیابی کنترل کیفیت و نیرو قرار گیرد و تأیید شود؛ آنگاه تولید انبوه صورت پذیرد.

نظارت و بازرسی کارشناسان صنعت در طول ساخت نمونه و ممیزی آن، توانایی پیمانکار در اجرای آن در مراحل پیشرفت و جهت عملکرد، ازجمله امتیازات پیمانکار می‌باشد. حال اگر پیمانکاری توانایی اجرایی نمودن مفاد قرارداد را نداشته باشد یا نخواهد انجام دهد، همکاری و هماهنگی عوامل مختلف داخلی به شکل خاص با او مماشات، گذشت و به‌نوعی چشم‌پوشی می‌کنند. آنها مسائل را طوری مطرح می‌نمایند که شرکت از حداقل ضرر و یا خسارت برخوردار شود. دلایلی تراشیده می‌شود که تاخیرات منطقی جلوه می‌کند و روند قرارداد بحرانی نشود که از طرف صنایع برای پیمانکار اخطار داده شود یا اینکه قرارداد فسخ گردد.

مسائلی چون تحریم، کسری قطعات، کسری بودجه و نرسیدن بودجه، عدم پشتیبانی صنعت، نامفهوم بودن پیوست فنی و... دلایلی است که برای توجیه عدم پیشرفت قرارداد و مفاد آن مطرح می‌گردد.

۳-۱۱- عدم توانایی پیمانکار برای انجام موضوع قرارداد

همکاری کارشناسان و عوامل داخلی صنعت برای آماده‌سازی و ساخت نمونه اول و ارائه مستندات و اطلاعات به پیمانکار یکی دیگر از مراحل انحراف در اجرای قرارداد تلقی می‌گردد. تعدادی از پیمانکاران و شرکت‌ها در این مرحله درجا می‌زنند. یعنی نمی‌توانند آنچه منظور صنایع بوده و قابلیت‌های موردنظر سیستم را تأمین نمایند. به این‌خاطر دچار انحراف می‌شوند. در نتیجه تأخیر در انجام قرارداد، مردود شدن نمونه‌هایی که تحویل صنعت می‌گردد، اتمام مهلت پیش‌پرداخت، اعتراضات پی‌درپی نیروها و مشتری صنایع که در اثر فشار به پیمانکار وارد می‌شود، وی حاضر است هر چه می‌تواند انجام دهد تا کار پیش برود. درماندگی و به بن‌بست رسیدن پیمانکار برای اجرای مفاد قرارداد فرصت مناسبی است که

از عوامل، عناصر و کارشناسان داخلی صنعت که اطلاع کامل از وضعیت دارند استفاده شود. پیمانکار به دنبال یک منجی می‌گردد تا او را از این بن‌بست نجات دهد. پیمانکار در این مرحله باتوجه به آگاهی‌ها، توانایی‌ها، اطلاعات، قابلیت‌ها و مستندات و پتانسیل موجود در کارشناسان و عوامل داخلی صنعت و پیمانکاران فرعی دیگر نسبت به طراحی، تولید، تست، خروجی، خرید، کنترل کیفیت و... که موردقبول صنایع می‌باشند استفاده می‌کند و با جذب و همکاری این عوامل، وی می‌تواند نمونه‌ها را مطابق با مشخصات و انتظارات موردنظر نیرو یا صنعت تهیه و ارائه کند. در عوض پیمانکار نیز باتوجه به اینکه این عوامل برای او کار کرده‌اند و او را از این مخمصه نجات داده‌اند، به فراخور اهمیت کار مبالغی را تحت‌عناوین مختلف ازجمله دستمزد، هدیه، عیدی، پاداش و... به این عوامل پرداخت می‌نماید.

۳-۱۲- همکاری و هماهنگی مسئول و کارشناس کنترل کیفیت با پیمانکار جهت تأیید محصول

کنترل کیفیت محصولات خریداری‌شده برای صنایع و نیروهای نظامی یکی از موضوعات اساسی و مهم در چرخه و فرآیند خرید می‌باشد. چرا که سهل‌انگاری و یا تعدد نسبت به این موضوع می‌تواند ضرر و زیان و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد. لذا هماهنگی و همکاری کارشناسان کنترل کیفیت صنعت و نیروها با پیمانکار برای تأیید نمونه محصول و ارائه مجوز تولید انبوه یکی دیگر از تخلفات موجود در فرآیند اجرای قراردادها است. افراد و عوامل داخلی هماهنگ با پیمانکار با این اقدام خود و درجهت منافع شخصی، مرتکب نوعی خیانت نسبت به بیت‌المال و نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌گردند.

در تشریح این اقدام و براساس مصادیق و روال موجود باید گفت که پس از آماده‌شدن نمونه اول یا نمونه خریداری‌شده از خارج، کالا بایستی تحویل صنایع و نیروهای نظامی شود تا آزمایش‌ها و تست‌های مختلفی را بگذرانند، تأیید نیرو را دریافت نماید و مجوز تولید انبوه را از صنعت یا نیرو بگیرد. در این مرحله مهم این است که چنانچه عوامل کنترل کیفیت و کارشناس پروژه با هماهنگی نمایندگان و کارشناسان فنی نیرو در یک جهت و یکسو باشند تا نمونه مورد تست و ارزیابی قرار گیرد و چنانچه با پیمانکار مربوطه هماهنگی صورت گرفته باشد، در دو وجه این همکاری ظهور پیدا می‌کند. اگر سیستم و محصول خریداری‌شده از نظر شاخص‌های ارائه‌شده قابل قبول باشد و پارامترهای کنترل کیفیت و نیرو را بگذرانند، یعنی نقطه

نظرات صنایع و پیمانکار انجام گرفته و در نتیجه پیمانکار وارد مرحله دوم اجرای قرارداد و واجد دریافت مبلغ پروژه می‌گردد.

وجه دیگر آن این است که محصول ارائه‌شده در مرحله اول، پارامترهای کنترل کیفیت را نداشته باشد. اما کارشناس کنترل کیفیت صنعت یا نیرو محصول خریداری‌شده را با وجود اشکالات و ایرادات، تأیید می‌نماید و با این هماهنگی و تبانی بین مسئول و کارشناس کنترل کیفیت با پیمانکار، یکی از بدترین انواع تخلف انجام می‌گیرد. لذا تاکنون هر تخلفی بوده جنبه مالی داشته است و صرفاً مسائل پولی و مالی مطرح بوده، ولی در این مرحله بحث کیفیت و کاربری محصول و سیستم مطرح می‌گردد. یعنی پیمانکار با هزینه و خرجی که می‌کند، پارامترهای استاندارد محصول را دور می‌زند و باعث می‌شود مسئول و کارشناس کنترل کیفیت صنعت و نیرو از قابلیت‌ها و کیفیت محصول خریداری‌شده چشم‌پوشی کنند. سیستم و محصولی را که بایستی در شرایط بحران، عملیات نظامی در مقابل دشمن را پیش ببرد، به‌صورت معیوب تحویل نیرو گردد و مجوز تولید انبوه نیز صادر گردد.

۳-۱۳- پرداخت مبلغ قرارداد براساس تأیید نمونه

مراحلی که در قرارداد جهت پرداخت‌ها قید می‌گردد براساس گانت چارت‌های انجام قرارداد است که در هر مرحله پس از انجام کار مشخص، درصدی از مبلغ قرارداد نیز به پیمانکار پرداخت می‌گردد. اولین پرداخت پس از پیش‌پرداخت، منوط به تحویل نمونه اول موضوع قرارداد می‌باشد که در این‌صورت تأیید آن برای پیمانکار بسیار مهم است. پس از تأیید نمونه، مدارک بایستی به بازرگانی تحویل شود و بر این‌اساس درخواست وجه و صورت‌جلسه تأیید به مالی تحویل می‌گردد تا پس از استهلاک پیش‌پرداخت و کسورات مربوطه مرحله بعدی پرداخت شود.

کلیه مسائلی که در بند قبلی درخصوص هماهنگی و همکاری با ناظر قرارداد یا مسئول و کارشناس کنترل کیفیت مطرح گردید ممکن است در این مرحله نیز به وقوع بپیوندد تا پیمانکار به پول خود برسد. البته این هماهنگی‌ها لازم است که با قسمت صدور چک نیز صورت گیرد تا کار پیش برود و پیمانکار پس از دریافت چک، شروع به کار و تولید انبوه نماید.

۳-۱۴- تولید انبوه محصول و کالا با هماهنگی عوامل داخلی صنعت، کارشناس پروژه، کارشناس نیرو، کنترل کیفیت، تضمین مرغوبیت و...

تولید انبوه کالا نیز همانند تولید نمونه، اگرچه نه به پیچیدگی آن، ولی دارای مسائلی است که معمولاً عوامل داخلی در آن به اشکال مختلف دخالت می‌کنند. مثلاً باتوجه به اینکه پیمانکار امکانات تولید انبوه را ندارد یا کارگاهی تولیدی یا ابزارهای مربوطه، وسایل تست و اندازه‌گیری، نیروهای متخصص و... را در اختیار ندارد، عوامل داخل صنعت به فراخور موضوع به پیمانکار کمک می‌نمایند. پیمانکار با پرداخت مبالغی به افراد و عوامل مذکور تحت‌عنوان دستمزد (البته در واقع افراد مذکور را در راستای منافع خود خریداری می‌کند)، ضمن استفاده از کمک و تخصص نیروهای صنایع و تولید انبوه محصول و کالای موضوع قرارداد، رضایت و تایید صنعت را نیز درخصوص محصول تولیدی اخذ می‌نماید و با این اقدام هیچ‌گونه مشکل یا مانعی بر سر راه اجرای قرارداد باقی نمی‌گذارد.

در این مرحله نیز امکان هرگونه دخل و تصرف و ارتکاب بزرگ‌ترین تخلف وجود دارد؛ چرا که پس از تولید انبوه، محصول بایستی تحویل صنایع‌شده تا مراحل مختلف آزمایش‌های محیطی و تست‌های میدانی و عملیاتی را بگذرانند. تشکیلاتی که وظیفه تست و ارزیابی محصول را در صنایع مختلف برعهده دارد، عنوان تضمین مرغوبیت یا QA نام دارد. درصورت تخلف می‌تواند با اغماض و چشم‌پوشی‌ها محصولات بی‌کیفیت را با تطبیق با بخش‌های استاندارد و با تغییرات داخل و تصرف در تنظیمات دستگاه‌های اندازه‌گیری به شکل موردنظر جلوه داده تا مورد قبول سیستم قرار گیرد و عملاً سیستم‌ها و کالاهایی که دارای اشکالات فنی هستند را بدین‌صورت تحویل نیروهای مسلح دهند.

این تخلف فاجعه‌بارترین نوع تخلف است. شاید در مرحله تأیید نمونه، کار به این وضعیت نباشد؛ ولی در این مرحله این عمل بزرگ‌ترین ضرباتی است که ممکن است به دولت یا نیروهای مسلح وارد شود. مثلاً سیستمی باید براساس مأموریت تعریف‌شده نیرو در ۴۰ درجه سانتی‌گراد کار کند، ولی عوامل تست‌کننده در صنعت با دست‌کاری دستگاه‌های اندازه‌گیری، سیستم را در صفر درجه تست نموده‌اند و تأیید کرده‌اند. حال در هنگام عملیات و در شرایط بحرانی در دمای زیر صفر منطقه سیستم از کار می‌افتد و سبب ازبین‌رفتن نیروها با امکانات یا شکست عملیات می‌گردد که یک فاجعه ملی و امنیتی محسوب می‌گردد.

۳-۱۵- تسریع در دریافت و تأیید فاکتورهای ارسالی از سوی فروشنده

پس از تحویل کالا به صنایع و تأیید تضمین مرغوبیت بایستی در اسرع وقت کالا تحویل نیرو شود و فاکتور صادر گردد. در این مرحله نیز آنچه معمولاً اتفاق می‌افتد و سبب تبادل مالی پیمانکار و عوامل داخلی است، سرعت کار می‌باشد. معمولاً در حالت عادی پیگیری این کار بسیار کند پیش می‌رود، ولی با هماهنگی عوامل داخلی پس از تحویل کالا به نیرو فاکتورها از پیمانکار دریافت می‌شود. از طرفی برای نیرو در اسرع وقت فاکتور صادر می‌شود تا مدارک کامل گردد و عوامل بازرگانی جهت صدور چک و تسویه حساب اقدام نمایند.

۳-۱۶- مراحل تسویه نهائی با فروشنده

پس از انجام موضوع قرارداد به‌طور کامل و تحویل کالا به نیرو و آماده‌شدن کلیه مدارک لازم، نوبت به تسویه مالی با پیمانکاران می‌رسد. در مرحله تسویه نهائی مسائلی جدیدی نیز پیش می‌آید. باتوجه به اینکه پیمانکار عملاً بایستی کلیه حساب‌های خود را تسویه کند، ضمانت‌نامه‌ها را دریافت نماید، آموزش را انجام دهد، تکنولوژی را منتقل و مستندات را تحویل نماید، از تعمیرات احتمالی و بهینه‌نمودن سیستم‌ها فارغ گردد و بسیاری از کارهایی که ممکن است پیش آید را به پایان برساند.

تأیید از کارشناس پروژه به‌خاطر پارامترهای کالا، تأیید از بهره‌بردار یا نیروی مصرف‌کننده به‌خاطر صحت عملکرد، نصب و راه‌اندازی سیستم یا محصول خریداری‌شده، تأیید آموزش به‌خاطر برگزاری دوره‌های آموزشی، تأیید از مستندسازی برای تحویل مستندات سیستم‌ها، تأیید از مدیریت حقوقی به‌خاطر اجرای مفاد قرارداد و بسیاری از تأییدیه‌های دیگری که بایستی دریافت شود تا این پیمانکار تسویه مالی نماید، طلب‌های خود را به‌طور کامل دریافت و قرارداد را تمام کند. مسلماً گذر از این همه مراحل جز با هزینه‌کردن، خرج کردن و هماهنگ‌بودن، به‌راحتی امکان‌پذیر نخواهد بود. کافی است یکی از مراحل انجام نگیرد. در این صورت پیمانکار نمی‌تواند به پول خود برسد، ضمانت‌نامه‌ها آزاد نخواهد شد و کلی ضرر، زیان و خسارت متوجه پیمانکار خواهد شد.

۳-۱۷- ایجاد بستر و زمینه مناسب جهت همکاری‌های آتی با فروشندگان

همکاری و معامله با صنایع دولتی و نیروهای نظامی آن‌چنان لذت‌بخش و خوشایند است که پیمانکاران پس از اتمام قرارداد و تحویل اقلام به صنایع یا نیروها، تمایل بسیاری دارند تا

این همکاری‌ها در آینده نیز ادامه پیدا نماید. لذا فروشندگان نمی‌خواهند این موقعیت را به راحتی از دست بدهند و با پرداخت پورسانت‌های کلان به هر طریق ممکن سعی می‌کنند بستری را فراهم کنند تا زمینه معامله و همکاری‌های آتی با صنایع و نیروها فراهم باشد. لذا با هماهنگی عوامل داخلی و کارشناسان نیرو جهت ایجاد جایگاه و مقام و منزلت مناسب و دریافت تأیید برای ادامه کار در آینده، از سوی صنایع یا نیروی مصرف‌کننده، تقدیر و تشکرهای متعددی صادر می‌شود که جملگی به نفع پیمانکار است؛ چرا که اولاً از مسائل و مشکلاتی که در طول اجرای قرارداد داشته چشم‌پوشی می‌شود، ثانیاً اگر مجدداً درخواست نیرو بیاید تا از این نوع کالا نیاز داشته باشد، ادامه کار با این پیمانکار به جهت ارزیابی مثبت ارائه‌شده استمرار پیدا می‌کند.

البته بنا بر سوابق و تجربیات موجود، در معاملات و خریدهای صنایع حساس و نظامی دیده شده که برخی از پیمانکاران و شرکت‌های فروشنده که جزو عوامل سرویس‌های اطلاعاتی بوده‌اند، با هدف جاسوسی و اطلاع از نیازمندی‌های نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران و با هدایت سرویس‌های اطلاعاتی دشمن، با پرداخت پورسانت‌های کلان به عوامل و کارگزاران خرید صنایع و نیروهای نظامی سعی می‌کنند ضمن اخذ اطلاعات نیازمندی‌ها، معاملات را نیز به سمت شرکت‌های موردنظر سوق دهند. البته در کلیه خریدهای انجام‌شده از شرکت‌های مذکور، اقلام و کالاهای فاسد و معیوب به صنایع و نیروها تحویل گردیده است.

مبحث پنجم: عوامل ساختاری و سازمانی

برخی عوامل ارتکاب جرم اخذ پورسانت مربوط به معایب موجود در ساختارهای سازمانی است که به شرح زیر احصاء گردیده است:

- ۱- وجود زمینه‌های وقوع جرم در بعضی از مراکز دولتی و نیروهای نظامی
- ۲- خرید از مراکز خرده‌فروش و عدم خرید متمرکز
- ۳- مهیا بودن بستر وقوع جرم در بازار و ارائه پیشنهادهای وسوسه‌برانگیز به مباشرین خرید
- ۴- وجود ضعف ساختاری در سیستم اداری یگان‌ها
- ۵- خرید نسیه و به صورت قرض از برخی مغازه‌ها و اصناف و ایجاد بستر جهت تهیه فاکتورهای ساختگی

- ۶- ایجاد مانع در راه حضور سایر اشخاص در معامله مانند عدم ارسال دعوتنامه از دبیرخانه، فاکس به شماره غیرمرتبط و چاپ آگهی در روزنامه خاص و در زمان غیرمتعارف
- ۷- انحصاری نمودن بعضی از شرکت‌ها و یا تعاونی‌ها برای اجرای پیمانکاری در نیروها
- ۸- ضعف سیستم نظارت و بازرسی‌های نوبه‌ای، سیستماتیک و غیرمترقبه
- ۹- عدم توجه دقیق نسبت به شرایط انتصاب مسئولین خرید
- ۱۰- عدم تربیت و آموزش صحیح کارکنان جهت مشاغل حساس
- ۱۱- عدم برگزاری کامل جلسات آگاهسازی
- ۱۲- روشن نبودن وظایف سیستم‌های نظارتی (حفاظت، بازرسی، عقیدتی و حقوقی)
- ۱۳- انحصار فعالیت‌های اداری برای گروه‌های خاص
- ۱۴- ضعف ساختارهای نظارتی و فقدان هماهنگی‌های لازم در بعد نظارت و نبود حفاظت مؤثر نیروهای باسابقه و مدیران باتجربه نسبت به مشاغل حساس
- ۱۵- عدم نظارت دقیق بر امور مالی و بازرگانی و نبود شفافیت و پاسخگویی درخصوص فعالیت‌های مربوط به بازرگانی و خریدی
- ۱۶- وجود واسطه‌های اداری فی‌مابین مدیران و سیستم نظارتی
- ۱۷- بی‌عدالتی و تبعیض بین کارکنان و عدم توجه دقیق و همه‌جانبه مسئولین به مشکلات اقتصادی کارکنان
- ۱۸- اعطای اختیارات بیش‌ازحد و مسئولیت‌ها فراتر از ظرفیت، قابلیت و توانایی کارکنان و سوءاستفاده از آنها
- ۱۹- عدم جابجایی به‌موقع کارکنان در مشاغل مالی و بازرگانی؛ کارکنانی که در مشاغل مالی و بازرگانی فعالیت دارند ازجمله عوامل خرید، سال‌های متمادی در شغل خود باقی می‌مانند و مسئولین مربوط نیز چه‌بسا با بی‌توجهی از عواقب این امر و همچنین در نظر نگرفتن معیارهای صلاحیتی مشاغل ازجمله مالی و بازرگانی، زمینه‌های بروز جرم پورسانت را فراهم می‌کنند.
- ۲۰- عدم رعایت دقیق صلاحیت‌های افراد در انتصابات و حاکمیت روابط بر ضوابط در ارائه امتیازات
- ۲۱- فقدان روحیه مقابله و عدم اعتقاد به برخورد با کارکنان مسئله‌دار در بین رؤسا و فرماندهان

گفتار اول: نقص سیستم‌های نظارتی، کنترلی و بازرسی

یکی از مأموریت‌های سیستم نظارتی، نقش کنترلی و نظارتی بر عملکرد مجموعه و کارکنان در جهت پیشگیری از بروز جرائم می‌باشد که متأسفانه وجود برخی نقایص و ضعف‌ها در این سیستم باعث گردیده زمینه بروز جرائم از جمله پورسانت برای برخی کارکنان فراهم شود. مسلماً در طول تاریخ با وجود نظارت، بازرسی، کنترل، ممیزی و حسابرسی، همچنان انحراف وجود داشته و فقط کافی است که زمینه مساعد باشد، آنگاه اتفاق می‌افتد. مهم‌ترین انگیزه‌ای که موجب انحراف و ارتکاب جرم اخذ پورسانت شده، عامل اقتصادی و طمع در مال‌اندوزی بوده است. اما به‌رحال وجود سیستم‌های نظارتی قوی می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر باشد. نواقص موجود در این بخش را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- کمبود مکانیسم لازم در مورد نظارت قضائی کافی بر عملکرد مراکز اقتصادی کشور توسط سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان بازوی نظارتی قوه قضائیه و عالی‌ترین نهاد نظارتی کشور کاملاً مشهود است و همین امر باعث شده تا این تشکیلات عریض و طویل به نهادی تشریفاتی تبدیل شود.

۲- حاکمیت و رواج رابطه بجای ضابطه در سیستم معاملات

۳- عدم تسلط و اشراف مسئولین به وظایف و مقررات کاری نیروها

۴- اعتماد بیش‌ازحد به افراد و بی‌توجهی به ضعف‌های موجود

۵- وجود ضعف در نظارت‌های غیرمترقبه توسط سیستم نظارتی از عملکرد مباشرین خرید

۶- وجود ضعف اطلاعات و دانش لازم توسط مجریان این امر

۷- روش‌های غلط استعلام‌گیری به‌خصوص در خریدهای جزئی که به‌صورت فاکس اخذ می‌گردد.

۸- وجود اعتماد بی‌مورد و بیش‌ازحد برخی از فرماندهان به کارکنان تحت‌امر در تنظیم اسناد خرید و خدمات انجام‌شده که تبانی در معاملات دولتی را افزایش می‌دهد.

۹- عدم توجه مدیران به هشدارهای مراجع نظارتی

۱۰- عدم نظارت بر تغییر سبک زندگی افراد و نحوه درآمدزایی کارکنان در برخی از نیروها

۱۱- ضعف یا سهل‌انگاری در ارزیابی پیمانکاران و کم‌توجهی به بحث رتبه‌بندی پیمانکاران

گفتار دوم: ضعف نسبت به موضوعات آموزشی، اطلاع‌رسانی و آگاهی

- یکی دیگر از دلایل افزایش جرم اخذ پورسانت، نواقص موجود در زمینه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی است. در زیر به شرح برخی از مصادیق آن به‌طور اجمال اشاره می‌گردد:
- ۱- عدم آگاهی کارکنان و مأمورین خرید و فروش نسبت به مصادیق اخذ پورسانت و تبانی در معاملات دولتی
 - ۲- عدم حضور مستمر مراجع قضائی و سیستم‌های نظارتی در تشکیلات دولتی و نیروهای مسلح جهت آگاهسازی
 - ۳- نداشتن سابقه و تجربه کافی کارکنان مرتبط در امور بازار
 - ۴- افشاء اطلاعات محرمانه مالی به‌عنوان عامل رانت اطلاعاتی و بروز تخلفات مالی
 - ۵- وجود تشریفات غیرضروری در انجام معاملات و مناقصه‌ها
 - ۶- عدم به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کاهش ارتباط غیرضروری
 - ۷- وجود رانت‌های اطلاعاتی در برخی موارد

گفتار سوم: عوامل اداری و مدیریتی

جامعه‌شناسان در مشاغل اداری منکر تأثیر عوامل فردی و همین‌طور منکر تأثیر عوامل عمومی نیستند. به عبارت دیگر تأثیرات عوامل فردی و عوامل عمومی برای ارتکاب بزه توسط فرد شاغل از نگاه جامعه‌شناسان غیرقابل انکار است، اما محیط اداری که فرد به آن اشتغال دارد می‌تواند عامل مؤثر ارتکاب بزه باشد. در عوامل عمومی طبیعت، سطح فرهنگ، تربیت خانواده، محیط اجتماع، دوستان، وضعیت اقتصادی، وضعیت عمومی کشور و سیاست جنایی، کیفری و عدم‌پایبندی به قواعد، اصول و ضوابط عوامل مشترکی عمومی هستند که ممکن است در همه جرائم باشند، اما چیزی که روی آن تأکید می‌شود عوامل اختصاصی است که در محیط اداری فرد شاغل وجود دارد و او را مستعد بزهکاری می‌کند.

همچنین یکی از اصول مدیریت در سازمان‌ها و تشکیلات دولتی و نظامی موضوع کنترل و نظارت می‌باشد. در بررسی‌های مختلف ازجمله بررسی بر روی سوابق پورسانت این امر کاملاً روشن و شفاف است که متأسفانه مسئولین ذی‌ربط بر امور محوله کارکنان تحت‌امر خود نظارت و کنترل صحیح ندارند. این امر می‌تواند نشانگر بی‌تعهدی، ضعف مدیریتی و... باشد که در هر صورت زمینه ارتکاب جرائم ازجمله پورسانت را برای برخی کارکنان فرصت‌طلب

فراهم می‌کند.

برخی عوامل منجر به وقوع جرم اخذ پورسانت مربوط به نقایص موجود در سیستم‌های دولتی و نظامی است که به شرح زیر بیان می‌گردد:

عدم اجرای صحیح قوانین، مقررات، ضوابط و نقصان و پیچیدگی قوانین و مقررات و عدم تطابق با واقعیت‌های ملموس

عدم توجه به شایسته‌سالاری و واگذاری فعالیت‌های حساس به افراد غیرمتعهد و بی‌تجربه، انتصاب مدیران و کارکنان نالایق در پست‌های کلیدی سازمان و بی‌دقتی در پذیرش اولیه کارمندان (ممکن است کارمندان در بدو استخدام ظاهرسازی کنند و مسائل و مشکلات خود را بیان نمایند ولی بعداً صلاحیت خود را از دست بدهند؛ عدم شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری) فقدان دستورالعملی جامع و کامل درخصوص نحوه تعیین صلاحیت و انتصاب کارکنان در مشاغل مالی، بازرگانی، مباشرین خرید و...

مسائل و مشکلات اقتصادی کارکنان، اختلاف فاحش در حقوق و دریافتی‌های کارکنان و مدیران در اداره، بی‌توجهی به وضع زندگی کارکنان و نیز بیم افزایش تورم و عدم اطمینان به آینده شغلی

نبود آموزش و برنامه‌های آگاهسازی در سازمان
توزیع نامناسب درآمدها بین گروه‌ها در سازمان و بین کارکنان بخش‌های دولتی، غیردولتی و نظامی

قوی نبودن فرهنگ سازمانی و عدم همبستگی کارکنان، مدیران، سازمان با اهداف آن
عدم ثبات مدیریتی و عدم اشرافیت کاری و علمی برخی از مدیران در حوزه فعالیت خود سبب دورزدن و سوءاستفاده نمودن کارکنان سودجو و فرصت طلب می‌گردد.

عدم اعمال شیوه صحیح تشویق و تنبیه درخصوص کارکنانی که در مشاغل مالی و بازرگانی فعالیت دارند باعث می‌گردد انگیزه فعالیت مطلوب در آنان کاسته شده و رغبت زیادی در انجام صحیح امور محوله نداشته باشند. لذا تشویق یکی از ابزارهای مدیریتی است که در ایجاد انگیزه فعالیت بیشتر کارکنان نقش بسیار مؤثری دارد. کارکنانی که خودجوش و ساعی هستند انتظار برخورد صحیح تشویقی از سوی مسئولین مربوط را دارند که متأسفانه در برخی از سازمان‌ها این امر به فراموشی سپرده شده یا اینکه براساس سلايق شخصی خود در ارائه تشویق

سختگیری‌های افراطی داشته و باعث ضایع شدن حق افراد ساعی می‌گردند.

گفتار چهارم: خلأ و نقص موجود در قوانین و مقررات

عدالت به معنای واقعی خود یعنی هر چیزی در جای خود قرار بگیرد و اگر غیر از این باشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. ضعف در قوانین و مقررات زمینه بروز جرائم از جمله جرم اخذ پورسانت را فراهم نموده، فرصت‌طلبان مجال می‌یابند، همه‌چیز را از روال عادی خود خارج کنند و جامعه در این شرایط از هم پاشیده خواهد شد. وضع قوانین و مقررات در همه جوامع دنیا به دلیل همین است که همه بر یک اصولی پایبند باشند تا کارها در مسیر اصلی خود هدایت شده و به پیش برود. با عدم رعایت آن مرتکب جرم می‌گردند. لذا عوامل مؤثر در ارتکاب به جرم اخذ پورسانت که مربوط به نقض و اجمال قوانین است به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱- عدم تبعیت کارکنان از قوانین و نقض مقررات مالی در خرید و فروش‌ها، مناقصه‌ها و مزایده‌ها: قانون‌گرایی باید یک اصل باشد و به‌طور کامل رعایت گردد. ولی معمولاً قانون اجرا نمی‌گردد یا ضعیف اجرا می‌شود. در میدان عمل بعضاً مدیران و مسئولین با مدنظرداشتن ملاحظات از اجرای مقررات صرف‌نظر می‌نمایند تا زودتر بتوانند برنامه‌ها و اهداف خود را عملی نمایند. اصولاً علم به قانون موجب پیشگیری می‌شود، اما برخی معتقدند این‌طور نیست، بلکه علم به مسائل و قوانین موجب افزایش جرم هم می‌شود. مرتکب با اطلاع از خلأهای موجود موجبات وقوع آن را تسهیل می‌کند و چه‌بسا دزدی که با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا و... معمولاً درخصوص خریدها و فروش، مناقصه‌ها و مزایده‌ها در هر دو صورت تبانی صورت می‌گیرد و اگر مقررات مالی در سطوح مختلف رعایت شود، کمتر امکان سوءاستفاده وجود خواهد داشت.

۲- ضعف در اجرای قانون و عدم اجرای مجازات‌های مقرر در قوانین و مقررات کیفری درخصوص جرم اخذ پورسانت و برخورد ضعیف مراجع قضائی با متخلفین و مجرمین و خفیف بودن مجازات مرتکبین جرم اخذ پورسانت:

قدرت و صحت عمل قوه قضائیه در هر جامعه‌ای مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند سلامت و بقای جامعه را تضمین کند. برخی از عوامل قانون‌گریزی و نظم‌ستیزی به نارسایی‌هایی برمی‌گردد که در دستگاه قضائی و توابع آن وجود دارد. ضعف نظام در اعمال جدی و قاطعانه

قانون و بازبودن منفذهای فرار از آن، باعث جری‌شدن خلافکاران و تشویق آنان به ادامه و گسترش خلافتکاری می‌شود. زیان و آسیبی که از این طریق بر شهروندان پایبند به قانون وارد می‌آید و بهای سنگینی که بابت قانون‌گرایی خویش می‌پردازند، موجبات جذب ناخواسته آنان به صف قانون‌شکنان و تسری فرهنگ قانون‌گریزی و نظام‌ستیزی در بخش‌های دیگر جامعه را فراهم می‌آورد.

لذا صرف وجود قوانین و مقررات کیفری و جزایی هرچند دربردارنده مجازات‌های سنگین باشد، هرگز برای مبارزه با جرائم و پیشگیری از وقوع جرم در جامعه کافی نیست؛ بلکه آنچه مهم‌تر از مجازات سنگین است محکومیت قطعی قانونی و اعمال مجازات و تساوی افراد در برابر قانون است (اصل بیستم قانون اساسی).

اگر روابط بجای ضوابط در جامعه حکم‌فرمایی کند، با حتمیت و قطعیت اجرای مجازات دچار تردید و خدشه‌شده و دیگر قوانین و مقررات هرچند سخت نیز نمی‌تواند مانع و رافع اقدامات و عملیات مجرمانه گردد. چه‌بسا باعث ایجاد مجرمین جری‌تر نیز می‌شوند. تبعیض و عدم تساوی در اجرای قانون جداً می‌تواند جامعه‌ای را به سمت هلاکت و نابودی سوق دهد. لذا چنانچه مجرم و بزه‌کار به این باور قطعی رسیده باشد که در هر مقام و منصبی که باشد در صورت گرفتاری مجازات وی حتمی و بلاغماض خواهد بود، این امر قطعاً در پیشگیری از وقوع جرم تأثیرگذار خواهد بود.

با بررسی دادنامه‌ها و احکام صادره درخصوص جرم اخذ پورسانت مشاهده می‌گردد که مجازات‌های مقرر فاقد آثار بازدارندگی بوده و همین موضوع یکی از عوامل اصلی در جری‌شدن مرتکبین به این جرم بوده؛ چرا که ریسک آن را بالا نمی‌بینند و منافی که از ارتکاب به اخذ پورسانت بدست می‌آورند بسیار بیشتر از میزان مجازات مقرر است.

۳- عدم مجازات پرداخت‌کننده پورسانت:

یکی از دلایل عمده بروز و شیوع جرم اخذ پورسانت در دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح، به دلیل تسری این جرم به معاملات داخلی در قوانین موجود است که کلیه شرکت‌ها و دلال‌های داخلی جهت رقابت، اقدام به ارائه پیشنهاد و پرداخت پورسانت به مأمورین خرید نموده (به دلیل اینکه اقدام آنان در پرداخت پورسانت جرم محسوب نمی‌گردد) و همین موضوع باعث شده که این جرم فراگیر شده و کلیه مأمورین و کارپردازان را درگیر نموده و حتی با رعایت

تقوا و امانت توسط کارپردازان و مأمورین خرید، بالاخره پس از چندین بار پیشنهاد، مراتب را قبول نموده و به ورطه حرام بیفتند. لذا در جرم اخذ پورسانت، خلأ قانونی موجود مبنی بر «عدم مجازات پرداخت‌کننده پورسانت»، زمینه و شرایط محیطی را فراهم نموده تا تسهیل‌کننده و تحریک‌کننده وقوع این جرم باشد. لذا هدف اولیه قانونگذار از وضع تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و همچنین قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲، تعیین عنوان مجرمانه اخذ پورسانت در معاملات خارجی دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح بوده است؛ لیکن در بازنگری و تصویب قوانین بعدی^۱ با تسری این جرم به معاملات داخلی، قانونگذار مرتکب یک اشتباه استراتژیکی شده و همین موضوع موجب تشتت رویه قضائی در احکام صادره نسبت به جرائم اخذ پورسانت و اخذ رشوه و فرار مجرمین از چنگال قانون گردیده است.

۴- اغلب مرتکبین جرم اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نظامی به علت ارتباط با محافل قدرت از یک‌طرف و جایگاه والای اداری و اجتماعی که دارند از جانب دیگر موجب می‌شوند که برخورد قضائی و اداری با آنان مسامحه‌آمیز بوده به مدارا با آنان رفتار گردد. این نوع برخورد با اخذ پورسانت گاهی برای حفظ حیثیت مرتکب است و اغلب برای حفظ حیثیت دستگاه‌های دولتی یا نظامی و جهت جلوگیری از سلب اعتماد مردمی نسبت به این دستگاه‌ها می‌باشد.

لازم به ذکر است که آنچه باعث کاهش جرم در اجتماع می‌شود شدت مجازات و وضع قوانین مختلف کیفری نیست، بلکه قطعی و حتمی بودن مجازات مجرم است که بازدارنده مجرم از ارتکاب بزه است. لذا وقتی اشخاص مرتکب جرم اخذ پورسانت ببینند که در اجرای مجازات آنها اغماض و گذشت صورت می‌گیرد، به ارتکاب جرم مجدد و با لحاظ پیچیدگی‌های زیاد تشویق می‌گردند.

۵- عدم موفقیت قوانین در پیشگیری از جرم اخذ پورسانت:

مقنن در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) در مقام جلوگیری از فساد مالی در معاملات دولتی در راستای جرم‌انگاری اخذ پورسانت در این دسته از معاملات برآمده

۱. ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

- است. این درحالی است که رویکرد جرم مذکور و کنکاش در سطح دستگاه‌های مختلف دولتی حکایت از عدم موفقیت قانونگذار در مبارزه با این پدیده شوم اقتصادی دارد.
- ۴- عدم حضور و یا عدم مشارکت جدی نمایندگان حقوقی در جریان معاملات دولتی به‌منظور اطمینان از رعایت کلیه مقررات مالی و حقوقی
- ۵- تعدد مراکز تصمیم‌گیری که باعث وقوع جرم می‌گردد.
- ۶- نفوذ بیش از حد برخی از افراد در کمیسیون‌های معاملاتی به‌دلیل قدرت اداری آنان
- ۷- طولانی‌بودن روند اصلاح یا تصویب اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط به انجام معاملات در نیروها
- ۱۰- شکستن و خردکردن قراردادهای جزئی برای دورزدن آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی
- ۱۱- کلیه قراردادهای منعقدۀ صنعت با شرکت‌ها، مؤسسات و... بایستی پس از انجام مراحل قانونی و تشکیل کمیسیون معاملات صورت پذیرد که متأسفانه در اکثر موارد این امر رعایت نمی‌گردد و یا به‌صورت صوری و سلیقه‌ای برگزار می‌شود.
- در کلیه قراردادهای بایستی سه استعلام بهاء درخصوص موضوع قرارداد صورت پذیرد. لیکن در بسیاری مواقع مشاهده می‌گردد که استعلام صورت‌گرفته از شرکت‌ها صوری بوده یا اینکه از شرکت‌های اقماری شرکت اصلی می‌باشد و یا اینکه با ذکر دلایل واهی و بیان شرایط خاص، فعالیت شرکت را انحصاری جلوه می‌دهند، و به‌گونه‌ای وانمود می‌کنند که هیچ شرکت دیگری توانایی انجام آن فعالیت را ندارد.
- یکی از نشانه‌های سالم‌بودن یک سیستم، اجرای دقیق دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، مقررات و آیین‌نامه‌های مصوب آن سیستم می‌باشد. هرکدام از موارد مذکور براساس نیازمندی‌های درون سیستمی تعریف و تدوین شده است تا آن سیستم در رسیدن به اهداف خود موفق‌تر باشد. لذا عدم رعایت صحیح قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های انضباطی در نیروهای مسلح و عدم رعایت سلسله‌مراتب و عدم‌اجازه مجوز از مافوق نیز می‌تواند از دلایل سوق به ارتکاب جرم اخذ پورسانت در نیروهای نظامی باشد.
- ۱۲- نقصان و پیچیدگی قوانین و مقررات، عدم تطابق با واقعیت‌های ملموس و عدم اصلاح برخی قوانین و مقررات دست‌وپاگیر از دیگر عوامل می‌باشد.

۱۳- عدم برخورد جدی و ریشه‌ای با جرم پورسانت توسط مدیران مستقیم وزارتخانه‌ها و تشکیلات دولتی و نظامی

۱۴- فقدان یا ضعف برخورد با متخلفین و پایمال‌کنندگان نظم و مقررات قانونی: متأسفانه بسیاری از مدیران در حوزه مدیریتی خود فعال‌مایشاء بوده و با تخطی از ساحت قانون و عدم ترس از برخورد قضائی، اراده و میل ناصحیح خود را اعمال می‌کنند. جنجال‌سازی پیرامون عدم امنیت‌کاری برای مدیران توسط برخی افراد نیز کمک زیادی به گسترش این حاشیه امن مدیران نالایق کرده است.

مقررات قانونی لازم و سیستم اداری کارآمدی در الزام مدیران و مسئولین به ثبت و اعلام صحیح و کامل دارایی خود به قوه قضائیه و نیز ایجاد ابزارهای لازم امکان‌شناسایی ثروت و اموال آنان در صورت عدم اعلام آن و کتمان میزان ثروت خود، وجود ندارد. درحالی‌که در بسیاری از کشورهای جهان سیستم بانکی به‌نحوی تدارک دیده شده که تمامی فعل و انفعالات ریالی و ارزی و اندوخته‌های مسئولین و نقل و انتقالات مالی آنها به‌راحتی قابل شناسایی و کشف می‌باشد.

قانونگذار در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی^۱ مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ ناظر به ماده ۳۶ همان قانون،^۲ تصریحاً اخذ پورسانت در معاملات خارجی را در صورتی که بیش از یک میلیارد ریال

۱. ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند. الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ب- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون را رعایت مبلغ مقرر در آن ماده پ- جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر»

۲. ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱: «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی‌الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد، در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود. تبصره- انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود: الف- رشاء و ارتشاء ب- اختلاس پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری ث- تبانی در معاملات دولتی ج- اخذ پورسانت در معاملات خارجی چ- تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت ح- جرائم گمرکی خ- قاچاق کالا و ارز د- جرائم مالیاتی ذ- پول‌شویی ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

باشد، از شمول مرور زمان خارج کرده است و این موضوع را درخصوص معاملات داخلی مسکوت گذارده است. لذا در حال حاضر درخصوص اخذ پورسانت در معاملات داخلی به‌طور کلی کلی و در معاملات خارجی کمتر از یک میلیارد ریال با خلأ قانونی مواجه هستیم.

گفتار پنجم: عوامل انسانی

انسان موجود پیچیده و در عین حال آسیب‌پذیر است. در بررسی تیپ‌های شخصیتی (تندرو- میان رو- کندرو) افرادی که میانه‌رو هستند انسان‌هایی موفق می‌باشند. لیکن تیپ‌های دیگر بیشتر دچار آسیب می‌شوند. احساس حقارت و خودکم‌بینی یکی از صفات تیپ کندرو می‌باشد. این‌گونه افراد برای پوشش‌گذاشتن بر ضعف‌های خود به شیوه‌های دیگر متوسل می‌گردند؛ ازجمله ارتکاب به تخلفات و جرائم تا به دیگران نشان دهند که دارای جسارت و جرئت می‌باشند یا اینکه آنچه آنان تصور می‌کنند، نیستند. مطابق بررسی‌های انجام‌شده در فرآیند خریدها، عناصر و عوامل انسانی بیشترین مسبب برای ایجاد تخلف و جرم بوده و در محدوده انسانی، مثلث کارشناس نیرو، عوامل داخل صنعت و پیمانکار که در هر مرحله با توجه به توانایی‌ها، امکانات و حوزه مسئولیتشان نقش خود را ایفا می‌نمایند. با این وصف در نقش انسانی در مراحل مختلف خریدها مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- فرآیند اجرای یک قرارداد از برگزاری مناقصه گرفته تا پس از برنده‌شدن پیمانکار تا انتها آن‌قدر طولانی، نفس‌گیر و غیرسیستماتیک است که امکان هرگونه دخل و تصرف و دخالت عوامل انسانی و اجرایی در آن را ممکن می‌سازد.

۲- گستردگی نیازمندی‌های روزافزون صنایع و نیروها و مسئولیت و تأثیرگذاری عوامل، عناصر، کارشناسان و کارگزاران تهیه جهت خرید و تأمین نیازمندی‌های سازمان‌ها، صنایع و نیروهای مسلح از مرحله اعلام نیاز تا پذیرش و تأیید، تأمین بودجه و اعتبار، گشایش LC و خرید، فضای جدید و محیط مساعدی برای ده‌ها راه برای سودجویی، انحراف و اختلال در فرآیند تهیه و تأمین نیازمندی‌های صنایع و نیروهای مسلح را فراهم می‌نماید.

۳- بدنه کارشناسی، آفت اصلی بروز تخلفات می‌باشد که غالباً به بخش‌های دیگر نیز شیوع پیدا می‌نماید. جرقه‌ای که سبب شعله‌ور شدن بسیاری از تخلفات کوچک و بزرگ می‌گردد که نه‌تنها سوءاستفاده‌های مالی را سبب می‌شود، بلکه در این مسیر زمینه رسوخ و تسلط بیگانگان و سرویس‌های اطلاعاتی دشمن و فاش‌شدن استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت،

میان مدت و بلندمدت نیروهای مسلح را نیز فراهم می‌کند.

۴- نظر به اینکه در نیروهای مسلح اعتبارات و بودجه زیادی وجود دارد و تقویت تجهیزات دفاعی و تسلیحات در صدر پراهمیت‌ترین موضوعات است، به‌همین دلیل زمینه مساعدی برای رشد و نمو بسیاری از آفت‌زدگی‌ها و انحرافات فراهم است. باتوجه به اینکه بودجه و اعتبارات جهت خرید در اختیار نیروهای مسلح^۱ قرار گرفته و این نیروها نیز اجازه دارند که خرید کنند، طبیعتاً احتمال تخلف و انحراف عامل انسانی بسیار افزایش یافته است.

۵- مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌تواند ارتکاب جرم اخذ پورسانت را سبب شود، ارتباط مستقیم عوامل خرید و کارشناسان نیرو با بالاترین یا مهم‌ترین نفر و شخص تصمیم‌گیرنده در شرکت طرف‌معامله می‌باشد. به‌عبارتی خلوتگاه این دو سویه معامله اگر به هم بخورد و امکان ارتباط غیرمستعارف ایجاد نگردد، در حد بسیاری می‌توان جلوی انحراف را گرفت.

۶- ارتباط مستقیم مأمورین و مباشرین خرید با فروشنده بازار و قرارگرفتن در محیط روبرو ده‌ها انحراف را سبب می‌گردد که اگر سیستم خرید متمرکزی که به‌صورت هوشمند در اصلاح روش‌ها جاری شود و مجموعه نیازمندی‌ها از یک حوزه تحت‌کنترل و یک دروازه مشخص به‌صورت هوشمند و دارای سیستم‌های کنترلی باشد، ارتباط دنیای خصوصی با دنیای دولتی تنها از طریق این سامانه امکان‌پذیر می‌گردد.

۷- وجود انتصابات فامیلی در مجموعه‌ها از دیگر موارد است. موضوع انتصابات افراد به‌صورت فامیلی یکی از معضلات و چالش‌های موجود طی سال‌های اخیر است که جهت رفع آن نیز تاکنون تمهیدات لازم اندیشیده نشده است.

۸- ثابت‌بودن مأمورین خرید در سال‌های متمادی و داشتن ارتباطات مستمر با طرفین قرارداد مورد بعدی است. طولانی‌شدن مدت خدمت در یک پستی مانند مأمور خرید حداقل آفت تبانی در معاملات را به‌دنبال خواهد داشت که درصد بروز فساد و تخلف را افزایش می‌دهد.

۹- عدم‌دقت در گزینش و عدم‌انتصاب نفرات شایسته در امور خرید و به‌کارگیری افراد غیرواجد شرایط جهت امر کارگزاری معاملات دولت.

۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۱۰- به‌کارگیری کارکنان مشکوک و مظنون به اعتیاد به‌عنوان متصدی در امر خرید و فروش و معاملات صنعت.

۱۱- انتقال تجربیات اخذ پورسانت از سوی کارکنان باسابقه به کارکنان جوان: برخی از ارتباطات ازجمله همکاری‌بودن آن‌هم در امور مالی و بازرگانی باعث انتقال تجربیات کاری از سوی افراد باسابقه به افراد مبتدی می‌گردد. در این شرایط برخی از کارکنان باسابقه‌ای که درگیر تخلفات هستند سعی دارند تا نفرات دیگری را نیز درگیر نمایند. لذا با برقراری ارتباط بیشتر با آنان تجربیات تخلفاتی خود را نیز به برخی افراد مبتدی انتقال می‌دهند و آنان را نیز درگیر جرائم می‌کنند.

گفتار ششم: عدم وجود آمار جنایی جرم اخذ پورسانت

جرم اخذ پورسانت به‌عنوان یکی از مفاسد اقتصادی به‌دلیل اینکه مرتکبین آن از گروه اجتماعی کارمندان و نظامیان که دارای جایگاه‌های بالا و مشاغل حساس هستند آمار واقعی آن هرگز اعلام نمی‌شود و جزو جرائم رقم سیاه^۱ (کی‌نیا، ۱۳۷۰: ص ۱۵۹) محسوب می‌گردد. رقم سیاه یا مخفی‌بودن آمار جرم بسته به ماهیت و نوع جرائم یکسان نیست؛ لذا دسترسی ما را نسبت به بزهکاری واقعی ناممکن می‌سازد. زیرا کسب آمار واقعی بزهکاری تا حد بسیاری در گرو اطلاعاتی است که مراجع کشف جرم از چگونگی ارتکاب آن در اختیار دارند.

درخصوص جرم اخذ پورسانت در معاملات دولتی به‌علت اینکه مرتکبین کارکنان و کارگزاران دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح دارای مشاغل حساس و اغلب دارای موقعیت ویژه اجتماعی هستند لذا برخورد قضائی و اداری با آنان به شیوه‌ای خاص صورت می‌گیرد. آمار واقعی این‌گونه جرائم همواره مبهم و غیرواقعی است. از طرفی حفظ جایگاه دولت و دستگاه‌های اجرایی و خصوصاً نیروهای مسلح به‌عنوان امین مردم و نظام و به‌منظور جلوگیری از سلب اعتماد مردم، تشویش و نگرانی عمومی موجب می‌گردد تا همواره با جرائم این دسته از افراد با شیوه خاصی برخورد، عموماً به مدارا و گذشت برگزار و نهایتاً آمار واقعی مربوط به این جرم مخفی بماند. برای بررسی این موضوع که رقم و آمار واقعی این جرم ثبت و ضبط نمی‌گردد، نگارنده به

۱. رقم سیاه یا مخفی جرم عبارت است از عددی که نسبت بین جنایتکاری حقیقی و جنایتکاری قانونی یا قضائی را نشان می‌دهد.

مراکز آمارگیری جرائم، معاونت طرح و برنامه و اداره کل عفو و پیشگیری قوه قضائیه و سازمان قضائی نیروهای مسلح مراجعه نموده و مشخص گردید که در جداول و برنامه‌های موجود هیچ‌گونه عنوانی به موضوع جرم اخذ پورسانت اختصاص نداشته و معمولاً در آمارهای اعلامی این جرم را در غالب سایر عناوین مجرمانه مانند تبانی در معاملات دولتی و... ثبت و ضبط می‌نمایند. لذا یکی از منابع مطالعات کمی جرم‌شناسی، آمار جنایی است که در خصوص جرم اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نظامی به دلیل عدم وجود آمار جنایی دقیق، واقعی و فقدان آگاهی از میزان ارتکاب این جرم در افکار عمومی نسبت به آن حساسیت و واکنشی هم نشان نمی‌دهند و حساسیت جامعه و مسئولین دولتی و نظامی را نسبت به ارتکاب جرم اخذ پورسانت بر نمی‌انگیزاند. عدم این حساسیت عرصه را برای مرتکبین جرم فراهم نموده است و از طرفی فقدان اطلاع مسئولین امر مبارزه با این جرم، سبب بی‌تفاوتی آنها نسبت به این جرم و آثار و عواقب سوء آن در جامعه گشته که فی‌نفسه مانع تدوین یک سیاست کیفری مطلوب برای مبارزه با این بزه و پیشگیری از آن می‌شود (کوهیان‌افضل، ۱۳۸۸: ص ۱۳).

مبحث ششم: عوامل اجتماعی و خانوادگی

۱- در شرایط کنونی هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی شود در زندگی خود هیچ‌گونه مشکلی ندارد. بنا به فراخور اوضاع و احوال و شرایط اقتصادی، خانوادگی و فAMILI، هرکس به‌گونه‌ای با مشکلاتی دست‌به‌گریبان است. افرادی ممکن است از لحاظ اقتصادی مشکلی نداشته باشند، لیکن در زندگی آنان از نظر عاطفی و محبت کمبود وجود داشته باشد. به قول معروف همه چیز دارد ولی دریغ از یک لبخند که بر لب داشته باشد. یا اینکه از خانواده خوب برخوردار است ولی درگیر مسائل اقتصادی است و دخل و خرجش نمی‌خواند.

۱-۲- فشار و تحریک غیرمستقیم خانوادگی، نیازهای انسان در صورتی که مهارش در دست انسان نباشد، بسیار گسترده خواهد شد. شخص که حقوق‌بگیر یک سازمان یا اداره رسمی است، علاوه بر تأمین نیازهای خود موظف و مکلف به تأمین نیازهای خانواده خود نیز می‌باشد. در صورتی که اعضای خانواده به شکل‌های مختلف در تأمین نیازها و خواسته‌های خود پافشاری کنند و برچسب‌های مختلف به وی وارد نمایند (مانند بی‌عرضه، بی‌لیاقت، بی‌فکر و... که همه اینها برچسب‌هایی هستند که توسط همسر کارمند به وی زده می‌شود و آن‌هم به دلیل چشم و

هم‌چشمی است که در زندگی کارمندان دیگر مشاهده کرده‌اند) لذا این موارد هم می‌تواند زمینه‌های بروز جرائم من‌جمله پورسانت باشد.

زمینه‌های بروز جرائم من‌جمله پورسانت باشد.

۳- عدم تربیت صحیح و اصالت خانوادگی، کم‌کاری از سوی برخی خانواده‌ها در تربیت صحیح فرزندان و عدم مسئولیت‌پذیری آنان در آموزش صحیح احکام و مسائل دینی ازجمله اقامه نماز و روزه به آنان؛ در انحراف و کج‌روی آنها مؤثر بوده و باعث می‌گردد این‌گونه فرزندان دچار آسیب‌های اجتماعی شوند. تحقیقات و بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که اکثریت افرادی که دچار کج‌رفتاری و جرم می‌شوند از خانواده‌های آشفته و ازهم‌گسیخته برخوردارند، از ریشه و اصالت خوبی برخوردار نیستند یا اینکه نیازهایی که برآورده نشده و به‌صورت عقده در دل باقی مانده است که با قرارگرفتن در موقعیت مناسب مرتکب جرم ازجمله اخذ پورسانت می‌شوند.

۴- احساس حقارت در خانواده و جامعه، چنان‌که در بند ۲ اشاره شد، سرکوفتهایی که توسط خانواده به فرد زده می‌شود یا تحقیرهایی که توسط آشنایان و نزدیکان فرد به علت فقر یا نداری و نداشتن فلان ماشین یا امکانات مطرح می‌گردد، همه و همه موجب می‌گردد که فرد کارمند را به‌سمت اخذ پورسانت و تغییر زندگی سوق دهد.

مبحث هفتم: جدول تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده

برخی از شاخص‌ها و عوامل ذکرشده در این فصل قبلاً مورد بررسی میدانی قرار گرفته (علوی، ۱۳۸۹) و به شرح جدول زیر نتیجه اعلام شده است:

در جدول ذیل که به‌عنوان جدول اصلی می‌باشد، شاخص‌های پژوهش و فراوانی پاسخگویان به گزینه‌های مربوط را نشان می‌دهد. تعداد ۷ متغیر مستقل براساس ۴۳ شاخص از سوی ۴۴ نفر از مدیران و کارشناسان مرتبط با موضوع و با سه گزینه (موافقم، مخالفم و تا حدودی) مورد سنجش قرار گرفته و نتیجه ارزیابی هر شاخص به تفکیک قید گردیده که به‌راحتی قابل تجزیه و تحلیل می‌باشد.

بخش سوم؛ عوامل زمینه‌ساز جرم اخذ پورسانت و راهکارهای پیشگیری ♦ ۲۳۵

ردیف	گزینه شاخص	موافقم	مخالفم	تا حدودی	جمع
۱	بی‌توجهی به مشکلات اقتصادی	۲۰	۳	۲۱	۴۴
۲	اعطای اختیارات و اعتماد غیرمتعارف	۲۴	۲	۱۸	۴۴
۳	عدم جابجایی به‌موقع	۱۱	۵	۲۸	۴۴
۴	عدم رعایت صحیح صلاحیت در انتصابات	۲۹	۰	۱۵	۴۴
۵	سخت‌گیری مسئولین در تشویق به‌موقع	۱۳	۴	۲۷	۴۴
۶	اعمال تبعیض و بی‌عدالتی	۲۱	۴	۱۹	۴۴
۷	عدم نظارت صحیح بر عملکرد	۳۷	۰	۷	۴۴
۸	حاکمیت روابط بر ضوابط در ارائه امتیاز	۳۰	۱	۲۳	۴۴
۹	ضعف سیستم‌های نظارتی	۳۱	۰	۱۳	۴۴
۱۰	عدم آشنایی صحیح به قوانین و مقررات	۱۰	۷	۲۷	۴۴
۱۱	عدم ارائه صحیح تسهیلات رفاهی	۱۴	۵	۲۵	۴۴
۱۲	عدم تربیت و آموزش صحیح	۱۷	۰	۲۷	۴۴
۱۳	عدم برگزاری کامل جلسات آگاه‌سازی	۱۶	۴	۲۴	۴۴
۱۴	عدم اجرای صحیح آیین‌نامه‌های انضباطی و معاملاتی	۲۶	۱	۱۷	۴۴
۱۵	شفاف‌نبودن وظایف سیستم‌های نظارتی	۱۲	۷	۲۵	۴۴
۱۶	عدم اصلاح برخی قوانین و... دست و پاگیر	۲۰	۷	۱۷	۴۴
۱۷	وجود واسطه‌های اداری فی‌مابین مدیران و سیستم نظارتی	۱۴	۱۱	۱۹	۴۴
۱۸	وجود زمینه‌های مختلف بروز جرم در محیط کار	۲۳	۶	۱۵	۴۴
۱۹	آلودگی بازار داخلی و خارجی	۲۸	۲	۱۴	۴۴
۲۰	وجود افراد و شرکت‌های واسطه	۲۴	۳	۱۷	۴۴
۲۱	انتقال تجربیات شیوه‌های اخذ پورسانت	۱۵	۳	۲۶	۴۴
۲۲	زیاده‌خواهی	۳۲	۲	۱۰	۴۴
۲۳	ضعف ایمانی و تربیتی	۳۹	۱	۴	۴۴
۲۴	داشتن روحیه فرصت‌طلبی و سودجویی	۳۱	۰	۱۳	۴۴
۲۵	داشتن آرزوهای طولانی	۲۳	۴	۱۷	۴۴
۲۶	وجود مشکلات و مسائل خانوادگی	۱۸	۱	۲۵	۴۴
۲۷	احساس حقارت و خودکمی‌بینی	۱۴	۸	۲۲	۴۴
۲۸	تحریک غیرمستقیم خانوادگی	۱۳	۴	۲۷	۴۴
۲۹	عدم تربیت صحیح دینی و اصالت خانوادگی	۳۱	۱	۱۲	۴۴
۳۰	پایین‌بودن سطح حقوق و مزایا	۱۹	۳	۲۲	۴۴
۳۱	تورم اقتصادی و مشکلات معیشتی	۱۵	۲	۲۷	۴۴
۳۲	دارا نبودن شغل دوم	۳	۱۹	۲۱	۴۴
۳۳	رقابت بی‌رویه در زندگی	۱۹	۴	۲۱	۴۴
۳۴	تجمل‌گرایی و اسراف	۲۸	۳	۱۳	۴۴
۳۵	عدم آگاهی به حقوق حقه و قانونی	۱۳	۱۲	۱۹	۴۴
۳۶	عدم اجرای صحیح فریضه امر به معروف و...	۱۷	۵	۲۲	۴۴
۳۷	عادی شدن و از بین رفتن قبح عمل	۳۰	۰	۱۴	۴۴
۳۸	عدم آگاه‌سازی صحیح فرهنگی	۲۸	۰	۱۶	۴۴
۳۹	عدم ترویج صحیح فرهنگ مصرف و قناعت	۱۸	۳	۲۳	۴۴
۴۰	برخورد ضعیف مسئولین و مراجع قضائی	۳۸	۰	۶	۴۴
۴۱	خفیف‌بودن مجازات	۳۰	۴	۱۰	۴۴
۴۲	عدم حضور مستمر مراجع قضائی در یگان‌ها و...	۱۳	۶	۲۵	۴۴
۴۳	عدم رعایت و برقراری عدالت اجتماعی	۱۷	۲	۲۵	۴۴

فصل دوم: بررسی راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت

پیشگیری زمانی معنا دارد که اتفاقی می‌خواهد در آینده بیفتد یا هنوز هیچ آسیبی شما را تهدید نمی‌کند. در مواقعی که آسیب بروز نماید، خود را نشان می‌دهد و ضربه خود را وارد می‌نماید، بهترین شیوه برخورد در این زمان مقابله به‌هنگام و مؤثر با آن می‌باشد. زمانی که یک بیماری وارد بدن شد، دیگر پیشگیری معنا ندارد. بایستی به فکر درمان بود. با تجویز دارو و در نهایت با عمل جراحی باید با آن بیماری مقابله نمود. در اینجا دیگر هیچ‌گونه ملاحظه‌ای صحیح نیست. چون بیماری اثر نموده و شخص را از پای درمی‌آورد؛ باید جراحی نمود.

فساد پدیده‌ای است که کم‌وبیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد؛ اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است؛ همان‌طور که پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی تفاوت دارد. در ایران نیز در سال‌های اخیر گسترش چشمگیر اخذ پورسانت و رشوه‌خواری زنگ خطر را به‌صدا درآورده است. براساس تحقیقی که از سوی بانک جهانی و سازمان ملل انجام‌شده، ایران جزو ۲۴ کشور اول فسادپذیر جهان قلمداد گردیده است (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳: صص ۱۸-۱۶).

بنابر نظر برخی مسئولین در شرایط فعلی کشور تهدیدهای اقتصادی خطرناک‌تر و سخت‌تر از دیگر تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی ارزیابی می‌گردد و هدف از این تهدیدها ناکارآمدکردن اقتصاد کشور، ممانعت از مدیریت بهینه، فرار مغزها و سرمایه‌ها، تشدید بیکاری، افزایش فقر و اختلافات طبقاتی، عقب‌ماندگی، عدم توسعه فناوری و دامن‌زدن به مفاسد اقتصادی می‌باشد.^۱ نباید تردید کرد پیشگیری از وقوع جرم در صورتی میسر است که عزم ملی و اراده دولتی بر آن قرارگیرد. در غیر این‌صورت مدیران دولتی با پنهان‌کاری و انعقاد قراردادهای غیرشفاف زمینه‌های فساد را فراهم یا تسهیل خواهند نمود؛ با تدوین و تنظیم قوانین مناسب نیز مشکلی حل نمی‌گردد؛ مگر اینکه قوانین بدست افراد صالحی که از هرگونه شائبه فساد بری هستند و بر مسند امور قرار گرفته‌اند، اجرایی شود.

اساساً مفسد اقتصادی همانند بیماری مسری در جامعه اداری، اجرائی و نظامی کشور

۱. بیانات آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه در چهاردهمین مجمع بزرگ فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

جایگاهی نداشته و از میان مردم نیز باید مطرود گردد. هرچند نظارت سالم اساسی‌ترین راه برای مبارزه با مفاسد اقتصادی است، اما دستیابی به این نظارت سالم هم وقتی عملی است فساد فراگیر نشده باشد و مفسد یا هواداران آن در خانه‌های امن ملت لانه نگزیده باشند. است در صورتی که این واقعه تلخ رخ داده باشد، نه گوش شنوایی باقی می‌ماند که حرف و نظرات مردم را بشنود و نه فریاد مظلومی را دادرسی خواهد بود. قضاوت حتی عادلانه آن به بیراهه می‌رود، مدیران سازش‌کار می‌گردند و فساد و مفسد را با تسامح و اغماض نگرسته و مفهوم عدالت و برخورد قاطع با بازی‌های سیاسی آلوده می‌گردد.

اقدام اساسی دیگری که در ریشه‌کن کردن این جرم نقش به‌سزایی دارد، تحلیل و توجیه قبح این عمل مجرمانه است که پیش از هر چیزی وظیفه رسانه‌های ارتباط جمعی و مطبوعات است. نباید گذاشت قباحات یک بزه اجتماعی در اثر تکرار محو شود، جامعه کم‌کم به آن خو بگیرد و قبح این اقدام مجرمانه از بین برود. در گذشته به‌علت نبودن روزنامه‌های آزاد در دنیا، آنها که به تخلف آلوده می‌شدند آسوده‌خاطرتر از امروز انجام کار برایشان قابل تصور بود؛ در حالی که امروزه وجود رسانه‌های آزاد، مطبوعات، شبکه‌های خبری و فضاهای مجازی و... و اختیاری که برای افشاگری دارند، خود به‌صورت یک عمل بازدارنده و کاهنده انگیزه‌ها در آمده است و درواقع مسئولیت قانون در برابر جرائم و تخلفات را مضاعف می‌کند و به‌علت عبرت‌آموزی‌هایی که از انتشار رفتار خلاف و برخورد قانون با عاملان تخلف حاصل می‌شود، درواقع زمینه‌های مفاسد از میان می‌رود یا تقلیل پیدا می‌کند.

برای حذف زمینه‌های انحراف تفکر به‌سمت سوءاستفاده، باید قدرت نظارت ارگان‌های ناظر افزایش یابد. یعنی دولت باید ضمن توجه به افزایش میزان حقوق بر نظارت خود بیفزاید و طوری امور جاری را سامان دهد که یک نفر نتواند خود هم مجری باشد هم تصویب‌کننده و هم ناظر!

از طرف دیگر یک ارتباط قوی و مثبت بین بودجه دستگاه‌های دولتی و فساد اداری وجود دارد؛ به‌طوری‌که یک درصد افزایش در بودجه دولت به قیمت ثابت موجب افزایش ۸۲٪ درصدی در پرونده‌های اختلاس، ارتشاء و پورسانت می‌شود. لذا کاهش حجم دستگاه‌های دولتی یا به‌عبارت دیگر کوچک کردن بخش دولتی می‌تواند نقش مهمی در کاهش فساد اداری داشته باشد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معناداری بین فساد

کلان (فساد در بین کارمندان عالی‌رتبه) و فساد خرد (در بین کارمندان جزء) وجود دارد. بدین ترتیب هر اقدامی در جهت کاهش فساد اداری و مالی بدون کنترل فساد در بین کارمندان عالی‌رتبه دولتی امکان‌پذیر نیست.

به هر حال پیشگیری از جرم از جمله مسائل اساسی و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران است که در قانون اساسی در اصل ۱۵۶ به این مسئله توجه جدی شده است. برابر بند ۵ اصل مذکور اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم از جمله وظایف قوه قضائیه می‌باشد. در این راستا قانون پیشگیری از وقوع جرم در صدد است با تأسیس نهادهای رسمی زمینه تدوین سیاست‌ها و راهکارهای جامع، ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های مسئول و جلب مشارکت عمومی در امر پیشگیری از جرم را فراهم آورد.

باتوجه به اینکه پیشگیری از وقوع جرم در قوانین و مقررات مختلف آمده و همچنین به وظایف سازمان‌های نظارتی در قوانین ذی‌ربط اشاره شده، لذا به منظور پرهیز از اطاله کلام، مخاطبین ارجمند را به مطالعه متن قوانین و مقررات و سازمان‌های ذی‌ربط اشاره شده ارجاع می‌دهد^۱ و در ادامه این فصل انواع و اقسام روش‌های جاری درخصوص پیشگیری از وقوع جرائم

۱. الف: راهکارهای پیشگیرانه در قوانین و مقررات: ۱- اصل ۱۵۶ قانون اساسی ۲- فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۰/۰۲/۱۰ درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی ۳- آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۳/۰۹/۰۱ ۴- قانون نحوه نظارت مجلس شورای اسلامی بر انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۱/۰۷/۲۹ ۵- قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۹۰/۸/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ۶- دستورالعمل اجرایی کمیسیون‌های پیشگیری از جرائم و تخلفات و ارتقای سلامت نظام اداری وزارت دفاع ابلاغی به شماره ۳۲۵۰/۹۳/۴۴/۳۵۷۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۵ ۷- آیین‌نامه مرجع ملی و نهاد هماهنگی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ هیئت وزیران ۸- ممنوعیت خرید کالاهای خارجی توسط نیروهای مسلح، دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی ۹- بخشنامه شماره ۶۲۶۵ مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۶ معاون اول رئیس‌جمهور به کلیه دستگاه‌های اجرایی، وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی؛ موضوع: ساماندهی اقدامات اجرایی و پیگیری‌های قضائی برای مقابله مؤثر با مفاسد اقتصادی ۱۰- قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی ۱۱- برخی ممنوعیت‌های مندرج در قانون دیوان محاسبات کشور مصوب اول شهریور ۱۳۶۶: مواد ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۵۴، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۱، ۷۹، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۱۴ و ۱۱۵- ماده ۳۰۰ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ ۱۳- لایحه پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۸۸/۲/۹ مجلس شورای اسلامی و مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۴- بخشنامه به کلیه دستگاه‌های اجرایی درخصوص نظارت دستگاه‌های ذی‌ربط به‌ویژه وزارت امور خارجه نسبت به رعایت

مورد بررسی قرار گرفته و در خاتمه راهکارهای کاربردی پیشنهادی درخصوص پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت در نهادهای دولتی و نظامی را بیان می‌نماییم:

مبحث اول: تعریف پیشگیری از وقوع جرم

پیشگیری^۱ از نظر لغوی به معنای جلوگیری است. پیشگیر یا پیشگیرنده یعنی آنکه جلوی کسی را بگیرد یا مانع کاری یا چیزی بشود و اصطلاحاً عبارت است از مجموعه اقدامات پیشگیرانه با هدف تحدیدخطر وقوع جرم از راه ناممکن‌ساختن، دشوارکردن یا کاستن از احتمال وقوع آن بدون تأکید بر مجازات (زرگری، ۱۳۹۰: ص ۱۹۴).

در تعریف دیگر پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از شناسایی، پیش‌بینی و ارزیابی عوامل وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات سازنده، کاهنده و بازدارنده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، انتظامی و قضائی که موجب از بین رفتن زمینه‌های ارتکاب جرم و مانع از تحقق آن یا کاهش جرم در عرصه فردی و اجتماعی می‌شود (اداره کل پیشگیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح پائیز ۱۳۹۳، ص ۱۱۱) ماده ۱ لایحه "پیشگیری از وقوع جرم" مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص نظام «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و

موازن حقوقی، محتوایی و نگارشی در انعقاد توافقنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی مصوب ۱۳۹۰/۰۲/۱۳ -۱۵ بخشنامه ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۲ درخصوص تشکیل ستاد پیشگیری و مبارزه با جرائم ویژه با مسئولیت رئیس کل دادگستری هر استان. ب: ارگان‌های نظارتی جمهوری اسلامی ایران: دستگاه‌های نظارتی و نوع نظارت محوله عبارتند از: ۱- ستادکل نیروهای مسلح: نظارت بر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ۲- سازمان‌های حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح (سازمان حفاظت اطلاعات ستادکل نیروهای مسلح، سازمان حفاظت اطلاعات وزارت دفاع، سازمان حفاظت اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران، سازمان حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران): نظارت امنیتی و مفسد اقتصادی باندی و کلان نیروهای مسلح ۳- وزارت اطلاعات: نظارت امنیتی و مفسد اقتصادی کلان ۴- وزارت امور اقتصادی و دارایی (ذی‌حسابی‌ها): نظارت مالی درحین خرج ۵- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی: نظارت کارکنان و نظارت عملیاتی ۶- سازمان حسابرسی: نظارت حسابرسی و مالی ۷- سازمان بازرسی کل کشور: نظارت بر رعایت قانون به‌صورت عام ۸- دیوان عدالت اداری: نظارت قضائی بر دولت و اعمال آن ۹- دیوان عالی کشور: نظارت بر اجرای قوانین در محاکم ۱۰- دیوان محاسبات کشور: نظارت مستمر مالی پس از خرج ۱۱- کمیسیون اصل ۹۰: نظارت بر رسیدگی به شکایات اشخاص از طرز کار قوای ۳ گانه ۱۲- هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و مقررات عمومی: نظارت تطبیقی بر مصوبات دولت و مجلس.

1. Prevention

اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن». پیشگیری از وقوع جرم در معانی فوق از دستاوردهای دنیای جدید است و از تقسیمات و سطوح متعددی برخوردار است.

مبحث دوم: اقسام و انواع روش‌های پیشگیری از وقوع جرم

البته درخصوص روش‌های پیشگیری از جرم میان جرم‌شناسان اتفاق نظر وجود ندارد و جرم‌شناسان هر یک باتوجه به نگرش خود در مقوله پیشگیری، انواع مختلفی را دسته‌بندی کرده‌اند. درخصوص پیشگیری از وقوع جرم، سه نوع پیشگیری را می‌توان از هم تفکیک نمود:

۱- پیشگیری کیفری (قضائی)

پیشگیری کیفری شامل کلیه اقداماتی که منجر به افزایش هزینه ارتکاب جرم می‌گردند و ابتدایی‌ترین تدابیر همانا توسل به خشونت و اعمال مجازات‌های شدید به‌عنوان کفاره یا پاداش جرم ارتكابی بوده است. کهن‌ترین سلاح جوامع انسانی اقدام‌های قهرآمیز بوده است. بیش از چهار هزار سال پیش انسان‌های اجتماعی از مصالح و ارزش‌های خود با تهدید بزهکاران بالقوه به مجازات حمایت می‌کردند و این‌گونه تصور می‌شد که شدت مجازات به‌خودی‌خود مانع بزرگی در مقابل وسوسه‌های بزهکاری ایجاد خواهد کرد (آنسل، ۱۳۷۵: ص ۵).

از این تدبیر باعنوان سیاست کیفری سرکوبگر یاد می‌شود. در این تدبیر چون کیفر بزهکار باعث پیشگیری از وقوع جرم خواهد شد، لذا به پیشگیری کیفری معروف است. همان‌طور که در بالا اشاره شد، مجرمین با محاسبه هزینه و منفعت جرم، دست به ارتکاب جرم می‌زنند. بنابراین، هر چه میزان هزینه جرم (مجازات) کمتر باشد، امکان ارتکاب جرائم بیشتر است. لذا باید بیشتر به راه‌های فرار از مجازات توجه کرد. به‌نظر می‌رسد قانونگذار با تدوین قوانین جدید، باید هزینه‌های جرائم را افزایش دهد.

انتشار حکم محکومیت قطعی در جرم اخذ پورسانت که میزان آن بالغ بر یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد، موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ می‌تواند نوعی پیشگیری قضائی قلمداد گردد.

البته بروز اشکال جدید بزهکاری و تورم پرونده‌های کیفری در زمان بروز و اجرای این نوع پیشگیری نشان از عدم کارایی آن داشته است. از این‌رو دیدگاه‌های جدید به‌جز تنبیه ظهور

کرد که در آنها توجه به نوع جرائم، شخصیت مرتکبین، مکان و زمان وقوع جرائم مورد توجه قرار گرفت. سزار لمبروزو، پزشک انریکو فری حقوقدان و گارو فارلو قاضی ایتالیائی نظام سنتی سرکوب و مجازات صرف جرم را به شدت مورد اعتراض قرار دادند و به ناتوانی در حمایت از جامعه در برابر جرم متهم ساختند (زرگری، ۱۳۹۰: ص ۶۴). پیشگیری کیفری که به پیشگیری ثالث یا سومین نیز مشهور شده براساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد به ۱- پیشگیری عام ۲- پیشگیری خاص تقسیم می‌گردد: (همان: ۷۲).

الف) پیشگیری عام

به آن بازدارندگی عام نیز می‌گویند. یک پیشگیری واکنشی جمع‌مدار یا گروه‌مدار است که با مخاطب قراردادن شهروندان از طریق رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی جمعی به دنبال پیشگیری عمومی است، مبتنی بر بازدارندگی و عبرت‌آموزی بوده و ناظر به بزهکاران احتمالی است. دو نوع اثر این پیشگیری، بازدارندگی و آموزشی است. اثر بازدارندگی آن موجب می‌گردد که مردم به علت ترس از بازداشت و مجازات، از ارتکاب جرائم خودداری کنند. اثر آموزشی آن نیز به لحاظ اقتدار و اجرای قانون است که موجب خودداری از رفتار غیرقانونی می‌گردد.

ب) پیشگیری خاص

یک پیشگیری واکنشی مجرم‌مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی که مبتنی بر اصلاح، درمان و بازسازی شخصیت اجتماعی و ناظر به بزهکاران واقعی است، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد «پیشگیری از تکرار جرم» است.

۲- پیشگیری اجتماعی

مبتنی بر تقویت قابلیت‌ها و استعدادها از طریق توسعه اجتماعی و ناظر به گروه‌های در معرض خطر برای اجتماعی شدن است. این پیشگیری شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنان و سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی، به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است (زرگری، ۱۳۹۰: ص ۷۶). به عبارت دیگر پیشگیری اجتماعی را می‌توان کلیه اقداماتی دانست که منجر به کاهش ارزش هدف می‌گردد و در آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی مهم‌ترین اصل می‌باشند. درواقع پیشگیری اجتماعی به معنای از بین بردن زمینه‌های ارتکاب

جرم بوده و به دنبال اجتماعی کردن و هم‌نواستن افراد با قواعد، قوانین و مقررات موجود جامعه با استفاده از آموزش است.

در پیشگیری اجتماعی میان متغیرهای درون‌سازمانی، برون‌سازمانی و درون فردی تأثیر زیادی وجود دارد که سبب بروز جرائم می‌گردند. این عوامل دارای ابعاد گسترده‌ای هستند و وقتی که با هم تلفیق می‌شوند، جرائم بروز پیدا می‌کنند. پیشگیری اجتماعی دایره گسترده‌ای از اقدامات اجتماعی، اقتصادی و... را شامل می‌شود که باید در سطح جامعه صورت گیرد تا آمار جرم به حداقل برسد.

۳- پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی مبتنی بر تقویت نهادهای انتظامی و ناظر بر قربانیان احتمالی است و کلیه فعالیت‌ها و اقداماتی که منجر به کاهش فرصت مجرمانه می‌شوند را شامل می‌شود. این پیشگیری باید از طریق سیاست‌هایی بدست بیاید که مجرمین ناشناخته را متقاعد نماید که از فعالیت‌های جنایی دست بکشند، عملکردهایشان را به تعویق بیندازند یا از هدف خاصی اجتناب کنند. لذا در این حالت زمانی اقدامات مجرمانه متوقف می‌شود و پیشگیری معنای واقعی را پیدا می‌کند که اقدامات زیر توسط دستگاه‌های نظارتی به‌طور کامل انجام شود:

- اهداف با دقت محافظت شوند.
- وسایل ارتکاب جرم کنترل شوند.
- مجرمین بالقوه به‌دقت تحت نظر قرار گیرند (همان: ص ۸۸)

لذا در رابطه با این پیشگیری می‌توان به اقداماتی اشاره کرد که فرصت انجام عمل مجرمانه را از مرتکبین می‌گیرند. در این رابطه می‌توان به طراحی سازه‌ها و ساختمان‌ها اشاره نمود. ایجاد ساختارهای قوی نظارتی در یک صنعت یا در یک مجموعه بازرگانی می‌تواند ایجاد هرگونه بستر و زمینه ارتکاب بزه اخذ پورسانت را به حداقل برساند.

مبحث سوم: پیشگیری وضعی و راهکارهای عملیاتی ارائه شده در خصوص پیشگیری از

وقوع جرم اخذ پورسانت در معاملات

نظر به اینکه در فصل پنجم عوامل وقوع جرم اخذ پورسانت در نیروهای مسلح مورد تأکید و بررسی قرار گرفت، باتوجه به اهمیت و حساسیت نیروهای مسلح و لطامات جبران‌ناپذیری که از بابت ارتکاب به جرم اخذ پورسانت بر نیروهای مسلح وارد می‌آید، در این فصل نیز سعی گردیده براساس پرونده‌ها و سوابق مطروحه و تجربیات تحصیل‌شده و استفاده از نظرات قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های مذکور و همچنین با استفاده از منابع موجود،^۱ (اداره کل پیشگیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح، ۱۳۹۳: ص ۲۱) راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت در حوزه وزارت دفاع و نیروهای مسلح ارائه و البته این راهکارها قابل تسری و تعمیم به سایر دستگاه‌های دولتی نیز می‌باشند:

۱- در حوزه نظارت، کنترل و بازرسی

یکی از اصول مدیریت موضوع کنترل و نظارت می‌باشد. در بررسی‌های مختلف ازجمله بررسی بر روی سوابق پورسانت، این امر کاملاً روشن و شفاف است که متأسفانه مسئولین ذی‌ربط بر امور محوله به کارکنان تحت‌امر خود نظارت و کنترل صحیحی ندارند. این امر می‌تواند نشانگر بی‌تعهدی یا ضعف مدیریتی و... باشد که در هر صورت زمینه ارتکاب جرائم ازجمله پورسانت را برای برخی کارکنان فرصت‌طلب فراهم می‌کند.

۱-۱ وظیفه بازرسی و نیروهای حفاظت اطلاعات در پیشگیری از جرم در نیروهای مسلح

وظیفه اصلی تشخیص، پیشگیری و خنثی‌نمودن تخلفات و انحرافات اشاره‌شده با بازرسی و حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح است که با درایت و توان بالا و با آگاهی از مواردی که به‌عنوان نمونه در فصل قبل ذکر شد، اطلاع و کسب مهارت‌های لازم فنی، تخصصی، بازرگانی، حقوقی، مالی و... بایستی در بخش‌های مختلف اجرائی قرارداد وارد شوند. آنها باید همه جوانب قرارداد را تحت کنترل قرار دهند و با علم و اطلاع از یافته‌های مذکور انحرافات را در مرحله جرقه و شروع تخلف تشخیص داده و در نطفه خفه نمایند تا عده‌ای از کارکنان که

۱. بازرسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ جزوه عوامل بروز جرائم مالی و اقتصادی؛ تهران: ۱۳۹۲.

ناخواسته در این راه گام برداشته‌اند، قبل از غرق شدن در آن نجات یابند و با آگاهسازی به موقع نیروها، سودجویان را از اهداف خود ناامید سازند.

۱-۲ نظارت و برخورد قاطع با متخلفین

نظارت دقیق و حساب شده بر ادارات، مدیران، کارمندان و زیرمجموعه‌ها و برخورد قاطع با افراد متخلف و قانون‌ستیز، آخرین وسیله و ابزار برای جلوگیری از فساد اداری به حساب می‌آید. از این‌رو، مدیریت کلان جامعه باید با کنترل و نظارت، افراد سودجو و متخلف را شناسایی و از بدنه نظام اخراج کند.

هنگامی که خدمت حضرت علی (ع) خبر می‌رسد که «ابن‌هرمه» - که از جانب «رفاعه بن شداد» مأمور نظارت بر بازار اهواز بود - خیانت کرده و از بازاریان رشوه و باج گرفته است، آن حضرت به «رفاعه» نامه می‌نویسد و به او دستور می‌دهد: «ابن‌هرمه را از کار برکنار کن و به اطلاع مردم برسان. او را زندانی کن و اعلام نما هرکسی شکایتی دارد، بیاید. ضمناً برکناری او را به تمام کارگزاران اعلام کن! سعی نما در برابر کاری که از تو خواسته‌ام دچار غفلت و سستی نشوی که دچار هلاکت می‌شوی و به بدترین شکل تو را عزل می‌کنم و... در هر جمعه او را از زندان بیرون بیاور! اولاً سی‌وپنج تازیانه به او بزن، ثانیاً اعلام کن هرکسی نسبت به او شکایتی دارد با شاهد بیاید و بعد از اثبات حق شاکی، از اموال «ابن‌هرمه» حق او را بده و مجدداً با خواری و ذلت او را به زندان ببر و پای او را در غل و زنجیر کن و فقط هنگام نماز او را آزاد بگذار» (النوری الطبرسی، ۱۳۲۰ ه ق ۱۳۶۸: ص ۴۳۰). اگر سیره عملی حضرت علی (ع) و ائمه (ع) در زندگی فردی و اجتماعی ما مراعات شود یا با چند مورد از متخلفین، آن‌گونه که امام علی (ع) می‌فرمایند برخورد قاطع و جدی صورت گیرد، قطعاً افراد سودجو و متخلف، متوجه می‌شوند و سر تسلیم در برابر قانون فرود خواهند آورد.

۱-۳ نظارت بر قراردادهای و کیفیت اجرا و سیر مراحل انعقاد قراردادها:

اعمال سیستم نظارت و کنترل مناسب بر انجام خرید، فروش، قراردادهای داخلی و خارجی، مناقصه‌ها و... با رعایت اصل اعتماد و همچنین بررسی تصادفی فاکتورهای خریدی.

۱-۴ اتخاذ تدابیر لازم در جهت حفظ اطلاعات معاملات

۱-۵ نظارت و کارشناسی در زمان تحویل گرفتن اجناس از حیث انطباق با نمونه خریداری شده

۶-۱ کنترل و نظارت دقیق، مستمر و همه‌جانبه با استفاده از ابزارهای نوین بر عملکرد کلیه مدیران و کارکنانی که در امور بازرگانی و معاملات فعالیت و اشتغال دارند.

۷-۱ ضرورت حضور نماینده بازرسی، عقیدتی‌سیاسی و حفاظت‌اطلاعات در کمیسیون‌های مزایده‌ها و مناقصه‌ها

۸-۱ لزوم استقلال مسئولین بازرسی: بازرسی یگان‌ها غالباً تحت‌نظر و سرپرستی مسئولین یگان هستند و این امر موجب گردیده که بازرسی‌ها نتوانند به نحو احسن وظایف و تکالیف خود را انجام دهند. لذا ضروری است با تأسی از سازمان‌های حفاظت‌اطلاعات و عقیدتی‌سیاسی نیروهای مسلح که روسای آنها به‌موجب قانون توسط فرماندهی معظم‌کل قوا در نیروهای مسلح انتخاب می‌گردند و از نظر سلسله‌مراتب تحت فرماندهی ستادکل نیروهای مسلح می‌باشند، درخصوص بازرسی یگان‌ها نیز قوانین مذکور تسری یابد. این موضوع به‌عنوان یک خلأ بسیار جدی خصوصاً در نیروهای مسلح است؛ چرا که در مقوله حیطه‌بندی و رعایت آن که مورد تأکید ستادکل نیروهای مسلح و سایر مبادی و مراجع قانونی است و همچنین به‌موجب قوانین موجود، موضوع رسیدگی به جرائم امنیتی، شبه‌امنیتی، جرائم بانندی و خرابکاری در نیروهای مسلح بر عهده حفاظت‌اطلاعات‌های نیروهای مسلح است. جرائم سیاسی، اعتقادی و اخلاقی در نیروهای مسلح نیز بر عهده سازمان‌های عقیدتی‌سیاسی نیروهای مسلح می‌باشد. صلاحیت رسیدگی، پیگیری و برخورد با جرائم غیرامنیتی، غیربانندی و غیراخلاقی بر عهده بازرسی یگان‌ها می‌باشد. لذا بدیهی است با این توصیف انتظار تحصیل دستاوردهای مطلوب در حوزه بازرسی در نیروهای مسلح وجود ندارد و یکی از دلایل رشد چشمگیر جرم و تخلف در نیروهای مسلح نیز به‌علت اطلاع مجرمین از وجود این نقطه‌ضعف می‌باشد.

۹-۱ تشکیل کمیسیون دریافت، جهت نظارت بر کیفیت و کمیت اqlام خریداری‌شده از طرف مباشرین خرید

۱۰-۱ تشکیل کمیته نظارتی متخصصین در امر قضائی و محاسباتی به‌منظور نظارت و بررسی اسناد مالی

۱۱-۱ حسابرسی از عاملین خرید در مقاطع زمانی مشخص

۱۲-۱ تعامل نزدیک بین واحدهای نظارتی از جمله حفاظت‌اطلاعات، عقیدتی‌سیاسی و بازرسی با یکدیگر و با مراجع اطلاعاتی کشور مانند وزارت اطلاعات، بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات

و... جهت جلوگیری از موازی‌کاری در راستای تدابیر مقام معظم رهبری مبنی بر همدلی و هم‌زبانی ملت و دولت در جهت تحقق و دستیابی به اهداف عالی وزارت دفاع و نیروهای مسلح

۱-۱۳ انجام تحقیق و بررسی همه‌جانبه برای یافتن منابع سالم تأمین بازار

۱-۱۴ اخذ کلیهٔ استعلام‌ها به‌صورت حضوری و در پاکت‌های مخصوص توسط کارشناسان متعهد نیروها

۱-۱۵ ایجاد سازوکارهای مناسب برای انجام انواع حسابرسی از قبیل حسابرسی داخلی، مستقل، مالیاتی، مالیات بر ارزش‌افزوده و سامانهٔ کشف تقلب و داده‌کاوی

۱-۱۶ ایجاد اداره‌ای متمرکز جهت هدایت و نظارت خرید یکپارچه و عمده در راستای رفع نیازهای کل سازمان

۱-۱۷ ایجاد کمیسیون‌های تخصصی و مختلف جهت انتخاب و انتصاب افراد شایسته و دارای سابقهٔ مثبت جهت پست‌های حساس بازرگانی و خرید. لازم به ذکر است که در پرونده‌های متعدد دیده‌شده که مرتکبین جرائم رابطهٔ استخدامی ساعتی و قراردادی با یگان‌ها داشته‌اند و اختیارات بسیاری نیز توسط فرماندهی به ایشان بدون هیچ‌گونه نظارتی واگذار گردیده است.

۱-۱۸ ایجاد سیستم و سازوکار دقیق جهت پرداخت طلب افراد: در پرونده‌های مطروحه غالباً دیده‌شده که پرداخت چک‌ها و مطالبات پیمانکاران و طرفین خرید نیز توسط کارگزاران و مأمورین خرید پرداخت گردیده است. این موضوع نیز یکی از نقاط سوءاستفاده بوده است.

۱-۱۹ واریز وجه به حساب طرف قرارداد نه مأمور خرید: در پرونده‌های متعدد ملاحظه‌شده که مبالغ بابت خریدها به حساب شخصی کارگزاران و مأموران خرید واریز تا توسط وی به فروشندگان و طرفین قرارداد پرداخت گردد که این موضوع اکیداً توصیه نمی‌گردد و تحت هر عنوان می‌بایست از این موضوع خودداری گردد.

۱-۲۰ ممنوع کردن دادن چک شخصی به افراد طرف قرارداد: این مورد نیز از مواردی است که از شیوه و شگرد و سوءاستفاده در پرونده‌ها تحصیل گردیده است.

۱-۲۱ ممنوع کردن هر نوع رابطهٔ مالی یا انجام هر نوع کار با افراد طرف قرارداد یا پیمانکار: در مواردی مجرمین جهت فرار از اجرای قانون اعلام نموده‌اند که با طرف قرارداد همکاری در سطح مشاوره و... داشته‌اند و مبالغ اخذشده بابت خدمات آنها به شرکت‌های طرف قرارداد بوده است. لذا جهت پیشگیری از بروز هرگونه جرم و تخلف ضروری است مأمورین خرید و کارگزاران

یا اقرباء و اقوام مندرج در تبصره ۸ ماده یک قانون منع مداخله کارکنان در معاملات دولتی مصوب ۱۳۳۷ از هرگونه ارتباط، همکاری و ایجاد رابطه مالی با شرکت‌های طرف قرارداد خودداری نمایند. تفهیم کتبی موارد فوق به تحویل‌گیرندگان وجوه، اموال و برخورد انضباطی حتی قبل از وقوع جرم (اخذ تعهدنامه کتبی در این خصوص)

۲۲-۱ تدوین قوانین و مقررات بازدارنده و اجرای صحیح آنها بدون کوچک‌ترین چشم‌پوشی
۲۳-۱ نظارت دقیق بر انجام صحیح امور مالی و بازرگانی براساس قوانین و مقررات موجود و آیین‌نامه‌های معاملاتی

۲۴-۱ ایجاد مقررات مالی توسط بانک مرکزی و محدودیت همراه با نظارت درخصوص گردش و واریز مبالغ بالای مثلاً ده میلیارد ریال توسط بانک‌های کشور
۲۵-۱ شیوه نظارت و کنترل به‌گونه‌ای باشد که همه کارکنان به این احساس و درک برسند که تمام رفتار و عملکرد آنان تحت کنترل می‌باشد.

۲۶-۱ اخذ نظرات کارشناسان حقوقی قبل از انعقاد هرگونه قرارداد
۲۷-۱ اعتبارسنجی و ارزیابی مستمر و اطمینان از اهلیت و توانمندی طرف‌های قرارداد
۲۸-۱ احراز نمایندگی شرکت‌های ایرانی یا خارجی طرف قرارداد براساس اسناد و مدارک ابرازی، استعلام از مراجع ذی‌صلاح و خودداری از انعقاد قرارداد با نمایندگان شرکت‌های خارجی بدون احراز سمت قانونی و بررسی و تعیین میزان مسئولیت اصیل و نماینده در قرارداد منعقد

۲- آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاهسازی

۲-۱ برگزاری کلاس‌های آموزشی تخصصی و توجیهی برای مأمورین خرید و فروش
۲-۲ ارتقاء توان علمی و تخصصی کارشناسان و مدیران عملیاتی در روند رسیدگی و پیگیری سوابق عملیاتی با بهره‌گیری از طرح‌های نوین و کاربردی، استفاده از مدیران کارشناسان باتجربه و زبده اطلاعاتی و عملیاتی جهت مراقبت کلیه مسئولان و مدیران وزارت دفاع و نیروهای مسلح که در امور اقتصادی فعالیت دارند و نهایتاً برخورد صحیح قضائی و جدی با متخلفان بدون چشم‌پوشی و اعمال هرگونه ملاحظه‌ای

۳-۲ انجام تبلیغات پیرامونی با استفاده از منابع فقهی و حقوقی در محل‌های مناسب

۴-۲ استمرار در آموزش و جایگزینی مباشرین خرید قبلی با نفرات جدید

- ۵-۲ استفاده از فناوری‌های نوین و کاهش استفاده از نیروی انسانی در پرداخت‌های نقدی
- ۶-۲ رعایت دستورالعمل‌های ابلاغی در انتخاب مباشرین خرید
- ۷-۲ شفاف و واضح‌بودن شیوه و دستورالعمل پرداختی در یگان‌ها
- ۸-۲ انجام استعلامات لازم و شناسایی فروشنده‌های باانصاف
- ۹-۲ ارسال و ابلاغ به‌موقع آیین‌نامه و دستورالعمل‌ها با موضوع مناقصه یا معاملات به مبادی ذی‌ربط
- ۱۰-۲ اطلاع‌رسانی به‌موقع زمان و مکان برگزاری مناقصه‌ها یا مزایده‌ها به بازرسی آن یگان
- ۱۱-۲ ارجاع امر به داور یا کارشناسی صالح و متعهد به هنگام بروز هرگونه مشکل و ابهام در مفاد قرارداد جهت جلوگیری از هرگونه تبانی
- ۱۲-۲ عملیاتی‌نمودن سامانه‌های ارزیابی (سامانه خرید خارج، سامانه قرارداد، سامانه مناقصات، سامانه خدمات پس از فروش و سامانه هوش مصنوعی BI) درخصوص شرکت‌هایی که با نیروهای مسلح همکاری دارند.
- ۱۳-۲ اخذ استعلام واقعی قیمت از برخی اجناس خریداری‌شده به‌صورت تصادفی از منابع خرید متفاوت
- ۱۴-۲ آموزش راههای نفوذ مفسدین اقتصادی در مجموعه‌های دولتی و نظامی و در بین کارمندان با عناوین مختلف
- ۱۵-۲ از طرف دیگر بایستی آموزش‌های لازم در هر بخش و متناسب با هر تخصص به سیستم‌های نظارتی (بازرسی و حفاظت) داده شود تا مثلاً بازرسی یا حفاظت‌اطلاعات باتری‌سازی از مراحل ساخت یک باتری، اطلاعات فنی و تخصصی آن آگاهی داشته باشد و پیوست‌های فنی مربوطه را بتواند بررسی نماید. مثلاً بازرسی یا حفاظت‌اطلاعات خودروسازی بایستی از آگاهی‌های تخصصی مربوطه به خودرو برخوردار باشد؛ چرا که انحرافات از کمی اطلاع نشات می‌گیرد و ضروری است بازرسی‌ها و حفاظت‌اطلاعات‌های نیروهای مسلح، کارشناسان و متخصصان مطلع و امین در اختیار داشته باشند تا همه امور از جمله پیوست فنی، قیمت، نیاز، کیفیت و... را بررسی و نظر نهایی را بدهند.
- ۱۶-۲ ایجاد تشکلهای منسجم جهت به‌روزرسانی اطلاعات و آگاهی کارکنان واحدهای نظامی
- ۱۷-۲ برگزاری مستمر کلاس‌های آموزشی و توجیهی جهت افزایش سطح آگاهی و شناخت

کارکنان از قوانین و مقررات و عواقب و تبعات سوء جرائم اقتصادی

۲-۱۸ ضرورت احیاء عملی فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اشاعه آن در یگان‌ها و در سطح وزارت دفاع، نیروهای مسلح و تشکیلات دولتی به گونه‌ای که همه افراد نسبت به یکدیگر احساس دوستی و مسئولیت نمایند.

۲-۱۹ آگاه‌ساختن افکار عمومی نسبت به تخلفات و زد و بندهای مالی و معاملاتی

۲-۲۰ برنامه‌ریزی برای یک کار فرهنگی بلندمدت در سطح فرهنگ ملی

۲-۲۱ حضور مستمر مقامات قضائی در یگان‌های نیروهای مسلح در جهت آگاه‌سازی و ارتباطات نزدیک و صمیمی آنان با کلیه کارکنان می‌تواند اثرات مثبتی در پیشگیری از وقوع جرائم داشته باشد و زمینه را برای پیشگیری از ارتکاب جرائم از جمله پورسانت فراهم نماید.

۳- وضع و اصلاح قوانین و مقررات

۳-۱ ضابطه‌مندبودن امور در نظم یک سیستم، پیاده‌شدن برنامه‌ها و دستیابی به اهداف آن بسیار مؤثر است. بدیهی است هرکجا روابط جای ضوابط را بگیرد، در نظم آن سیستم اخلاص ایجاد می‌کند. لذا رعایت ضوابط و مقررات در مجموعه‌های دولتی و نظامی یکی از راهکارهای اساسی پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت می‌باشد.

۳-۲ شناسایی و رفع خلأهای قانونی در برخورد با متخلفین: خلأ مقررات قانونی در برخورد با سوءاستفاده و بهره‌مندی مفسدین اقتصادی، سیاسی و پول‌شویی، ثروت‌های نامشروع تحصیل‌شده در داخل کشور و همچنین انتقال ثروت‌های نامشروع خود به خارج از کشور، بانک‌های خاص و حساب‌های ناشناخته از عوامل ایجاد فساد اقتصادی است که نیازمند وضع قوانین جدید است.

۳-۳ هدف قانونگذار از وضع تبصره ۳ ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و تبصره ۳ ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم ن.م.م. مصوب ۱۳۸۵ و به رسمیت‌شناختن پورسانت و صدور مجوز اخذ آن، به دلیل فراوانی آن خصوصاً از سوی فروشندگان و منابع خارجی بوده است. متأسفانه این تبصره دستاویزی برای افراد متخلف قرار گرفته و با ظاهرسازی و فریبکاری ضمن اخذ پورسانت به‌طور آشکار از منابع داخلی و خارجی، متأسفانه علاوه بر واریز کل یا بخشی از پورسانت‌های مأخوذه به حساب‌های خود، موجبات اغفال و گمراهی مسئولین و دستگاه‌های ذی‌ربط را فراهم می‌سازند.

۳-۴ اصلاح و وضع قانون در ارتباط با ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ ناظر به ماده ۳۶ همان قانون که اخذ پورسانت در معاملات خارجی را در صورتی که بیش از یک میلیارد ریال باشد را از شمول مرور زمان خارج کرده است و این موضوع به معاملات داخلی تسری داده است. لذا در صورت اصلاح قانون اشکالات موجود در خصوص برخورد با جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی برطرف و موجب پیشگیری خواهد شد.

۳-۵ انجام اقدامات موردنیاز در خصوص مزایده و مناقصه اموال سازمان براساس دستورالعمل‌های ابلاغی

۳-۶ انجام اصلاحات در اساس‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی سازمان با رویکرد انعطاف‌پذیری و متناسب با نیاز سازمانی و شرایط اقتصادی جامعه

تدوین مقررات جزائی متناسب و بازدارنده: کاهش مجازات حبس، زندان و افزایش جزای نقدی نه تنها موجب تقلیل هزینه‌های دولت می‌شود، بلکه علاوه بر دستیابی دولت به اموال خود، از نفوذ و حمایت‌های اشخاص ذی‌نفوذ نیز جلوگیری می‌کند. همچنین انتشار حکم، نام و مشخصات مرتکبین و محکومین به اخذ پورسانت در نشریات رسمی کشور نیز می‌تواند در خصوص پیشگیری از ارتکاب این جرم مفید باشد. البته این موضوع توسط قانونگذار در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ دیده شده و در صورتی که میزان اخذ پورسانت بالغ بر ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد مرجع قضائی مکلف است حکم محکومیت قطعی صادره را در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر نماید.^۱

۱. البته قانونگذار جمهوری اسلامی ایران سابقاً در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۴ با تصویب قانون طرح اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن مقرر نموده بود: «الف- تبصره (۱) ماده (۱۸۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۱- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افترا است.

ب- تبصره‌های ذیل به عنوان تبصره‌های (۳)، (۴) و (۵) به ماده (۱۸۸) الحاق می‌گردد:

تبصره ۳- در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوءاستفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرائم گمرکی، جرائم

۳-۷ پیش‌بینی مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی برای مرتکبان جرم اخذ پورسانت مشابه آنچه در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری می‌باشد، مقرر شده است. اعمال مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی که علاوه بر قطع ایادی ناپاک از بدنه نظام اسلامی، مستلزم افشاء تخلفات و تجلی برخورد قاطع با متخلفین خواهد بود.

۳-۸ تصویب طرحی به‌منظور اختصاص درصدی از مبالغ پورسانت‌های اخذ و پرداخت‌شده تحت‌عنوان حق‌الکشف، مشابه ماده ۷ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام برای کسانی است که افشاء این مفاسد را به عهده دارند.

۳-۹ تعمیم مقررات مندرج در ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ نسبت به معاملات داخلی و کلیه معاملاتی که یک طرف آن دولت و مؤسسات تابعی آن می‌باشند که در این زمینه ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و تبصره ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تدوین گردیده است.

۳-۱۰ تشکیل یک مرجع اختصاصی و دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی برای رسیدگی به این جرائم و همچنین تقویت و تحکیم شأن و منزلت قضات و کارمندان قوه قضائیه از حیث مادی و معنوی: در زمینه بازنگری در قوانین کیفری در ارتباط با برخورد

مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به‌طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرائم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم‌علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود؛ مشروط به آنکه ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.

۴- تبصره - مرجع تجدیدنظر موظف است حداکثر ظرف مدت شش‌ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید. در صورت تأخیر بدون عذر موجه قضات شعبه رسیدگی‌کننده به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر محکوم می‌شوند.

۵- تبصره - هریک از مقامات قضائی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف نماید یا به نحوی از انحاء مانع از اجرای آن گردد، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

قانون فوق مشتمل بر ماده‌واحد در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و چهارم خردادماه یک هزار و سیصد و هشتادوپنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۳۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.»

قانونی با جرم اخذ پورسانت به‌نظر می‌رسد کمبود قانون جزایی نقش اساسی ندارد، بلکه با قوانین جزایی موجود هم امکان برخورد قضائی فراهم است؛ ولی ضعف در اجرا از ناحیه برخی قضات وجود دارد. تشکیل دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی و همچنین تقویت و تحکیم شأن قضات و کارمندان قوه قضائیه از حیث مادی و معنوی به‌منظور دستیابی بر قابلیت و توانایی بیشتر این قوه در برخورد با این مفاسد، از دیگر راهکارهای عملی در این راستا می‌باشد. توسعه همکاری واحدهای حراست مراکز اقتصادی و مؤسسات بانکی، پولی و مالی با حفاظت و اطلاعات دادگستری هم قطعاً موجبات کمک به کشف جرائم اقتصادی و عوامل مخل اقتصاد و امنیت عمومی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر اجرای قوانین متروک یا مقرراتی که به‌طور ناقص اجرا شده مانند قانون اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و همچنین قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، قوانین مناسبی هستند که هنوز به مرحله اجرا درنیامده‌اند.

۱۱-۳ قاطعیت در اعمال مجازات‌ها: آخرین نکته که رعایت آن اهمیت زیادی دارد این است که برخورد قضائی قاطع با مجرمین اولین و مهم‌ترین راهکار این بخش است که دستگاه قضا باید با قاطعیت و به‌طور دقیق مفاد قوانین مذکور را به اجرا بگذارد و عملکرد قوه قضائیه می‌بایست به‌نوعی انعکاس یابد تا در جامعه متهم به سیاسی‌کاری و جناحی عمل کردن نشود؛ چرا که در این‌صورت اعتماد عمومی نسبت به نهاد قضاوت در کشور دچار منفی‌بافی خواهد شد. مردم به‌ویژه در زمینه مفاسد اقتصادی عادت دارند که به‌سرعت به خیال‌بافی دست‌زده و پازل‌های توطئه و زدوبند را کنار هم بچینند. به‌هرحال مبارزه با مفاسد اقتصادی هم‌اکنون تمامیت قوه قضائیه را در بوته امتحان و در معرض آزمون جهاد بزرگی قرار داده است. قطعاً سرافرازی در این آزمون، ساحت نظام و اداره کشور را از لوٹ متجاوزان به بیت‌المال پاک می‌کند.

۱۲-۳ برخورد قضائی عادلانه، قاطع و شفاف با متخلفان اقتصادی و مصادیق فساد بدون تأثیرپذیری از مقامات و دستگاه‌ها و جلوگیری از اعمال نفوذها

۱۳-۳ وجود ابهام، نقص و فقدان شفافیت لازم در ضوابط و مقررات نیز بسترسازی مناسبی برای مفاسد اقتصادی ایجاد کرده است که این معضل نیازمند صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هایی شفاف‌ساز در مؤسسات دولتی، صنعتی، نظامی و بانک‌ها می‌باشد.

۴- گزینش، جذب و به‌کارگیری

۴-۱ عدم واگذاری مشاغل خرید و بازرگانی به افراد فاقد صلاحیت

۴-۲ گزینش، انتخاب، انتصاب و به‌کارگیری کارکنان و مدیران صالح، مؤمن، متعهد، امانت‌دار، مطمئن و دلسوز با سوابق روشن به‌ویژه در مشاغلی که احتمال فساد مالی در آنها به‌مراتب بیشتر از سایر مشاغل است و همچنین آگاه به مسائل بازرگانی، خرید و بازارهای داخلی و خارجی.

۴-۳ جابه‌جایی و انتقال عاملین خرید و کارپردازان هر سه سال یکبار از مشاغل بازرگانی و جلوگیری از انتصاب عاملین خرید و کارپردازان بیش از سه سال مالی
۴-۴ گرفتن تأییدیه‌های لازم از قبیل: فنی و مدیریتی از وزارت دفاع و نیروهای مسلح درخصوص پیمانکارانی که ارتباط کاری با نیروهای نظامی دارند.

۵- امور معیشتی، روحی، رفاهی و فرهنگی

۵-۱ کاهش فاصله طبقاتی: بخشی از مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی مثل شیوع پورسانت‌خواری، معلول فاصله‌های طبقاتی است که در رده‌های مختلف اجتماع به چشم می‌خورد. هرگاه افراد جامعه متوجه شوند که عده‌ای با استفاده از پارتی‌بازی و رانت‌بازی مناصب دولتی را تصاحب کرده و در عرصه‌های اقتصادی و بدست‌آوردن ثروت‌های بادآورده، یک‌شبه راه صدساله را طی کرده و به زندگی‌شان سروسامان بخشیده‌اند، آنان به طمع می‌افتند و به سمت‌وسوی خلافت‌کاری و قانون‌ستیزی کشیده می‌شوند. ولی در صورتی که «عدالت اجتماعی» در جامعه پیاده شود، قطعاً خیلی از مشکلات و نارسایی‌ها حل‌وفصل خواهد شد.

۵-۲ پیروی از الگوی صحیح مصرف، تقویت صفت پسندیده قناعت در زندگی و آموزش به خانواده: فرهنگ صحیح مصرف متفاوت با اسراف است و قناعت بزرگ‌ترین سرمایه است. اگر این دو موضوع در هر جامعه‌ای جا افتاده و رواج یابد، منابع حیاتی حیثیت و میل نمی‌شود و کسی به اموال دیگری دست‌درازی نمی‌کند. هر کس به اندازه تلاش خود بهره‌مند می‌شود و به درست مصرف‌نمودن عادت می‌کند. برخی از صفات ناپسند از جمله حرص و طمع به سراغ افراد نخواهد آمد و درگیر گناه و جرم نخواهند شد. اگر دنیا را به انسان ببخشند، لیکن این انسان قناعت نداشته باشد همه را به باد فنا می‌دهد.

۳-۵ زیاده‌خواهی به‌عنوان یک انگیزه درونی با دارابودن بار منفی مطرح می‌شود. تفسیر آن یعنی اینکه خواسته افراد بیشتر از آنچه مقرر شده، می‌باشد. وی برای دستیابی به این خواسته، توجیهات مختلفی نیز برای خود تعیین می‌کند و دیگر هیچ جای شکی برایش باقی نمی‌ماند که وجه یا مال تحصیل‌شده وجاهت شرعی و قانونی دارد یا خیر! چرا که خود را مالک حقوق از دست‌رفته خود می‌داند. لذا زیاده‌خواهی انگیزه شخص جهت ارتکاب به جرم ازجمله پورسانت را افزایش می‌دهد.

۴-۵ دادن اختیارات کافی به مدیران برای تشویق مباشرین در معاملات

۵-۵ درنظرگرفتن منابع مالی برای تشویق و پاداش به مباشرین خرید به فراخور عملکرد خوب ایشان

۶-۵ ایجاد تسهیلات لازم برای مأمورین خرید و افراد مرتبط

۷-۵ تأمین مالی مستخدمین از طریق پرداخت حقوق و مزایا و تأمین نیازهای معیشتی و اقتصادی مسئولان و متصدیان امور مالی-بازرگانی، قراردادهای مناقصه‌های داخلی و خارجی و...
۸-۵ تشویق به‌موقع و شایسته از مدیران و کارکنان: تشویق به‌موقع و شایسته از مدیران و کارکنانی که با صداقت و وجدان‌کاری در انجام امور مالی، بازرگانی، مناقصه‌ها و... از هیچ کوششی دریغ ننموده و با جدیت در پیشبرد امور صنعت فعالیت می‌نمایند. تشویق یکی از ابزارهای مدیریتی است که در ایجاد انگیزه فعالیت بیشتر کارکنان نقش بسیار مؤثری دارد. کارکنانی که خودجوش و ساعی هستند انتظار برخورد صحیح تشویقی از سوی مسئولین مربوط را دارند که متأسفانه در برخی از مسئولین این امر به فراموشی رفته یا اینکه براساس سلیق شخصی خود در ارائه تشویق سختگیری‌های افراطی داشته و باعث ضایع‌شدن حق افراد ساعی می‌گردند.

۹-۵ تشویق به‌موقع کارشناسان عملیاتی و اطلاعاتی که بر روی پرونده‌های مفاسد اقتصادی فعال می‌باشند و رفع مشکلات و مسائل فکری و اقتصادی آنان

۶- تقویت بنیه‌های اخلاقی و اعتقادی

۱-۶ غیراخلاقی و مذموم‌شمردن عمل اخذ پورسانت در جامعه: گرچه قاطبه مردم شریف ایران انسان‌های اخلاق‌مداری هستند، ولی همواره رعایت این فضیلت‌های اخلاقی و عدم ارتکاب رذایل به‌عنوان امری فردی رواج داشته است و متأسفانه ما شاهد هستیم که در این کشور

افرادی هستند که نه تنها اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کنند، بلکه درصددند تا اقدامات خود را نیز اخلاقی جلوه دهند. بدین معنا که در نظر این افراد انجام دادن کارها به طرق غیرمتعارف، غیراخلاقی و غیرقانونی سهل تر از انجام دادن کارها از مجاری قانونی و اخلاقی است. لذا سعی می‌کنند ارتکاب جرم اخذ پورسانت را طبیعی جلوه نمایند و به عنوان یک رذیله اخلاقی در اجتماع مطرح نباشد. بدین جهت می‌توان با اخلاقی کردن و روشن کردن جامعه، به عنوان عامل بازدارنده ارتکاب بزه استفاده نمود.

۲-۶ فرهنگ سازی خودکنترلی براساس خداگرایی، مراقبه و محاسبه: بخش اعظمی از مشکلات، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی زاییده و معلول تربیت غلط و آموزش ناسالم است. هرگاه انسان از نظر اخلاقی و اعتقادی تربیت سالم داشته و به این مرحله‌ای از باور نائل شده باشد که اعمال کوچک و بزرگ و خوب و بد او در دادگاه عدل الهی دقیقاً محاسبه می‌شود و کیفر و پاداش متناسب با آن، بلکه شدیدتر و قوی تر را به دنبال خواهد داشت، دست و پای خود را جمع خواهد کرد. هر قدر این باور و اعتقاد نسبت به احکام الهی، اسلامی و اخلاق انسانی بیشتر شود، ضریب اعتماد، اطمینان و درستکاری در بین آحاد جامعه سیر صعودی پیدا خواهد کرد.

۳-۶ تلاش سازمان‌های عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و نیروهای مسلح در جهت آموزش و آگاه سازی کارکنان: سازمان‌های عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و نیروهای مسلح می‌بایست در جهت آموزش و آگاه سازی کارکنان به صورت کاربردی و محتوایی پیرامون مسائل فرهنگی، دینی و عقیدتی همت مضاعف نمایند.

۴-۶ تقویت نیروی ایمان، تقوی و دوری از صفات ناپسند از جمله زیاده خواهی، تجمل گرایی، اسراف، حرص، طمع و حسادت

۵-۶ ایجاد مراکز خدمات مشاوره‌ای و راهنمایی در وزارت دفاع و زیرمجموعه‌های تابعه آن و نیروهای مسلح به جهت اهمیت توجه به بهداشت روانی و سلامت روحی کارکنان

۶-۶ برنامه ریزی صحیح دینی و انسانی در زندگی و ایجاد آرامش و امنیت روانی در خانواده

۷- امور سازمانی و ساختاری

۱-۷ برخورد جدی با افراد دلال و واسطه گر خارج از سازمان توسط مسئولین مربوطه

۲-۷ باعنایت به احتمال تبانی توسط فروشندگان و پیمانکاران عمده در هر استان، لازم

است جهت شرکت در مزایده‌ها و مناقصه‌ها از پیمانکاران و فروشندگان خارج از استان نیز دعوت به عمل آید.

۳-۷ شماره‌گذاری کلیه اوراق و صفحات پرونده‌های موجود در سازمان‌های مرتبط جهت جلوگیری از احتمال امحاء یا مخدوش کردن اسناد.

۴-۷ خرید اقلام و اجناس موردنیاز نیروهای مسلح از صنایع و سازمان‌های تابعه نیروهای مسلح و وزارت دفاع

۵-۷ شناسایی و ارزیابی منابع فروش اقلام با کیفیت و قیمت مناسب

۶-۷ ایجاد سیستم خرید مرکزی در وزارت دفاع و کلیه نیروهای نظامی و همچنین دستگاه‌های دولتی: ارتباط مستقیم مأمورین و مباشرین خرید با فروشندگان بازار و قرارگرفتن در محیط، ده‌ها انحراف را سبب می‌گردد که اگر سیستم خرید متمرکزی که به‌صورت هوشمند در اصلاح روش‌ها جاری شود و مجموعه نیازمندی‌ها از یک حوزه تحت کنترل و یک دروازه مشخص به‌صورت هوشمند و دارای سیستم‌های کنترلی باشد، ارتباط دنیای خصوصی با دنیای دولتی تنها از طریق این سامانه امکان‌پذیر می‌گردد. این روش دارای مزیت‌هایی است. خریدها دارای ثبت و آمار مشخص می‌شوند، از خریدهای بی‌مورد و خارج برنامه جلوگیری می‌شود، از ضایعات افسارگسیخته جلوگیری می‌شود، از به دام افتادن کارمندان و عوامل داخل صنعت و گرفتار شدن آنها جلوگیری می‌شود و بسیار مزیت‌های دیگر. لذا در این مرحله آنچه اهمیت دارد کنترل کامل و گسترده مأمورین و کارگزاران خرید است.

۷-۷ افزایش ضریب ایمنی در روش‌های اتخاذی خریدی

۸-۷ کوچک‌تر کردن دستگاه‌های عریض و طویل دولت

۹-۷ اصلاح ساختار و روش اجرائی خریدها و تبدیل سیستم سنتی به یک سیستم هوشمند نرم‌افزاری: بزرگ‌ترین مشکل در این فرآیند، ساختار و روش اجرایی است. حضور عوامل مختلف اجرایی، تصمیم‌گیرنده، ارزیابی‌کننده و تأییدکننده در نادرست‌ترین شکل ممکن آن، سبب می‌شود که فرآیند به انحراف کشیده شود. چه باید کرد و چه روشی را بایستی دنبال نمود تا بهره‌وری افزایش یابد، سرعت افزایش یابد، سلامت کار افزایش یابد، کیفیت بالا رود، از انحرافات جلوگیری شود و... اصلاح ساختارها و تغییر آن از یک سیستم کاملاً سنتی و اولیه به یک سیستم هوشمند و نرم‌افزاری، تنها راه رسیدن به درخواست‌های فوق می‌باشد. البته ممکن

است برخی از مدیران با نظام‌مندشدن و ایجاد ساختارهای هوشمند در بررسی خریدها مخالفت کنند؛ چرا که ممکن است موقعیت خودشان به خطر افتد یا اینکه دیگر نتوانند از این موقعیت سوءاستفاده نمایند و...

۷-۱۰ تهیه یک آمار کیفی دقیق: بنا بر بررسی‌های انجام‌شده در مرکز آمار و پژوهش‌های قوه قضائیه و در سیستم‌های گزارش‌گیری آن، هیچ عنوان یا ردیفی به موضوع جرم اخذ پورسانت تخصیص نیافته و به‌نظر می‌رسد عنوان جرم اخذ پورسانت برای این مرکز یک عنوان ناشناخته‌ای است. محقق از مبادی ذی‌ربط در سازمان قضائی نیروهای مسلح نیز موضوع را پیگیری و در سازمان اشاره‌شده نیز هیچ‌گونه آماری از این عنوان مجرمانه که به‌نظر نگارنده یک موضوع اساسی و مهم بوده و جزو مباحث اخلاقی در نظام اقتصادی کشور نیز می‌تواند باشد، به‌صورت مستقل وجود ندارد. لذا با این توصیف بدیهی است که امکان شناخت جرم موصوف و حساسیت‌های آن برای مسئولین وجود ندارد و مسئولین نیز اطلاع دقیقی از میزان وقوع آن در مراجع قضائی ندارند. بنابراین جهت رفع این مشکل و اطلاع‌رسانی صحیح نسبت به میزان واقعی ارتکاب این جرم پیشنهاد می‌گردد مسئولین قوه قضائیه معایب و نواقص موجود در سیستم‌های گزارش‌گیری و آمارگیری از مراجع قضائی و کیفری را اصلاح تا با رفع این مشکل، مشخص گردد یکی از مهم‌ترین جرائم مالی «جرم اخذ پورسانت» است که شیوع و فراوانی آن موجب بی‌عدالتی و نابسامانی در دستگاه‌های دولتی و نظامی می‌گردد.

۷-۱۱ کاهش اختیارات مدیران، مسئولان و کارکنانی که به‌نوعی با مسائل مالی، بازرگانی، قراردادهای و... فعالیت دارند.

۷-۱۲ ایجاد محیطی ناامن برای مفسدان اقتصادی به‌گونه‌ای که هیچ‌یک از کارکنان و مسئولان جرئت حتی فکرکردن پیرامون انجام یک تخلف ساده اقتصادی را نداشته باشند.

۷-۱۳ استعلام از حفاظت اطلاعات مربوط جهت احراز صلاحیت شرکت یا پیمانکار طرف قرارداد.

۷-۱۴ بررسی جهت اطمینان از وجود شرکت‌ها یا پیمانکاران با اسامی اعلام‌شده و همچنین بررسی بر روی تضمین‌های اخذشده با سرمایه شرکت طرف قرارداد و همخوانی با ارزش ریالی یا دلاری قرارداد.

۷-۱۵ تنظیم صحیح قراردادها با رعایت دقیق مفاد آیین‌نامه معاملات صنعت مربوط.

۱۶-۷ در کلیه قراردادها انجام سه استعمال بهاء درخصوص موضوع قرارداد الزامی و در اولویت قرار گیرد.

۱۷-۷ سرشکن نمودن و جزء جزء نمودن یک خرید صنعت تحت هر عنوان ازسوی مدیر یا مسئول مربوط و انجام آن در چند مرحله بایستی کاملاً ممنوع اعلام گردد تا فرصتی به متخلفان داده نشود (متأسفانه این امر در اکثر صنایع شیوع دارد).

۱۸-۷ مبارزه با پول‌شوئی، شفاف‌سازی قراردادها و معاملات کلان، وظایف و مسئولیت‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها جهت نظارت همگانی و مسدود نمودن راههای سوءاستفاده افراد مسئله‌دار و خاطی

۱۹-۷ استفاده از روش‌های پیشرفته در کنترل و نظارت بر عملکرد تشکیلات دولتی و نظامی

۲۰-۷ آزادسازی قیمت‌ها و برداشتن قیمت‌ها

۲۱-۷ خصوصی‌سازی و رقابت در ارائه خدمات دولتی

۲۲-۷ هدفمند کردن یارانه‌ها و پرداخت‌ها

بخش چهارم

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این کتاب با بررسی تمامی ابعاد جرم اخذ پورسانت سعی گردید جایگاه واقعی این جرم در حقوق جزا و بین سایر جرائم مشابه نشان داده شده و راهکارهای اساسی و کاربردی جهت برطرف‌شدن مشکلات موجود ارائه گردد. در جمع‌بندی به‌صورت کلی می‌توان نتیجه گرفت که جرم اخذ پورسانت شباهت‌های بسیار نزدیکی با جرائم ارتشاء و تبانی در معاملات دولتی دارد که به شرح زیر وجوه تشابه و افتراق آنها قید می‌گردد.

الف) وجوه تشابه و افتراق جرم اخذ پورسانت با جرائم ارتشاء و تبانی در معاملات دولتی

قرابت و نزدیکی و وجود شباهت‌های بسیار زیاد بین جرم اخذ پورسانت با ارتشاء و تبانی در معاملات دولتی در موضوع، در شرایط و اوضاع و احوال، در نحوه ارتکاب و تأثیرات آنها در آراء قضائی موجب گردیده که تشخیص و تمییز جرائم مذکور برای ضابطین و قضات محترم، در برخی مصادیق با مشکل مواجه و در نتیجه موجبات صدور آراء متناقض را فراهم آورد. لذا در این کتاب به رویه قضائی توجه ویژه شده و سعی گردیده با بررسی آراء و احکام صادره از دادگاه‌های عمومی و انقلاب و دادگاه‌های نظامی ضمن مقایسه و شناسایی وجوه تشابه و تمییز جرم اخذ پورسانت از سایر جرائم مشابه، وجوه تشابه و افتراق جرائم مذکور براساس سوابق و مصادیق مبتلابه بیان گردیده تا زمینه صدور آراء مستحکم و مستدل را در بحث پورسانت فراهم و از صدور آراء متهافت و قابل‌نقض جلوگیری گردد. همچنین با افزایش

شناخت و تشخیص ارگان‌های نظارتی دولتی و نظامی، امکان نظارت و کنترل بیشتر مأمورین و مستخدمین خرید را توسط مسئولین و سیستم‌های نظارتی فراهم نموده تا در معاملات داخلی و خارجی این دستگاه‌ها یک نفر نتواند خود هم مجری، هم تصویب‌کننده و هم ناظر باشد. بنابراین باتوجه به مباحث مطرح‌شده درخصوص عنصر قانونی، مادی و معنوی جرم اخذ پورسانت و در مقام بیان مقایسه‌ای جرائم مذکور می‌توان وجوه تشابه و افتراق این جرائم را به شرح زیر بیان نمود. امید می‌رود نکات اشاره‌شده راهگشای خوبی برای شناخت مخاطبین، ضابطین و دستگاه قضائی باشد.

۱- بیان وجوه تشابه و افتراق جرم اخذ پورسانت با جرم ارتشاء

یکی از جرائمی که با جرم اخذ پورسانت شباهت فوق‌العاده‌ای دارد بزه ارتشاء می‌باشد. عنصر مادی جرم اخذ پورسانت در بسیاری از موضوعات و مصادیق مشابه جرم ارتشاء است؛ به‌طوری‌که عرف نیز گاهی پرداخت‌هایی را که در غالب پورسانت به مأموران و کارمندان دولت و نیروهای مسلح داده می‌شود، رشوه تلقی می‌کند. یا بالعکس بین این دو جرم وجوه شباهت و افتراق زیادی وجود دارد که به شرح زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۱ وجوه تشابه

۱-۱-۱ مرتکب هر دو جرم اخذ پورسانت و اخذ رشوه، لزوماً می‌بایست مستخدم یا کارمند دولت و نیروهای مسلح باشند. در غالب موارد این کارمندان هستند که به علت ارتکاب این جرم تحت تعقیب قرار می‌گیرند^۱ (ولیدی، ۱۳۸۰: ص ۴۶).

۱-۱-۲ شباهت دیگر این دو جرم در موضوع آنها است. موضوع هر دو جرم باتوجه به عبارات به‌کار رفته در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و همچنین ماده‌واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ عبارت است از وجوه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال است و در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، نفع نیز به‌کار رفته است. بنابراین، موضوع هر دو جرم وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال و هر چیزی است که بالارزش باشد و جنبه مالی داشته باشد.

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷۳۲۱/۷-۷۳/۱۰/۲۰

۳-۱-۱ در هر دو جرم وجود دو طرف پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده لازم است.

۴-۱-۱ هر دو جرم از لحاظ آیین دادرسی در مرحله ثبوت و اثبات با یکدیگر ملازمه داشته و به همین جهت اقتضای رسیدگی در یک مرجع را دارند.

۵-۱-۱ شروع به هر دو جرم، جرم محسوب و مستوجب حداقل مجازات جرم تام آنهاست.

۶-۱-۱ هر دو جرم را می‌توان از مصادیق جرائم بدون بزه‌دیده بشمار آورد، زیرا شخصی از ارتکاب جرائم مذکور زیان نمی‌بیند.

۷-۱-۱ زمان پرداخت پورسانت و رشوه در تحقق جرائم مذکور تأثیری ندارد. براساس قوانین حاکم بر ارتشاء، ضرورتی ندارد که رشوه پس از انجام کار پرداخت شود. حتی اگر پس از انجام عمل نیز راشی مبادرت به پرداخت رشوه نماید، جرائم رشاء و ارتشاء محقق هست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ص ۳۸۵)، درخصوص جرم اخذ پورسانت نیز صرف وجود ارتباط بین پرداخت پورسانت و انعقاد قرارداد کفایت می‌کند و زمان پرداخت (اعم از قبل یا بعد از انعقاد قرارداد) واجد اهمیت نبوده و مؤثر در مقام نمی‌باشد.^۱

۸-۱-۱ اتباع خارجه که مرتکب جرم اخذ پورسانت و ارتشاء شده باشند به موجب قوانین ایران^۲ قابل تعقیب نیستند و اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه شماره ۷/۳۵۸۹ - ۱۳۸۷/۶/۱۱ بزه موضوع قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۲۷، را قابل تسری به افراد اتباع بیگانه ندانسته است. البته شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران در یک رأی متناقض به شماره ۱۳۷۷/۱۱/۲۶-۳۸۵۱، پورسانت‌گیرنده که از اتباع پاکستان بوده را محکوم نموده است.

۹-۱-۱ میزان و ارزش اقتصادی مال‌الرشاء (مالی که به‌عنوان رشوه داده شده است)، همانند جرم اخذ پورسانت تأثیری در مسئولیت کیفری مرتکب این جرم ندارد و فقط در میزان مجازات وی مؤثر می‌باشد.

۱. معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح، مجموعه نشست‌های قضائی، جلد دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹.

۲. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «قوانین جزائی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد».

۱-۱-۱۰ جرم اخذ پورسانت همانند جرائم رشاء و ارتشاء از جمله جرائم مطلق می‌باشند و تحقق آنها منوط به تحقق نتیجه خاص نیست. مانند اینکه موضوع انجام رشوه از طرف مرتشی با موفقیت و طبق نظر راشی واقع شود یا خیر و اینکه مواردی که از طرف راشی به مرتشی پیشنهاد و تحویل شده، به ملکیت نهایی مرتشی در آید یا خیر، تأثیری در وقوع جرم ندارد. به‌عنوان مثال چکی که راشی به مرتشی داده، برگشت بخورد و داخل در دارایی مرتشی نشود، وقوع جرم منتفی نخواهد شد.

۱-۱-۱۱ جرم اخذ پورسانت همانند جرم اخذ رشوه در تمام مصادیق آن، وجه نقد یا سند تحصیل وجه نمی‌باشد و ممکن است پرداخت پورسانت یا رشوه در قالب یکی از معاملات ناقله یا عقود و قراردادها به‌عمل آید که البته چنانچه در مباحث قبلی اشاره شد و براساس قواعد کیفری چون منشاء معاملات مذکور نامشروع است، لذا آن معاملات از اصل باطل هستند و فاقد آثار حقوقی می‌باشند.

۱-۱-۱۲ پرداخت و اخذ وجه، مال، یا سند و نیز انجام معامله صوری (از جهت قیمت غیرواقعی) در جرم اخذ پورسانت و جرم ارتشاء می‌تواند هم به‌صورت مستقیم باشد و هم به‌صورت غیرمستقیم و باواسطه؛ مانند آنکه به‌واسطه همسر یا فرزند مرتکب جرم اخذ پورسانت یا راشی یا مرتشی و یا هر شخص دیگر انجام گیرد.

۱-۱-۱۳ قبض و اقباض فیزیکی وجه یا مال در هر دو جرم اخذ پورسانت و جرم ارتشاء ضرورتی ندارد، بلکه همین‌که مال در اختیار فرد مقابل قرار گیرد یا به حساب مرتبط با او واریز یا منتقل شود، کفایت می‌کند.

۱-۱-۱۴ هر دو جرم اخذ پورسانت و جرم ارتشاء از زمره جرائم مرتبط با امنیت و آسایش عمومی تلقی می‌گردند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: صص ۴۰۶ و ۴۶۶) و مقنن در جهت حمایت از نظم و آسایش عمومی، قوانین مذکور را وضع نموده است. مأمور رشوه‌خوار صرف‌نظر از اینکه موجبات تضییع حقوق عامه را فراهم می‌آورد و نظم امور جاری را از مجرای قانونی خارج ساخته و مختل می‌نماید، باعث ایجاد جو عدم اعتماد و بدبینی نسبت به دولت و نیروهای مسلح می‌گردد. کارگزار پورسانت‌بگیر نیز ضمن انتفاع نامشروع و ایجاد جو بی‌اعتمادی نسبت به دولت و نیروهای مسلح، با خریداری اقلام معیوب، فاسد و گران، موجبات ورود ضرر و زیان به دولت و نیروهای مسلح را فراهم می‌آورد.

۱-۱-۱۵ عمل مرتکب بزه اخذ پورسانت همانند جرم ارتشاء در تمام مصادیق ارتكابی چه توسط پورسانت‌دهنده، چه پورسانت‌گیرنده، چه راشی و چه مرتشی، عمل مثبت مادی است که صورت‌های آن متفاوت است.

۱-۱-۱۶ وسیله در ارتكاب جرائم رشاء و ارتشاء همانند جرم اخذ پورسانت تأثیری ندارد. ۱-۱-۱۷ اعطای پورسانت و رشوه به کارکنان بخش خصوصی، فاقد وصف مجرمانه است (البته در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: بخش تعزیرات) که در مرحله تصویب در مجلس شورای اسلامی قرار دارد، در بخش چهارم (جرائم علیه سلامت اداری) در مبحث اول (رشاء و ارتشاء) در ماده ۹۹ موضوع رشاء و ارتشاء که در قوانین جزائی فعلی صرفاً منتسب به کارکنان دولت و نیروهای مسلح می‌باشد، با تأسی از مقررات بین‌المللی، جرم مذکور نسبت به شرکت‌های غیردولتی و خصوصی نیز تسری پیدا نموده است).

۱-۱-۱۸ چیزی که به‌عنوان پورسانت و رشوه داده می‌شود باید ارزش مالی داشته باشد. بنابراین اگر کارمند بر امور غیرمالی یا صرف خواهش و درخواست کسی کاری را برخلاف وظیفه انجام دهد، مرتشی محسوب نمی‌شود. البته در ارتشاء و اخذ پورسانت چنانچه امتیاز ارائه‌شده دارای ارزش اقتصادی باشد، مانند استخدام فرزند کارمند در شرکت، تسهیل جهت اخذ وام، فراهم‌نمودن شرایط تحصیل فرزند کارمند در دانشگاه‌های خارج از کشور و... جرم تحقق یافته است و پس از محاکمه، کلیه امتیازات لغو و باطل می‌گردد.

۱-۱-۱۹ در رشوه همانند پورسانت اعطاء و اخذ پورسانت به نفع مرتکب یا شخص ثالث، شرط تحقق جرم نیست.

۱-۱-۲۰ صرف اعلام قبولی و رضایت از سوی کارمند جهت اخذ پورسانت، جرم اخذ پورسانت محسوب نمی‌گردد، بلکه باید این قبولی به فعلیت درآید. در ایران برخلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی، صرف وعده و پیشنهاد پرداخت و اخذ پورسانت یا پرداخت و اخذ رشوه فاقد وصف مجرمانه می‌باشد ولی چنانچه این وعده و پیشنهاد به مرحله توافق و قبول برسد، مشمول عنوان مجرمانه می‌گردد. اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۵۷ مورخ ۷۲/۵/۱۹ قبول را به معنی دریافت تلقی نموده و عنوان داشته که با دریافت آن جرم، ارتشاء تحقق می‌یابد. در غیر این‌صورت صرف وعده راشی به تنهایی کافی برای تحقق جرم نیست، مگر آنکه اقداماتی را که مرتشی انجام داده با وعده راشی جمعاً مفید

شروع به جرم ارتشاء باشد.

۱-۱-۲۱ جرم اخذ پورسانت و جرم رشاء و ارتشاء از جمله جرائمی هستند که براساس حکم ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنانچه میزان محکومیت قطعی مرتکبین آنها بیش از ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد، انتشار حکم در رسانه ملی یا روزنامه‌های کثیرالانتشار الزامی است.

۱-۱-۲۲ جرم اخذ پورسانت و جرم رشاء و ارتشاء از جمله جرائمی هستند که به موجب مواد ۱۰۹ و ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که میزان آنها بالغ بر ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال باشد، از شمول مرور زمان خارج گردیده‌اند.

۱-۱-۲۳ جرم اخذ پورسانت و جرم رشاء و ارتشاء از جمله جرائمی هستند که حرام بوده و ریشه فقهی و شرعی دارند و هر دو از جرائم تعزیری محسوب می‌گردند. البته لازم به ذکر است که برخی حقوقدانان با این استدلال که جرم اخذ پورسانت از جرائم مستحدثه و به عبارتی از منهیات حکومتی است و دارای مجازات بازدارنده است، آن را همانند جرم رشاء و ارتشاء از محرمات شرعی و ریشه آن را در متون فقهی و شرعی ندانسته‌اند. البته باتوجه به مباحث تفصیلی اشاره شده در مبانی جرم‌نگاری پورسانت این نظر قابل رد می‌باشد؛ چرا که هرچند که عنوان جرم اخذ پورسانت جزو جرائم مستحدثه است، اما در اصل موضوع که حرمت شرعی دارد، لطمه‌ای نمی‌زند.

۱-۱-۲۴ مقررات بین‌المللی عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده هر دو جرم اخذ پورسانت و رشوه را یکی دانسته و در قالب جرم «رشوه» بیان نموده است. سازمان ملل متحد در کنوانسیون مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ در مواد ۳۲ و ۳۳ خود را به حمایت از شهود و کارشناسان و بزه‌دیدگان رشاء و ارتشاء اختصاص داده و از دولت‌ها خواسته است اقدامات مناسب را به منظور حمایت از شهود، کارشناسان، نزدیکان و وابستگان آنها به عمل آورند. با الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مذکور در تاریخ ۱۳۸۷/۰۷/۲۰ در همین راستا اقداماتی انجام شده است من جمله در بند «ح» ماده ۲ «برنامه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» مصوب ۱۳۸۳ وزارت اطلاعات را مکلف شده لایحه حمایت از شهود و مطلعان را تهیه نماید.

۲-۱ وجوه افتراق

۱-۲-۱ یکی از وجوه افتراق جرائم اخذ پورسانت و ارتشاء در کیفیت و چگونگی وقوع جرائم مذکور می‌باشد. بزه اخذ پورسانت هنگامی روی می‌دهد که معامله‌ای در بین باشد و فروشنده برای ترغیب خریدار مبادرت به پرداخت پورسانت نماید. اما بزه ارتشاء هنگامی روی می‌دهد که کارمند دولت یا نیروهای مسلح برای انجام یا عدم‌انجام کاری که مربوط به یکی از سازمان‌ها یا نهادهای دولتی و نظامی باشد مبادرت به قبول مزایای مالی مذکور در قانون می‌نماید به عبارت دیگر جرم اخذ پورسانت لزوماً در رابطه با معاملات دولتی و معاملات نظامی تحقق می‌یابد و ولی جرم ارتشاء لزوماً در راستای معاملات دولتی و نظامی نیست.

۲-۲-۱ در ارتشاء باید نوعی توافق هرچند ظاهری، بین راشی و مرتشی صورت گرفته باشد؛ بدین گونه که در عرف بتوان گفت که مرتشی به امید دریافت رشوه کار موردنظر را انجام داده یا نداده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ص ۴۱۹). اما در جرم اخذ پورسانت به نظر می‌رسد که چنین توافقی ضروری نیست. زیرا به نظر ما همان‌طور که برخی از نویسندگان هم بیان داشتند، حتی اگر پورسانت پس از انجام معامله و بدون وجود پیشنهادی از سوی کارمند دولت و نیروهای مسلح و بدون توافق قبلی هم پرداخت شود، جرم مذکور واقع می‌شود.

۳-۲-۱ اقامت مرتکب در ایران شرط تحقق جرم ارتشاء است اما درخصوص جرم اخذ پورسانت، اقامت مرتکب در ایران شرط تحقق جرم نیست و مهم نیست معامله در ایران صورت گرفته باشد یا در خارج انجام شده باشد.

۴-۲-۱ تحقق جرم اخذ پورسانت منوط به مسئولیت‌داشتن مرتکب در انعقاد قرارداد است و رأی شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور به شماره ۳/۶۶۳ مورخ ۸۸/۹/۸ که مسئولیت داشتن و مؤثر بودن مرتکب در انعقاد قرارداد را شرط تحقق جرم اخذ پورسانت دانسته مؤید این موضوع می‌باشد. اما در ارتشاء، مرتکب جرم لزوماً در معامله و قرارداد مسئولیت و نقشی ندارد.

۵-۲-۱ طبق تبصره ۳ ماده واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و تبصره ۲ ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، در صورتی که پورسانت‌گیرنده، دریافت پورسانت را به اطلاع مقامات و مسئولین مربوطه برساند و وجوه مذکور را به خزانه دولت واریز نماید، عمل وی جرم محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر

از نظر قانون ایران دریافت پورسانت جرم نیست، بلکه عدم‌اطلاع اخذ پورسانت به مسئولین مربوط و واریز نکردن مزایای مالی اخذشده به صندوق دولت موجبات تحقق کامل جرم پورسانت را فراهم می‌آورد. اما در جرم ارتشاء به محض اینکه کارمند دولت مبادرت به دریافت وجه یا مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال می‌کند، جرم مزبور محقق می‌گردد؛ هرچند عمل مورد درخواست راشی را هنوز انجام نداده باشد و هرچند که بعداً مال‌الرشاء را به دولت یا راشی برگرداند.

۱-۲-۶ در جرائم رشاء و ارتشاء می‌بایست کار یا اقدام غیرقانونی در ارتباط با وظیفه اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ یا در ارتباط با وظایف نظامیان و کارکنان نیروهای مسلح مندرج در ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به نفع راشی صورت گرفته باشد تا با اخذ وجه، مال یا سند تحصیل وجه یا مال، جرم ارتشاء تحقق یابد. اما در جرم اخذ پورسانت اصل بر عدم انجام کار یا اقدامی از سوی کارگزار یا کارمند دولت و نیروهای مسلح به نفع فروشنده است و فروشنده پس از انجام قرارداد و با هدف ترغیب و تشویق جهت خرید آتی، اقدام به پرداخت وجه، مال یا سند تحصیل وجه یا مال به کارگزار یا کارمند مؤثر در قرارداد می‌نماید.

۱-۲-۷ در برخی آراء صادره از محاکم، عنوان مجرمانه به دلیل اینکه پرداخت‌های صورت گرفته به مرتکب در قبال انجام کاری از ناحیه وی بوده، هرچند در راستای قراردادهای معاملات انجام شده بود، رشوه محسوب شده و حکم به مجازات رشوه صادر شده است.

۱-۲-۸ جهت تحقق جرم ارتشاء، لزوماً باید دو طرف وجود داشته باشد و در صورت ارتکاب به پرداخت و اخذ رشوه، هر دو طرف راشی و مرتشی قابل تعقیب و مجازات می‌باشند. البته محکومیت کسی به رشوه گرفتن حتماً مستلزم محکوم کردن دیگری به رشوه دادن نمی‌باشد. چرا که ممکن است یک طرف بنا به علل شخصی، مانند اضطرار (تبصره ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات) با برخورداری از حق (ماده ۵۹۱ قانون تعزیرات) یا نداشتن عنصر روانی لازم (مانند جدی نبودن در اخذ یا اعطای مال علی‌رغم تظاهر به آن) از تعقیب کیفری معاف ولی طرف دیگر محکوم می‌شود. اما در جرم اخذ پورسانت چنین نیست و اقدام پرداخت کننده پورسانت فاقد وصف جزائی بوده و فقط گیرنده پورسانت تعقیب و محاکمه می‌گردد.

۱-۲-۹ برخلاف جرم اخذ پورسانت که پنهانی بودن اخذ پورسانت به نفع مرتکب، لازمه تحقق

جرم بود، لیکن در ارتشاء چنین نیست و پنهانی بودن یا نهان بودن عمل دادن یا گرفتن رشوه، در تحقق جرم ارتشاء تأثیر ندارد.

۱-۲-۱۰ در جرم ارتشاء چنانچه مأمور در زمان و مکان مربوط به انجام وظیفه خود و به‌طور طبیعی بدون هیچ چشم‌داشتی وظیفه قانونی خود را انجام دهد، اما پس از انجام وظیفه و بدون هیچ توافق قبلی، ارباب رجوع وجه یا مالی به مأمور بدهد و مأمور قبول نماید، این عمل ارتشاء نخواهد بود. اما در صورتی که در یک معامله خارجی یا داخلی، فروشنده در پی انجام معامله و بدون هیچ‌گونه توقع یا تقاضایی وجه یا مالی در ارتباط با معامله به مأمور بدهد، این اقدام با جرم پورسانت منطبق خواهد بود (سازمان قضائی نیروهای مسلح، اداره کل آموزش و امور فرهنگی، ۱۳۸۷: ص ۸۴).

۱-۲-۱۱ مرتکبین جرم اخذ پورسانت معمولاً از مقامات و مسئولین دولتی و نظامی هستند، اما مرتکبین جرم ارتشاء غالباً کارمندان جزء دستگاه‌های دولتی و نظامی می‌باشند. لذا امکان کشف جرم رشاء و ارتشاء بیشتر از جرم اخذ پورسانت می‌باشد؛ چرا که مرتکبین ارتشاء معمولاً از کارمندان رده پایین دستگاه‌های دولتی و نظامی هستند، اما مرتکبین اخذ پورسانت معمولاً مدیران و مسئولین دستگاه‌های دولتی و نظامی هستند که در بیشتر موارد در لایه‌های پنهان جرم اخذ پورسانت قرار دارند و بعضاً امکان شناسایی آنان نیز میسر نمی‌گردد.

۱-۲-۱۲ مرتکبین جرم اخذ پورسانت جهت انتفاع شخصی، بدون مجوز تعهداتی را برای دولت و نیروهای مسلح ایجاد می‌کنند. فرضاً تعهد می‌دهند که خریدهای آتی را از شرکت‌های موصوف انجام دهند و...

۱-۲-۱۳ چنانچه دریافت‌کننده وجه از طرف خارجی برای انجام یا عدم انجام امری مبادرت به این کار نموده باشد، قصد او مبنی بر انجام یا عدم انجام آن امر، موضوع را از شمول پورسانت خارج و مشمول ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ یا ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می‌نماید.

۱-۲-۱۴ لطمات و صدمات اخذ پورسانت بسیار بیشتر و فراگیرتر از اخذ رشوه می‌باشد؛ چرا که اخذ رشوه در ارتباط با موضوعات جزئی و داخلی است، اما اخذ پورسانت عمدتاً

به‌صورت کلان و عمدتاً خارجی بوده و ضمن بروز تبعات داخلی، دارای آثار و تبعات بین‌المللی است و به‌نوعی امنیت کشور را مورد تعرض قرار می‌دهد. چنانکه در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های داخل کشور اخیراً به‌صراحت بیان‌شده که کشورهای غربی و خارجی طی سال‌های گذشته اقدام به واردکردن اقلام و کالاهای مستعمل به داخل کشور ایران نموده‌اند که در بررسی مقدماتی علت این امر کاملاً روشن و بدیهی است که غیر از وجود پورسانت در معاملات مذکور، امکان ورود چنین کالاهایی به کشور وجود نداشته است. ضمن اینکه گیرندگان پورسانت از افراد بانفوذ دولت و نیروهای مسلح می‌باشند که به‌خاطر لایه‌های پنهان، همیشه امکان شناسایی آنها وجود ندارد.

۱-۲-۱۵ جزای نقدی پورسانت از رشوه شدیدتر است. چون در رشوه از مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به بالا مجازات ۱ تا ۵ سال حبس دارد، ولی در پورسانت به همین میزان از ۲ تا ۱۰ سال حبس را می‌توان معین نمود. مثلاً شخصی ۵۰۰/۰۰۰ ریال پورسانت اخذ نماید از دو تا ده سال قابل مجازات است. لذا در این بخش مجازات پورسانت شدیدتر است.

۲- بیان وجوه تشابه و افتراق جرم اخذ پورسانت با تبانی در معاملات دولتی

۱-۲ وجوه تشابه

۱-۲-۱ یکی از ارکان تحقق جرم تبانی در معاملات دولتی، تبانی در رابطه با معاملات دولتی و نظامی است و درخصوص جرم اخذ پورسانت نیز لزوماً اخذ پورسانت می‌بایست در ارتباط با معاملات دولتی و نظامی باشد. لذا چنانچه کارمند یا کارگزار دولت یا نیروهای مسلح در رابطه با معاملات دولتی و نظامی پورسانت اخذ نمودند، مشمول حکم پورسانت می‌شوند. اما چنانچه از قبل اقدامات و تبانی انجام‌شده ضرری متوجه دولت یا نیروهای مسلح گردد، به تبانی در معاملات دولتی نیز محکوم می‌گردند. البته با رعایت ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مرتکب به اشد مجازات محکوم می‌گردد.

۱-۲-۲ تحقق هر دو جرم اخذ پورسانت و تبانی در معاملات دولتی مستلزم وجود دو نفر یا بیشتر می‌باشد.

۱-۲-۳ هر دو جرم از لحاظ آیین دادرسی در مرحله ثبوت و اثبات با یکدیگر ملازمه داشته و به همین جهت اقتضای رسیدگی در یک مرجع را دارند.

۱-۲-۴ تبانی موضوع قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹ و ماده

۱۱۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ همانند جرم اخذ پورسانت، شامل معاملات و قراردادهای دولتی و نیروهای مسلح می‌شود و قراردادهای و معاملات خصوصی را دربر نمی‌گیرد.

۲-۲ وجوه افتراق

۲-۲-۱ تحقق بزه اخذ پورسانت منوط به ورود ضرر و زیان یا خسارت به دولت و نیروهای مسلح نمی‌باشد. کمیسیون قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح در نظریه‌ای اعلام نموده، تحقق جرم اخذ پورسانت مقید به ورود خسارت و ضرر و زیان به یگان نیست.^۱ اما چنانچه بر اثر اقدامات انجام‌شده توسط کارگزار یا مأمور خرید، ضرر و زیان یا خسارتی متوجه دستگاه نظامی یا دولتی گردد، مرتکب به مجازات تبانی در معاملات دولتی محکوم می‌گردد. اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه شماره ۷/۱۵۴۷ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۷ در این رابطه عنوان داشته: «چنانچه دریافت پورسانت باعث خلل در مرغوبیت و قیمت کالا باشد، مورد منطبق با ماده واحد قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی است...»

۲-۲-۲ در فرآیند تبانی، لزوماً تحصیل منفعت، شرط نیست و اگر مرتکب، سود یا منفعتی را کسب نکند بازهم مجازات می‌شود.

۲-۲-۳ زدوبند و تبانی کارکنان دولت و افراد نظامی در معاملات و مناقصه‌های دولت و نیروهای مسلح معمولاً با افراد و فروشندگان می‌باشد که در صورت احراز جرم هر دو نفر یا افراد بیشتر به مجازات مقرر محکوم می‌گردند. اما در جرم اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نظامی، فقط فرد دولتی یا نظامی گیرنده پورسانت محاکمه می‌گردد و پرداخت‌کننده پورسانت قانوناً از مجازات معاف است.

۲-۲-۴ در فرضی که کارمند دولت یا نیروهای مسلح در مناقصه‌ای پس از اطلاع از قیمت‌های پیشنهادی، قیمت‌ها را در اختیار یکی از شرکت‌کنندگان در مناقصه قرار دهد، آنگاه شرکت‌کننده مذکور با دادن پایین‌ترین قیمت برنده مناقصه شود، در این فرض چون دستگاه دولتی یا یگان نظامی متضرر نشده است، لذا جرم تبانی محقق نمی‌گردد. اما چنانچه به این جهت وجه یا مالی دریافت نموده باشد، اقدام کارمند مشمول مقررات رشاء و ارتشاء

۱. معاونت قضائی و حقوقی سازمان قضائی نیروهای مسلح، مجموعه نشست‌های قضائی، جلد دوم، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹.

می‌باشد (سازمان قضائی نیروهای مسلح، معاونت قضائی و حقوقی، اداره کل پیشگیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی، ۱۳۸۵: ص ۲۸). البته در این موضوع اختلاف عقیده بین قضات محاکم وجود دارد و برخی قضات در مطالب کنونی قائل به جرم ارتشاء نیستند و با این وصف که اخذ وجه یا مال در ارتباط با مناقصه و معامله دولت یا نیروهای مسلح بوده، لذا وی را به جرم اخذ پورسانت محکوم نموده‌اند.

۲-۲-۵ در پرونده‌ای مدیر یک شرکت خصوصی با معاون بازرگانی یک صنعت نظامی به‌صورت پنهانی توافق نمودند که معاون بازرگانی در قبال دریافت ده درصد از معامله، قرارداد خرید لوازم و قطعات... را به‌سمت شرکت اشاره‌شده سوق دهد. پس از انعقاد قرارداد موردنظر و گشایش LC، شرکت فروشنده با ارائه اسناد جعلی بارنامه به بانک‌عامل، بدون ارسال هیچ‌گونه جنسی، موفق به دریافت نود درصد مبلغ معامله‌شده و درصد معاون بازرگانی را نیز پرداخت می‌نماید. با کشف موضوع و ارجاع پرونده به مرجع قضائی، دادسرای نظامی پس از رسیدگی به پرونده، با صدور کیفرخواست تحت‌عنوان رشاء و ارتشاء، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. دادگاه نظامی نیز پس از رسیدگی با این استدلال که مبلغ پرداختی به نظامی، درصد مشخصی از مبلغ معامله و در قبال انجام معامله بوده و با تغییر وصف مجرمانه، ضمن تبرئه پرداخت‌کننده وجه، گیرنده وجه را به مجازات جرم اخذ پورسانت محکوم می‌نماید. با دقت در روند افعال ارتكابی، کاملاً مشهود و مبرهن است که نوع عنوان مجرمانه به‌علت ایراد ضرر و خسارت به صنعت نظامی به‌جهت توافق و زدوبند پنهانی مرتکبین، تبانی در معاملات نظامی بوده و اخذ وجه نیز به‌عنوان پورسانت مشمول تعدد معنوی می‌باشد.

۲-۲-۶ چنانچه دریافت پورسانت موجب گردد که در معاملات و قراردادهای بعدی امتیازاتی به طرف خارجی داده شود، متهم به اخذ پورسانت از لحاظ تبانی در معاملات دولتی نیز تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۷ اگر کارمندی سراغ فروشنده‌ای رفته با ارائه مدارکی، خود را عامل خرید مؤسسه دولتی معرفی و بدون آنکه در آن مرحله جنسی خریده باشد، با اغفال فروشنده وجهی از وی بگیرد و قول دهد برای دفعه یا دفعات بعدی اجناس موردنیاز اداره متبوعش را صرفاً از وی خواهد خرید اما دیگر هرگز سراغ آن فروشنده نرود، در این‌صورت عمل ارتكابی چنین کارمندی چون بردن مال دیگری با توسل به حيله و تقلب بوده، از مصادیق کلاهبرداری خواهد بود.

۲-۸ اگر فروشنده‌ای در همان مراجعه اول مأمور خرید وجه قابل توجهی به او بدهد تا مأمور در مراحل بعدی نیز خریدهایش را از وی انجام دهد، چنانچه از رهگذر چنین اخذ و پرداختی اداره دولتی متضرر شود، به دلیل اینکه مأمور خرید به جهت سروکار داشتن با بازار و فروشندگان واقف بر قیمت پایین اجناس بوده ولی به دلیل اخذ وجهی اجناس را از یک فروشنده معین خریده و اداره متبوع نیز متضرر گردیده، در چنین فرضی تبانی محقق است. اما اگر ضرری متوجه دولت نشده باشد، تبانی محقق نیست و عمل انجام‌شده در قالب رشاء و ارتشاء قابل تعقیب خواهد بود.

۲-۹ اگر بازاریابی به ادارات دولتی مراجعه نموده و عاملین خرید ادارات را یافته و ضمن پرداختن وجهی، کارت مغازه خاصی را در اختیار آنها قرار داده و بخواهد اجناس مثل رایانه‌ها و قطعات آن را از آن مغازه خریداری کنند اما شخص صاحب مغازه وجهی پرداخت نکرده باشد، در این فرض نیز اگر ضرری متوجه دولت شده باشد، تبانی محقق است. وجود یا عدم‌وجود واسطه نیز تأثیری در موضوع ندارد. چنانچه ضرری وارد نشده باشد، عمل ارتكابی از مصادیق رشاء و ارتشاء خواهد بود.

۲-۱۰ اگر فروشنده‌ای ته فاکتور را باز گذارد تا عامل خرید اجناسی را به آن اضافه یا مبالغی را قید کند، اما شخص فروشنده هیچ وجهی پرداخت نکند، قیمت اجناس فروخته‌شده نیز مطابق با واقع باشد، عمل ارتكابی تبانی نخواهد بود؛ بلکه تحت‌عنوان جعل و استفاده از سند مجعول و معاونت در این جرائم قابل تعقیب است. اگر مأمور خرید با دستکاری فاکتورها از تنخواهی که در اختیار دارد برداشت نماید، عمل ارتكابی اختلاس توأم با جعل خواهد بود. چنانچه فروشنده از این عمل مأمور مطلع باشد و فاکتور را بدین‌نحو تنظیم نماید، عمل فروشنده نیز معاونت در اختلاس توأم با جعل خواهد بود.

۲-۱۱ اگر سازمان یا وزارتخانه‌ای با استفاده از مجوز موافقت اصولی مربوط به وارد کردن کالای خاصی بجای آن کالا اجناس دیگری را وارد نماید و آن را به سازمان دیگری بفروشد، عمل ارتكابی مشمول ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری خواهد بود.

۲-۱۲ چنانچه مأمور خرید کالایی را بخرد و بعداً معلوم شود کالا فاسد بوده است، مانند آنکه چندین تن مرغ خریداری نماید و بعداً معلوم شود مرغ‌ها فاسد بوده‌اند، اما این کار بدون

هرگونه توافق پنهانی با فروشنده صورت گرفته باشد، عمل ارتكابی مشمول مقررات ذیل ماده ۵۹۸ ق.م.ا خواهد شد.

۲-۱۳ در تبانی در معاملات دولتی در ماده‌واحدۀ قانون تبانی در معاملات دولتی، انفصال از مشاغل دولتی پیش‌بینی شده، اما در ماده ۱۱۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که مربوط به نظامیان است، چنین مجازاتی پیش‌بینی نگردیده است. البته در ماده ۱۱۰ مجازات انفصال پیش‌بینی نشده ولی مجازات حبس تشدید شده است.

۲-۱۴ نقطۀ قوت ماده ۱۱۰ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نسبت به ماده‌واحدۀ آن است که در ماده ۱۱۰ جبران ضرر و خسارت وارده توسط محکوم به عنوان رفع اثر جرم لحاظ شده ولی در ماده‌واحدۀ جبران ضرر و خسارت مسکوت گذاشته شده است. از این رو در معاملات دولتی دستگاه دولتی یا سازمان متضرر برای مطالبۀ ضرر و زیان وارده باید دادخواست تقدیم کند.

۲-۱۵ در تبانی در معاملات دولتی و نظامی برای آنکه میزان خسارات و زیان وارده تقویم گردد، اخذ نظر کارشناسی ضرورت دارد و بدون ارائه نظر کارشناسی امکان صدور حکم وجود ندارد.

ب) خلأ و نواقص قوانین و مقررات موجود در ارتباط با جرم اخذ پورسانت

۱- یکی از دلایل عمده بروز و شیوع جرم اخذ پورسانت در دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح به دلیل تسری این جرم به معاملات داخلی است که کلیۀ شرکت‌ها و دلال‌های داخلی جهت رقابت، اقدام به ارائه پیشنهاد و پرداخت پورسانت به مأمورین خرید نموده (به دلیل اینکه اقدام آنان در پرداخت پورسانت جرم محسوب نمی‌گردد). همین موضوع باعث شده که این جرم فراگیر شده، کلیۀ مأمورین و کارپردازان را درگیر نموده و حتی با رعایت تقوا و امانت توسط کارپردازان و مأمورین خرید، بالاخره پس از چندین بار پیشنهاد، مراتب را قبول نموده و به ورطۀ حرام بیفتند. لذا در جرم اخذ پورسانت خلأ قانونی موجود مبنی بر «عدم مجازات پرداخت‌کنندۀ پورسانت»، زمینه و شرایط محیطی را فراهم نموده تا تسهیل‌کننده و تحریک‌کنندۀ وقوع این جرم باشد.

۲- قانونگذار در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ ناظر به ماده ۳۶ همان

قانون، تصریحاً «اخذ پورسانت در معاملات خارجی» را در صورتی که بیش از یک میلیارد ریال باشد، از شمول مرور زمان خارج کرده است و این موضوع را در خصوص «معاملات داخلی» مسکوت گذارده است. لذا در حال حاضر در خصوص «مرور زمان» در جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی به‌طور کلی و در معاملات خارجی کمتر از یک میلیارد ریال با خلأ قانونی مواجه هستیم. همین امر زمینه‌ساز مشکلات آتی در رسیدگی به پرونده‌های مذکور توسط محاکم قضائی خواهد بود.

۲- انتشار حکم، نام و مشخصات مرتکبین و محکومین به اخذ پورسانت در نشریات رسمی کشور نیز می‌تواند در خصوص پیشگیری از ارتکاب این جرم مفید باشد. قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار «انتشار حکم محکومیت» را به‌عنوان مجازات تکمیلی در ماده ۲۳ برای جرائم اشاره‌شده در تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ معین نموده که در بند ج تبصره ماده ۳۶ قانون فوق صراحتاً به «اخذ پورسانت در معاملات خارجی» اشاره نموده است. لذا در صورتی که محکوم‌علیه در معاملات خارجی مرتکب جرم اخذ پورسانت به میزان بالای ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شده باشد، حکم صادره می‌بایست در رسانه ملی یا در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر گردد.^۱

۱. البته قانونگذار جمهوری اسلامی ایران سابقاً در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۴ با تصویب قانون طرح اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن مقرر نموده بود: «الف- تبصره (۱) ماده (۱۸۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۱- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افترا است.

ب- تبصره‌های ذیل به‌عنوان تبصره‌های (۳)، (۴) و (۵) به ماده (۱۸۸) الحاق می‌گردد:

تبصره ۳- در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوءاستفاده از اختیارات به‌منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرائم گمرکی، جرائم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به‌طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان جرائم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم‌علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود؛ مشروط به آنکه ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.

سؤالی که پیرامون بند ج تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر «انتشار حکم محکومیت در معاملات خارجی» مطرح است این است که آیا انتشار حکم محکومیت به اخذ پورسانت در معاملات داخلی نیز امکان‌پذیر است؟

پاسخ این است که باتوجه به صراحت تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اشاره به «اخذ پورسانت در معاملات خارجی»، امکان تسری قانون و انتشار حکم محکومیت به اخذ پورسانت در معاملات داخلی وجود ندارد و به‌نظر می‌رسد قانونگذار براساس محتوای جلسات قانونگذاری در سال ۱۳۷۲ که موجب تصویب قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ گردید، ارتکاب جرم اخذ پورسانت را صرفاً در معاملات خارجی قابل تحقق می‌داند. دلیل این نظر مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جلسات شماره‌های ۱۱۳ و ۱۱۴ درخصوص تصویب کلیات طرح یک‌فوریتی ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مندرج در روزنامه‌های رسمی مورخه‌های یکشنبه ۱۳۷۲/۳/۲ و ۱۳۷۲/۳/۴ و همچنین نظر قانونگذار در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر عدم شمول مرور زمان نسبت به جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی می‌باشد.

لذا قانونگذار در موضوع انتشار حکم محکومیت اشاره‌شده در مواد فوق‌الذکر باتوجه به ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که جرم اخذ پورسانت در معاملات داخلی را جرم‌انگاری نموده، خلأ قانونی به‌وجود آورده که همین امر زمینه‌ساز مشکلات آتی در رسیدگی به پرونده‌های مذکور توسط محاکم قضائی خواهد بود.

مستفاد از فحوای جلسات ۱۱۳ و ۱۱۴ مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲، هدف

تبصره ۴- مرجع تجدیدنظر موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید. در صورت تأخیر بدون عذر موجه قضات شعبه رسیدگی‌کننده به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر محکوم می‌شوند.

تبصره ۵- هریک از مقامات قضائی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف نماید یا به‌نحوی از انحاء مانع از اجرای آن گردد به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.
قانون فوق مشتمل بر ماده‌واحد در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و چهارم خرداد ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۳۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.»

قانونگذار از وضع ماده‌واحدۀ قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲ و تبصرۀ مادۀ ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ صرفاً جرم‌انگاری اخذ پورسانت در معاملات خارجی دستگاه‌های دولتی و نیروهای مسلح بوده است و نه معاملات داخلی. در این خصوص نیز استدالات محکمی را مطرح نموده‌اند؛ من جمله اینکه پرداخت پورسانت توسط شرکت‌های خارجی عرف و روال بوده و جهت مقابله با هرگونه سوءاستفاده مأمورین خرید دولت و نیروهای مسلح قانون مزبور به تصویب رسیده است، هرگونه پرداخت و دریافت وجه، مال یا سند اخذ وجه یا مال یا امتیاز در رابطه با شرکت‌های داخلی تحت‌عناوین مجرمانۀ دیگر مانند رشاء و ارتشاء قابل برخورد بوده و خلأ و مشکلی در این زمینه وجود نداشته است.

اما بعد از تصویب ماده‌واحدۀ موصوف که عطف‌بما سبق نیز گردیده است، به یکباره و بدون بیان دلیل موجه، با اضافه‌شدن کلمۀ «داخلی» به دنبال «معاملات خارجی» در متن مادۀ ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و مادۀ ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲، متأسفانه موجبات سوءاستفاده مجرمین از یک‌طرف و به هم‌ریختگی چارچوب احکام قضائی و تضعیف سازمان‌های دولتی و نظامی در کنترل این جرم از طرف دیگر را فراهم نمود. لذا با عنایت به مراتب مذکور و در جهت مرتفع‌نمودن مشکلات موجود، پیشنهاد می‌گردد قانونگذار محترم جمهوری اسلامی ایران ضمن بازنگری و اصلاح قوانین موردنظر، کلمۀ «داخلی» را از متن مادۀ ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و مادۀ ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ حذف یا پرداخت‌کنندگان پورسانت در معاملات داخلی را قابل تعقیب و مجازات قلمداد نماید.

در متن لایحۀ جدید قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم: تعزیرات) اصلاحی ۱۳۹۳/۲/۱۰ که در مرحلۀ بررسی و تصویب در مجلس قرار دارد، در بخش چهارم: «جرائم علیه سلامت اداری» در مبحث چهارم: «جرائم مربوط به معاملات دولتی» عنوان «اخذ پورسانت» از عناوین مجرمانه حذف گردیده و به نظر می‌رسد قانونگذار با تنظیم متن مادۀ ۹۸ در لایحۀ مذکور به صورت کلی تصمیم دارد که اقدامات و افعال ارتكابی در خصوص جرم اخذ پورسانت را در قالب عنوان رشاء و ارتشاء محاکمه نماید.

همچنین قانونگذار با تأسی از قوانین بین‌المللی اقدام به جرم‌انگاری پرداخت و دریافت

رشوه از سوی اشخاص حقوقی غیردولتی (خصوصی) نموده و برای اولین بار در مبحث اول بخش چهارم «رشاء و ارتشاء» در ماده ۹۹ موضوع را به شکل زیر بیان نموده است: «تحصیل هرگونه مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال یا امتیاز مالی یا غیرمالی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در خلال فعالیت‌های اقتصادی، مالی یا تجاری توسط هر یک از اعضای هیئت امناء، مدیران، بازرسان و کارکنان اشخاص حقوقی که به‌موجب قانون به ثبت رسیده یا مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند، برای خود یا دیگری، جهت انجام یا خودداری از انجام فعلی که براساس قوانین و مقررات نسبت به آن مجاز نبوده است؛ اعم از اینکه آن را انجام داده یا رفتار وی در انجام آن مؤثر باشد یا نباشد، ارتشاء محسوب و مرتکب به دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل وجه اخذشده یا ارزش ریالی مال اخذشده محکوم می‌شود.»

لذا هرچند که لایحه مذکور هنوز نهایی و تبدیل به قانون نگردیده است، لیکن می‌بایست تمام ابعاد حذف این عنوان مجرمانه خصوصاً در ارتباط با معاملات خارجی بررسی و مدنظر قرار گیرد.

۳- عدم موفقیت قانونگذار در پیشگیری از جرم اخذ پورسانت: مقنن در ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی در مقام جلوگیری از فساد مالی در معاملات دولتی در راستای جرم‌انگاری اخذ پورسانت در این دسته از معاملات برآمده است. این درحالی است که براساس کنکاش به‌عمل آمده در سطح دستگاه‌های مختلف اداری حکایت از عدم موفقیت قانونگذار در مبارزه با این پدیده شوم اقتصادی دارد.

۴- خفیف‌بودن مجازات مرتکبین جرم اخذ پورسانت و عدم مجازات پرداخت‌کنندگان پورسانت موجبات فراوانی این جرم را در سطح دولت و نیروهای مسلح فراهم نموده است که ضروری است در این خصوص لایحه اصلاحی به مجلس ارائه گردد.

۵- روند اصلاح یا تصویب اساسنامه، قوانین و مقررات مربوط به انجام معاملات در دولت و نیروهای مسلح طولانی بوده است.

ج) مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر جرم اخذ پورسانت

مباحثی که در فصول پیشین مطرح گردید، چکیده و خلاصه‌ای از دنیای تخلفات و عوامل زمینه‌ساز بروز تخلف در هنگام برگزاری مناقصات و معاملات در تشکیلات دولتی و نظامی است

که می‌تواند زمینه‌ساز بروز جرم اخذ پورسانت گردد. با بررسی پرونده‌های مطروحه در سازمان قضائی نیروهای مسلح، مشخص گردیده عواملی که در بروز جرائم نظامی مؤثر هستند، به چهار دسته اصلی به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

* عوامل درون‌سازمانی: کلیه عواملی که در داخل یگان‌ها بر بروز جرائم تأثیرگذارند مانند: عوامل محیطی و شغلی، عوامل اداری و مدیریتی، عوامل معیشتی و رفاهی و عوامل سازمانی و ساختاری؛

* عوامل برون سازمان: عوامل خارج از یگان‌ها مانند: عوامل اقتصادی، عوامل خانوادگی، عوامل مربوط به قوانین و مقررات قضائی و عدم وجود آمار جنایی جرم اخذ پورسانت؛

* عوامل درون فردی: عواملی که به ویژگی‌های فردی و شخصیتی فرد مرتبط می‌شوند مانند: عوامل فرهنگی، روحی و اعتقادی و علل انگیزه‌های روانی؛

* عوامل میان فردی: روابطی که یک فرد نظامی با همکاران یا افراد مافوق دارد مانند: عوامل نظارتی، کنترلی و بازرسی، عوامل آموزشی و اطلاع‌رسانی و آگاهی و عوامل انسانی.

درمجموع براساس بررسی‌های میدانی و مطالعه پرونده‌های مختومه موردنظر در این پژوهش و منابع موجود و بررسی‌های دیگر صورت‌گرفته از کارشناسان موضوعی مفاسد اقتصادی، عوامل مؤثر در بروز جرم اخذ پورسانت شناسایی و احصاء و ۱۲ متغیر اصلی مورد بررسی قرار گرفت که در فصل اول بخش سوم این کتاب به تفصیل بیان گردید. شاخص‌های هر یک از متغیرها می‌تواند ما را در تجزیه و تحلیل درست و منطقی از موضوعات و اتخاذ راهکارهای مناسب کمک نماید که در جمع‌بندی به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

۱- طمع اخذ وجه، مال یا امتیازی‌های دیگر، زیاده‌خواهی و مال‌اندوزی به‌عنوان انگیزه‌ای درونی و قوی برای دستیابی به پورسانت است. لذت ارتکاب گناه و حرام‌خواری نزد افراد چنان جذاب و شیرین است که مرتکب یا مرتکبین با توجیهات مختلف سعی می‌نمایند به خود القاء کنند که اخذ این پورسانت چون با رضایت پرداخت‌کننده بوده و با اخذ پورسانت ضرر و زیانی به دولت و نیروهای مسلح وارد نمی‌گردد، لذا واجد جاهت شرعی و قانونی بوده و اقدامی که توسط آنان برای فروشنده صورت‌گرفته، اخذ این مال اجرت‌المثل انجام آن اقدام است. بنابراین اخذ پورسانت را حلال و خارج از شبهه تلقی کرده و خود را مالک حقوق از دست‌رفته خود می‌دانند.

۲- فقر و نیازمندی، کسری درآمد و جبران کمبودها، چشم و هم‌چشمی‌ها، وسوسه‌های خانواده و اطرافیان، انحرافات اخلاقی و سست‌عنصری شخصیتی، فقدان صداقت‌کاری و عدم اعتقاد به حقوق بیت‌المال، مشکلات خانوادگی و روانی یا انگیزه جاسوسی به نفع اجانب به‌منظور تحصیل منفعت یا اخذ مجوز اقامت کشورهای خارجی نیز جزو انگیزه‌های همکاری با شرکت‌های طرف معامله بوده است.

۳- برخی رفتارها و اقدامات توسط کارگزاران، کارشناسان و مدیران در محیط صنعت در فرآیند و مراحل خریدها انجام می‌گیرد که موجبات ارتکاب جرم اخذ پورسانت را فراهم می‌کند. سرفصل این اقدامات عبارتند از: ایجاد و اعلام یک نیاز کاذب یا غیرضروری، جذب و استخدام کارشناسان و مأمورین خرید صنعت توسط شرکت‌های طرف قرارداد، تبانی جهت انحصاری قلمدادنمودن منابع یا شرکت‌های طرف معامله، تعیین و ایجاد نیازمندی‌ها با تبانی با یک پیمانکار خاص و هدایت خرید به‌سمت آن پیمانکار، افشاء اطلاعات مربوط به نیازمندی‌ها نزد شرکت‌ها و پیمانکاران خصوصی، هدایت خرید به‌سمت پیمانکار مشخص هم‌زمان با اعلام نیاز به یک محصول خاص، بی‌توجهی نسبت به اخذ تضمین‌های قراردادی، مشکلات موجود درخصوص صدور چک پیمانکار، عدم توانایی پیمانکار برای انجام موضوع قرارداد و تبانی جهت انحصاری قلمدادنمودن خریدها.

۴- برخی مشاغل و کارکنان در معرض بیشترین تهدیدات اخذ پورسانت قرار دارند که عبارتند از: کارکنان ذی‌حسابی، مدیران، کارشناسان و کارکنان شاغل در معاونت‌های مالی و بازرگانی (داخلی و خارجی)، اعضای کمیسیون معاملات، کارشناسان و مدیران پشتیبانی، مأموران، رابطین، ناظرین و مباشرین خرید، تنخواه‌گردان‌ها، مسئولین و متصدیان انجام پروژه‌ها در صنایع دولتی و نظامی، کارشناسان و مدیران مؤثر در امور پروژه‌ها، قراردادهای، مناقصه‌ها، مزایده‌ها خریدها و فروش‌ها، مسئولین دفاتر مدیران، کارکنانی که دوستان، بستگان و آشنایان آنها در شرکت‌هایی که در زمینه‌های موردنظر با صنعت فعالیت می‌کنند و کارکنانی که به‌دلیل دارا بودن سابقه کاری، تجربه، درجه و... نظرات و پیشنهادات آنها در امور مالی و بازرگانی مؤثر واقع شود.

۵- جابجایی برخی ضدارزش و ناهنجار بجای ارزش و هنجار در جامعه باعث ازبین‌رفتن زشتی آن عمل و عادی تلقی شدن آن در سطح جامعه می‌گردد. افرادی که درگیر جرم پورسانت

می‌باشند در نهایت ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را زیر پا گذاشته و زمینه آلوده‌شدن دیگر افراد جامعه را فراهم می‌نمایند.

۶- یکی دیگر از عوامل زوال هر جامعه‌ای فراموشی فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه الهی به‌عنوان یک سیستم کنترلی به‌گونه‌ای عمل می‌کند که همه آحاد مردم مراقب اعمال خود و دیگران، خصوصاً مسئولان باشند. فراموشی یا عدم‌اجرای صحیح این فریضه تبعات بسیار منفی برای جامعه خواهد داشت.

۷- مهم‌ترین مسئله‌ای که می‌تواند ارتکاب جرم اخذ پورسانت را سبب شود، ارتباط مستقیم عوامل خرید و کارشناسان نیرو با بالاترین یا مهم‌ترین نفر و شخص تصمیم‌گیرنده در شرکت طرف‌معامله می‌باشد.

۸- وجود انتصابات فامیلی در مجموعه‌ها، عدم‌دقت در گزینش و عدم‌انتصاب نفرات شایسته در امور خرید، به‌کارگیری افراد غیرواجدشرایط جهت امر کارگزاری معاملات دولت و به‌کارگیری کارکنان مشکوک و مظنون به اعتیاد به‌عنوان متصدی در امر خرید و فروش و معاملات صنعت از دیگر عوامل است.

۹- عدم‌وجود آمار جنایی جرم اخذ پورسانت: جرم اخذ پورسانت به‌عنوان یکی از مفاسد اقتصادی به‌دلیل اینکه مرتکبین آن از گروه اجتماعی کارمندان و نظامیان بوده که دارای جایگاه‌های بالا و مشاغل حساس هستند، آمار واقعی آن هرگز اعلام نمی‌شود و جزو جرائم رقم‌سیاه محسوب می‌گردد.

۱۰- وجود برخی نقایص و ضعف‌ها در سیستم‌های کنترلی و نظارتی متأسفانه باعث گردیده زمینه بروز جرائم ازجمله پورسانت برای برخی کارکنان فراهم شود. ضمن اینکه عدم‌توجه مدیران به هشدارهای مراجع نظارتی نیز می‌تواند از موجبات ارتکاب جرم اخذ پورسانت باشد. همچنین افشاء اطلاعات محرمانه مالی و قراردادی توسط کارگزاران و مأمورین خرید که باعث رانت‌اطلاعاتی و بروز تخلفات مالی و اخذ پورسانت می‌گردد نیز می‌تواند ازجمله دلایل وقوع جرم اخذ پورسانت به‌حساب آید. باتوجه به فراوانی ارتکاب آن و عدم‌نظارت و کنترل حفاظت یا بازرسی، به اعتقاد نگارنده درحال حاضر این موضوع یکی از شکست‌های حفاظتی و نظارتی است که بایستی برای آن سازوکار مناسبی پیش‌بینی گردد.

۱۱- اعتماد بیش‌ازحد و نابجا به افراد کارگزار و بی‌توجهی به ضعف‌های موجود که

- زمینه‌ساز جرم اخذ پورسانت می‌شود.
- ۱۲- ضعف یا سهل‌انگاری در ارزیابی پیمانکاران و شرکت‌های طرف قرارداد و کم‌توجهی به بحث رتبه‌بندی پیمانکاران و شرکت‌ها.
- ۱۳- ضعف و عدم تسلط و اشراف مسئولین و نیروهای تحت‌امر نسبت به موضوعات آموزشی و اطلاع‌رسانی و آگاهی نسبت به وظایف و مقررات کاری و مجازات‌های اخذ پورسانت.
- ۱۴- وجود تبعیض و نابرابری در برخوردها و بی‌عدالتی‌ها در نحوه پرداخت‌ها مثل پرداخت‌های حقوق و مزایا، پرداخت اضافه‌کاری‌ها و... به کارکنان ذی‌ربط که بعضاً سبب توجیه دریافت پورسانت می‌گردد.
- ۱۵- وجود تهدیدها همراه با تطمیع‌های مکرر مباشرین خرید ازسوی فروشندگان و شرکت‌های طرف معامله.
- ۱۶- وجود ضعف ساختاری در سیستم‌های اداری و نظامی.
- ۱۷- وجود زمینه‌های وقوع جرم در بعضی از مراکز دولتی و نیروهای نظامی مانند وزارت دفاع باتوجه به گستردگی فعالیت‌ها، تعدد سازمان‌ها و مراکز تابعه وزارت دفاع و نیروهای مسلح و حجم و تجمع قراردادهای نیروهای مسلح، فساد مالی ناشی از پورسانت در این بخش‌ها را موجب می‌شود. همچنین دریافت‌کنندگان پورسانت در بعد داخلی را بیشتر مأموران خرید و کارپردازهای سازمان‌ها تشکیل می‌دهند. در بعد خارجی و کلان، این وظیفه به‌عهده مدیران عامل بازرگانی و هیئت‌مدیره شرکت‌ها می‌باشد.
- ۱۸- عدم نظارت دقیق بر امور مالی و بازرگانی و نبود شفافیت و پاسخگویی درخصوص فعالیت‌های مربوط به بازرگانی و خریدی.
- ۱۹- معرفی انحصاری بعضی از شرکت‌ها یا تعاونی‌ها برای اجرای پیمانکاری در صنایع و نیروها.
- ۲۰- روشن نبودن و عدم تفکیک وظایف سیستم‌های نظارتی درخصوص رسیدگی به تخلفات و جرائم مالی من‌جمله اخذ پورسانت (حفاظت، بازرسی، عقیدتی و حقوقی).
- ۲۱- فقدان دستورالعملی جامع و کامل درخصوص نحوه تعیین صلاحیت و انتصاب کارکنان در مشاغل مالی، بازرگانی، مباشرین خرید و...
- ۲۲- عدم اعمال شیوه صحیح تشویق و تنبیه درخصوص کارکنانی که در مشاغل مالی و

بازرگانی فعالیت دارند.

۲۳- سوق خریده‌ها و نیازمندی‌ها به‌سوی منابع و شرکت‌های خارجی: جای سوءاستفاده‌ها در خریده‌های خارجی بیش از خریده‌های داخلی است. زیرا پیچیدگی‌های خریده‌های خارجی بیشتر است، حساب‌و‌کتاب‌های آن مثل خریده‌های داخلی با دقت انجام نمی‌شود و موجب تشدید وابستگی به لحاظ تمایل به خرید از کشورهای خارجی می‌گردد. کارگزاران و مدیران سودجو به‌منظور اخذ پورسانت‌های کلان اقدام به انحراف سیستم و سازمان و اخذ مجوز جهت خرید خارجی می‌کنند. این درحالی است که منابع داخلی برای تأمین کالا وجود دارد. همین امر نیز باعث انحراف و هرزرفتن مقادیر متنابهی ارز دولتی از مسیر اصلی و تصرف ناروای آن توسط اشخاص ذی‌نفوذ در معاملات خارجی می‌شود.

۲۸- فروشندگان داخلی یا خارجی طرف قرارداد با سازمان‌های دولتی با پرداخت پورسانت، مأموران خرید یا مدیران مربوطه را به‌نوعی به استخدام خود درآورده و چه‌بسا از آنها به‌عنوان یک عامل جهت اهداف جاسوسی خویش نیز استفاده می‌نمایند. مصادیق موجود درخصوص این موضوع در محاکم قضائی وجود دارد و نگارنده براساس مفاد پرونده‌های امنیتی که فرآیند جاسوسی در ابتدا با پرداخت پورسانت به مأمورین و کارگزاران شکل گرفته و سپس به مباحث امنیتی کشانیده شده، به این نتیجه رسیده است. مباحث مذکور در این زمینه قابل استناد و اثبات می‌باشد. این نکته مهمی است که می‌بایست مورد توجه مسئولین امر قرار گیرد.

۲۹- فقدان روحیه مقابله و عدم اعتقاد به برخورد با کارکنان و مدیران خاطی و مسئله‌دار در بین رؤسا و فرماندهان.

۳۰- یکی از نشانه‌های سالم‌بودن یک سیستم اجرای دقیق دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، مقررات و آیین‌نامه‌های مصوب آن سیستم می‌باشد. هرکدام از موارد مذکور براساس نیازمندی‌های درون‌سیستمی تعریف و تدوین شده است تا آن سیستم در رسیدن به اهداف خود موفق‌تر باشد. متأسفانه و برابر آمار موجود در مجموعه‌های دولتی و نظامی رعایت و پایبندی به این موارد ضعیف است و درگیر جرائم اقتصادی از جمله اخذ پورسانت می‌شوند.

۳۱- عدم تبعیت کارکنان و مدیران از قوانین و نقض قوانین و مقررات مالی در خرید و فروش‌ها، مناقصه‌ها و مزایده‌ها مانند شکستن و خردکردن قراردادهای جزئی برای دورزدن آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی.

۳۲- عدم حضور و یا عدم تمایل مسئولین جهت مشارکت جدی نمایندگان حقوقی در جریان معاملات دولتی و نظامی که به منظور اطمینان از رعایت کلیه مقررات مالی و حقوقی این امر ضروری است.

۳۳- اغلب مرتکبین جرم اخذ پورسانت در معاملات دولتی و نظامی به علت ارتباط با محافل سیاسی دارای قدرت و جایگاه والای اداری و اجتماعی هستند و موجب می‌شوند که برخورد قضائی و اداری با آنان مسامحه‌آمیز بوده به مدارا با آنان رفتار گردد.

۳۴- عدم اطلاع دقیق از میزان وقوع جرم اخذ پورسانت، عدم اطلاع از تبعات جرم ارتكابی و در نتیجه عدم وجود حساسیت نسبت به جرم مذکور موجب گردیده که مدیران وزارتخانه‌ها و تشکیلات دولتی و نظامی برخورد جدی و ریشه‌ای با جرم اخذ پورسانت نداشته باشند.

د) مهم‌ترین راهکارهای مؤثر برای پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت

باتوجه به اهمیت و حساسیت پیشگیری در دولت، لطمات جبران‌ناپذیری که از بابت ارتکاب به جرم اخذ پورسانت بر آن وارد می‌آید. براساس پرونده‌ها و سوابق مطروحه و تجربیات تحصیل‌شده، استفاده از نظرات قضات رسیدگی‌کننده به پرونده‌های مذکور و همچنین با استفاده از منابع موجود، راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت در حوزه نهادهای نظارتی به شرح زیر بیان می‌شود. البته این راهکارها قابل تسری و تعمیم به سایر دستگاه‌های دولتی نیز می‌باشند.

چنان‌که در فصل دوم از بخش سوم این کتاب ملاحظه شد، به برخی از قوانین و مقررات عام و خاص موجود درخصوص پیشگیری از وقوع جرم، ممنوعیت‌ها، شرایط مقرر درخصوص معاملات دولتی و سازمان‌های نظارتی در جمهوری اسلامی ایران و وظایف آنها اشاره گردید تا اهمیت موضوع پیشگیری از وقوع جرم در نزد مسئولین و قوای مقننه، قضائیه و مجریه و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران روشن گردد.

همچنین در فصل دوم از بخش سوم کتاب اقسام و انواع روش‌های پیشگیری از جرم که بین جرم‌شناسان شناسایی و در سطح اکثر جوامع اجرائی است بیان گردید که شامل:

۱- پیشگیری کیفری (قضائی): که هر چه میزان هزینه جرم (مجازات) کمتر باشد، امکان ارتکاب جرم بیشتر است. پیشگیری کیفری براساس اثری که بر جامعه یا فرد بزهکار می‌گذارد،

به پیشگیری عام و پیشگیری خاص تقسیم می‌شود.

۲- پیشگیری اجتماعی: پیشگیری اجتماعی به معنای از بین بردن زمینه‌های ارتکاب جرم و به دنبال اجتماعی کردن و هم‌نو ساختن افراد با قواعد، قوانین و مقررات موجود جامعه با استفاده از آموزش است.

۳- پیشگیری وضعی: پیشگیری وضعی مبتنی بر تقویت نهادهای انتظامی و ناظر به قربانیان احتمالی است و کلیه فعالیت‌ها و اقداماتی که منجر به کاهش فرصت مجرمانه می‌شوند را شامل می‌شود.

عمده‌ترین راهکارهای پیشنهادی جهت جلوگیری از ارتکاب بزه اخذ پورسانت عبارت است از:

۱- یکی از اصول مدیریت، موضوع کنترل و نظارت مستمر می‌باشد. در بررسی‌های مختلف از جمله بررسی سوابق پورسانت مطرح در مراجع قضائی این امر کاملاً روشن و شفاف است که متأسفانه مسئولین ذی‌ربط بر امور محوله به کارکنان تحت‌امر خود نظارت، کنترل صحیح و کاملی ندارند. این امر می‌تواند نشانگر بی‌تعهدی، ضعف مدیریتی و... باشد که در هر صورت زمینه ارتکاب جرائم از جمله پورسانت را برای برخی کارکنان فرصت‌طلب فراهم می‌کند. نیروهای بازرسی و نیروهای حفاظت اطلاعات براساس مأموریت‌های مندرج در اساسنامه و قوانین موجود موظفند وظیفه خود را در تشخیص، پیشگیری، و خنثی نمودن تخلفات و انحرافات اشاره شده به‌طور دقیق و بدون دخالت در وظایف حوزه‌های دیگر جهت پیشگیری از جرم در نیروهای مسلح انجام دهند.

۲- قدرت نظارت ارگان‌های ناظر باید افزایش یابد و نظارت دقیق بر فرآیند برگزاری مناقصات و انعقاد قراردادهای، کیفیت اجرا و همچنین نظارت بر انجام صحیح امور مالی و بازرگانی براساس قوانین و مقررات موجود و آیین‌نامه‌های معاملاتی انجام و امور به‌صورتی ساماندهی گردد که یک نفر نتواند خود هم مجری، هم تصویب‌کننده و هم ناظر باشد.

۳- تدابیر لازم در جهت حفاظت از اطلاعات مربوط به معاملات نیروهای مسلح اتخاذ گردد.

۴- کنترل و نظارت دقیق، مستمر و همه‌جانبه با استفاده از ابزارهای نوین بر عملکرد کلیه مدیران و کارکنانی که در امور بازرگانی و معاملات فعالیت و اشتغال دارند جهت از بین بردن بسترها و خلأهای موجود در دستگاه‌های دولتی و نظامی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم

می‌نماید.

۵- نمایندگان بازرسی، عقیدتی‌سیاسی و حفاظت‌اطلاعات در کمیسیون‌های مزایده‌ها و مناقصه‌ها حضور یابند.

۶- سازوکارهای مناسب برای انجام انواع حسابرسی از قبیل حسابرسی داخلی، حسابرسی عملیاتی، مستقل و مالیاتی، مالیات بر ارزش‌افزوده و حسابرسی از عاملین خرید در مقاطع زمانی مشخص ایجاد گردد و سامانه کشف تقلب و داده‌کاوی راه‌اندازی شود.

۷- عدم‌واگذاری مشاغل خریدی و بازرگانی به افراد فاقدصلاحیت و گزینش، انتخاب، انتصاب و به‌کارگیری کارکنان و مدیران صالح، مؤمن، متعهد، امانت‌دار، مطمئن، دلسوز و دارای تخصص و تعهد در مشاغل مالی و بازرگانی و بازارهای داخلی و خارجی بالأخص مشاغلی که احتمال فساد مالی در آنها بیشتر می‌باشد.

۸- هر نوع رابطه مالی یا انجام هر نوع کار با افراد طرف قرارداد یا پیمانکار ممنوع اعلام و این امر به‌صورت کتبی به مسئولین خرید نیروهای مسلح ابلاغ گردد، تعهدنامه کتبی در این خصوص اخذ و برخورد انضباطی حتی قبل از وقوع جرم صورت پذیرد.

۹- تحقیق و بررسی همه‌جانبه برای یافتن منابع سالم تأمین بازار و انجام استعلام‌ها به‌صورت حضوری و در پاکت‌های مخصوص توسط کارشناسان و نیروهای متعهد صورت گیرد.

۱۰- دادن چک شخصی به افراد طرف قرارداد ممنوع اعلام شود و سیستم و سازوکار دقیق جهت پرداخت طلب افراد و واریز وجه به حساب طرف قرارداد نه مأمور خرید ایجاد شود.

۱۱- در قوانین و مقررات بازدارنده بازنگری صورت پذیرد، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر بلااثر شوند، قوانین و مقررات مفید و مؤثر تدوین و بدون کوچک‌ترین چشم‌پوشی به‌صورت صحیح اجرا گردد.

۱۲- مقررات مالی توسط بانک مرکزی ایجاد و محدودیت همراه با نظارت درخصوص گردش و واریز مبالغ بالای ده میلیارد ریال توسط بانک‌های کشور ایجاد گردد.

۱۳- تدابیر لازم جهت اخذ نظرات کارشناسان حقوقی قبل از انعقاد هرگونه قرارداد اتخاذ گردد.

۱۴- اعتبارسنجی و ارزیابی مستمر و اطمینان از اهلیت و توانمندی طرف‌های قرارداد و اخذ تضامین معتبر و متناسب با میزان تعهدات قراردادی.

۱۵- احراز نمایندگی شرکت‌های ایرانی یا خارجی طرف قرارداد و همچنین توانمندی آنها براساس اسناد و مدارک ابرازی، استعمال از مراجع ذیصلاح و خودداری از انعقاد قرارداد با نمایندگان شرکت‌های خارجی بدون احراز سمت قانونی و بررسی و تعیین میزان مسئولیت اصیل و نماینده در قرارداد منعقد.

۱۶- آموزش، اطلاع‌رسانی، آگاهسازی و برگزاری مستمر کلاس‌های آموزشی تخصصی و توجیهی برای مأمورین خرید و فروش جهت افزایش سطح آگاهی و شناخت کارکنان از قوانین و مقررات و آموزش راههای نفوذ مفسدین اقتصادی در مجموعه‌های دولتی و نظامی در بین کارمندان با عناوین مختلف.

۱۷- جابه‌جایی و انتقال عاملین خرید و کارپردازان هر سه سال یکبار از مشاغل بازرگانی و جلوگیری از انتصاب عاملین خرید و کارپردازان بیش از سه سال مالی.

۱۸- ارتقاء توان علمی و تخصصی کارشناسان و مدیران عملیاتی سازمان‌های نظارتی که در امور اقتصادی فعالیت دارند.

۱۹- قاطعیت در اعمال مجازات‌ها و برخورد قضائی عادلانه و شفاف با متخلفان اقتصادی و مصادیق فساد بدون تأثیرپذیری از مقامات و دستگاه‌ها و جلوگیری از اعمال نفوذها.

۲۰- عملیاتی‌نمودن سامانه‌های ارزیابی (سامانه خرید خارجی، سامانه قرارداد، سامانه مناقصات، سامانه خدمات پس از فروش و سامانه هوش مصنوعی BI) درخصوص شرکت‌هایی که با نیروهای مسلح همکاری دارند.

۲۱- بررسی جهت اطمینان از وجود واقعی شرکت‌ها یا پیمانکاران با اسامی اعلام‌شده، اخذ استعمال واقعی قیمت از برخی اجناس خریداری‌شده به‌صورت تصادفی از منابع خرید متفاوت و همچنین بررسی تضمین‌های اخذشده با سرمایه شرکت طرف قرارداد و همخوانی با ارزش ریالی یا دلاری قرارداد.

۲۲- ضرورت احیاء عملی فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اشاعه آن در یگان‌ها، در سطح وزارت دفاع، نیروهای مسلح و تشکیلات دولتی به‌گونه‌ای که همه افراد نسبت به یکدیگر احساس دوستی و نسبت به وظایف سازمانی احساس تکلیف و مسئولیت نموده و هرگونه اقدامات مجرمانه را به مراجع ذی‌ربط گزارش نمایند.

۲۳- حضور مستمر مقامات قضائی در یگان‌های نیروهای مسلح درجهت آگاهسازی و

ارتباطات نزدیک و صمیمی آنان با کلیه کارکنان می‌تواند اثرات مثبتی در پیشگیری از وقوع جرائم داشته باشد.

۲۴- اصلاح قوانین و مقررات، رفع ابهامات و رعایت دقیق ضوابط و مقررات در مجموعه‌های دولتی و نظامی که یکی از راهکارهای اساسی پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت تلقی می‌گردد، بازنگری در قوانین موجود، انسجام و تمرکز قوانین مربوط به جرم اخذ پورسانت و اصلاح مجازات‌ها، تدوین مقررات جزائی متناسب و بازدارنده، کاهش مجازات حبس و زندان و افزایش جزای نقدی و پیش‌بینی مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی برای مرتکبان جرم اخذ پورسانت

۲۵- شناسایی و رفع خلأهای قانونی در برخورد با متخلفینی که با انتقال ثروت‌های نامشروع خود به خارج از کشور، بانک‌های خاص و حساب‌های ناشناخته از عوامل ایجاد فساد اقتصادی هستند.

۲۶- انجام اصلاحات در اساس‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی سازمان‌ها با رویکرد انعطاف‌پذیری و متناسب با نیاز سازمانی و شرایط اقتصادی جامعه.

۲۷- تشویق به موقع و شایسته مدیران، کارکنان و کارشناسان عملیاتی و اطلاعاتی که بر روی پرونده‌های مفاسد اقتصادی فعال می‌باشند، رفع مشکلات و مسائل فکری و اقتصادی آنان و تصویب طرحی به منظور اختصاص درصدی از مبالغ پورسانت‌های اخذ و پرداخت شده تحت عنوان حق‌الکشف برای کسانی که افشاء این مفاسد را برعهده دارند.

۲۸- دادن اختیارات کافی به مدیران برای تشویق مباشرین در معاملات و در نظر گرفتن منابع مالی برای تشویق و پاداش به مباشرین خرید به فراخور عملکرد خوب ایشان.

۲۹- ایجاد تسهیلات لازم برای مأمورین خرید و افراد مرتبط و تأمین مالی مستخدمین از طریق پرداخت حقوق و مزایا و تأمین نیازهای معیشتی و اقتصادی مسئولان و متصدیان امور مالی، بازرگانی، قراردادهای مناقصه‌های داخلی و خارجی و...

۳۰- تهیه آمار کیفری دقیق در خصوص وقوع جرم اخذ پورسانت در یگان‌های نظامی و دولتی و همچنین مراجع قضائی، بررسی و تجزیه و تحلیل و مقایسه میزان آن با سایر جرائم و ارائه راهکارهای کاربردی جهت مقابله و پیشگیری از وقوع جرم مذکور.

۳۱- کاهش اختیارات کارکنانی که به نوعی با مسائل مالی، بازرگانی، قراردادهای و... فعالیت

دارند و ممنوعیت به‌کارگیری کارکنان قراردادی در مشاغل مذکور.

۳۲- استعلام از حفاظت اطلاعات مربوط یا مبادی ذی‌ربط جهت احراز صلاحیت شرکت یا پیمانکار طرف قرارداد.

۳۳- در کلیه قراردادهای انجام سه استعلام بهاء درخصوص موضوع قرارداد الزامی و در اولویت قرار گیرد.

۳۴- سرشکن نمودن و خردکردن یک خرید صنعت از سوی مدیر یا مسئول مربوط و انجام آن در چند مرحله (متأسفانه این امر در اکثر صنایع شیوع دارد) بایستی کاملاً ممنوع اعلام گردد تا فرصتی به متخلفان داده نشود.

۳۵- مبارزه با پول‌شویی، شفاف‌سازی قراردادهای و معاملات کلان، وظایف و مسئولیت‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها جهت نظارت همگانی و مسدود نمودن راههای سوءاستفاده افراد مسئله‌دار و خاطی.

۳۶- کوچک کردن بخش دولتی (از انحصارات دولتی بایستی کاسته و از خصوصی‌سازی حمایت به عمل آید).

نتیجتاً و به‌طور خلاصه می‌توان گفت که:

۱- سایر کشورهای جهان عنوان مجرمانه خاصی به نام «اخذ پورسانت» ندارند، بلکه با تأسی از مقررات بین‌المللی این بزه را تحت عنوان کلی «مفسد مالی»، «امتیاز نامشروع» و... قابل تعقیب می‌دانند.

۲- از نظر شرع مقدس اسلام اخذ پورسانت حرام و ریشه آن همان «اکل مال به باطل» است و ارائه توجیهاتی برای آن مثل کمیسیون، حق‌الزحمه، پاداش، هبه و... مسموع نیست.

۳- جرم اخذ پورسانت از جمله جرائم ذو وجهتین است که از یک طرف جزو جرائم مالی علیه دولت و نیروهای مسلح است و از طرف دیگر جرمی علیه امنیت و آسایش عمومی تلقی می‌گردد که آمار آن به‌طور دقیق اعلام نمی‌شود. این جرم جزو جرائم رقم‌سیاه محسوب شده و چون در این جرم به ظاهر خسارت و ضرر و زیانی متوجه دولت و نیروهای مسلح نمی‌گردد، لذا از نظر مدیران و مسئولین دولتی و نظامی جرم کم‌اهمیتی بوده و حساسیت خاصی نسبت به آن از خود نشان نمی‌دهند. این درحالی است که جرم مذکور می‌تواند زمینه‌ساز جرائم امنیتی و جاسوسی خصوصاً در نیروهای مسلح باشد.

۴- جرم اخذ پورسانت یک جرم نوپا و نوظهور تلقی می‌گردد. مقنن در ابتدا با وضع «تبصره ماده ۸۵ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱» و «قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب سال ۱۳۷۲» گام خوبی را جهت برخورد با این پدیده نوظهور برداشته، اما وضع قوانین دیگر و تسری جرم اخذ پورسانت به معاملات داخلی در «ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵» و همچنین «ماده ۱۰۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲» بدون تعیین مجازات نسبت به پرداخت‌کنندگان داخلی و وجود شباهت‌های بسیار نزدیک بین جرم اخذ پورسانت با سایر جرائم من جمله ارتشاء و تبانی در معاملات دولتی، موجب گردیده تمییز و تشخیص جرائم مذکور را برای ضابطین و قضات با مشکل مواجه نموده و از یک‌طرف موجبات سردرگمی قضات و دستگاه‌های دولتی و نظامی و صدور آراء معارض و تجری و فرار مجرمین از چنگال قانون و از طرف دیگر شیوع و فراوانی ارتکاب آن را فراهم نماید.

۵- وقوع جرم اخذ پورسانت به دلیل اینکه غالباً توسط مدیران و در خفا و پنهان صورت می‌گیرد، لذا همیشه کشف نمی‌گردد. آمار این جرم نیز جزو آمار جرائم رقم‌سیاه تلقی می‌گردد. لذا معمولاً جرم اخذ پورسانت توسط ضابطان دادگستری، ضابطان نظامی، سازمان‌های حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات کشف و پس از جمع‌آوری دلایل و قراین وقوع جرم اخذ پورسانت توسط متهم یا متهمین، مراتب مطابق بند ب ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ جهت رسیدگی به مراجع قضائی منعکس می‌گردد.

۶- شهود و مطلعین یکی از ادله اثبات جرم اخذ پورسانت محسوب می‌شوند، اما به جهت مخاطراتی که برای آنان وجود داشته، امکان بهره‌برداری مطلوب از آنان وجود نداشته است. لذا باتوجه به این مخاطرات، قانونگذار جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از شهود و مطلعان در قوانین مصوب من جمله ماده ۱۷ قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۸/۷ و همچنین ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تدابیری را اتخاذ نموده است؛ لیکن حمایت از شهود و مطلعان مستلزم رعایت دقیق مفاد قوانین فوق توسط دستگاه‌های نظارتی و قوه قضائیه می‌باشد.

۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در ماده ۱۰۹ مرور زمان در جرم اخذ پورسانت در معاملات خارجی را مدنظر قرار داده است؛ اما درخصوص معاملات داخلی این موضوع

مسکوت گذارده شده است. لذا در حال حاضر در معاملات داخلی به‌طور کلی و در معاملات خارجی کمتر از یک میلیارد ریال در مرور زمان با خلأ قانونی مواجه هستیم. همین موضوع در رویه قضائی مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد و ضروری است طی لایحه‌ای نقص قانونی فوق مرتفع گردد.

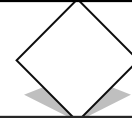
۸- یکی از دلایل اصلی که موجب رشد جرم اخذ پورسانت گردیده، موضوع جرم‌نبودن اقدام مرتکبین در پرداخت پورسانت و عدم مجازات آنان می‌باشد. این خلأ قانونی موجب تجری مرتکبین و فراوانی ارتکاب جرم اخذ پورسانت شده است. لذا به‌نظر نگارنده با ارائه طرحی به‌منظور مجرمانه تلقی نمودن اقدام مرتکبین پرداخت پورسانت، می‌توان تأثیر بسزایی در پیشگیری از وقوع جرم اخذ پورسانت داشت.

۹- واژه پورسانت علی‌رغم اینکه در قوانین موجود به معنی درصد آمده است، ولی ممکن است عملاً در توافق بین طرف فروشنده و کارگزار تجلی پیدا نکرده و به‌طریقی دیگر به غیر از ثمن معامله پرداخت گردد. لذا موضوع پورسانت لزوماً وجه نقد و امتیاز نیست و می‌تواند شامل اموال منقول یا غیرمنقول، سند انتقال وجه یا مال یا هر نوع امتیاز با ارزش یا مساعدت در انجام هر کاری باشد؛ مانند فراهم نمودن امکان تحصیل در خارج از کشور برای مأمور دولت یا نیروهای مسلح و اقوام ایشان، قبولی در آزمون‌های مختلف کنکور، پرداخت وام‌های مختلف خارج از نوبت و بدون بهره یا بدون رعایت ضوابط قانونی، تحویل اتومبیل زودتر از موعد مقرر، معامله خودرو یا منزل یا لوازم دیگر با قیمت غیرمعارف، خرید منزل مسکونی یا سایر کالاها به‌صورت قسطی، پیشنهاد و قبول هزینه‌های مسافرت‌های سیاحتی داخلی و خارجی به‌اتفاق خانواده، وارد نمودن آشنایان یا افراد خانواده به یک شغل دولتی یا خصوصی و... که به‌طریق و وسایل مختلفی پرداخت می‌شود.

۱۰- پرداخت پورسانت از طرف فروشندگان قبل از آنکه به نفع خریدار (دولت یا نیروهای مسلح) باشد، بیشتر به نفع فروشندگان خواهد بود. زیرا ماهیت پنهان پورسانت، مستلزم چشم‌پوشی نمایندگان (دولت یا نیروهای مسلح) از بسیاری نواقص و معایب کالاهای خریداری‌شده خواهد بود. برابر بررسی‌های انجام‌شده در پرونده‌های قضائی، بخشی از کالاهای خریداری‌شده از کیفیت لازم برخوردار نبوده یا قابل بهره‌برداری نیست و بیش از اینکه سودی را به‌عنوان پورسانت نصیب خریداران و صنعت کرده باشد، سرمایه‌های بزرگی را به جیب

بیگانگان سرازیر کرده است. در واقع مطابق قوانین موجود در این بخش که جرم اخذ پورسانت اتفاق می‌افتد، صرفاً پورسانت مسترد می‌گردد، اما هیچ محمل قانونی برای جبران خسارت‌های وارده وجود ندارد.

۱۱- باتوجه به موارد بدست‌آمده در این کتاب شایسته است مسئولین امور علاوه بر اصلاح ساختارهای موجود در موضوع بازرگانی و معاملات سازمان‌های نظامی و دولتی، ابلاغ بخشنامه‌های مفید و مؤثر، اطلاع‌رسانی، آموزش و آگاهسازی کارمندان نسبت به موضوع، دقت در گزینش و انتخاب کارمندان و حقوق و مزایای مکفی، از نوسانات اقتصادی در بین کارکنان جلوگیری به‌عمل آورند. مهم‌تر از همه در تحکیم مبانی اعتقادی کارکنان کوشش نموده و فرهنگ اسلامی قناعت و مناعت طبع را در بین کلیه کارکنان، خاصه کارگزاران دولت و نظامیان ارتقاء دهند. در کنار این همه، می‌بایست بر کار و فعالیت مستخدمین و کارگزاران، نظارت دائم، دقیق و مستمر داشته باشند و کسانی را که با جمیع این اوضاع و احوال مرتکب پورسانت‌خواری می‌شوند، قاطعانه و بدون اغماض مجازات کرده و از این رهگذر، مسیر جامعه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در حرکت به سمت‌وسوی کمال و ترقی هموار نمایند.



منابع فارسی و عربی

الف (کتاب‌ها

۱. قرآن کریم
۲. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ جلد اول، چاپ پنجم، قم: انتشارات اشراق، ۱۳۷۹.
۳. آریان‌پورکاشانی، منوچهر؛ فرهنگ پیشرو آریان‌پور انگلیسی- فارسی؛ جلد اول، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهانی رایانه، ۱۳۷۷.
۴. آشتیانی، میرزا محمدحسن؛ کتاب‌القضاء؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۳۶۲.
۵. آنسل مارک؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه علی‌حسین ابرندآبادی و محمد آشوری؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۶. اباذری‌فومشی، منصور؛ مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری؛ تهران: انتشارات اندیشه عصر، ۱۳۸۷.
۷. ابن‌اثیر، مبارک‌بن‌محمد؛ النهاية فی غریب الحديث و الاثر؛ محقق: طناحی محمد محمود، احمد زاوی‌طاهر، جلد دوم، قم: ناشر موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
۸. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ جلد اول و دوم، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
۹. اسعدی، سیدحسن؛ جرائم سازمان‌یافته فراملی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۱۰. امین‌پور، محمدتقی؛ قانون کیفر همگانی و آراء دیوان کشور؛ تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۰.

۱۱. انصاری، شیخ مرتضی بن محمد امین؛ **المکاسب المحرمه و البیع و الخيارات**؛ ترجمه و شرح مکاسب استاد محسن غروی‌ان، جلد اول، دوم، سوم، قم: انتشارات دارالذخائر - دارالفکر، ۱۴۱۱ ه.ق و ۱۳۸۹ شمسی.
۱۲. انوری، حسن؛ **فرهنگ فشرده سخن**؛ جلد چهارم و هشتم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲.
۱۳. ایرانشاهی، حمید؛ **پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران**؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۰.
۱۴. باهری، محمد؛ **نگرشی بر حقوق جزای عمومی ایران**؛ چاپ اول، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۰.
۱۵. بولک برنار، **گاستون استفانی**، ژرژ لواسورو؛ **حقوق جزای عمومی**، جرم و مجرم؛ ترجمه حسن دادیان؛ جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.
۱۶. جبران، مسعود؛ **الرائد (فرهنگ الفبائی عربی - فارسی)**؛ ترجمه رضا انزایی‌نژاد؛ مشهد مقدس: انتشارات نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
۱۷. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر؛ **مقدمه علم حقوق**؛ تهران: انتشارات گنج‌دانش، ۱۳۶۲.
۱۸. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر؛ **ترمینولوژی حقوق**؛ چاپ بیستم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
۱۹. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر؛ **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**؛ جلد اول تا پنجم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
۲۰. حبیبی، نادر؛ **فساد اداری**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات واثقی، ۱۳۷۵.
۲۱. الحرالعاملی، محمدحسین؛ **وسائل الشیعه**؛ جلد‌های دوازدهم و هجدهم، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ ه.ق.
۲۲. حسینی، سیداسماعیل؛ **اصول حاکم بر قراردادهای دولتی**؛ تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۸۴.
۲۳. حموی، صبحی؛ **المنجد فی الغه والاعلام**؛ بیروت: دارالشروق، ۱۹۸۶.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی (مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی})؛ **رساله اجوبه الاستفتائات**؛ چاپ هفتادوسوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۱.

۲۵. دهخدا، علی‌اکبر؛ **لغت‌نامهٔ دهخدا**؛ جلد هفتم و پانزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۶. ذوالمجدین، زین‌العابدین؛ **فقه و تجارت**؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۲۷. رحیمی، عباس؛ **حق الناس**؛ تهران: نشر جمال، ۱۳۸۸.
۲۸. رضوی، محمد؛ **حقوق کیفری نیروهای مسلح**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی ناجا، ۱۳۸۶.
۲۹. رهبر، فرهاد و دیگران؛ **بازشناسی عارضهٔ فاسد مالی**؛ جلد اول، تهران: نشر جهاد، ۱۳۸۱.
۳۰. زرگری، سیدمهدی؛ **پیشگیری از بزه‌کاری**؛ تهران: انتشارات نگاه بینه، ۱۳۹۰.
۳۱. زرنگ، محمد؛ **تحولات نظام قضائی ایران از مشروطه تا سقوط رضاشاه**؛ جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۳۲. سازمان قضائی نیروهای مسلح (معاونت قضائی و حقوقی)؛ **نظریات مشورتی کمیسیون حقوقی و قضائی**؛ جلد سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۸.
۳۳. سازمان قضائی نیروهای مسلح (معاونت قضائی و حقوقی)؛ **منتخب آراء دیوان عالی کشور در مورد دادگاه‌های نظامی**؛ تهران: انتشارات سپاه، ۱۳۸۲.
۳۴. سازمان قضائی نیروهای مسلح (معاونت قضائی و حقوقی)؛ **پیشگیری از وقوع جرم در نیروهای مسلح**، پائیز ۱۳۹۳.
۳۵. سازمان قضائی نیروهای مسلح، معاونت قضائی و حقوقی، اداره کل پیشگیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی؛ **جزوه بررسی جرم تبانی در معاملات، مزایده‌ها و مناقصه‌های دولتی**؛ جزوه شماره پنج، ۱۳۸۵.
۳۶. سلیمی، صادق؛ **جنایت سازمان‌یافتهٔ فراملی**؛ تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
۳۷. شام‌بیاتی، هوشنگ؛ **حقوق جزای عمومی**؛ جلد اول، چاپ نهم، تهران: انتشارات ژوبین، ۱۳۷۸.
۳۸. شهری، غلامرضا و دیگران؛ **نظریات ادارهٔ حقوقی قوهٔ قضائیه در رابطه با تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب**؛ چاپ اول، تهران: کتابخانهٔ گنج دانش، ۱۳۷۴.

۳۹. صانعی، پرویز؛ **حقوق جزای عمومی**؛ تهران، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
۴۰. طالقانی، سید محمود؛ **تفسیر پرتوی از قرآن**؛ جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۶.
۴۱. طاهری مجد، محمدعلی؛ **تعیین رژیم دلایل کیفری در نظام قضائی ایران، علوم جنایی**؛ نشر سمت.
۴۲. طباطبایی، سید محمدحسین؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه محمدتقی مصباح‌یزدی، جلد دوم، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
۴۳. طباطبایی‌یزدی، **عروة الوثقی**؛ جلد دوم و سوم، تهران: مطبعة الحیدری، ۱۳۷۷.
۴۴. طباطبایی‌یزدی، سید محمدکاظم؛ **تفسیر المیزان**؛ ترجمه محمدباقر موسوی‌همدانی؛ جلد دوم و جلد سوم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۴۵. عباس‌زادگان، سید محمد؛ **فساد اداری**؛ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.
۴۶. علی‌آبادی، عبدالحسین؛ **حقوق جنایی**؛ جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۵.
۴۷. عمید، حسن؛ **فرهنگ فارسی عمید**؛ جلد اول و دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶.
۴۸. قرائتی، محسن؛ **تفسیر نور**؛ جلد اول، تهران: ناشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۴۹. قربانی، فرج‌اله و دیگران؛ **مجموعه کامل قوانین و مقررات مالی محاسباتی**؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشور، ۱۳۸۳.
۵۰. کاتوزیان، ناصر؛ **دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت**؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸.
۵۱. کاتوزیان، ناصر؛ **مقدمه علم حقوق در نظام حقوقی ایران**؛ چاپ بیست و دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
۵۲. کرکی، شیخ‌علی‌بن‌عبدالعالی، معروف به محقق کرکی؛ **(بی تا)، اجمع أهل الاسلام علی تحریم الرشا فی الحکم**؛ جلد چهارم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۸ ه. ق.

۵۳. گارو رنه، Garraud, Rene؛ مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا؛ ترجمه و تطبیق سیدضیاءالدین نقابت؛ جلد اول، تهران: انتشارات ابن نیا، ۱۳۴۴.
۵۴. الممیر، محمود؛ شرح قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح؛ تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۹.
۵۵. المتقی، علی؛ والهندی، علاءالدین؛ کنز العمال فی سخن الاحوال والافعال؛ جلد ششم، چاپ دوم هند: دائره المعارف الثانیه، ۱۳۷۷ ه.ق.
۵۶. محسنی، مرتضی؛ دوره حقوق جزای عمومی؛ جلد اول و دوم، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵.
۵۷. محقق داماد، سیدمصطفی و دیگران؛ حقوق قراردادهای در فقه امامیه؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۵۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الانوار؛ الجامعه لدرر اخبار الائمه الطهار؛ المجلد ۱۰۴، بیروت: نشر دارالحیاء التراث العربی، ۱۱۱۱ ق.
۵۹. مشایخی، قدرت الله؛ قاعده های فقهی؛ تهران: ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۷.
۶۰. مصدق، محمد؛ شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد کاربردی؛ تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
۶۱. مصدق، محمد؛ آیین دادرسی کیفری؛ تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۹۳.
۶۲. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین؛ تهران: انتشارات اشجع، ۱۳۸۶.
۶۳. معاونت آموزش قوه قضائیه؛ نظریات مشورتی راجع به کیفر کارمندان دولت و قضات؛ چاپ اول، تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۷۷.
۶۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ مجمع الفائده و البرهان فی الشرح ارشاد الازدهان؛ جلد دوازدهم، تهران: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲.
۶۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ حدیقه الشیعه؛ مصحح، علی اکبر زمانی نژاد و صادق حسن زاده، قم: ناشر انصاریان، ۱۳۸۳.
۶۶. مکی، حسین؛ تاریخ بیست ساله ایران ۱۳۲۴ تا ۱۳۶۴؛ جلد اول تا هشتم، تهران: انتشارات ایران و علمی.
۶۷. مکی، حسین؛ زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، ناشر کتاب فروشی محمدعلی علمی، آذرماه ۱۳۲۳.

۶۸. منصور، جهانگیر؛ قوانین ومقررات مربوط به مجازات جرائم نیروهای مسلح؛ چاپ پنجم، تهران: نشر دیدار، ۱۳۸۸.
۶۹. مهاجری، علی؛ جرائم خاص کارکنان دولت؛ چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۹.
۷۰. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ قواعد فقهیه؛ جلد نخست، چاپ سوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳ ه.ق.
۷۱. میرمحمدصادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۲) جرائم علیه اموال و مالکیت؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۷۲. میرمحمدصادقی، حسین؛ حقوق کیفری اختصاصی (۳)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۷۳. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام؛ جلد بیست و دوم و جلد چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ه.ق.
۷۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگلی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۷۵. نصیری مهری، بهار؛ عمق فاجعه، فساد مالی در حاکمیت؛ چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۸۰.
۷۶. نفیسی، سعید؛ فرهنگ فرانسه به فارسی؛ جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات صیف علی‌شاه، ۱۳۷۸.
۷۷. نوری، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی؛ تهران: انتشارات کانون وکلا (میزبان)، ۱۳۷۵.
۷۸. النوری الطبرسی، میرزا حسین بن محمدتقی؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ وَ مُسْتَنْبَطُ الْمَسَائِلِ؛ جلد ۱۷، قم: ناشر موسسه آل البيت (ع) الاحیاء التراث، ۱۳۲۰ ه ق ۱۳۶۸ شمسی، ص ۴۳۰.
۷۹. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، معاونت حقوقی و امور مجلس؛ مجموعه قوانین و مقررات وزارت دفاع؛ تهران: انتشارات جغرافیا، ۱۳۸۲.
۸۰. ولیدی، محمدصالح؛ حقوق کیفری اقتصادی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.

(ب) مقاله‌ها

۸۱. بلالی، اسماعیل؛ و فرامرزی، داود؛ «بررسی مسئله فساد اداری»؛ مجله قضائی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال یازدهم، شماره سی و هفتم، ۱۳۸۰.
۸۲. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ «رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه»؛ مجله مدرس، دوره چهارم، شماره چهارم، ۱۳۸۱.
۸۳. حمد، عبدالرحمن؛ «گفتار کوتاهی درباره رشوه»؛ ترجمه محمد صادقی، قم: مؤسسه مطلع‌الفجر، ۱۳۷۱.
۸۴. دری‌نجف‌آبادی، قربان‌علی؛ «مبارزه با فساد در حکومت علوی (ع)»؛ در: نشریه حکومت اسلامی؛ شماره دوم و سوم، تهران: ۱۳۷۹.
۸۵. شریعت‌باقری، محمدجواد؛ «رشوه و اعمال نفوذ در قراردادهای بین‌المللی»؛ فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، شماره‌های ۲۳ و ۲۴؛ ۱۳۸۰.
۸۶. فروغی، محمد؛ «بررسی عنصر مادی جرم اخذ پورسانت»؛ مجله دادرسی، شماره‌های ۱۰۱ و ۱۰۲، تهران: سازمان قضائی نیروهای مسلح، ۱۳۹۳.
۸۷. کوهیان‌افضل، امین؛ «بررسی علل و مبانی جرم‌شناختی اخذ پورسانت در معاملات دولتی»؛ مجله دادرسی، شماره ۷۴، تهران: سازمان قضائی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
۸۸. کی‌نیا، مهدی؛ مبانی جرم‌شناسی؛ جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۸۹. ولیدی، محمدصالح؛ «ماهیت حقوقی بزه اخذ پورسانت»؛ مجله دادرسی، سال پنجم، شماره ۲۹، تهران: سازمان قضائی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰.

(ج) پایان‌نامه‌ها

۹۰. آذری‌متین، افشین؛ «جایگاه کیفری پورسانت در معاملات خارجی»؛ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، سال ۷۹-۱۳۷۸.
۹۱. آزمایش، علی؛ «تقریرات حقوق جزای اختصاصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نقل از محمد حسینی، تحصیل منفعت از معاملات دولتی، پایان‌نامه»

- کارشناسی‌ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۹۲. حسینی، محمد؛ «تحصیل منفعت از معاملات دولتی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
۹۳. رخ‌فروز، روح‌الله؛ «سیاست جنایی ایران در قبال جرم اخذ پورسانت و جرائم مشابه»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه مفید قم، ۱۳۸۴.
۹۴. زارع، حسن؛ «بررسی رابطه بین فساد مالی و اداری با میزان سرمایه‌گذاری»، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ۱۳۸۳-۱۳۸۲.
۹۵. شاهین‌مقدم، آزاده؛ «مطالعه تطبیقی ارتشاء در حقوق کیفری ایران و کنوانسیون مبارزه با فساد مالی مریدا (۲۰۰۳ میلادی) سازمان ملل متحد»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه مفید قم، ۱۳۸۴.
۹۶. شمس‌ناتری، محمدابراهیم؛ «سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان‌یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت‌مدرس، ۱۳۸۰.
۹۷. صالحی، محمدخلیل؛ «عنصر مادی جرم»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶-۱۳۸۵.
۹۸. فروغی، محمد؛ «بررسی عنصر مادی جرم اخذ پورسانت»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مازندران، ۱۳۹۲.
۹۹. میرمحمدی، قاسم؛ «بررسی تطبیقی سیاست‌های جنایی ایران در قبال ارتشاء با کنوانسیون مبارزه با فساد مالی ۲۰۰۳»، ۱۳۸۴.

(د) آراء

۱۰۰. رأی وحدت رویه شماره ۵۶۴-۱۳۲۶/۶/۲۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
۱۰۱. رأی وحدت رویه شماره ۲۵-۱۳۶۲/۱۱/۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
۱۰۲. رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳ - ۱۳۷۲/۷/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
۱۰۳. رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸-۱۳۷۵/۲/۲۷ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
۱۰۴. رأی شماره ۳۸۵۱-۱۳۷۷/۱۱/۲۶ شعبه ۱۴۱۳ دادگاه عمومی تهران.
۱۰۵. رأی شماره ۴۲۴ - ۱۳۷۸/۳/۲۷ شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور.

۱۰۶. رأی وحدت رویه شماره ۱۳۷۸/۴/۸-۶۳۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
۱۰۷. رأی شماره ۲۱۵-۱۳۷۸/۵/۲۱-۱۷۰۹ شعبه دادگاه عمومی تهران.
۱۰۸. رأی شماره ۳۹۱-۱۳۷۹/۴/۲۸-۱۳۷۹ شعبه چهارم دادگاه نظامی یک تهران.
۱۰۹. رأی شماره ۲۳۶-۱۳۸۰/۴/۱۷-۱۳۸۰ شعبه چهارم دادگاه نظامی یک استان تهران.
۱۱۰. رأی شماره ۷۸۸۱/۶-۳۱-۱۳۸۰/۹/۱۸-۱۳۸۰ شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور.
۱۱۱. رأی شماره ۶۲۸-۱۳۸۱/۸/۱۱-۱۳۸۱ شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران.
۱۱۲. رأی شماره ۱۶/۱۸۱-۱۳۸۳/۵/۱۷-۱۳۸۳ شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور.
۱۱۳. رأی وحدت رویه شماره ۶۷۷-۱۳۸۴/۴/۱۴-۱۳۸۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور.
۱۱۴. رأی شماره ۳۰۳-۱۳۸۴/۶/۱۹-۱۳۸۴ شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران موضوع پرونده ۷/۴۵/۱۷۰/۸۴.
۱۱۵. رأی شماره ۲۶-۱۳۸۵/۱/۲۸-۱۳۸۵ شعبه نهم دادگاه نظامی یک استان تهران.
۱۱۶. رأی شماره ۳۱/۳۹۸-۱۳۸۵/۶/۲۸-۱۳۸۵ شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور.
۱۱۷. رأی شماره ۱۵-۱۳۸۷/۱/۳۱-۱۳۸۷ شعبه هشتم دادگاه نظامی یک استان تهران.
۱۱۸. رأی شماره ۸۸۰۲۰۰-۱۳۸۸/۳/۳۰-۱۳۸۸ شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران موضوع پرونده ۲۰۱/۱۰۸۳/۸۶.
۱۱۹. رأی شماره ۳۱/۴۱۲-۱۳۸۸/۶/۴-۱۳۸۸ شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور.
۱۲۰. رأی شماره ۲۴-۱۳۸۸/۴/۹-۱۳۸۸ شعبه ۱۱۹۲ دادگاه عمومی تهران.
۱۲۱. رأی شماره ۳۱/۶۶۳-۱۳۸۸/۹/۸-۱۳۸۸ شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور.
۱۲۲. رأی شماره ۱۰۵۰۰۱۰۴-۹۱۰۹۹۷۹۰-۱۳۹۱/۵/۲۵-۱۳۹۱ شعبه پنجم دادگاه نظامی یک استان تهران.
۱۲۳. رأی شماره ۷/۱۰۸/۹۱/۰۰۶۹-۱۳۹۱/۸/۱۶-۱۳۹۱ شعبه هشتم دادگاه نظامی یک تهران.
۱۲۴. رأی شماره ۱۴۷-۹۱۰۹۹۷۹۰-۱۳۹۱/۹/۷-۱۳۹۱ شعبه پنجم دادگاه نظامی یک استان تهران.

هـ) قوانین

۱۲۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول: ۱۵۶-۱۳۸-۸۵-۱۱۳-۱۲۲-۱۳۴-۹۰ مصوب ۱۳۵۸.
۱۲۶. قانون اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم مصوب ۱۳۵۹/۱/۱.

۱۲۷. قانون موقت راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند یا تملک می‌کنند مصوب ۱۳۰۲.
۱۲۸. قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵.
۱۲۹. قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ و قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵.
۱۳۰. قانون تشکیل سازمان حسابرسی مصوب سال ۱۳۶۲.
۱۳۱. قانون تشکیل وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷.
۱۳۲. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۳.
۱۳۳. قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷.
۱۳۴. قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۶.
۱۳۵. قانون تشکیل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۵/۲۸.
۱۳۶. قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷.
۱۳۷. قانون اهداف بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳.
۱۳۸. قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲.
۱۳۹. قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرائی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲.
۱۴۰. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷.
۱۴۱. قانون نحوه نظارت مجلس شورای اسلامی بر انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۱/۰۷/۲۹.
۱۴۲. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱.
۱۴۳. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۷/۰۷/۲۰.
۱۴۴. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۳۰.
۱۴۵. قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی و تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۳۹۰/۸/۷.
۱۴۶. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.
۱۴۷. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵.

۱۴۸. قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۷/۸.
۱۴۹. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ (قانون فوق از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم الاجرا گردیده است).
۱۵۰. قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱.

(و) مقررات

۱۵۱. آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰/۴/۲۶.
۱۵۲. آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۳/۰۹/۰۱.
۱۵۳. آیین‌نامه ممنوعیت خرید اقلام خارجی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ستادکل نیروهای مسلح به شماره ۴۲۰۱۲/۲/۱۱۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۴.
۱۵۴. آیین‌نامه ستادکل نیروهای مسلح درخصوص «تشویق فرماندهان، روسا و مدیران نیروهای مسلح در زمینه کاهش جرائم و تخلفات در یگان‌های تحت‌امر» ابلاغی ۱۳۸۹/۲/۱۶.
۱۵۵. آیین‌نامه هیات وزیران مرجع ملی و نهاد هماهنگی کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲۱.
۱۵۶. آیین‌نامه هیئت وزیران مبنی بر ممنوعیت خرید کالاهای خارجی توسط دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۴.
۱۵۷. بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص تشکیل ستاد پیشگیری و مبارزه با جرائم ویژه با مسئولیت رئیس کل دادگستری هر استان ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۲.
۱۵۸. بخشنامه به کلیه دستگاه‌های اجرایی درخصوص نظارت دستگاه‌های ذی‌ربط به ویژه وزارت امور خارجه نسبت به رعایت موازین حقوقی، محتوایی و نگارشی در انعقاد توافقنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی مصوب ۱۳۹۰/۰۲/۱۳.
۱۵۹. بخشنامه معاون اول رئیس‌جمهور به کلیه دستگاه‌های اجرایی، وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی ابلاغی شماره ۶۲۶۵ مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۶.

۱۶۰. تصویب‌نامه هیأت وزیران درخصوص تعیین فهرست تکمیلی ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی، ابلاغی شماره ۶۳۶۱۳/ت/۵۱۹۶۶ هـ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۹.
۱۶۱. تصویب‌نامه هیئت وزیران درخصوص ممنوعیت خرید کالاهای خارجی (اعم از کالای ساخته‌شده، قطعات، ملزومات، تجهیزات و غیره تحت هر عنوان) دارای تولید مشابه داخلی ابلاغی شماره ۲۶۷۲۵/ت/۴۸۴۶۲ هـ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۱.
۱۶۲. دستورالعمل اجرائی کمیسیون‌های پیشگیری از جرائم و تخلفات و ارتقای سلامت نظام اداری وزارت دفاع ابلاغی به شماره ۳۵۷۵/۹۳/۴۴/۳۲۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۵.
۱۶۳. دستورالعمل ستادکل نیروهای مسلح درخصوص برگزاری مناقصات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ابلاغی مورخ ۱۳۸۶/۰۴/۲۴.
۱۶۴. فرمان هشت ماده‌ای مقام‌معهظم‌رهبری درباره مبارزه با مفساد اقتصادی ابلاغی مورخ ۱۳۸۰/۰۲/۱۰.

ز) نظریه‌های مشورتی

۱۶۵. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۰۳۱ - ۱۳۶۵/۹/۶ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۶۶. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۴۷ - ۱۳۷۱/۵/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۶۷. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۶۱۹ - ۱۳۷۱/۱۰/۲۶ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۶۸. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۵۷ - ۱۳۷۲/۵/۱۹ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۶۹. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۴۹۳ - ۱۳۷۲/۸/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۰. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵۷۹ - ۱۳۷۳/۳/۱ - ۱۳۷۳/۳/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۳ - ۱۳۷۳/۳/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۶۸۳ - ۱۳۷۴/۵/۲۵ - ۱۳۷۴/۵/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۳. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۱۶۳ - ۱۳۷۸/۵/۵ - ۱۳۷۸/۵/۵ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۴. نظریه مشورتی شماره ۷/۵۲۶۳ - ۱۳۷۸/۷/۲۸ - ۱۳۷۸/۷/۲۸ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۵. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۸۶/۵۵۳۶۵ - ۱۳۸۶/۵/۱۰ - ۱۳۸۶/۵/۱۰ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۶. نظریه مشورتی شماره ۷/۳۵۸۹ - ۱۳۸۷/۶/۱۱ - ۱۳۸۷/۶/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۷. نظریه مشورتی شماره ۷/۶۱۸ - ۱۳۸۸/۲/۰۵ - ۱۳۸۸/۲/۰۵ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۸. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۴۸ - ۱۳۸۹/۳/۲ - ۱۳۸۹/۳/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.
۱۷۹. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۱۳۲ - ۱۳۸۹/۴/۷ - ۱۳۸۹/۴/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۱۸۰. نظریه مشورتی شماره ۱۰۱۹ - ۱۳۹۲/۶/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۱۸۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۹۶۴ - ۱۳۹۲/۵/۲۶ اداره حقوقی قوه قضائیه.

ح) نشریه‌ها و جزوه‌ها

۱۸۲. اداره کل پیشگیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی معاونت قضائی و حقوقی سازمان

قضائی نیروهای مسلح؛ علل و عوامل وقوع جرائم مالی و قتل و خودزنی در

نیروهای مسلح و راهکارهای پیشگیری یا کاهش آنها؛ تهران: ۱۳۹۳.

۱۸۳. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران؛ تصویب کلیات طرح یک فوریتی

ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی؛ جلسه ۱۱۳، ۱۳۷۲/۳/۲.

۱۸۴. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران؛ تصویب طرح ممنوعیت اخذ پورسانت در

معاملات خارجی؛ جلسه ۱۱۴، ۱۳۷۲/۳/۴.

۱۸۵. روزنامه کیهان؛ مفاسد اقتصادی؛ ۸، ۱۳۷۳/۶/۳۰.

۱۸۶. وزارت دفاع؛ جزوه آسیب‌شناسی فرآیند تهیه، تأمین و خرید نیازمندی‌های

نیروهای مسلح و مناقصات خرید در صنایع تابعه وزارت دفاع، ۱۳۷۹.

۱۸۷. سازمان قضائی نیروهای مسلح، اداره کل آموزش و امور فرهنگی؛ جزوه بررسی

جرائم رشاء و ارتشاء، جزوه شماره ۸، ۱۳۸۷.

۱۸۸. سازمان قضائی نیروهای مسلح، معاونت قضائی و حقوقی، اداره کل پیشگیری از وقوع

جرم و عفو و بخشودگی؛ جزوه علل و عوامل مؤثر بر وقوع جرم اخذ پورسانت

و تبانی در معاملات دولتی؛ ۱۳۸۶.

۱۸۹. سازمان قضائی نیروهای مسلح، معاونت قضائی و حقوقی، اداره کل پیشگیری از وقوع

جرم و عفو و بخشودگی؛ جزوه بررسی جرم تبانی در معاملات، مزایده‌ها و

مناقصه‌های دولتی؛ جزوه شماره ۵، ۱۳۸۵.

۱۹۰. علوی، سیدلقمان و فروغی، محمد؛ جزوه بررسی علل بروز جرم اخذ پورسانت؛

تهران، ۱۳۸۹.

۱۹۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات جرم‌شناسی جرائم سازمان یافته؛ تهران:

دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰.

۱۹۲. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح؛ جزوه کارگاه آموزشی امور بازرگانی،

اولین کارگاه از منظر فقهی، قضایی و امنیتی؛ ۱۳۸۰.

۱۹۳. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، معاونت بازرسی؛ جزوه عوامل بروز جرائم مالی و اقتصادی؛ ۱۳۹۲.

ط) سایت‌های اینترنتی

۱۹۴. شریفی خضارتی، امیر؛ مقاله عنصر مادی جرم و مفهوم آن در قوانین؛ سایت: <http://WWW.FARSNEWS.com>، شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۲.
۱۹۵. قمری وفا، مصطفی؛ فساد؛ تهران: نشریه کیهان، بازیابی، ۱۳۹۰/۵/۶، ۱۳۸۲/۵/۶.
۱۹۶. معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری؛ بررسی عنصر مادی شرکت در جرم؛ تهران: سایت: <http://hvm.ir>، ۲۷ آبانماه ۱۳۹۲.
۱۹۷. نشریه شما؛ راهکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ تهران: شماره ۲۸۱ www.Motalefeh.ir، بازیابی: ۱۳۸۰، ۲۶۲۳، ۱۳۰۰.

ظ) کنوانسیون‌ها

۱۹۸. کنوانسیون بین‌المللی مقابله با جنایات سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) مصوب ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰.

منابع انگلیسی

۱۹۹. Garner, Bryan A, **Black's Law Dictionary** Eight Edition, Thomson West, U.S.A, 2004.
۲۰۰. J.C.P, **Le Gall, Le Regime Fiscal Des Commissions Versees Par Les Entreprises Francaises Pour l'obtention De Marches a l'exportation**, 1984.
۲۰۱. **Marriam Webster's Collegiate Dictionary**, Tenth Edition, U.S.A, 1990.
۲۰۲. Scheb, John M, and Schebll, John, **Criminal Law**, First Edition, West Wads Worth, U.S.A, 1999.
۲۰۳. **The un Convention Against Transnational Organized Crimes**, 2000.
۲۰۴. **United Nations Convention Against Corruption**, 2003.